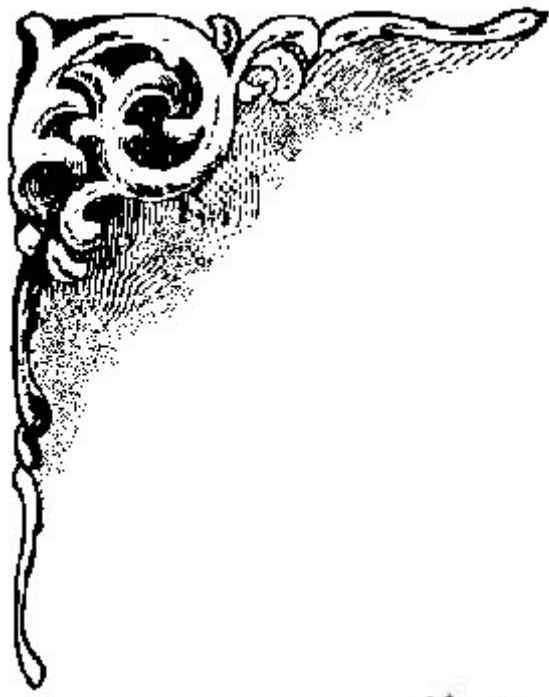
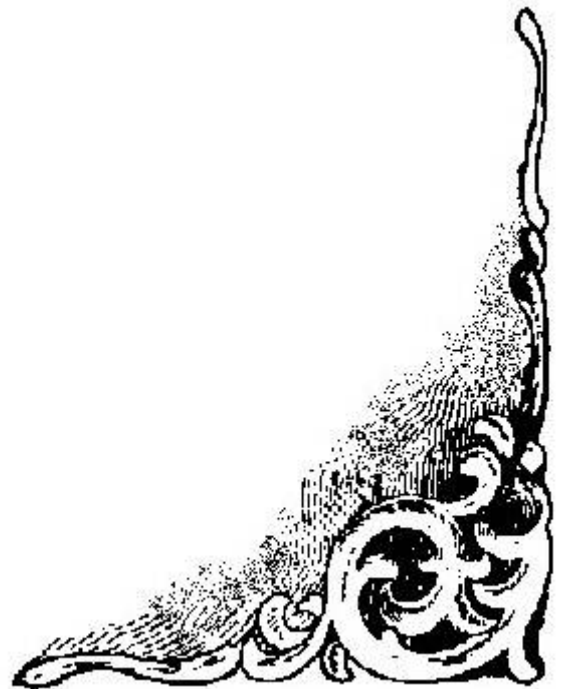


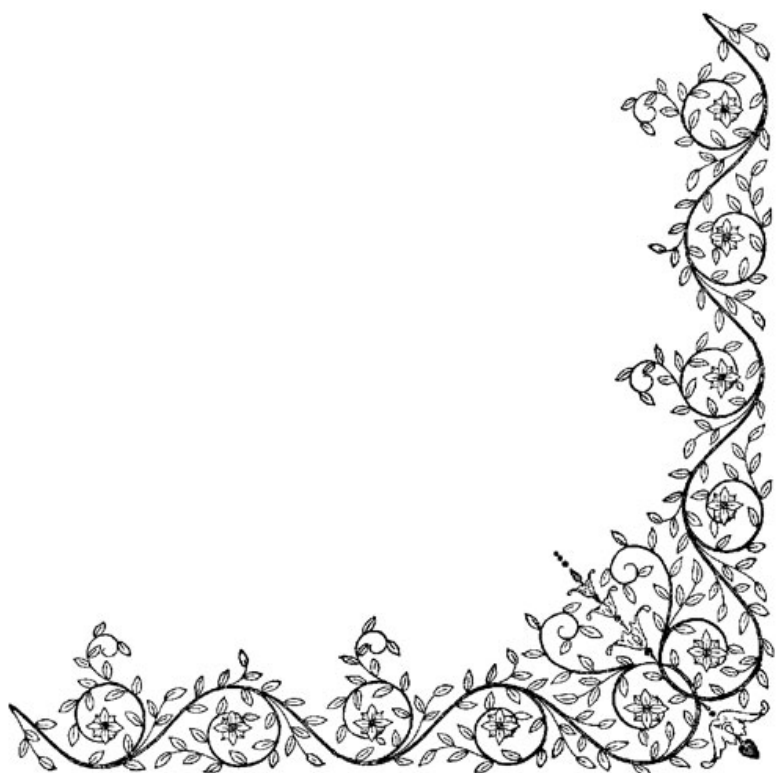
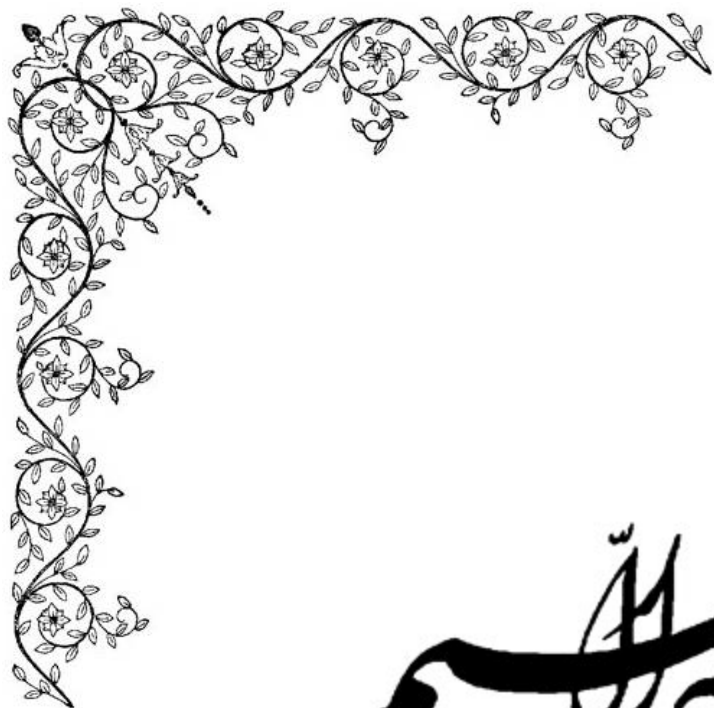


کُتُبِ رِجَالِ شِیعِی

حجت الاسلام محمد کاظم رحمان ستایش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جلسة اول

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ ضرورت شناخت کتب رجالی؛
- ✓ رابطه علم رجال و کتب رجالی؛
- ✓ انواع نگاشته‌های رجالی؛
- ✓ تاریخچه تألیفات رجالی شیعه.

درآمد

الف) ضرورت آشنایی با کتب رجالی

سخن، شیوه زندگی و حتی سکوت معصومان از صدر اسلام تا کنون، افزون بر قداست و جذابیت، به دلیل حجیت داشتن، از یک سو مبنای استخراج مسائل فقهی است و از سوی دیگر نقش الگودهی و ارائه شیوه درست زندگی فردی و اجتماعی را ایفا می‌کند. آنچه از سیره و شیوه زندگی معصومان (علیهم السلام) باقی مانده، در قالب حدیث انعکاس یافت و پس از عصر حضور معصوم (علیه السلام)، تنها منبع و مرجع مورد پذیرش، برای دستیابی به سخنان و نظرات معصومان (علیهم السلام) شد. اما با گذر زمان، در اثر گسترش تدریجی دو پدیده خطا و وضع، منقولات نادرست و مجهول به مجموعه ذخایر حدیثی راه یافت و عرصه استفاده مطلق و بی‌دغدغه از حدیث را تنگ ساخت. این وضعیت محدثان را بر آن داشت که راههایی برای دستیابی به احادیث صحیح جستجو کنند.

در این میان، سندیابی و پرسش از راویان حدیث بر اساس اعتبار عقلایی اخبار، شایع‌ترین راه برای پی بردن به درستی و نادرستی حدیث شد؛ به گونه‌ای که حدیث را، جز با بیان سلسله راویان، از کسی نمی‌پذیرفتند و سلسله سند را جزئی از حدیث می‌دیدند. به دنبال این توجه و ارزش‌گذاری به سند، ضرورت شناخت تک تک راویان آشکار شد و محققان به آن توجه کردند و در گذر زمان، با توجه به مقتضیات هر دوره، شکلهای گوناگونی به خود گرفت.

در عصر اصحاب ائمه (علیهم السلام)، این شناخت با آشنایی بی‌واسطه یا باواسطه با

راوی پدید می‌آمد. بر اساس همین آشنایی است که برخی راویان، راوی دیگر را

توثیق یا تضعیف کرده‌اند. این گونه شناخت را می‌توان شناخت واقعی و حقیقی راوی

به حساب آورد.

پس از این دوره و با گذشت زمانی نه چندان طولانی، دیگر شناخت بدون واسطه بسیاری از راویان، ممکن نبود؛ از این رو، برای معرفی راویان از دلیل و شاهد استفاده کردند تا نسبت به آنها شناختی ظاهری به دست آید. تا آنکه تمام اطلاعات رجالی موجود در قرن چهارم و پنجم در کتابهایی گردآوری شد و از آن پس مراجعه به منابع مکتوب و استفاده از اطلاعات رجالی موجود در آنها تنها راه شناخت راویان گشت. بر این اساس نوعی شناخت علمی از راویان ممکن شد که از کنار هم گذاردن اسناد علمی، نقل قولهای مختلف، گردآوری اطلاعات گوناگون و تحلیل آنها به دست می‌آمد.

از آنجا که در عصر حاضر نیز مرسوم‌ترین شیوه شناخت راویان حدیث استفاده از کتب و منابع مکتوب است، شناخت منابع رجالی، شیوه نگارش و اطلاعات موجود در هر یک از آنها نقش ابزاری مهمی در بازشناسی راویان دارد و محدث برای داوری درباره وضعیت یک حدیث، چاره‌ای جز آشنایی با این کتب و استفاده از آنها ندارد.

با این توضیح، روشن شد که آشنایی با کتب رجال شیعه تنها یک بحث کتاب‌شناسی نیست، بلکه در واقع آشنایی با منابع و اسناد علمی و شیوه‌های استفاده از آنها است.

ب) رابطه علم رجال و کتب رجالی

علم نحو، بر پایه صحبت عرب‌زبانان و گویش‌های آنان استوار است. به دیگر سخن، در آغاز، علمی به نام نحو وجود نداشت تا عرب‌زبان بر اساس آن، گفته خود را سامان دهد و سخن بگوید، بلکه علم نحو، علمی متأخر از گفت و شنودها، اشعار و قصاید است و در پیدایش خود، وامدار تکلم عرب‌زبانان است. ابتدا تکلم‌های عربی، بدون در نظر گرفتن هیچ قاعده و قانونی شکل گرفت و پس از آن، علم نحو پدید آمد تا به بررسی ساختارهای موجود در این گویش‌ها بپردازد.

نسبت علم راوی‌شناسی از یک سو و کتب رجالی از سوی دیگر نیز کم و بیش مانند نسبت علم نحو و زبان عربی است؛ بدین معنی که ابتدا سخنان شفاهی و مکتوب عالمان رجال وجود داشت و علم رجال بر پایه آن شکل گرفت.

گفته‌های شفاهی رجالیان و به دنبال آن پیدایش کتب رجالی و نیز پیدایش و استفاده از کتبی که هرچند با هدف راوی‌شناسی نگاشته نشده بودند ولی بهره رجالی داشتند و در راوی‌شناسی از آنها استفاده می‌شد، خمیرمایه و اساس پیدایش علم رجال را فراهم آورد. از این رو، برای آشنایی با منابع رجالی و شناخت کارکردهای آنها، باید محدوده دانش رجال بررسی شود.

در معرفی علم رجال تعریف‌هایی ارائه شده است؛ از جمله، رجال را علمی دانسته‌اند که احوال راویان خبر واحد را از نظر شخصیت یا اوصاف، مدح یا ذم و نیز آنچه در حکم مدح و ذم است، می‌شناساند؛ «إِنَّهُ الْعِلْمُ بِأَحْوَالِ رِوَاةِ الْخَبَرِ الْوَاحِدِ ذَاتًا وَوَصْفًا، مَدْحًا وَقَدْحًا وَمَا فِي حُكْمِهِمَا».

بدین ترتیب، دانش رجال دو وظیفه مهم دارد:

نخست: شناساندن راوی، تا جایی که بتوان او را از دیگر هم‌نامانش تمییز داد و او را شناخت؛

دوم: تعیین اعتبار یا عدم اعتبار روایات او و میزان اعتبار آنها.

تمامی مباحث علم رجال، در عمل، این دو وظیفه مهم یا یکی از آنها را انجام می‌دهد. انجام این دو وظیفه از سوی علم رجال، ارتباطی تنگاتنگ و نزدیک با کتب رجالی دارد؛ زیرا کتب رجالی مستندات نظریه‌ها و مباحث علم رجال را فراهم می‌آورند و عالم رجالی غالباً بر اساس مطالب موجود در آنها نظریه می‌دهد و به بررسی می‌پردازد. به عبارت دیگر، علم رجال برای انجام دو وظیفه اصلی خود کاملاً به کتب رجال و راوی‌شناسی نیازمند است و از سوی دیگر، تنها وظیفه کتب رجالی نیز فراهم آوردن اطلاعات مفید و مورد استفاده در علم رجال است.

برای نمونه در علم رجال به اطلاعاتی درباره ظاهر و شکل راوی نیاز نیست؛ از این رو، اهتمام کتب رجال بیان چنین اطلاعاتی نیست، در حالی که ارائه اطلاعاتی چون وثاقت و عدم وثاقت راوی، مشایخ و اساتید حدیثی او، که در علم رجال مفید و مهم‌اند، در کتب رجالی بارز و مشخص است. بر این پایه هرچه دامنه اطلاعات مفید موجود در کتب رجالی بیشتر باشد علم رجال پربارتر و پویاتر خواهد بود.

ج) انواع نگاشته‌های رجالی

رجالیان از ابتدای تألیف در این موضوع، برای تعیین و شناخت راویان و نیز بیان میزان اعتبار هر یک، به شیوه‌های مختلفی به تألیف پرداختند. مشهورترین این شیوه‌ها عبارت‌اند از:

۱- تألیف بر اساس نام راویان

در این شیوه، نام راویان در کتاب رجالی همچون کتاب لغت مرتب می‌شود و نامها به ترتیب حروف اول و دوم و سوم و گاه تا آخر حروف هر نام تنظیم می‌شوند و گاه این ترتیب در نام پدر و جد و نسب هم رعایت می‌شود. پس از بخش نامها، در فصلهای جداگانه، کنیه‌هایی که با «أب» و سپس «ابن» شناخته شده‌اند و پس از آن، لقبها و سپس زنان راوی معرفی شده‌اند.

این ترتیب، بیشتر در جوامع رجالی دیده می‌شود.

ولی گاه برخی مؤلفان، شیوه‌های خاص دیگری را به کار گرفته و ترتیب و تنظیم پیش گفته را کمی تغییر داده‌اند. برای نمونه به احترام نام پیامبر (صلی الله علیه و آله)، نام «أحمد» را بر دیگر نامهایی که با همزه شروع شده‌اند، مقدم داشته‌اند و پس از آن «إبراهیم» و دیگر نامها را ذکر کرده‌اند. یا آنکه لقبها و نام زنان را در بین دیگر نامها به ترتیب الفبایی آورده‌اند و آنها را در فصل جداگانه ذکر نکرده‌اند.

کتابهای *مُنْهَجُ الْمَقَالِ فِي تَحْقِيقِ أحوالِ الرِّجَالِ* تألیف میرزا محمد استرآبادی و *نقد الرجال* تألیف سیدمصطفی تفرشی نمونه‌های روشنی از این دست هستند.

مؤلفان کتب به هنگام استفاده از دیگر شیوه‌های نگارش، که به آنها اشاره خواهیم کرد، غالباً در چینش اسامی روات، از نظم الفبایی سود جسته‌اند. برای نمونه مرحوم نجاشی در کتاب *رجال* خود و شیخ طوسی در

فهرست خویش به این شیوه عمل کرده‌اند، ولی گاه در ترتیب و تنظیم نامها تفاوت‌هایی با هم دارند و نظم کامل در تمامی حروف نامها را رعایت نکرده‌اند.^۱

۲- تألیف بر اساس طبقات

مراد از طبقه، اشخاصی هستند که در سن، نزدیک به یکدیگر و در اساتید، مشترک باشند. مؤلفان رجال شیعه در ابتدای تألیف در علم رجال، از این شیوه در ترتیب و تنظیم کتب رجالی استفاده می‌کرده‌اند. در این شیوه تألیف، راویان هر امام در فصلی جداگانه معرفی می‌شوند. البته گاه در هر باب، ترتیب نامها بر اساس حروف الفبای آنها است. برای نمونه کتابهای رجال برقی، رجال شیخ طوسی و اصل رجال کشی، ظاهراً بر این اساس تألیف شده‌اند. در این شیوه، راویان از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در یک باب، راویان از امیرالمؤمنان (علیه السلام) در باب بعد و همچنین راویان از دیگر امامان، هر یک در باب مربوط به اصحاب آن امام قرار می‌گیرند و در آخر نام کسانی که از هیچ یک از امامان روایت نکرده‌اند، در بابی خاص قرار می‌گیرد. اما در کتابهایی که در قرون متأخر بر اساس طبقات نوشته شده است، تنظیم طبقات تا پس از عصر ائمه و تا زمان مؤلفان این نوع کتابها ادامه یافته است.

۳- تألیف بر اساس فهرست‌نگاری

در این شیوه، نام راویان صاحب کتاب، مبنای نگارش قرار می‌گیرد. مؤلف در این نگارشها به دنبال فهرست کردن نام صاحبان کتب است. در نگارش کتاب فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی از این شیوه استفاده شده و نیز اسامی روات، بر اساس ترتیب الفبایی تنظیم شده است. شیوه فهرست‌نگاری به تاریخ رجال شیعه اختصاص دارد و اهل سنت، از آن استفاده نکرده‌اند.

۴- تألیف بر اساس جرح و تعدیل

بر اساس این شیوه، نام کسانی که حدیث ایشان قابل اعتماد است در یک فهرست و نام کسانی که حدیث ایشان برای مؤلف قابل اعتماد نیست در فهرست دیگری قرار می‌گیرد. به دیگر سخن، مجموع کتاب در دو بخش کلی تنظیم می‌شود: نخست کسانی که روایت آنها قابل اعتماد است و دوم کسانی که روایت آنها قابل اعتماد نیست.

این شیوه را علامه حلی در خلاصه الأقوال فی معرفة الرجال و ابن داود حلی در کتاب الرجال خود به کار گرفته‌اند.

این گونه تألیف را باید دشوارترین روش تألیف رجالی برشمرد؛ زیرا مؤلف باید آرای رجالی خویش را پس از تحقیق و تفحص و تعیین موارد تعارض آرا در جرح و تعدیل و انتخاب رأی خویش، در کتاب ثبت نماید. در این شیوه نیز نامهای موجود در هر بخش بر اساس حروف الفبا تنظیم می‌شود.

۱. شرح شیوه این مؤلفان در جای خود خواهد آمد.

این چهار نمونه، مشهورترین شیوه‌های تألیف رجالی هستند. البته شیوه‌های دیگری نیز در تألیفات رجالی وجود دارد؛ از جمله: مشیخه، تجریدُ الْأَسَانِد، فواید، تراجم بیوتات و خاندانها و ضبط اسامی مشتبه و ... اما کتب رجالی مشهور غالباً به یکی از چهار شیوه پیش گفته، نوشته شده‌اند.

۵- کتب رجالی تحقیقی

محتوای عمده کتابهای رجالی، نام راویان و معرفی تک تک آنها است، اما برخی از تألیفات رجالی دوره‌های متأخر شیوه‌های خاص خود را دارند. وجه مشترک تمامی این تألیفات، بیان قواعد و فواید کلی رجالی و ضوابط رجالی است. این کتابها به دنبال طرح نکات و مباحث رجالی‌ای هستند که حاصل تحقیق و بررسی است. ما از این کتابها با عنوان کتب رجالی تحقیقی یاد می‌کنیم. این گونه کتابها به شیوه‌های زیر تألیف شده‌اند:

الف) فواید نگاری

گاه رجالیان به هنگام بررسی روات به نکاتی دست می‌یابند. برای نمونه برای روشن نمودن مراد از کنیه ابوجعفر، که در بسیاری از اسانید کافی آمده است، یا مراد از فلان نام یا فلان کنیه، که در سند حدیثی ذکر شده است، به نکاتی دست می‌یابند و در نگاشته‌های خود به این نکات اشاره می‌کنند. از این رهگذر کتبی مشتمل بر فهرستی از فواید رجالی فراهم می‌آید. در این کتابها، چینش نکات مطرح‌شده، از نظم خاصی پیروی نمی‌کند.

کتاب *فواید وحید بهبهانی و جامع المقال* طریحی از این گونه کتابها هستند که بر پایه تحقیقات مؤلف در مباحث رجالی نگاشته شده‌اند.

ب) قواعد نگاری

قواعد رجالی، در واقع همان فواید رجالی یا نکته‌هایی کلی و عمومی هستند که حکم قاعده و قانون را یافته‌اند. عالمان دانش رجال با بررسی‌های رجالی به این نکته‌ها دست یافته و این نکات را در کتابهایی ثبت کرده‌اند. از جمله این کتب می‌توان به *توضیح المقال* ملا علی کنی و *کلیات فی علم الرجال* آیت الله سبحانی اشاره کرد.

ج) تکن نگاری

دسته سوم از کتب تحقیقی رجال، تکن‌گاریهای رجالی هستند. برای نمونه کتاب *هدایة المحدثین الی طریقه المحدثین* تألیف ملا محمدامین کاظمی، که به تمییز راویان هم‌نام و به اصطلاح مشترکات پرداخته است، یا کتاب *الرسائل الرجالیة* ابوالمعالی کلباسی، که رساله‌های مستقلی در بعضی از اصطلاحات رجالی و برخی از راویان محل بحث است، در زمره تکن‌گاری به شمار می‌روند.

در مبحث پیشین به صورت گذرا، انواع نگاشته‌های رجالی را معرفی نمودیم و شیوه تألیف آنها را بیان کردیم. از رهگذر مباحث گذشته روشن شد که هر کدام از این شیوه‌ها در یک نوع از اطلاعات رجالی کارآمدتر و دقیق‌تر است.

اگرچه می‌توان تا اندازه‌ای انواع اطلاعات را در هر یک از آنها یافت، اما فلسفه وجودی هر یک از آنها نکته‌ای است که مراجعه کنندگان باید به آن توجه کنند. برای نمونه در کتابهای طبقات، مراجعه‌کننده به دنبال

روشن نمودن مقطع زمانی زندگی راوی است، اما در کتب فهرست، تألیفات و نوشته‌های او را پی جویی می‌کند؛ در کتب جرح و تعدیل، توثیق و تضعیف راوی مد نظر است و در کتب قواعد رجالی دیگر بحث شخص نیست، بلکه بحث قانونها است.

در نتیجه با توجه به شیوه‌های نگارش، نوع اطلاعات ارائه شده در کتاب متفاوت است و بر همین مبنا باید دانست که در مراجعه به یک کتاب، در درجه نخست به دنبال چه نوع اطلاعاتی باشیم. با توجه به این نکته، فلسفه وجودی هر کتاب روشن و روش متناسب با آن مشخص می‌گردد.

د) تاریخچه تألیفات رجالی شیعه

شیخ آقا بزرگ تهرانی، نخستین تألیف رجالی شیعه را کتاب *تَسْمِيَّة مَنْ شَهِدَ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) الْجَمَلِ وَصَفَيْنِ وَالْتَهَرَوَانِ مِنَ الصَّحَابَةِ (رضی الله تعالی عنهم)* دانسته است.^۲

این کتاب تنها مجموعه‌ای از نامهای اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگهای مهم ایشان است و به دست کاتب و متصدی بیت‌المال آن حضرت، عبیدالله بن ابی‌رافع، تألیف شده است.

لازم به ذکر است که محقق تهرانی و برخی دیگر از عالمان کتاب‌شناس، دانش رجال و تراجم^۳ را در هم آمیخته‌اند؛ از این رو، محقق تهرانی این کتاب را، که نوعی کتاب تراجم و شرح حال محسوب می‌شود، از زمره کتابهای رجالی و نخستین کتاب رجالی دانسته است. اما با توجه به تعریف ارائه شده از دانش رجال، نمی‌توان این کتاب را به صورت مستقیم، یک تألیف رجالی کامل دانست، با این حال چون این کتاب می‌تواند در تعیین طبقه راویان به عالم رجالی کمک کند، بی‌ارتباط با رجال نیست؛ چنان که بسیاری از کتابهای تراجم هم چنین است.

گذشته از تاریخچه فوق باید گفت که در فاصله زمانی پنج قرن نخست، کتابهای رجالی نگاشته شده در قرن چهارم، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند و از مجموعه کتابهای تألیف شده تا قرن ششم، تنها چند عنوان از آنها عیناً به دست ما رسیده و یا به شیوه‌هایی بازسازی شده است. عناوین این کتابها عبارت‌اند از:

- ۱- *رجال برقی*، تألیف احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ هـ)؛
- ۲- *کتاب الرجال*، تألیف ابن عقیله (۳۳۳ - ۲۴۹ هـ)، که به طور کامل در بخش اصحاب الصادق (علیه السلام) *رجال طوسی* آمده است؛
- ۳- *تکملة رسالة أبي غالب زراري*، تألیف حسین بن عبیدالله غضائری (م ۴۱۱ هـ)؛

۲. محمد محسن (آقا بزرگ) منزوی تهرانی، *الذريعة إلى تصانيف الشيعة*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ چاپ اول، ج ۱۰، ص ۸۳؛ محمد محسن (آقا بزرگ) منزوی تهرانی، *مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال*، تصحیح احمد منزوی، ۱۳۷۸ هـ دوم، ص ۳۵۸.

۳. یکی از معانی ترجمه، شرح حال است و دانش شرح حال‌نگاری را تراجم گفته‌اند. در تراجم‌نگاری هرگونه شخصیتی معرفی می‌شود و تنها حیثیت راوی بودن منظور نیست. همچنان که اطلاعات ترجمه‌ها غالباً بیش از مقصود رجالیان است. بنابراین، منابع رجال و تراجم نوعی تعامل و فایده‌رسانی با یکدیگر دارند، اما نباید آنها را با یکدیگر در هم آمیخت.

- ۴- کتابُ الرَّجَالِ، تألیف احمد بن حسین بن عبیدالله غَضائری (نیمه نخست قرن پنجم) که از منقولات او در برخی منابع گرد آمده است؛
- ۵- اِخْتِیارُ مَعْرِفَةِ الرَّجَالِ که به دست شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ) جمع‌آوری شده است.
- در قسمت ملحقات، سیاهه‌ای از کتابهای رجالی تألیف‌شده تا نیمه نخست قرن پنجم هجری به ترتیب تاریخی آمده است.

هـ) تقسیم‌بندی کتب رجالی

به طور کلی کتب رجالی چهار دسته‌اند؛ دسته‌ای از عصر راویان حدیث و عصر نزدیک به آنها، در قرنهای سوم، چهارم و پنجم هجری به دست ما رسیده‌اند، که به سبب نزدیکی زمانی به عصر راویان و اطلاعات جامع و دقیق موجود در آنها، اصل و منبع بحث رجالی قرار گرفته‌اند و آنها را به دلیل قدمت و اصالتشان از اصول اولیه دانسته‌اند. دسته دیگر بر پایه کتب پیشین، یعنی اصول اولیه، نگاشته شده‌اند و اصول ثانویه نامیده می‌شوند. اصول اولیه چهار کتاب است که مورد اتفاق و اعتماد رجالیان قرار گرفته است. این کتابها عبارت‌اند از:

- ۱- رجال کشی؛
- ۲- کتابُ الرَّجَالِ، تألیف شیخ طوسی؛
- ۳- الفهرست، تألیف شیخ طوسی؛
- ۴- رجال نجاشی.
- ۵- رجال برقی؛
- ۶- رجال ابن غضائری.

از این رو، برخی، اصول اولیه را چهار کتاب و برخی، آنها را شش کتاب می‌دانند. از اصول ثانویه می‌توان به رجال ابن داود و خلاصه الاقوال علامه حلی اشاره کرد. دسته سوم جوامع رجالی هستند که اطلاعات رجالی در آنها گرد آمده است. مُعْجَمُ رِجَالِ الْحَدِيثِ آیت الله خویی از جمله این کتابها است.

دسته چهارم کتب تحقیقی رجال هستند که حاوی اطلاعاتی رجالی، حاصل از تحقیقات و بررسی‌های رجالی‌اند. کتاب الرِّسَالِ الرَّجَالِيَّةِ کلباسی از این دسته است. این چهار دسته کتاب رجالی را به ترتیب در چهار فصل بررسی خواهیم کرد.

ملحقات

در فهرست‌های مهم تألیفات شیعه، کتابهای رجالی تألیف‌شده تا نیمه نخست قرن پنجم هجری، به ترتیب تاریخی، عبارت‌اند از:

- ۱- کتاب الرجال،^۴ تألیف عبدالله بن جبلة کتانی (م ۲۱۹ هـ)؛
- ۲- کتاب الرجال،^۵ تألیف حسن بن علی بن فضال (م ۲۲۴ هـ)؛
- ۳- کتاب الرجال،^۶ تألیف حسن بن محبوب (۲۲۴ - ۱۴۹ هـ)؛
- ۴- المشیخه،^۷ تألیف پیشین؛
- ۵- معرفة رواة الأخبار،^۸ تألیف پیشین؛
- ۶- تسمیة من روى عن أمير المؤمنين (عليه السلام) من أصحابه،^۹ تألیف یعقوب بن شیبہ (۲۶۴ - ۱۸۰ هـ)؛ او سنی مذهب بوده، ولی این کتاب را در موضوع رجال شیعی تألیف کرده است.
- ۷- ذکر من روى عن جعفر بن محمد من التابعين،^{۱۰} تألیف ابوزرعه رازی (۲۶۴ - ۲۰۰ هـ)؛
- ۸- کتاب الرجال،^{۱۱} یا کتاب طبقات الرجال،^{۱۲} تألیف احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ هـ)؛ ظاهراً این کتاب جزئی از کتاب المحاسن بزرگ برقی است.
- ۹- کتاب التاریخ،^{۱۳} تألیف پیشین؛
- ۱۰- مناقب الرجال،^{۱۴} تألیف محمد بن احمد بن یحیی اشعری قمی (م ۲۸۰ هـ)؛
- ۱۱- کتاب تاریخ الرجال،^{۱۵} تألیف احمد بن علی بن محمد علوی عقیقی (م ۲۸۰ هـ)؛
- ۱۲- الجرح والتعديل،^{۱۶} تألیف عبدالرحمان مروزی (م ۲۸۳ هـ)؛
- ۱۳- معرفة الرجال،^{۱۷} تألیف احمد بن داود جرجانی (زنده پیش از ۲۹۸ هـ)؛
- ۱۴- رجال الشیعة،^{۱۸} تألیف علی بن حکم نخعی انباری (قرن سوم)؛
- ۱۵- من روى الحديث من آل أعین،^{۱۹} تألیف ابو عبدالله بن حجاج (قرن سوم)؛

۴. ابوالعباس احمد بن علی النجاشی الأسدی الکوفی، رجال النجاشی، تحقیق سیدموسی شبیری زنجانى، ۱۴۱۸ هـ چاپ ششم، ص ۲۱۶، شماره ۵۶۳.
۵. همان، ص ۳۴، شماره ۷۲.
۶. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشیعه، ج ۱۰، ص ۹۰.
۷. محمد بن حسن طوسی، الفهرست طوسی، سید عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبة المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ هـ چاپ اول، ص ۱۲۲، شماره ۱۶۲.
۸. محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، معالم العلماء، تحقیق سید محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، الطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰ هـ چاپ دوم، ص ۳۳، شماره ۱۸۲.
۹. شیخ طوسی، پیشین، ص ۵۰۹، شماره ۸۱۰.
۱۰. همان.
۱۱. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۱۰، شماره ۷.
۱۲. همان.
۱۳. همان، ص ۷۶، شماره ۱۸۲.
۱۴. همان، ص ۵۲، شماره ۶۵.
۱۵. همان، ص ۸۱، شماره ۱۹۶؛ شیخ طوسی، پیشین، ص ۲۸۴، شماره ۴۲۵.
۱۶. آقا بزرگ تهرانی، پیشین، ج ۱۰، ص ۸۴ و ۱۲۵.
۱۷. همان، ج ۲۱، ص ۱۵۷.
۱۸. همان، ج ۱۰، ص ۱۳۵؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۸۸.
۱۹. احمد بن محمد بن ابوغالب زراری، رسالة ابی غالب الزراری، تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی، قم، مرکز البحوث و التحقیقات الإسلامیه، ۱۴۱۱ هـ ص ۱۸۴ - ۱، چاپ اول، ص ۱۲۷.

- ۱۶- کتابُ الرِّجال،^{۲۰} تألیف علی بن حسن بن علی بن فضال (قرن سوم)؛
- ۱۷- مَعْرِفَةُ النَّاقِلِينَ،^{۲۱} تألیف نصر بن صباح بلخی (قرن سوم)؛
- ۱۸- النَّوَادِرُ عَنِ الرِّجَالِ،^{۲۲} تألیف جعفر بن عبدالله کاهلی (قرن سوم)؛
- ۱۹- الْمَمْدُوحِينَ وَالْمَذْمُومِينَ،^{۲۳} تألیف محمد بن عبدالله بن مهران (قرن سوم)؛
- ۲۰- کتابُ الْمُحَدَّثِينَ،^{۲۴} تألیف عیسی بن مهران مستعطف (قرن سوم)؛
- ۲۱- کتابُ الرِّجال،^{۲۵} تألیف محمد بن عیسی بن عبید یقطینی (قرن سوم)؛
- ۲۲- طَبَقَاتُ الشَّيْعَةِ،^{۲۶} تألیف سعد بن عبدالله أشعری قمی (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ هـ)؛
- ۲۳- مَثَالِبُ رُوَاةِ الْحَدِيثِ،^{۲۷} تألیف پیشین؛
- ۲۴- مَنَاقِبُ رُوَاةِ الْحَدِيثِ،^{۲۸ و ۲۹} تألیف پیشین؛
- ۲۵- الْفَهْرَسْتُ،^{۳۰} تألیف حمید بن زیاد دهقان کوفی (م ۳۱۰ هـ)؛
- ۲۶- کتابُ الرِّجال،^{۳۱} تألیف پیشین؛
- ۲۷- مَنْ رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عليه السلام)، تألیف پیشین؛
- ۲۸- رجالُ أَبِي زَيْدِ الْبَلْخِيِّ، تألیف أحمد بن سهل بلخی (۳۲۲ - ۲۳۴ هـ)؛
- ۲۹- أَخْبَارُ النِّسَاءِ الْمَمْدُوحَاتِ،^{۳۳} تألیف محمد بن ابی ثلج (۳۲۲ - ۲۳۸ هـ)؛
- ۳۰- کتابُ الرِّجال،^{۳۴} تألیف محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ هـ)؛
- ۳۱- رجالُ أَبِي بَكْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَبَّاسِ الصُّوْلِيِّ الشُّطْرَنْجِيِّ،^{۳۵} تألیف محمد بن یحیی صولی شطرنجی (زنده در ۳۳۰ هـ)؛
- ۳۲- مَنْ رَوَى عَنْ عَلِيٍّ (عليه السلام) مِنَ الصَّحَابَةِ،^{۳۶} تألیف عبدالعزیز بن یحیی الجلودی (م ۳۳۲ هـ)؛
- ۳۳- کتابُ أَخْبَارِ الْمُحَدَّثِينَ،^{۳۷} تألیف پیشین؛

۲۰. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۲۵۷، شماره ۶۷۶؛ شیخ طوسی، پیشین، ص ۲۳۲، شماره ۵۲۰.

۲۱. همان، ص ۴۲۸، شماره ۱۱۴۹.

۲۲. همان، ص ۱۲۶، شماره ۳۲۶.

۲۳. همان، ص ۳۵۰، شماره ۹۴۲.

۲۴. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۲۹۷، شماره ۸۰۷؛ شیخ طوسی، پیشین، ص ۲۳۲، شماره ۵۲۰.

۲۵. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۳۳۳، شماره ۸۹۶.

۲۶. همان، ص ۴۳۶، شماره ۱۱۷.

۲۷. همان، ص ۱۷۷، شماره ۴۶۷.

۲۸. همان.

۲۹. همان، ص ۲۳۲ و ۲۵۷.

۳۰. همان، ص ۱۳۲، شماره ۳۳۹.

۳۱. همان.

۳۲. آقا بزرگ تهرانی، پیشین، ج ۱۰، ص ۹۲.

۳۳. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۳۸۱، شماره ۱۰۳۸.

۳۴. همان، ص ۳۷۷، شماره ۱۰۲۶.

۳۵. الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۴۸.

۳۶. رجال النجاشی، ص ۲۴۰، شماره ۶۴۰.

۳۷. همان.

- ۳۴- کتابُ التَّارِیْخِ وَذَكَرَ مَنْ رَوَى الْحَدِيثَ،^{۳۸} تألیف أحمد بن محمد همدانی کوفی مشهور به ابن عقده (۳۳۳ - ۲۴۹ هـ)؛
- ۳۵- کتابُ الرِّجَالِ،^{۳۹} تألیف پیشین؛
- ۳۶- الشَّيْخَةُ مِنْ أَصْحَابِ الْحَدِيثِ،^{۴۰} تألیف پیشین؛
- ۳۷- مَنْ رَوَى عَنْ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَالْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام)،^{۴۱} تألیف پیشین؛
- ۳۸- مَنْ رَوَى عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام)،^{۴۲} تألیف پیشین؛
- ۳۹- مَنْ رَوَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام)،^{۴۳} تألیف پیشین؛
- ۴۰- مَنْ رَوَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام)،^{۴۴} تألیف پیشین؛
- ۴۱- مَنْ رَوَى عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام)، أَنَّهُ قَسَمَ النَّارَ وَالْجَنَّةَ،^{۴۵} تألیف پیشین؛
- ۴۲- مَنْ رَوَى عَنْ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام) مِنْ أَوْلَادِهَا،^{۴۶} تألیف پیشین؛
- ۴۳- مَنْ رَوَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرِ الْبَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَام)،^{۴۷} تألیف پیشین؛
- ۴۴- تَسْمِيَةُ مَنْ شَهِدَ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام)،^{۴۸} تألیف پیشین؛
- ۴۵- الْفَهْرُسْتُ،^{۴۹} تألیف محمد بن حسن بن احمد بن ولید (م ۳۴۳ هـ)؛
- ۴۶- رِجَالُ الْحُسَيْنِ بْنِ حَمْدَانَ،^{۵۰} تألیف حسین بن حمدان خصیبی جنبلانی (م ۳۵۸ یا ۳۴۶ هـ)؛
- ۴۷- الْمَمْلُوحِينَ وَالْمَذْمُومِينَ،^{۵۱} تألیف ابوعلی احمد بن محمد کوفی (م ۳۴۶ هـ)؛
- ۴۸- الْفَهْرُسْتُ،^{۵۲} تألیف علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۶ هـ)؛
- ۴۹- کتابُ فِی تَرَاجُمِ الرِّجَالِ،^{۵۳} تألیف علی بن محمد بن زبیر قرشی کوفی (۳۴۸ - ۲۴۵ هـ)؛
- ۵۰- کتابُ الطَّبَقَاتِ،^{۵۴} تألیف احمد بن محمد دؤل قمی (م ۳۵۰ هـ)؛
- ۵۱- الشَّيْخَةُ مِنْ أَصْحَابِ الْحَدِيثِ وَطَبَقَاتِهِمْ،^{۵۵} تألیف محمد بن عمر تمیمی جعابی (۳۵۵ - ۲۸۳ هـ)؛

۳۸. همان، ص ۹۴، شماره ۲۳۳؛ الفهرست، ص ۶۸، شماره ۸۶.

۳۹. همان.

۴۰. همان.

۴۱. همان؛ الفهرست، ص ۶۸، شماره ۸۶.

۴۲. همان.

۴۳. همان.

۴۴. همان.

۴۵. همان.

۴۶. الفهرست، ص ۶۸، شماره ۸۶.

۴۷. همان.

۴۸. رجال النجاشی، ص ۹۴، شماره ۲۳۳.

۴۹. همان، ص ۳۲، شماره ۷۱.

۵۰. الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۱۲.

۵۱. رجال النجاشی، ص ۹۵، شماره ۲۳۶.

۵۲. همان، ص ۲۵۴، شماره ۶۶۵.

۵۳. رجال الطوسی، ص ۴۳۰، شماره ۶۱۷۹.

۵۴. رجال النجاشی، ص ۸۹، شماره ۲۳۳.

۵۵. همان، ص ۳۹۴، شماره ۱۰۵۵.

- ۵۲- کتاب أخبار بغداد وطبقات أصحاب الحديث بها،^{۵۶} تأليف پیشین؛
- ۵۳- کتاب طُرُقِ مَنْ رَوَى عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): أَنَّهُ بَعَثَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ إِلَى أَنَّهُ لَا يُحِبُّنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغِضُنِي إِلَّا الْمُنَافِقَ،^{۵۷} تأليف پیشین؛
- ۵۴- مَنْ رَوَى حَدِيثَ غَدِيرِ خُمٍّ،^{۵۸} تأليف پیشین؛
- ۵۵- مَنْ حَدَّثَ هُوَ وَآبُوهُ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله)،^{۵۹} تأليف پیشین؛
- ۵۶- مَنْ رَوَى الْحَدِيثَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَمَوَالِيهِمْ،^{۶۰} تأليف پیشین؛
- ۵۷- مَنْ رَوَى مَوَازِيَةَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)،^{۶۱} تأليف پیشین؛
- ۵۸- الْمَوَالِي الْأَشْرَافُ وَطَبَقَاتُهُمْ،^{۶۲} تأليف پیشین؛
- ۵۹- کتاب طُرُقِ حَدِيثِ «أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى»،^{۶۳} تأليف عبيدالله بن ابی زید أنباری (م ۳۵۶ هـ)؛
- ۶۰- کتاب طُرُقِ حَدِيثِ الرَّأْيَةِ،^{۶۴} تأليف پیشین؛
- ۶۱- کتاب طُرُقِ حَدِيثِ الطَّائِرِ،^{۶۵} تأليف پیشین؛
- ۶۲- کتاب طُرُقِ قَسِيمِ النَّارِ،^{۶۶} تأليف پیشین؛
- ۶۳- خِصَالُ الْكَمَالِ وَبَعْضُ مَا رَوَى فِي مَنَاقِبِ الرِّجَالِ،^{۶۷} تأليف مظفر بن محمد بن أحمد بلخی خراسانی (م ۳۶۷ هـ)؛
- ۶۴- الْمَمْدُوحِينَ وَالْمَذْمُومِينَ،^{۶۸} تأليف محمد بن احمد بن داود قمی (م ۳۶۸ هـ)؛
- ۶۵- رِسَالَةُ أَبِي غَالِبِ الزَّرَّارِيِّ،^{۶۹} تأليف اوغالب احمد بن محمد بن محمد زراری (۳۶۸ - ۲۸۵ هـ)؛
- ۶۶- رِجَالُ ابْنِ قَوْلُوهِ،^{۷۰} تأليف جعفر بن محمد بن قولويه (م ۳۶۹ هـ)؛
- ۶۷- الرِّجَالِ،^{۷۱} تأليف محمد بن عمران مرزبانى (۳۷۸ - ۲۹۷ هـ)؛
- ۶۸- ذِكْرُ مَنْ تَقِيَهُ مِنْ أَصْحَابِ الْحَدِيثِ وَعَنْ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ حَدِيثٌ،^{۷۲} تأليف ابوجعفر محمد بن علی بن بابويه قمی (م ۳۸۱ هـ)؛

۵۶. همان.

۵۷. همان.

۵۸. همان.

۵۹. مصفى المقال، ص ۴۲۰.

۶۰. رجال النجاشی، ص ۳۹۶، شماره ۱۰۵۵.

۶۱. همان.

۶۲. همان.

۶۳. همان، ص ۲۳۲، شماره ۶۱۷.

۶۴. همان.

۶۵. همان.

۶۶. همان.

۶۷. الدرر، ج ۷، ص ۱۶۲.

۶۸. رجال النجاشی، ص ۳۸۴، شماره ۱۰۴۵؛ الفهرست، ص ۳۹۵، شماره ۶۰۴.

۶۹. رجال النجاشی، ص ۸۴، شماره ۲۰۱؛ الفهرست، ص ۳۲، شماره ۶۰۴.

۷۰. الفهرست، ص ۱۰۹، شماره ۱۴۱.

۷۱. الدرر، ج ۱۰، ص ۱۴۷.

۷۲. رجال النجاشی، ص ۳۸۹، شماره ۱۰۴۹.

- ۶۹- الرَّجَالُ الْمُخْتَارِينَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله)، تأليف پیشین؛
 ۷۰- الفهرست،^{۷۴} تأليف پیشین؛
 ۷۱- المصابيح،^{۷۵} تأليف پیشین؛
 ۷۲- المَعْرِفَةُ بِرِجَالِ الْبَرْقِيِّ،^{۷۶} تأليف پیشین؛
 ۷۳- المَشِيخَةُ،^{۷۷} تأليف پیشین؛
 ۷۴- التَّارِيخُ،^{۷۸} تأليف پیشین؛
 ۷۵- مَنْ رَوَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) مِنَ الرِّجَالِ،^{۷۹} تأليف حمزة بن قاسم علوی عباسی (م ۳۸۵ هـ)؛
 ۷۶- الرَّجَالُ،^{۸۰} تأليف ابوالفضل محمد بن عبدالله شیبانی (م ۳۸۷ هـ)؛
 ۷۷- مَنْ رَوَى حَدِيثَ غَدِيرِ خُمٍّ،^{۸۱} تأليف پیشین؛
 ۷۸- مَنْ رَوَى عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ (عليه السلام)،^{۸۲} تأليف پیشین؛
 ۷۹- الرُّوَاةُ وَالْفَلَاحُ،^{۸۳} تأليف احمد بن محمد بن جندی جراح (۳۰۵ یا ۳۹۰ - ۳۰۷ هـ)؛
 ۸۰- كِتَابُ الْمُحَدَّثِينَ،^{۸۴} تأليف عبدالعزيز بن يحيى جلودی (م ۳۹۷ هـ)؛
 ۸۱- رِجَالُ ابْنِ بَرْنِيهِ،^{۸۵} تأليف هبة الله بن احمد كاتب (زنده در ۴۰۰ هـ)؛
 ۸۲- الرُّوَاةُ عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِ (عليه السلام)،^{۸۶} تأليف محمد بن جرير أُمْلَى طبري (قرن چهارم)؛
 ۸۳- الفهرست،^{۸۷} تأليف حسين بن حسن بن بابويه (قرن چهارم)؛
 ۸۴- الفهرست،^{۸۸} تأليف ابو جعفر محمد بن جعفر بن احمد بن بطه قمی (قرن چهارم)؛
 ۸۵- المَشِيخَةُ،^{۸۹} تأليف أحمد بن حسين بن عبدالملك أزدی کوفی (قرن چهارم)؛
-
۷۳. همان.
 ۷۴. شيخ طوسي، پیشین، ص ۲۰۱، شماره ۲۹۹؛ احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۸۵، شماره ۲۰۶.
 ۷۵. همان، ص ۳۸۹، شماره ۱۰۴۹.
 ۷۶. همان.
 ۷۷. الذریعه، ج ۲۱، ص ۷۲؛ مراد از این کتاب همان مشیخه من لا یحضره الفقیه است که در پایان آن چاپ شده است.
 ۷۸. رجال النجاشی، ص ۳۸۹، شماره ۱۰۴۹.
 ۷۹. همان، ص ۱۴۰، شماره ۳۶۴.
 ۸۰. الذریعه، ج ۱۰، ص ۹۴ و ۱۴۵.
 ۸۱. رجال النجاشی، ص ۳۹۶، شماره ۱۰۵۹.
 ۸۲. همان.
 ۸۳. همان، ص ۸۵، شماره ۲۰۶.
 ۸۴. همان، ص ۲۴۰، شماره ۴۶۰.
 ۸۵. الذریعه، ج ۱۰، ص ۸۳.
 ۸۶. همان، ص ۱۴۳؛ همان، ج ۱۱، ص ۲۵۶.
 ۸۷. رجال النجاشی، ص ۱۶۷، شماره ۴۴۱.
 ۸۸. همان، ص ۳۷۲، شماره ۱۰۱۹.
 ۸۹. همان، ص ۸۰، شماره ۱۹۳؛ الفهرست، ص ۵۸، شماره ۷۱؛ در این دو کتاب او تبویب کننده مشیخه حسن بن محبوب معرفی شده است.

- ۸۶- التَّوَادُّرُ عَنِ الرَّجَالِ،^{۹۰} تألیف ابان بن محمد بجلي (قرن چهارم)؛
- ۸۷- مَنْ رَوَى مِنْ نِسَاءِ آلِ أَبِي طَالِبٍ،^{۹۱} تألیف علی بن محمد بن جعفر حداد عسکری (قرن چهارم)؛
- ۸۸- رَجَالُ ابْنِ رِیدَوِیَه،^{۹۲} تألیف پیشین؛
- ۸۹- الْفَهْرَسْتُ،^{۹۳} تألیف عبدالله بن جعفر حمیری (قرن چهارم)؛
- ۹۰- مَنْ رَوَى عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام)،^{۹۴} تألیف محمد بن وهبان دیبلی (قرن چهارم)؛
- ۹۱- طُرُقُ مَنْ رَوَى رَدَّ الشَّمْسِ،^{۹۵} تألیف أحمد بن عبدالله دوری وراق (قرن چهارم)؛
- ۹۲- كِتَابُ الرَّجَالِ،^{۹۶} تألیف علی بن حسن بن علی بن فضال ربیعی فیاض (قرن چهارم)؛
- ۹۳- طَبَقَاتُ الشَّيْعَةِ،^{۹۷} تألیف عبدالعزيز بن اسحاق زیدی بقال (قرن چهارم)؛
- ۹۴- الرَّجَالِ،^{۹۸} تألیف ابوالأحمد حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی (قرن چهارم)؛
- ۹۵- رَجَالُ الْعَقِيقِيِّ،^{۹۹} تألیف علی بن أحمد بن محمد عقیقی (قرن چهارم)؛
- ۹۶- مَعْرِفَةُ النَّاقِلِينَ،^{۱۰۰} تألیف محمد بن مسعود عیاشی (قرن چهارم)؛
- ۹۷- رَجَالُ أَبِي مُحَمَّدٍ جَبْرِئِيلَ،^{۱۰۱} تألیف جبرئیل بن أحمد فارابی (قرن چهارم)؛
- ۹۸- الرَّجَالِ،^{۱۰۲} تألیف محمد بن عمر بن عبدالعزيز کشی (قرن چهارم)؛
- ۹۹- كِتَابُ الرَّجَالِ،^{۱۰۳} تألیف محمد بن حسن محاربی (قرن چهارم)؛
- ۱۰۰- ذِكْرُ مَنْ رَوَى مِنْ طُرُقِ أَصْحَابِ حَدِيثِ أَنْ أَلْمَهْدِي (عَلَيْهِ السَّلَام) مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام)،^{۱۰۴} تألیف ابوعلی احمد بن محمد بن احمد جرجانی (قرن چهارم)؛
- ۱۰۱- كِتَابُ الرَّجَالِ،^{۱۰۵} تألیف احمد بن نصر بن سعد (قرن چهارم)؛
- ۱۰۲- فِهْرَسْتُ كِتَابِ عَدُوِّي،^{۱۰۶} تألیف ابونصر ریان (قرن چهارم)؛
- ۱۰۳- الْإِسْتِمَالُ فِي مَعْرِفَةِ الرَّجَالِ،^{۱۰۷} تألیف احمد بن محمد جوهری بغدادی (م ۴۰۱ هـ)؛

۹۰. رجال النجاشی، ص ۹۴.

۹۱. الذریعه، ج ۱۰، ص ۸۵.

۹۲. رجال النجاشی، ص ۲۶۲، شماره ۶۸۶؛ در برخی نسخه‌ها «من روی ممن نشأ من آل ابی طالب» آمده است.

۹۳. الفهرست، ص ۲۹۴، شماره ۴۴۰.

۹۴. رجال النجاشی، ص ۳۹۶، شماره ۱۰۶۰.

۹۵. همان، ص ۸۵، شماره ۲۰۵.

۹۶. همان، ص ۲۵۷، شماره ۶۷۶.

۹۷. الفهرست، ص ۳۴۱، شماره ۵۳۷.

۹۸. الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۰۷ و ۱۱۴.

۹۹. الفهرست، ص ۲۴۸، شماره ۴۲۵.

۱۰۰. رجال النجاشی، ص ۳۵۰، شماره ۱۰۴۹.

۱۰۱. الذریعه، ج ۱۰، ص ۱۰۳.

۱۰۲. رجال النجاشی، ص ۳۷۲، شماره ۱۰۱۸؛ الفهرست، ص ۳۰۴، شماره ۶۱۵.

۱۰۳. رجال النجاشی، ص ۳۵۰، شماره ۹۴۳.

۱۰۴. همان، ص ۸۶، شماره ۲۰۸.

۱۰۵. إقبال الأعمال، ج ۳، ص ۸۶.

۱۰۶. رجال النجاشی، ص ۲۶۵، شماره ۸۹.

۱۰۷. همان، ص ۸۵، شماره ۲۰۷؛ الفهرست، ص ۷۸، شماره ۹۹.

- ۱۰۴- ذکر من روى الحديث من بنى نائسرة،^{۱۰۸} تأليف پیشین؛
 ۱۰۵- تكملة رسالة أبي غالب الزراري،^{۱۰۹} تأليف حسين بن عبدالله غضائرى (م ۴۱۱ هـ)؛
 ۱۰۶- فهرست الأصول،^{۱۱۰} تأليف احمد بن حسين بن عبدالله غضائرى (نیمه نخست قرن پنجم)؛
 ۱۰۷- فهرست المصنفات،^{۱۱۱} تأليف پیشین؛
 ۱۰۸- كتاب الممدوحين،^{۱۱۲} تأليف پیشین؛
 ۱۰۹- كتاب المذمومين،^{۱۱۳} تأليف پیشین؛
 ۱۱۰- كتاب التاريخ،^{۱۱۴} تأليف پیشین؛
 ۱۱۱- الزیادات على ابن العباس بن سعيد فى رجال جعفر بن محمد،^{۱۱۵} تأليف احمد بن عباس بن نوح سیرافى (م ۴۲۰ هـ)؛
 ۱۱۲- المصابيح فى ذکر من روى عن الأئمة لكل إمام،^{۱۱۶} تأليف پیشین؛
 ۱۱۳- الرجال،^{۱۱۷} تأليف احمد بن عبدالواحد بن عبدون بزّاز (م ۴۲۳ هـ)؛
 ۱۱۴- الفهرست،^{۱۱۸} تأليف پیشین؛
 ۱۱۵- الرجال،^{۱۱۹} تأليف على بن حسين موسوى مشهور به علم الهدى (۴۳۶ - ۳۵۵ هـ)؛
 ۱۱۶- الفهرست،^{۱۲۰} تأليف محمد بن على كراچكى (م ۴۴۹ هـ)؛*

۱۰۸. همان.

۱۰۹. رسالة أبي غالب الزراري، ص ۹۹ - ۹۶.

۱۱۰. الفهرست، ص ۲.

۱۱۱. همان.

۱۱۲. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۴۴۲ - ۴۴۱.

۱۱۳. همان.

۱۱۴. الفهرست، ص ۷۴، شماره ۹۴؛ رجال النجاشى، ص ۸۳، شماره ۲۰۱.

۱۱۵. رجال النجاشى، ص ۸۶، شماره ۲۰۹؛ الفهرست، ص ۸۶، شماره ۱۱۷.

۱۱۶. همان.

۱۱۷. الذريعة، ج ۱۰، ص ۸۶.

۱۱۸. همان.

۱۱۹. همان، ص ۱۳۳.

۱۲۰. همان، ج ۱۶، ص ۳۹۳.

* لازم به ذکر است که فهرست ارائه شده با استفاده از منابع کتاب شناسی استخراج شده و از آنجا که این کتابها در اختیار نیستند، احتمال زیادی یا نقصان عناوین وجود دارد. بدیهی است که مراجعه به منابع بیشتر و تحقیق در منقولات کتب مختلف می تواند این فهرست را تکمیل نماید.

پیش از این نیز تلاشهایی در معرفی منابع رجالی انجام گرفته است که برخی از آنها را در معرفی می نماییم:

۱- مصفى المقال فى مصنفى علم الرجال، تأليف شيخ آقا بزرگ تهراني.

۲- الذريعة إلى تصانيف الشيعة تأليف شيخ آقا بزرگ تهراني (ج ۱۰، ص ۱۶۱ - ۸۰)؛ در این کتاب که بیش از ۱۴۰ اثر رجالی را معرفی شده است. برخی نیز با نامهای خاص خود در سایر مجلدات بر اساس حروف الفبایی معرفی شده اند.

۳- مقباس الهدایه، تأليف شيخ عبدالله مامقانی (ج ۴، ص ۹۴ - ۱۱)؛ در این اثر، هشتاد فرد از خبرگان رجال و درایه از قدما و متأخران، معرفی شده است.

۴- توضیح المقال فى علم الرجال، تأليف ملا علی کنی (ص ۳۰۳ - ۲۸۶)؛ در این اثر، شصت نفر از اساتید رجال معرفی شده است و میرزا حسین نوری هم، در اثر دیگری، شصت نفر به آنها افزوده است.

بدین ترتیب، تقریباً نام ۲۴ تألیف رجالی از قرن سوم، ۷۹ تألیف از قرن چهارم و سیزده تألیف از قرن پنجم به دست ما رسیده است.

۵- مآخذشناسی رجال شیعہ، تألیف رسول طلائیان که با نظارت نگارنده در مرکز تحقیقات دارالحدیث انجام پذیرفته و در آن بیش از ششصد اثر رجالی معرفی شده است.

۶- سرمقاله «میراث حدیث شیعہ»، دفتر هفتم، تألیف مهدی مهریزی.

جلسه دوم

آشنایی با رجال برقی

اهداف درس

آشنایی با:

✓ برقی، نگارنده کتاب الرجال؛

✓ کتاب الرجال برقی.

فصل اول: اصول اولیه رجالی

گفتار اول: آشنایی با رجال برقی

از کهن‌ترین کتب رجالی که به دست ما رسیده، کتاب الرجال منسوب به برقی است. این کتاب یکی از منابع و اصول اولیه رجالی به شمار می‌رود. در ادامه با مؤلف و اصل کتاب آشنا خواهیم شد.

الف) آشنایی با مؤلف

هویت مؤلف

جمعی از علمای محدث شیعه به خاندانی انتساب دارند که برقی نام دارد. این خانواده کوفی بوده و جدّ بزرگشان، محمد بن علی برقی، توسط یوسف بن عمر، والی عراق، پس از قتل زید بن علی (علیه السلام) محبوس شده است. از این رو عبدالرحمان، فرزند محمد به همراه فرزندش خالد که کم‌سن و سال بود به برقرود از توابع قم گریخت و در آنجا اقامت کرد، بدین سبب این خاندان به برقی شهرت یافتند.

کتاب رجال مورد بحث بنا بر مشهور، به ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی تعلق دارد. او به احمد بن محمد بن خالد برقی و احمد بن ابی‌عبدالله برقی و احمد برقی مشهور است. به گزارش شیخ طوسی و نجاشی، برقی در رجال، کتابی به نام کتاب الرجال یا طبقات الرجال داشته که مورد اعتماد رجالیان بزرگ پس از او قرار گرفته است. در اجازات مختلف از جمله اجازات علامه حلی نیز از این کتاب یاد شده و به احمد بن محمد بن خالد نسبت داده شده است.

تاریخ زندگی مؤلف

نجاشی تاریخ وفات برقی را بر اساس تاریخ احمد بن حسین غضائری به سال ۲۷۴ هجری و به نقل از علی بن محمد مَاجِلَوِیَه به سال ۲۸۰ هجری می‌داند:

قال أحمد بن الحسين - رحمه الله - في تاريخه: توفّي أحمد بن أبي عبدالله البرقي في سنة أربع وسبعين ومئتين وقال علي بن محمد ماجيلويه: مات سنة أخرى سنة ثمانين ومئتين.^{۱۲۱}

در هر صورت او متعلق به سده سوم هجری است.

حال رجالی مؤلف

در نسخه موجود از رجال برقی نام مؤلف، یعنی احمد بن محمد بن خالد، در شمار اصحاب امام جواد و امام هادی (علیهما السلام) آمده^{۱۲۲} و شیخ طوسی هم چنین کرده است.^{۱۲۳}

برقی در عصر امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز زنده بوده و اصحاب ایشان را برشمرده است، اما نام خود او در جمله اصحاب امام حسن عسکری (علیه السلام) دیده نمی‌شود.

نجاشی و شیخ طوسی هر دو، او را ثقة دانسته‌اند^{۱۲۴} و دیگران بر این توثیق اعتماد کرده‌اند. تنها ایراد وارد بر برقی، روایت از افراد ضعیف و اعتماد بر روایات مرسل است؛ «كَانَ ثِقَةً فِي نَفْسِهِ يَرْوِي عَنِ الضُّعَفَاءِ وَأَعْتَمَدَ الْمَرَاسِيلَ»^{۱۲۵} ابن غضائری نیز در این راستا، قدح و طعن قمیها را بر او نقل می‌کند:

طَعَنَ الْقُمِّيُونَ عَلَيْهِ، وَلَيْسَ الطَّعْنُ فِيهِ. إِنَّمَا الطَّعْنُ فِي مَنْ يَرْوِي عَنْهُ، فَإِنَّهُ كَانَ لَا يَبَالِي عَمَّنْ يَأْخُذُ عَلَى طَرِيقَةِ أَهْلِ الْأَخْبَارِ وَكَانَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عِيسَى أَبَعَدَهُ عَنْ قَمٍّ ثُمَّ أَعَادَهُ إِلَيْهَا وَاعْتَذَرَ إِلَيْهِ.^{۱۲۶}

قمیان بر او قدح کرده‌اند در حالی که قدح در او نیست، بلکه طعن و قدح در کسانی است که او از آنان روایت می‌کند؛ چه آنکه وی در مورد کسانی که از آنان حدیث می‌گرفت، دقت نمی‌کرد و بر شیوه اهل حدیث عمل می‌نمود. احمد بن محمد بن عیسی او را از قم تبعید کرد و سپس او را بازگردانید و از او عذر خواست.

در خلاصه الأقوال این عبارات بر کلام ابن غضائری افزوده شده است:

۱۲۱. ابوالعباس احمد بن علی النجاشی الأسدی الکوفی، رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ۱۴۱۸ هـ، ششم، ص ۷۶.

۱۲۲. احمد بن محمد بن خالد برقی، کتاب الرجال، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه القیوم، ۱۴۱۹ هـ، اول، ص ۱۳۵، شماره ۱۵۶۹؛ همان، ص ۱۴۰، شماره ۱۶۲۶.

۱۲۳. محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، تحقیق سید محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۵ هـ، ص ۳۸۳، شماره ۱۶.

۱۲۴. احمد بن علی النجاشی، پیشین، رقم ۱۸۲.

۱۲۵. همان.

۱۲۶. احمد بن حسین غضائری واسطی بغدادی، رجال ابن غضائری، تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ هـ، اول، ص ۳۹، رقم ۱۰.

وقال [ابن غضائري]: وَجَدْتُ كِتَاباً فِيهِ وَسَاطَةٌ بَيْنَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى وَأَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ لَمَّا تَوَفَّى مَشَى أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى فِي جِنَازَتِهِ حَافِياً حَاسِراً لِيُبْرِئَ نَفْسَهُ مِمَّا قَذَفَهُ بِهِ وَعِنْدِي أَنَّ رِوَايَتَهُ مَقْبُولَةٌ.^{۱۲۷}

من نامه‌ای از میانجیگری بین احمد بن محمد بن عیسی و احمد بن محمد بن خالد یافتیم و هنگامی که احمد بن محمد بن خالد وفات یافت، احمد بن محمد بن عیسی در تشییع جنازه او، پابرهنه شرکت کرد تا خود را از نسبتی که به وی داده بود تبرئه کند و به نظر من روایاتش مقبول است.

به هر حال مسئله نقل از ضعفا و اعتماد بر مرسلات منافاتی با وثاقت و عدالت ندارد و یک امر اجتهادی است که در آن عصر منشأ اختلافهایی بوده است؛ بنابراین، در وثاقت او خدشه‌ای نیست.

احمد بن محمد بن خالد علاوه بر رجال، در حدیث نیز دستی داشته و در این زمینه صاحب آثاری نیز است. برای مثال کتاب *المحاسن* او که شیخ صدوق آن را از مصادر مهم و معروف کتابش شمرده است، مجموعه‌ای بزرگ از موضوعات مختلف در حوزه حدیث بوده و کتابهای متعددی دارد.^{۱۲۸} این کتاب از جهت حجم دچار کم و زیادهایی در کتابهایش شده است. بر اساس گزارش شیخ طوسی و نجاشی حدود صد کتاب از مجموعه *المحاسن* از طریق ابن بطله که شاگرد برقی بوده، به آنها رسیده است.^{۱۲۹} شیخ طوسی، گزارشی از کتابهایی که از *المحاسن* در اختیار داشته به همراه کتابهایی که بیشتر در منقولات ابن بطله بوده، آورده است.^{۱۳۰} نجاشی در فهرستی که از *المحاسن* ارائه کرده، کتاب *الرجال* را یکی از کتابهای مجموعه *المحاسن* برشمرده است در حالی که فهرست شیخ طوسی، کتاب *طبقات الرجال* را به نقل از ابن بطله یکی از کتب *المحاسن* دانسته است.^{۱۳۱}

علاوه بر مسئله حدیث و رجال، برقی از جمله علمای معروف در ادب و شعر عربی بوده است و بزرگانی چون احمد بن فارس لغوی و أبو الفضل عباس بن محمد نحوی ملقب به *عَرَام*^{۱۳۲} که هر دو از مشایخ و اساتید صاحب بن عبّاد بوده‌اند، از شاگردان او هستند. همچنین نجاشی، اسماعیل بن عبدالله را از پرورش‌یافتگان و ادب‌آموختگان از وی، معرفی کرده است.^{۱۳۳}

۱۲۷. حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی (علامه)، خلاصة الأَقوال، تحقیق سید محمدصادق بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ هـ، اول، ص ۶۳، شماره ۷۲.

۱۲۸. منظور از «کتابهای یک کتاب حدیثی»، فصلها و بخشهای آن است.

۱۲۹. احمد بن علی النجاشی، پیشین، شماره ۱۸۲؛ محمد بن حسن طوسی، *الفهرست طوسی*، سید عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ هـ، اول، ص ۶۲، شماره ۹۵.

۱۳۰. همان، شماره ۶۵.

۱۳۱. احمد بن علی النجاشی، پیشین.

۱۳۲. این کلمه «عَرَام» هم خوانده شده است.

۱۳۳. همان، ص ۹۷، رقم ۲۴۲.

ب) آشنایی با تألیف

نام کتاب

همان گونه که گفته شد به گزارش شیخ طوسی و نجاشی، بی‌شک احمد بن محمد بن خالد برقی کتابی در رجال به نام *کتاب الرجال* یا *طبقات الرجال* داشته است. آنچه امروز از این کتاب به دست ما رسیده، طبقات رجال پیامبر و ائمه (علیهم السلام) تا امام حسن عسکری (علیه السلام) است. از این رو، این کتاب بر اساس طبقات تألیف شده است و ظاهراً پیشینیان، کتب طبقات را با نام رجال، نام‌گذاری می‌کردند. نام اختصاری این کتاب در جوامع رجالی، «قی» است.

انتساب کتاب به مؤلف

تشکیک‌هایی در تعیین مؤلف کتاب رجال برقی موجود وارد شده است. برخی، کتاب را از آن احمد بن محمد بن خالد برقی و برخی، از آن پدر او محمد یا فرزند او عبدالله و یا نوه او احمد، می‌دانند.^{۱۳۴} ظاهراً این شبهات تنها در کلمات متأخران دیده می‌شود و در مصادر کتاب‌شناختی مهم، به ویژه *رجال نجاشی* و *فهرست شیخ طوسی*، عنوان کتاب *رجال* یا *طبقات الرجال* به احمد بن محمد بن خالد برقی نسبت داده شده و این کتاب از همان زمان میان رجالیان متداول بوده و اجازات به آن صادر شده است. به هر حال این مسئله در اعتبار کتاب و استفاده از آن، تأثیر چندانی ندارد؛ زیرا توثیق و تضعیف در این کتاب، کم و معدود است و استفاده از مطالب آن نیز با مراجعه به منابع دیگر و تأیید آنها از منابع دیگر، به راحتی امکان‌پذیر است.

خصوصیات ساختاری رجال برقی

این کتاب فاقد مقدمه است و در مجموع، نام ۱۷۹۱ راوی را در بر دارد. ویژگی‌های ساختاری چینش راویان در این کتاب بدین قرار است:

الف) برقی، کتابش را در چهارده باب سامان داده است. باب اول، به اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) اختصاص دارد و در یازده باب بعد، اصحاب امام علی تا امام حسن عسکری (علیهم السلام) را برشمرده است. وی باب سیزدهم را به راویان زن، از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا امام حسن عسکری (علیه السلام) و باب چهاردهم را به ذکر نام کسانی که ابوبکر را انکار کرده‌اند، اختصاص داده است. ب) برقی در ابتدای هر باب، نام اصحاب معصوم یا معصومان سابق را که از اصحاب امام مورد نظر هستند، ذکر کرده است، در پی آن، نام افرادی ذکر شده که در زمان همان امام متولد شده‌اند یا ملاقاتی با امام سابق نداشته‌اند.

ج) ترتیب الفبایی در ابواب این کتاب از عناوین اصحاب ائمه (علیهم السلام)، رعایت نشده است.

۱۳۴. برای اطلاع بیشتر از ادله شک و تردید در انتساب این کتاب به احمد بن محمد بن خالد برقی به ملحقات درس مراجعه کنید.

خصوصیات محتوایی رجال برقی

الف) مقدار اطلاعات رجالی کتاب: از نظر محتوا در تمام کتاب، تنها نام افراد، نسبت آنها و تعیین طبقه آنها مدّ نظر بوده و غرض توثیق و تضعیف آنها نیست. اما با این حال از مجموع ۱۷۱۹ نفر، سه نفر مدح شده‌اند که عبارت‌اند از:

- ابراهیم بن إسحاق بن أوزر که در مورد او آمده: «شیخٌ لا بأسَ به»؛^{۱۳۵}
 - عبیدالله بن علی الحلبی که در مورد او گفته شده: «ثقةٌ صحيحٌ»؛^{۱۳۶}
 - فضیل بن محمد بن راشد مولى الفضل البقّاق، أبو العباس که به وصف «ثقة»^{۱۳۷} ستوده شده است.
- همچنین هفت نفر را که همه از اصحاب امام صادق (علیه السلام) هستند، «عامی مذهب» معرفی کرده

است که این افراد عبارت‌اند از:

- أبوبکر بن عیاش کوفی؛^{۱۳۸}
- زافر بن عبدالله الأیادی؛^{۱۳۹}
- زُفر، کوفی عامی، من الهدیل؛^{۱۴۰}
- سالم بن أبی الجعد الأشجعی؛^{۱۴۱}
- عبّاد بن صهیب البصری؛^{۱۴۲}
- کثیر النّوّاء؛^{۱۴۳}
- مندّل بن علی العنزی (العتری).^{۱۴۴}

و نیز در پایان باب اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام)، هشت نفر را به عنوان «مجهول» نام برده است. محقق شوشتری، صاحب قاموس الرجال از اینکه، برقی عامی بودنِ صرفِ عده‌ای را ذکر کرده و سپس افراد مجهول را، که عامی بودن یا امامی بودن آنان معلوم نیست، جدا آورده و چنین استفاده کرده است که هر کس دیگر به غیر از این عده عامی مذهب و مجهول که نامش در کتاب آمده، شیعه امامی مذهب است.^{۱۴۵}

ب) اشکال واردشده: مسئله دیگر که در ارتباط با محتوای کتاب وجود دارد مسئله تحریف برخی اسامی در آن است. از آنجا که در ابواب و دسته‌بندی‌های اصحاب ائمه (علیهم السلام) ترتیب الفبایی اسامی رعایت نشده، تصحیفات بسیاری در اسامی روی داده و گاه چند اسم، درهم و مخلوط شده است؛ مثلاً در برخی از نسخه‌های این کتاب، و به نقل از آن در جوامع رجالی، این عنوان از رجال برقی نقل شده که: «العلّاء بن

۱۳۵. رجال برقی، ص ۵۸، شماره ۱۵۹۴.

۱۳۶. همان، ص ۲۳، شماره ۵۷۴.

۱۳۷. همان، ص ۳۴، شماره ۸۸۰.

۱۳۸. همان، ص ۴۲، شماره ۱۱۲۲.

۱۳۹. همان، شماره ۱۰۹۰.

۱۴۰. همان، شماره ۱۰۸۹.

۱۴۱. همان، ص ۳۳، شماره ۸۴۹.

۱۴۲. همان، ص ۲۴، شماره ۵۸۱.

۱۴۳. همان، ص ۱۵، شماره ۱۰۸۰.

۱۴۴. همان، ص ۴۶، شماره ۱۲۱۲.

۱۴۵. محمدتقی تستری (شوشتری)، قاموس الرجال فی تحقیق رواة الشيعة ومحدثيهم، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۰ هـ، دوم، ج ۱، ص ۲۹.

الْمُنْقِذُ بْنُ أَبِي عِمْرَانَ الطَّبِيبِ بْنِ عُبَيْدِ بْنِ عُمَرَ؛ در حالی که این عنوان در واقع سه عنوان جداگانه است که عبارت‌اند از: «الْعَلَاءِ بْنِ الْمُنْقِذِ، أَبِي عِمْرَانَ الطَّبِيبِ وَ عُبَيْدِ بْنِ عُمَرَ». همچنین موارد دیگری نیز وجود دارد که با مقابله متن با دیگر کتابهای رجال قابل کشف است.

ملحقات

انتساب کتاب به مؤلف

تشکیک‌هایی در تعیین مؤلف کتاب رجال برقی موجود وارد شده است. برخی، کتاب را از آن احمد بن محمد بن خالد برقی و برخی، از آن پدر او محمد یا فرزند او عبدالله و یا نوه او احمد می‌دانند. ادله شک و تردید در انتساب این کتاب به احمد بن محمد بن خالد برقی عبارت‌اند از:

دلیل اول: صاحب کتاب، در شمار اصحاب امام حسن عسکری (علیه السلام) از عبدالله بن جعفر حمیری نام برده و تصریح کرده است که: «سَمِعْتُ مِنْهُ بِالْفَتْحِ».^{۱۴۶}

از آنجا که حمیری، مؤلف کتاب قرب/الأَسْنَد، راوی احمد بن محمد بن خالد برقی است، چگونه ممکن است که استادی به صراحت، به شنیدن حدیث از شاگردش اعتراف کند؟!^{۱۴۷}

در پاسخ باید گفت که نقل از عبدالله بن جعفر حمیری، تنها در یک مورد و با تعبیر سَمِعْتُ مِنْهُ بِالْفَتْحِ آمده است که ظاهراً مرادش از فتح، یک خبر در موضوع مورد بحث آن روز بوده که این گونه از آن، تعبیر شده است و با بررسی تاریخی، قابل شناخت خواهد بود. از این رو، این نکته نمی‌تواند شاهی بر شیخوخیت و استادی حمیری بر مؤلف باشد. به فرض اینکه صاحب کتاب از حمیری، شاگرد خود، سخنی را نقل کرده باشد - همان گونه که آقا بزرگ تهرانی در الذریعه می‌گوید - این مطلب منافاتی با تألیف کتاب از سوی احمد ندارد؛ زیرا این مورد می‌تواند از نوع روایت اکابر از اصاغر باشد که به دلیل اشتیاق بر دستیابی بر مطالب بوده است.^{۱۴۸}

دلیل دوم: در رجال برقی موجود، در مواردی، ذیل عنوان نام راوی به کتاب سعد بن سعد اشعری قمی استناد شده است و می‌دانیم او صاحب کتابی غیرمبوب بوده که راوی آن محمد بن خالد برقی است؛ حال که صاحب کتاب از سعد نقل می‌کند، پس باید کتاب رجال موجود از آن محمد بن خالد برقی یعنی پدر احمد باشد.

در پاسخ باید گفت که این استناد، صحیح نیست؛ زیرا اولاً دلیلی بر اینکه سعد بن اشعری در کتاب غیرمبوب خود، از رجال هم بحث کرده باشد، وجود ندارد و ثانیاً مراد از سعد در کلام برقی باید سعد بن عبدالله اشعری قمی باشد. گواه این مطلب آن است که منقولات موجود از او در کلام برقی، با منقولاتش در کلام نجاشی و شیخ طوسی مطابقت دارد و قطعاً مراد ایشان از سعد، همان سعد بن عبدالله اشعری است.

۱۴۶. احمد بن محمد بن خالد برقی، پیشین، ص ۱۴۳، شماره ۱۶۶۴.

۱۴۷. محمدتقی تستری، پیشین، ج ۱، ص ۴۵.

۱۴۸. محمد محسن (آقا بزرگ) منزوی تهرانی، الذریعه إلى تصانیف الشيعة، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ اول، ج ۱۵، ص ۱۴۸.

اگر گفته شود سعد بن عبدالله متوفای سال ۲۹۹ یا ۳۰۱ هجری است و از راویان احمد بن محمد بن خالد به شمار می‌رود و استناد برقی به کتاب شاگردش معنا ندارد، باید گفت با توجه به نکته‌ای که محقق تهرانی به آن اشاره کرد، این مسئله مانع از انتساب کتاب به احمد بن محمد بن خالد برقی نمی‌شود. **دلیل سوم:** در این کتاب از احمد بن محمد بن خالد برقی نام برده شده است^{۱۴۹} و بر خلاف شیوه متعارف و متداول در آن عصر، تصریح نکرده که او مصنف این کتاب است.

همچنین از محمد بن خالد نیز در جاهای مختلف یاد شده^{۱۵۰} و اشاره‌ای به این مسئله که وی پدر مؤلف است، نشده است.^{۱۵۱} بنابراین، این کتاب نمی‌تواند تألیف احمد بن محمد بن خالد یا پدرش باشد، بلکه تألیف عبدالله بن احمد برقی یا فرزندش احمد بن عبدالله بن احمد برقی است که عبدالله از مشایخ کلینی و فرزند عبدالله (احمد) از مشایخ صدوق است.^{۱۵۲}

این مسئله نیز به تنهایی بر ادعای فوق دلالتی ندارد؛ زیرا چنانچه فرزند احمد یا نوۀ او نیز مؤلف قلمداد شوند، این مشکل پابرجاست چه اینکه باز هم بعد از نام احمد یا پدر او، نسبت آنان با مؤلف کتاب نیامده است و بنا بر ادعای اشکال‌کننده این مسئله، بر خلاف شیوه متعارف و متداول آن عصر است؛ پس آن دو نیز نمی‌توانند مؤلف کتاب باشند، از سوی دیگر همان‌گونه که خواهد آمد، این کتاب بر اساس طبقات نگاشته شده است و در این نوع کتابها شناساندن مصنف و مؤلف معمول نیست. چنان‌که شیخ طوسی نیز در کتاب رجالش که بر اساس طبقات است چنین نکرده و تنها در کتاب فهرست که ساختار طبقاتی ندارد و به نام مؤلفان و مصنفان اختصاص دارد، چنین کرده است.

خلاصه آنکه، در مصادر کتاب‌شناختی مهم، به خصوص رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی، عنوان کتاب الرجال یا طبقات الرجال به احمد بن محمد بن خالد برقی نسبت داده شده و این کتاب از همان زمان میان رجالیان متداول بوده است و اجازات به آن نیز صادر شده است و شبهات، تنها در کلمات متأخران دیده می‌شود.

به هر حال این مسئله در اعتبار کتاب و استفاده از آن تأثیر چندانی ندارد؛ زیرا توثیق و تضعیف در این کتاب، کم و معدود است و استفاده از مطالب آن نیز با مراجعه به منابع دیگر و تأیید آنها از منابع دیگر، به راحتی امکان‌پذیر است.

دسته‌بندیهای داخلی ابواب

باب اول: اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله): ایشان ۲۷ نفر هستند که به ترتیب، دو گروه چهار نفره را در ابتدا و باقی افراد، در مرتبه پس از ایشان، دانسته شده‌اند.

باب دوم: اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام): ۱۰۵ نفر؛ سیزده نفر به عنوان اصفیا، نه نفر به عنوان شُرطه الخُمیس، پنج نفر به عنوان اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام)، هشت نفر به عنوان اولیا، سی نفر خواص

۱۴۹. احمد بن محمد بن خالد برقی، پیشین، ص ۱۳۵، شماره ۱۵۶۹؛ همان، ص ۱۴۰، شماره ۱۶۲۶.

۱۵۰. همان، ص ۱۲۰، شماره ۱۳۳۳؛ ص ۱۲۸، شماره ۱۴۵۲؛ ص ۱۲۹، شماره ۱۴۶۹؛ ص ۱۳۱، شماره ۱۵۰۳ و ۱۵۰۹.

۱۵۱. محمدتقی تستری، پیشین، ص ۷۷، شماره ۱۸۲.

۱۵۲. همان.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) از مَضَر، هفت نفر اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) از رَبِیعَه، بیست و پنج نفر اصحاب ایشان از یمن و هشت نفر افراد مجهول.

باب سوم: اصحاب ابی محمد حسن بن علی (علیه السلام): ۱۰ نفر؛ دو نفر از اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله)، پنج نفر از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) و سه نفر از اصحاب امام حسن (علیه السلام).

باب چهارم: اصحاب ابی عبدالله حسین بن علی (علیه السلام): ۱۶ نفر؛ دو نفر از اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله)، هفت نفر از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) و هفت نفر از اصحاب امام حسن (علیه السلام).

باب پنجم: اصحاب ابی محمد علی بن حسین (علیه السلام): ۳۳ نفر؛ یک نفر از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله)، چهار نفر از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۲۸ نفر دیگر از اصحاب امام سجّاد (علیه السلام).

باب ششم: اصحاب ابی جعفر محمد بن علی بن حسین (علیه السلام): ۲۲۵ نفر؛ یک نفر از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله)، سه نفر از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام)، هشت نفر از اصحاب امام حسن و حسین (علیهما السلام) و علی بن حسین (علیه السلام) و بقیه از اصحاب امام باقر (علیه السلام) هستند.

باب هفتم: اصحاب امام جعفر بن محمد (علیه السلام): ۸۳۳ نفر؛ ۵۴ نفر از اصحاب امام باقر (علیه السلام) و باقی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) هستند.

باب هشتم: اصحاب امام موسی بن جعفر (علیه السلام): ۳۰۹ نفر؛ یک نفر از اصحاب امام سجّاد (علیه السلام)، سه نفر از اصحاب امام باقر (علیه السلام)، چهل نفر از اصحاب امام صادق (علیه السلام) و باقی از اصحاب امام کاظم (علیه السلام) هستند.

باب نهم: اصحاب امام رضا (علیه السلام): ۶۲ نفر؛ شش نفر از اصحاب امام صادق (علیه السلام)، نه نفر از اصحاب امام کاظم (علیه السلام) و باقی از اصحاب خود ایشان.

باب دهم: اصحاب ابی جعفر دوم امام جواد (علیه السلام): ۶۸ نفر؛ یک نفر از اصحاب امام کاظم (علیه السلام)، یازده نفر از اصحاب امام رضا (علیه السلام) و باقی اصحاب خود ایشان اند.

باب یازدهم: اصحاب ابی الحسن سوم امام هادی (علیه السلام): ۸۸ نفر.

باب دوازدهم: اصحاب ابی محمد حسن بن علی (علیه السلام): نوزده نفر.

باب سیزدهم: راویان زن: ۳۰ نفر؛ هفت زن راوی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، یک زن راوی از امام علی (علیه السلام)، دو زن راوی از امام حسن (علیه السلام)، یک زن راوی از امام سجّاد (علیه السلام)، دو زن راوی از امام باقر (علیه السلام)، دوازده زن از اصحاب امام صادق (علیه السلام)، یک زن از اصحاب امام کاظم (علیه السلام)، یک زن از اصحاب امام رضا (علیه السلام)، یک زن از اصحاب امام جواد (علیه السلام) و دو زن از اصحاب امام هادی (علیه السلام).

باب چهاردهم: نام دوازده نفر از منکران خلافت ابوبکر که شش نفر آنها از انصار و شش نفر از مهاجران بوده اند. در این باب، جریان مناظره این عده با ابوبکر نیز نقل شده است.

چاپهای رجال برقی

با وجود اهمیت تاریخی کتاب *رجال برقی*، قدیمی ترین نسخه های خطی باقی مانده از این کتاب مربوط به سالهای ۱۰۲۱ و ۱۳۳۶ هجری هستند که هر دو در اختیار سید جلال الدین محدث ارموی بوده اند و دیگر نسخه ها، پس از این تاریخ نوشته شده اند.

مرحوم محدث اُرُمَوّی، بر اساس این نسخه‌ها، رجال برقی را تصحیح کرده و در سال ۱۳۸۳ هجری همراه با رجال/بن‌دود از سوی انتشارات دانشگاه تهران چاپ شد. تعداد عناوین رجال برقی در این چاپ، بالغ بر ۱۷۴۲ عنوان است.

چاپ دیگر این کتاب به سال ۱۴۱۹ هجری با تحقیق جواد قیومی اصفهانی در قم، در ۱۹۰ صفحه انجام پذیرفت و عناوین این کتاب در این چاپ، ۱۷۱۹ عنوان است. این چاپ، فهرستها و نمایه‌های مختلفی دارد که استفاده از محتوای کتاب را آسان می‌کند. اما متأسفانه اشتباهات بسیاری در مقدمه و متن کتاب مشاهده می‌شود.



جلسه سوم

آشنایی با کتاب رجال کشی

اهداف درس

آشنایی با:

✓ کشی؛

✓ کتاب/اختیار معرفة الرجال.

گفتار دوم: آشنایی با کتاب رجال کشی

یکی از اصول اولیهٔ رجالی شیعه و از جملهٔ چهار کتاب اصلی علم رجال، کتاب/اختیار معرفة الرجال، معروف به رجال کشی، است.

اکنون به معرفی مؤلف و اصل کتاب می‌پردازیم:

الف) آشنایی با مؤلف

هویت مؤلف

بی‌تردید نویسندهٔ این کتاب محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی با کنیهٔ ابوعمر و است و همان‌گونه که از نسبتش پیدا است او در کش^{۱۵۳}، دیده به جهان گشود. در جهان اسلام چندین منطقهٔ جغرافیایی به کش^{۱۵۴} معروف است. از میان آنها انتساب مؤلف این کتاب به دو منطقه، از شهرت بیشتری برخوردار است. یکی از این دو منطقه، شهری است در ماوراءالنهر، بین سمرقند و بلخ، که امروزه به شهر سبز مشهور است و در کشور ازبکستان قرار دارد و دیگری روستایی است در اطراف گرگان.

مرحوم میرداماد و محدث نوری به استناد گفتهٔ دو جغرافیدان بزرگ^{۱۵۵}، کشی را از اهالی شهر کش^{۱۵۶} در نزدیکی سمرقند دانسته‌اند و جمعی چون طریحی، زبیدی، خوانساری و مامقانی او را از اهالی روستای کش^{۱۵۷} در گرگان می‌دانند. آنها نام شهری را که در اطراف سمرقند قرار دارد گس (معرب کش) دانسته‌اند؛ از این رو

۱۵۳. با فتحهٔ «کاف» و تشدید «شین».

۱۵۴. اصطخری و ابن‌حوقل.

انتساب به آن شهر را به صورت کشی در عرف عرب صحیح نمی‌دانند. اما باید گفت احتمال درست بودن قول اول بیشتر است؛ زیرا:

اولاً: از یک سو بیشتر مشایخ درجه اول کشی و نیز عموم مشایخ دیگرش، به شهرهای ماوراءالنهر منسوب‌اند و از سوی دیگر علمای متعلق به نواحی گرگان برای تحصیل به شهرهای مرکزی مثل ری و بغداد سفر می‌کردند؛ از این رو، با توجه به تعلق اساتید کشی به ماوراءالنهر، به نظر می‌رسد او نیز زاده ماوراءالنهر باشد. ثانیاً: مهم‌ترین استاد کشی، محمد بن مسعود عیاشی، که تقریباً یک پنجم روایات کتاب رجال کشی از او است و در کتب رجال، کشی را تربیت‌شده او دانسته‌اند، متعلق به سمرقند است؛ بنابراین، به احتمال قوی کشی (شاگرد او) متعلق به شهر کش در نزدیکی سمرقند است.

ثالثاً: بنا به گفته میرداماد بیشتر راویان منسوب به کش در شیعه، متعلق به شهر کش در نزدیکی سمرقند واقع در ماوراءالنهر هستند و اکثر عالمان متعلق به کش در اهل سنت، متعلق به منطقه گرگان‌اند. بر این اساس، اصل اولیه در بین علمای متعلق به کش در شیعه، تعلق آنها به ماوراءالنهر است؛ بنابراین باید گفت که کشی نیز متعلق به آنجا است.^{۱۵۵}

تاریخ زندگی مؤلف

تاریخ ولادت و وفات کشی در منابع موجود ضبط نشده است. اما با توجه به دوران حیات اساتید مهم او همچون عیاشی و نیز شاگردانش همچون جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۸ هـ) چنین استفاده می‌شود که کشی از معاصران مرحوم کلینی است؛ بر این اساس، او در نیمه دوم قرن سوم و نیمه اول قرن چهارم هجری می‌زیست.

شرح حال رجال مؤلف

شیخ طوسی در الفهرست درباره کشی می‌گوید:

يُكْنَى أَبَاعَمْرٍو ثِقَّةٌ بَصِيرٌ بِالْأَخْبَارِ وَبِالرِّجَالِ حَسَنُ الْإِعْتِقَادِ، لَهُ كِتَابُ الرِّجَالِ، أَخْبَرَنَا بِهِ جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ التَّلْعُكَبَرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ أَبِي عَمْرٍو الْكَشِيِّ.^{۱۵۶}
کنیه او اباعمر و است. او ثقه و به حدیث و رجال آگاه بود. اعتقادات درستی داشت [امامی مذهب بود]، او صاحب کتاب رجال است که جماعتی آن را از ابومحمد تلکبری، از محمد بن عمر بن عبدالعزیز ابوعمر و کشی برای ما روایت کرده‌اند.

شیخ طوسی در کتاب الرجال خود علاوه بر بیان مطالب بالا متذکر می‌شود که او از شاگردان و دانش‌آموختگان محضر عیاشی است:

۱۵۵. برای مطالعه بیشتر ر.ک: خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۹۰؛ تعلیقه/اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۵.

۱۵۶. محمد بن حسن طوسی، الفهرست طوسی، سید عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ هـ اول، ص ۴۴۸، رقم ۷۱۴.

محمّد بن عمر بن عبد العزیز یکنی ابا عمر و الکشی، صاحب کتاب الرجال، من غلمان العیاشی [ثقة] بصیر بالرجال والأخبار مستقیم المذهب.^{۱۵۷}

محمد بن عمر بن عبد العزیز که کنیه اش ابا عمر کشی است، صاحب کتاب الرجال و از شاگردان عیاشی [ثقة] است، به رجال و اخبار آگاه و از جمله امامی مذهبان است.

نجاشی نیز درباره او می گوید:

كان ثقةً عیناً وروی عن الضعفاء كثيراً وصحب العیاشی وأخذ عنه تخرج علیه فی داره الّتی كانت مرتعاً للشیعة وأهل العلم. له کتاب الرجال كثير العلم وفيه أغلاط كثيرة. أخبرنا أحمد بن علي بن نوح وغيره عن جعفر بن محمد، عنه بكتابه.^{۱۵۸}

ثقه و عین [چهره و برجسته] بود و از ضعفا بسیار روایت می کرد. با عیاشی مصاحبت داشت و از او [دانش] آموخت و در منزل عیاشی، که محل رفت و آمد شیعیان و اهل علم بود، آموختن از او را به اتمام رسانید. او صاحب کتاب رجالی است که علم زیاد در آن نهفته است و در آن غلطهای زیادی [نیز] دیده می شود. کتاب کشی را احمد بن علی بن نوح و دیگران، از جعفر بن محمد، از کشی، برای ما روایت کرده اند.

از میان تعابیر فوق، عبارات «ثقة»، «بصیر بالأخبار وبالرجال»، «بصیر بالرجال والأخبار»، «كان ثقةً»، «عیناً» و «روی عن الضعفاء كثيراً»، وضعیت رجال کشی و عبارات «حسن الاعتقاد» و «مستقیم المذهب»، امامی مذهب بودن کشی و عبارات «من غلمان العیاشی»، «صحب العیاشی»، «أخذ عنه» و «تخرج علیه» طبقه او را نشان می دهد و نیز از میان تعابیری که گویای وضعیت رجالی کشی است عبارت «روی عن الضعفاء كثيراً» گویا نوعی ضعف و اشکال را متوجه او می کند. اما در این باره باید گفت: اولاً: تنها از نگاه قدما و آن هم محدثان قم، روایت از ضعفا نوعی قبح و ذم بوده است و مستند برخی تضعیفات آنان واقع شده است. اما این مسئله، از آنجا که یک امر اجتهادی است، با وثاقت فرد منافاتی ندارد؛ به عبارت دیگر روایت از ضعفا ضعیفی را متوجه خود فرد نمی کند و به وثاقت او ضربه نمی زند بلکه به این معنا است که فرد با وجود وثاقت در مقام دریافت حدیث، در اخذ از افراد ضعیف ابایی نداشته و احادیث آنان را نیز روایت کرده است؛ از این رو این دسته از عبارات به تنهایی ضعیفی را متوجه خود راویان نمی کند و دلیل تضعیف آنان محسوب نمی شود، بلکه تنها می تواند منشأ نوعی تشکیک در روایات آنان باشد؛ به این معنی که باید در مشایخ این اشخاص و مرویاتشان دقت کرد.

مولی عنایت الله قهپایی در بیان قبح نبودن این عبارت در عدالت کشی می گوید:

روایت کردن کشی از افراد ضعیف، ضرری به عدالت او نمی زند، چنان که از دقت در شرح حالش این نکته استفاده می شود و دلیل روایت کردن او از ضعفا میل و رغبت شدید به فراگیری حدیث بوده است.^{۱۵۹}

۱۵۷. محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، تحقیق سید محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۵ هـ ص ۴۹۷، رقم ۳۸.

۱۵۸. ابوالعباس احمد بن علی النجاشی الأسدی الکوفی، رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجان، ۱۴۱۸ هـ ششم، ص ۳۷۲.

۱۵۹. زکی الدین عنایت الله بن علی القهپایی، مجمع الرجال، الحاوی لذكر المترجمین فی اصول الخمس الرجالیه، تصحیح ضیاء الدین الإصفهانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، بی تا، هفت جلد در سه مجلد، ج ۶، ص ۱۰.

ثانیاً: مرحوم کشی اساتید بسیاری داشته است که بالغ بر پنجاه نفراند. از این مجموعه اساتید ۳۳ نفر ضعیف یا مهمل‌اند.^{۱۶۰}

مجموع روایات کشی در کتاب رجال از اساتیدش بالغ بر ۲۷۰ حدیث است. احادیث موجود کشی از مشایخ ضعیف و مهمل او تقریباً یک پنجم کل روایاتی است که به دست ما رسیده و در کتاب رجال او موجود است.^{۱۶۱}

با مقایسه تعداد روایات کشی از مشایخ ضعیف و مهمل و کل احادیث او در کتاب موجود باید گفت، نسبت میان آنها نسبتی نیست که بر اساس آن بتوان نتیجه گرفت که او از افراد ضعیف بسیار نقل می‌کند.^{۱۶۲} از میان اساتید کشی، عیاشی و نصر بن صَبَّاح بلخی از دیگران مهم‌تراند و بیشترین تعداد روایت کشی از آنان است و از میان شاگردان کشی نیز تنها نام سه نفر از آنها برای ما مشخص است؛ هارون بن موسی تَلَعُکَبَرِی (م ۳۸۵ هـ) که نامش در طریق شیخ طوسی به کتاب کشی در کتاب /فهرست شیخ آمده^{۱۶۳} و ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۸ هـ) که در طریق نجاشی به کتاب کشی در فهرست نجاشی از او یاد شده و حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی که نام او در فهرست شیخ طوسی آمده و گفته شده است که او از ابوعمرو کشی روایت می‌کند.

شایان ذکر است که برخی بر آن‌اند که کشی علاوه بر کتاب مذکور کتاب فهرست نیز داشته است؛ یعنی با وجود آنکه شیخ طوسی و نجاشی تنها از یک کتاب کشی یاد می‌کنند، اما او کتاب دیگری هم داشته است که در کتاب خود از آن با عنوان /فهرست یاد می‌کند. مؤلف ذیل نام فضل بن شاذان گفته است: این فرد نگاشته‌هایی دارد که نام برخی از آنها را در این کتاب و برخی را در کتاب فهرست می‌آورد؛^{۱۶۴} این عبارت قطعاً از اضافات شیخ طوسی در کتاب است و یا در حاشیه نوشته و سپس به وسیله کاتبان در متن وارد شده است.

۱۶۰. منظور از مهمل افرادی هستند که در کتب رجال سخنی در مدح یا ذم آنان نیامده است.

۱۶۱. این سخن به این معنی نیست که یک پنجم روایات کتاب ضعیف هستند و سایر روایات صحیح‌اند، بلکه اساتید بی‌واسطه کشی نیز در مواردی توثیق نشده‌اند و این نکته نیز خوب است مورد توجه قرار گیرد که بر اساس مبنای بسیاری از قدماء، نقل و نیز عمل کردن به روایاتی که امامی‌مذهبان غیرمذموم نقل کنند، جایز است.

۱۶۲. اگر گفته شود که کتاب موجود منتخب کتاب اصلی است و شیخ طوسی در گزینش خود روایات ضعیف را حذف کرده است و از این رو، نسبت ارائه‌شده که بر اساس کتاب فعلی است حکایتگر وضعیت کتاب اصلی نیست، در پاسخ باید گفت از یک سو قرینه‌های دال بر گزینش روایات صحیح وجود ندارد و از سوی دیگر باقی ماندن روایات ضعیف دال بر تصمیم نداشتن بر حذف روایات ضعیف است.

۱۶۳. شیخ طوسی، /فهرست، ص ۱۴۱.

۱۶۴. شیخ طوسی، /اختیار معرفة الرجال، تحقیق میرداماد و محمدباقر حسینی و مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام)، ۱۴۰۴ هـ، ص ۵۴۵؛ وَقِيلَ: إِنَّ لِفَضْلِ مَائَةَ وَسِتِّينَ مُصَنَّفًا، ذَكَرْنَا بَعْضَهَا فِي كِتَابِ /فهرست.

(ب) آشنایی با تألیف

نام کتاب

در منابع رجالی به دو گونه از کتاب *رجال کشی* یاد شده است. شیخ طوسی و نجاشی ذیل نام کشی با تعبیر «له کتابُ الرجال» از این تألیف یاد کرده‌اند و ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۰ هـ) این کتاب را «معرفة الناقلين من الأئمة الصادقين» خوانده است.^{۱۶۵} شیخ طوسی نیز در *الفهرست* ضمن برشمردن تألیفات خود از این کتاب با نام «اختیار الرجال» یاد می‌کند.^{۱۶۶} این کتاب در حال حاضر با عنوان *اختیار معرفة الرجال* چاپ شده است.

در حقیقت کتاب موجود، کتاب اصلی نیست، بلکه گزیده شیخ طوسی از آن است. این مطلب از نام‌گذاری کتاب از سوی شیخ طوسی به *اختیار الرجال* نیز، فهمیده می‌شود.

شیوه دست‌یابی به کتاب

این کتاب به طور کامل به دست نجاشی و شیخ طوسی رسیده است. نجاشی به صورت اجازه به این کتاب طریق دارد و شیخ طوسی نیز آن را سماع کرده است؛ اما اصل این کتاب به دست ما نرسیده و تنها تلخیص آن، یعنی کتاب *اختیار الرجال* تألیف شیخ طوسی، در دست است. گزیده شیخ طوسی از کتاب *رجال کشی* از همان اوان تألیف، جایگزین اصل کتاب شد. به طوری که ابن طاووس و علامه حلی نیز همین کتاب را *رجال کشی* دانسته و از آن با عنوان *رجال کشی* یاد کرده‌اند.^{۱۶۷}

شیوه گزینش و تلخیص کتاب *رجال کشی* از سوی شیخ طوسی که در نهایت به مفقود شدن پاره‌ای از محتویات کتاب کشی انجامیده، مورد بحث رجالیان قرار گرفته است. درباره چگونگی این گزینش چندین نظریه ارائه شده است:

۱- برخی معتقدند اصل کتاب کشی، هم روایاتی درباره راویان شیعی و هم روایاتی درباره راویان اهل سنت دربرداشته و شیخ طوسی در تلخیص و گزینش خود، راویان سنی‌مذهب را حذف کرده است. اما با توجه به اینکه نام برخی راویان اهل سنت در گزیده طوسی وجود دارد،^{۱۶۸} می‌توان نتیجه گرفت از یک سو مبنای شیخ طوسی گزینش راویان شیعی نبوده و از سوی دیگر نمی‌توان گفت که در اصل کتاب کشی راویان غیرامامی، که از ائمه (علیهم السلام) روایت نکرده‌اند، وجود داشته است.

۱۶۵. بحث بیشتر از این نام خواهد آمد.

۱۶۶. شیخ طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، پیشین، ص ۱۵۹.

۱۶۷. لازم به ذکر است در اینکه علامه حلی از اصل *رجال کشی* یا گزیده طوسی استفاده کرده است، اختلاف نظر وجود دارد. نقل قولهای علامه از کشی در خلاصة الأقول را که امروزه در *اختیار الرجال* وجود ندارد شاهدهی بر استفاده او از اصل کتاب دانسته‌اند. اما این موارد بسیار اندک است و استفاده از اصل کتاب را اثبات نمی‌کند.

۱۶۸. کسانی که از ائمه (علیهم السلام) حدیث نقل کرده‌اند.

۲- نجاشی در شرح حال کشی کتاب رجال او را این گونه توصیف می‌کند: «فيه أغلاطٌ كثيرة».^{۱۶۹} بر اساس این گفته، برخی معتقدند که شیخ طوسی قصد تهذیب و پاک‌سازی کتاب از این اشتباهات را داشته است. اما هم‌اینک نیز برخی اشتباهات در تلخیص رجال کشی وجود دارد که شاهدهی بر عدم تهذیب کامل کتاب است. علامه محمدتقی مجلسی، مراد از اشتباهات زیاد را وجود روایاتی دانسته که در ظاهر با یکدیگر متعارض اند و شیخ طوسی در گزینش خود این گونه روایات را حذف کرده است. اما این گفته با ظاهر تعبیر «فيه أغلاطٌ كثيرة» سازگاری ندارد.

مرحوم قهپایی ادعا کرده که از بررسی کتاب چنین برمی‌آید که اشتباهات در اصل کتاب نبوده و از قلم تلخیص‌کنندگانی مثل شیخ طوسی و غیر او ناشی شده است.

بسیار عجیب است که منظور از «فيه أغلاطٌ كثيرة» در سخن نجاشی اشتباهات تلخیص‌کننده، یعنی شیخ طوسی، باشد؛ زیرا داوری نجاشی درباره کتاب بر اساس تلخیص شیخ طوسی نیست، بلکه او خود به اصل کتاب کشی دسترسی داشته است و این قضاوت بر اساس نسخه اصلی است.

۳- برخی معتقدند اصل کتاب بر اساس طبقات بوده و نام راویان هر امام به تفکیک بیان شده است؛ زیرا: اولاً: نجاشی در موارد متعددی گفته است که کشی فلان راوی را در اصحاب فلان امام نام برده است.^{۱۷۰} برای مثال نجاشی درباره حسن بن علی بن فضال می‌گوید:

لَمْ يَذْكُرْهُ أَبُو عَمْرٍو الْكَشِّيُّ فِي رِجَالِ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ... وَذَكَرَهُ أَبُو عَمْرٍو فِي أَصْحَابِ الرِّضَا (عليه السلام) خَاصَّةً.^{۱۷۱}

ثانیاً: با وجود آنکه عناوین ابواب مربوط به طبقات حذف شده، اما باز هم ترتیب راویان تا حدودی به شکل خود باقی است. بدین ترتیب که کتاب از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) چون سلمان، ابوذر و مقداد شروع می‌شود و سپس از اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام)، همچون جُزَ بن عَدِي رَمِيلَه، أَصْبَغ بن نُبَاتَه، المَهْدِي مَوْلَى عَثْمَانَ و سَلِيم بن قَيْس نام برده می‌شود و این روند ادامه می‌یابد.

۴- شرح حال برخی از راویان شیعی به طور کامل حذف شده است. برای مثال نجاشی درباره حسین بن اَشْكِيْب می‌گوید:

ذَكَرَهُ أَبُو عَمْرٍو فِي رِجَالِهِ فِي أَصْحَابِ أَبِي الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَسْكَرِيِّ (عليه السلام) ... وَقَالَ الْكَشِّيُّ: «هُوَ قَمِي خَادِمُ الْقَبْرِ».^{۱۷۲}

در حالی که در کتاب/اختیار معرفة الرجال اصلاً نام حسین بن اَشْكِيْب نیامده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در هنگام گزینش، طوسی نام برخی صاحبان شرح حال را حذف کرده است.

۵- برخی روایات در شرح حال راویان حذف شده است. قرینه حذف روایات، وجود برخی تعلیقات در اسناد است که به کمک اسناد، پیشین برطرف نمی‌شود. گویا پیش از سند تعلیق‌دار، سند دیگری بوده که از طریق آن تعلیق رفع می‌شد ولی اکنون آن سند و روایات مربوط به آن حذف شده است.

۱۶۹. در کتاب او اشتباهات بسیاری است.

۱۷۰. ن.ک: احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۲۶، شماره ۴۹؛ همان، ص ۱۶، شماره ۱۸؛ همان، ص ۳۴ و ۳۶، شماره ۷۲؛ همان، ص ۱۹۷، شماره ۵۲۴ و همان، ص ۳۳۱، شماره ۸۹۰۳.

۱۷۱. همان، ص ۳۴ و ۳۶.

۱۷۲. همان، ص ۴۴.

برای مثال در آغاز سندی آمده است: «عليُّ بنُ الحَكَم، عن سَيْفِ بنِ عَمِيرَةَ عن أَبِي بَكْرِ الحَضْرَمِيِّ»^{۱۷۳}. با توجه به اسناد دیگر می‌دانیم که علی بن حکم از اساتید کشی نیست و کشی حداقل با دو واسطه از او نقل می‌کند؛ از این رو، در این سند تعلیق^{۱۷۴} وجود دارد و این تعلیق از طریق اسناد پیشین رفع نمی‌شود. ۶- از برخی تعبیرات رجالیان چنین استفاده می‌شود که این کتاب، فهرست تألیفات برخی از صاحبان شرح حال را در بر داشته که در اثر گزینش حذف شده‌اند.^{۱۷۵} برای مثال دربارهٔ ابویحیی جرجانی آمده: «سَنَدُ كُرْبُ بَعْضُ مَصْنَفَاتِهِ»^{۱۷۶} ولی نامی از مصنفات او در کتاب نیامده است.

در مجموع با توجه به آن دسته از نقل قولهای نجاشی و شیخ طوسی از کشی که امروز در اختیار معرفه الرجال وجود ندارد چنین استفاده می‌شود که شیوهٔ گزینش شیخ طوسی به یک نظریه از موارد فوق منحصر نمی‌شود و شیخ طوسی علاوه بر پیراستن رجال کشی از برخی اشتباهات، طبقات راویان ائمهٔ اطهار (علیهم السلام)، همچنین برخی روایات که در شرح حال راویان آمده بوده و نیز فهرست کتب و تألیفات برخی راویان را حذف کرده است.

میزان اعتبار آرای کشی

این کتاب از ابتدای تألیف تا کنون مورد توجه رجالیان بوده، حتی ابن حجر در لسان المیزان در ۷۸ مورد از کتاب کشی نقل کرده است. اگرچه به صراحت در کلمات بزرگان رجالی به میزان اعتبار آرای کشی، به ویژه هنگام تعارض با آرای دیگر رجالیان، پرداخته نشده، اما در چند مورد، نظر او بر آرای نجاشی و دیگران مقدم داشته شده است. برای مثال علامه حلی و ابن داود، محمد بن ولید خزاز را بر اساس کلام کشی، فَطَحِي و ثَقَّة دانسته‌اند، در حالی که رأی نجاشی بیانگر صحت مذهب و امامی بودن او است.^{۱۷۷} کشی می‌گوید:

في محمد بن الوليد الخزاز ومعاوية بن حكيم ومصدق بن صدقة ومحمد بن سالم بن عبد الحميد قال أبو عمرو: هؤلاء كلهم فطحية، وهم من أجلة العلماء والفقهاء والعُدُول، وبعضهم أدرك الرضا (عليه السلام) وكلهم كوفيون.^{۱۷۸}

نجاشی می‌گوید:

ثَقَّةٌ، عَيْنٌ، نَقِيُّ الْحَدِيثِ، ذَكَرَهُ الْجَمَاعَةُ بِهَذَا، رَوَى عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ وَحَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ وَمَنْ كَانَ فِي طَبَقَتَيْهِمَا وَعَمَرَ حَتَّى لَقِيَهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ وَسَعْدُ. لَهُ كِتَابُ

۱۷۳. شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۱۱.

۱۷۴. حذف یک یا چند راوی پشت سر هم از ابتدای سند حدیث را تعلیق می‌گویند.

۱۷۵. محمدتقی تستری (شوشتری)، قاموس الرجال فی تحقیق رواة الشيعة ومحدثيهم، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۰ هـ دوم، ج ۱، ص ۵۹.

۱۷۶. شیخ طوسی، پیشین، ص ۵۳۳.

۱۷۷. حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی (علامه)، خلاصة الأقال، تحقیق سید محمدصادق بحر العلوم، نجف، الطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ هـ اول، ص ۲۵۳، شماره ۸۶۷.

۱۷۸. شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، پیشین، ص ۵۶۳.

نَوَادِرُ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَابَادِيُّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ، عَنْهُ بَيِّنَاتُهُ.^{۱۷۹}

علامه حلی رأی کشی را بر رأی نجاشی مقدم داشته است و نیز ابن داود درباره او می گوید:

أَبُو جَعْفَرٍ الْكَوْفِيُّ [جش] ثَقَّةٌ عَيْنٌ نَقِيٌّ الْحَدِيثِ رَوَى عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ وَحَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ وَمَنْ فِي طَبَقَتِهِمَا، وَعَمَرَ حَتَّى لَقِيَهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ وَسَعْدُ لَكِنْ [کش] قَالَ: إِنَّهُ فَطَحِي.^{۱۸۰}

همان گونه که دیده می شود علامه حلی، سخن کشی دال بر فطحی بودن محمد بن ولید را با تعبیر «لکن» می آورد که اشاره به ضعف این نظر دارد. همچنین ابن داود و حتی علامه حلی در مورد معاویه بن حکیم، رأی کشی را بر رأی نجاشی مقدم داشته اند.^{۱۸۱} موارد دیگری از تعارض آرای کشی با دیگران نیز وجود دارد که قابل بررسی است.^{۱۸۲}

خصوصیات ساختاری رجال کشی

از آنجا که اصل کتاب رجال کشی به دست ما نرسیده و تنها تلخیص آن، یعنی *اختیار الرجال* شیخ طوسی، در دست است، تشریح و توصیف دقیق خصوصیات ساختاری و محتوایی اصل کتاب ممکن نیست. هرچند با شواهد باقی مانده می توان خصوصیات کلی و اجمالی آن را دریافت.

ساختار کلی کتاب موجود و اصل آن، روایی است، یعنی داوریهای رجالی منقول در قالب حدیث، مشتمل بر متن و سند بیان شده است و در مجموع کتاب کنونی ۱۱۵۱ روایت درباره حدود ۵۲۰ راوی را دربردارد. کتاب فعلی فاقد مقدمه است و در ابتدای آن، در قالب حدیث، تعریفی از محدث، اهمیت حدیث و خطوط کلی مباحث ارائه شده در کتاب و سپس به مباحث رجالی و بررسی راویان پرداخته است. این کتاب به هفت جزء^{۱۸۳} تقسیم شده که منطق خاصی در این تقسیم بندی مد نظر نبوده است و گویا کشی کتاب خود را در هفت دفتر، جداگانه تدوین کرده و هر جزء فعلی نمایانگر گزیده آن دفتر است و یا این هفت دفتر املائی شیخ طوسی در جلسات مختلف است و کتاب بر اساس جلسات تنظیم شده است. در مجموع، این هفت جزء با وجود فقدان عناوین تقسیم بندیهای طبقاتی، از ساختار طبقاتی برخوردار است و چینش راویان بر اساس زمان و طبقه از ابتدا تا به انتهای کتاب کم و بیش جاری است.

به هر حال این کتاب بر اساس شیوه های متداول در ترتیب مباحث کتابهای رجالی تألیف نشده و در موارد بسیاری روایات مربوط به یک راوی در جاهای مختلف نقل شده است، برای مثال روایاتی که درباره عمر بن الحکم الخزاعی آمده، در کتاب پراکنده است. برای تسهیل در مراجعه و استفاده، فهرستهایی از مطالب کتاب

۱۷۹. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۳۴۵. تصریح نکردن بر مذهب راوی از سوی نجاشی در رجالش را دال بر صحت مذهب راوی دانسته شده است.

۱۸۰. حسن بن علی حلی، *رجال ابن داود*، تحقیق محمدصادق آل بحر العلوم، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲ هـ، ص ۵۱۳.

۱۸۱. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۳۴۵، شماره ۹۳۱.

۱۸۲. برای شناخت این موارد، ر.ک: *بازشناسی منابع رجالی شیعه*، از همین نگارنده و محمدرضا جدیدی نژاد، مرکز تحقیقات دارالحديث.

۱۸۳. اصطلاحاً به هر قسمت و بخش از کتاب حدیثی یا رجالی، جزء گفته می شود.

فراهم شده است؛ بنابراین، برای یافتن اطلاعات باید به یکی از فهرستهای آیات، رجال، اقوام و قبایل، ملل و نحل، اماکن و بلاد، مطالب و موضوعات و اشعار که در انتهای کتاب وجود دارد، مراجعه کرد.

خصوصیات محتوایی

الف) مبنای داوریهای رجالی

همان گونه که پیش تر گفتیم داوریهها در این کتاب همراه با بیان روایاتی دربارهٔ راوی است. در این کتاب سه دسته از راویان با خصوصیات زیر مورد توجه قرار گرفته اند:

۱- **راویان شیعه:** شرح حال این عده بیشترین حجم کتاب را به خود اختصاص داده است. مراد از شیعه تمامی کسانی هستند که امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را قبول دارند؛ از این رو فرقه‌های زیدیه، کیسانیه، فطحیه، ناووسیه، واقفیه، اسماعیلیه، امامیه و غالیان از راویان شیعه محسوب شده‌اند و راویان بسیاری از این فرقه‌ها در این کتاب نام برده شده‌اند و شرح حال آنان آمده است؛ مثلاً بخش مبسوطی به غالیان اختصاص داده شده و گاه مذهب آنان به عنوان باب خاصی قرار گرفته است و یا باب خاصی در کتاب به فرقهٔ زیدیه اختصاص یافته است.^{۱۸۴}

۲- **راویان سنی:** شرح حال جمعی از راویان سنی مذهب که از ائمه نقل کرده‌اند، چون محمد بن اسحاق و سفیان ثوری و ... در این کتاب آمده است.

۳- **راویان زن:** شرح حال برخی راویان زن، همچون سَعیده مولاة جعفر (علیه السلام) و أم خالد و حَبَابَة وَاَلِیَّه، به صورت مستقل آمده است و برخی از همسران پیامبر چون أم سلمه و عایشه در ضمن شرح حال دیگران نام برده شده‌اند.

اخبار و روایاتی که کشی در شرح حال اشخاص نقل کرده، چند گونه است؛ برخی از روایات ائمه (علیهم السلام) دربارهٔ راوی است و متن حدیث، خود به طور مستقیم ارزش رجالی دارد و مطلبی مبتنی بر وثاقت و ضعف راوی در آن آمده است.

برای مثال دربارهٔ یونس بن عبدالرحمان گفته شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ مُسْعُودٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ نُصَيْرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنُ الْمُعْتَمِدِ الْقُمِيُّ، قَالَ: مُحَمَّدُ بْنُ نُصَيْرٍ، قَالَ: مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى، وَحَدَّثَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ، بِذَلِكَ أَيْضًا، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي لَا أَكَادُ أَصِلُ إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ عَنْ كُلِّ مَا أحتاجُ إِلَيْهِ مِنْ مَعَالِمِ دِينِي، أَفِيونسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ثِقَةٌ أَخَذَ عَنْهُ مَا أحتاجُ إِلَيْهِ مِنْ مَعَالِمِ دِينِي؟ فَقَالَ: نَعَمْ.

حسن بن علی بن یقطین می گوید به امام رضا (علیه السلام) گفتم: جانم فدایت، گاهی به شما دسترسی ندارم تا از مسائل دین که به آن نیازمندم سؤال کنم؛ آیا یونس بن عبدالرحمان ثقه است تا مسائل دینم را که به آن نیاز دارم از او بگیرم؟ امام فرمودند: بله.

یا دربارهٔ مغیره بن سعید آمده است:

۱۸۴. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، پیشین، ص ۲۲۸.

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ قَوْلَوَيْهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى، عَنْ أَبِي يَحْيَى، عَنْ أَبِي يَحْيَى زَكَرِيَّا بْنِ يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنْ عَبْدِ بْنِ عَبْدِ عَنْ أَخِيهِ جَعْفَرِ بْنِ عِيسَى وَأَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ، قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «كَانَ الْمُغِيرَةُ بْنُ سَعِيدٍ يَكْذِبُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حَرَّ الْحَدِيدِ».^{۱۸۵}

ابویحیی واسطی نقل می کند که امام رضا (علیه السلام) فرمود: مغیره بن سعید بر امام باقر (علیه السلام) دروغ می بست. خداوند آتش دوزخ را بر او بچشاند.

دسته ای دیگر از روایات معصوم (علیه السلام) نیز در ارتباط با راوی وارد شده که در موضوعی غیر از وثاقت و ضعف راوی سخن می گوید و به طور مستقیم استفاده رجالی ندارند. اغلب روایات کتاب کشی از این دسته است.

برای مثال درباره عبدالله بن شریکداری می آورد:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْوَشَاءُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ، عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ الْجَمَّالِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: إِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ فِي إِسْمَاعِيلَ أَنْ يَبْقِيَ بَعْدِي قَائِبِي، وَلَكِنَّهُ قَدْ أَعْطَانِي فِيهِ مَنْزِلَةً أُخْرَى، إِنَّهُ يَكُونُ أَوَّلَ مَنْشُورٍ فِي عَشْرَةِ مَنْ أَصْحَابِهِ وَمَنْهُمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَرِيكٍ وَهُوَ صَاحِبُ لُؤَائِهِ.^{۱۸۶}

ابوخدیجه جمال می گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) فرمود: من از خداوند خواستم اسماعیل را پس از من باقی گذارد. خداوند درخواست مرا اجابت نکرد ولی محققاً به خاطر صبر من مقام دیگری به من داد. در میان ده نفر از اصحاب امام اسماعیل نخست از همه منشور خواهد شد و عبدالله بن شریکه که پرچمدار حضرت است، در میان این ده تن است.

درباره سلمان فارسی نیز می آورد:

جَبْرِيلُ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ خُرَزَادَةَ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ بْنُ أَصْبَاطٍ، قَالَا: حَدَّثَنَا الْحَكَمُ بْنُ مِسْكِينٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ صَهْبِيبٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: ذُكِرَ عِنْدَهُ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَهْ لَا تَقُولُوا سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ وَلَكِنْ قُولُوا: سَلْمَانَ الْمُحَمَّدِيَّ، ذَلِكَ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ.

حسن بن صهیب می گوید: نزد امام صادق (علیه السلام) از سلمان فارسی نامی به میان آمد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «خاموش باش. نگویند سلمان فارسی، بگویند سلمان محمدی؛ چه اینکه سلمان از ما اهل بیت است».

در مواردی نیز روایات به نقل از راویان دیگر است و منقول از معصوم (علیه السلام) نیست. این گونه روایات در اصطلاح حدیثی موقوف و مقطوع نامیده می شوند. برای مثال در یکی از روایات کتاب کشی در احوال نه تن از راویان، از استادش ابونصر محمد بن مسعود سؤال کرده است.^{۱۸۷}

۱۸۵. همان، ص ۲۲۲.

۱۸۶. همان، ص ۲۱۷.

۱۸۷. همان، ص ۵۳۰.

در آغاز برخی از اسناد «قال أبو عمرو» دیده می‌شود و نشان‌دهنده این است که شاگردان کشی پس از استنساخ کتاب، مطالبی را از بیانات شفاهی کشی أخذ و به نسخه خود اضافه کرده‌اند. علاوه بر این، وجود واژگان تحدیث، از جمله «حدثنی»، در آغاز اسناد، بیانگر طرق تحمل کشی است. طریق تحمل کشی در اغلب احادیث سماع و قرائت بوده است. کشی ذیل برخی از اخبار به توضیح یا بیان فساد سند روایت و یا جمع بین روایات متعارض پرداخته است.^{۱۸۸} در موارد نادری هم خود، به اظهار نظر درباره روای پرداخته است.^{۱۸۹} درباره روایات کشی باید گفت که اسناد روایات لازم است بررسی شود. زیرا مبنای کشی در این کتاب بر تمیز روایات صحیح و سقیم نبوده است و همه روایات موجود درباره یک شخص را بدون توجه به صحت و سقم آنها آورده است. از این رو شهید ثانی درباره این کتاب می‌گوید: «وَعَلَى النَّازِلِ طَلَبُ الْحُكْمِ مِنْ غَيْرِهِ»؛ بر استفاده‌کننده لازم است که حکم توثیق و تضعیف را در غیر این کتاب بجوید.

ب) اصحاب اجماع

یکی از مسائل مرتبط با رجال کشی قاعده توثیق عام اصحاب اجماع است. سه عبارت از مرحوم کشی منشأ نظریه رجالی مهمی شده است که به نام اصحاب اجماع شهرت دارد. این نظریه از توثیقات عام محسوب می‌شود که بنا بر برخی آراء، جمعی بر این اساس با عنوان کلی و نه با نام و عنوان خاص، توثیق می‌شوند. عبارت اول کشی، در مقام نام بردن از فقهای اصحاب امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) است و کشی این‌گونه آنان را عنوان می‌کند:

فِي تَسْمِيَةِ الْفُقَهَاءِ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ الْكَشِّي: اجْتَمَعَتِ الْعِصَابَةُ عَلَى تَصْحِيحِ هَؤُلَاءِ الْأَوَّلِينَ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) وَأَنقَادُوا لَهُمْ بِالْفَقْهِ، فَقَالُوا: أَفْقَهُ الْأَوَّلِينَ سِتَّةً.

سپس نام شش تن از اصحاب این دو امام را ذکر کرده است.^{۱۹۰}

در عبارت دوم، شش نفر از اصحاب امام صادق (عليه السلام) را با این تعبیر نام برده شده‌اند:

أَجْمَعَتِ الْعِصَابَةُ عَلَى تَصْحِيحِ مَا يَصِحُّ مِنْ هَؤُلَاءِ وَتَصْدِيقِهِمْ لِمَا يَقُولُونَ وَأَقْرَبُوا لَهُمْ بِالْفَقْهِ مِنْ دُونِ أَوْلَئِكَ السِّتَةِ الَّذِينَ عَدَدْنَاهُمْ وَسَمَّيْنَاهُمْ.

در عبارت سوم، شش نفر از اصحاب امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام) با این تعبیر آمده‌اند:

فِي تَسْمِيَةِ الْفُقَهَاءِ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي إِبْرَاهِيمَ وَأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَجْمَعَ أَصْحَابُنَا عَلَى تَصْحِيحِ مَا يَصِحُّ عَنْ هَؤُلَاءِ وَتَصْدِيقِهِمْ لِمَا يَقُولُونَ وَأَقْرَبُوا لَهُمْ بِالْفَقْهِ وَالْعِلْمِ.

البته با اختلاف در برخی نامها و تردید در جایگزینی برخی از آنان، در مجموع نام ۱۵ نفر بدون اختلاف و

۲۲ نفر با احتساب موارد اختلاف آورده شده است.

۱۸۸. همان، ص ۴۵۰، شماره ۸۴۷؛ همان، ص ۱۴۸، شماره ۲۳۵ و نیز ذیل شماره ۵۹۱، شماره ۶۷۵، شماره ۸۳۱، شماره ۴۹۷، شماره ۹۵۵.

۱۸۹. همان، ص ۵۶۳، شماره ۱۰۶۲.

۱۹۰. همان، ص ۲۳۸، شماره ۴۳۱.

۱۹۱. همان، ص ۳۷۵، شماره ۷۰۵.

۱۹۲. همان، ص ۵۵۶، شماره ۱۰۵۰.

در برداشت از این سه تعبیر کُشی، نظریه‌های مختلفی بیان شده و رساله‌های مستقلی نگاشته شده است.^{۱۹۳}

مشکلات استفاده از رجال کُشی

الف) مشکل اسناد روایات

- مشکلاتی که در ادامه از آنها سخن می‌گوییم در اسناد روایات رجال کُشی به چشم می‌خورد:
- ۱- **مرسلات:** تعداد قابل توجهی حدیث مرسل به خصوص در نیمه اول کتاب کُشی مشاهده می‌شود.
 - ۲- **تعلیقات:** برخی تعلیق اسناد در کتاب وجود دارد که از طریق اسناد قبلی رفع نمی‌شوند. به نظر می‌رسد که این مشکل در اثر گزینش شیخ طوسی و حذف پاره‌ای از روایات رخ نموده است.
 - ۳- **رجال غریب و اسناد مفرد:** برخی از راویان روایات تنها نامشان در اسناد روایات کُشی آمده است و در کتب روایی و رجال نامی از آنان نیست. به عنوان نمونه برخی از مشایخ کُشی هستند که امروز برای ما مجهول‌اند و اطلاعاتی از وضعیت رجال آنان نداریم.
 - ۴- **ضعف پاره‌ای از اسناد:** این مسئله نیازمند بررسی رجالی تک تک اسناد است.

ب) مشکل استخراج اطلاعات از کتاب

- برای استخراج اطلاعات کتاب با مشکلات زیر روبه‌رو هستیم:
- ۱- **پراکندگی اطلاعات مربوط به یک راوی:** در موارد زیادی اطلاعات مربوط به یک شخص ذیل عنوان افراد دیگر وجود دارد و به صورت انسجام‌یافته و یکجا یافت نمی‌شود. یکی از علل اصلی این دشواری، روش حدیثی کتاب و استفاده نکردن از شیوه تقطیع است؛ زیرا در تعداد زیادی از احادیث، جمعی از رجال با هم مورد توجه قرار گرفته‌اند و این مسئله در مواردی تکرار حدیث از سوی کُشی را به همراه داشته و در مواردی که تکرار صورت نگرفته موجب پراکنده شدن اطلاعات مربوط به یک شخص ذیل عناوین افراد دیگر شده است.
 - ۲- **ارائه ندادن جمع‌بندی نهایی درباره وضعیت رجال راویان:** در بسیاری از موارد کُشی روایاتی در مدح و قدح راویان می‌آورد، ولی در نهایت درباره وثاقت و ضعف یک راوی داور می‌کند.
 - ۳- **تصحیف:** در موارد متعددی اسما، القاب و کنیه‌ها دچار تصحیف شده‌اند و به واژگان مشابه تغییر یافته‌اند.
 - ۴- **منطبق نبودن عنوان با محتوا:** در موارد متعددی ذیل نام یک شخص روایاتی آمده که فرد مزبور تنها در سند آن روایت واقع شده است و محتوای آن روایت اصلاً با راوی صاحب عنوان، مرتبط نیست و یا روایاتی آمده است که نقش چندانی در روشن شدن وضعیت رجالی راوی ندارد و وثاقت و ضعف راوی از آن فهمیده نمی‌شود.

^{۱۹۳} اعتبار و دلالت ادعای فوق از سوی کُشی، در تمامی کتابهای رجالی مورد بحث قرار گرفته است. برای اطلاع از این نظریه‌ها و مبانی به کُتب که مفصل‌تر به این مباحث پرداخته‌اند، مراجعه کنید.

اهمیت و امتیازات رجال کشی

الف) تقدّم زمانی

تقدیم زمانی و بی‌بدیل بودن اطلاعات موجود در این کتاب آن را در جایگاه مهمی نسبت به کتب رجال دیگر قرار داده است، به گونه‌ای که شیخ طوسی علی‌رغم تدوین دو کتاب رجال، گزیده این کتاب را تدریس می‌کند.

ب) مستند بودن کتاب

ارائه مستندات داوریهی رجال از احادیث و روایات در این کتاب، نشان‌دهنده این است که قواعد و اصول رجال در شیعه اصالت دارد و عالمان شیعه در دوران ائمه (علیهم السلام) با استفاده از رهنمودهای معصومان (علیهم السلام) و هم‌عصران راویان، داوری رجال می‌کردند.

ج) گستره اطلاعات

وجود اطلاعاتی درباره مذهب، قبایل و بلاد راویان از ویژگیهای خاص این کتاب است.

د) وجود مستندات وثاقت و تضعیف

داوریهی رجال در این کتاب در بستر مسائل، حوادث و سخنان معاصران شکل می‌گیرد بدین ترتیب علاوه بر بیان وثاقت یا ضعف دلیل آن نیز در خلال مسائل، مطرح می‌شود. این شیوه به محققان اجازه می‌دهد که خود با تصمیم‌گیری درباره روا و ناروا بودن دلیل وثاقت و تضعیف، به داوری رجال بپردازند.

کتابهایی بر محور رجال کشی

از آنجا که استفاده از رجال کشی (اختیار معرفة الرجال شیخ طوسی) به سبب نداشتن نظم و ترتیب خاص در شرح حال راویان مشکل است، عده‌ای ترتیب و تنظیم این کتاب را عهده‌دار شده‌اند، همچنان که برخی به حاشیه‌نویسی و گزینش از این کتاب پرداخته‌اند. در مجموع تألیفاتی که به نوعی به ارائه این کتاب می‌پردازند عبارت‌اند از:

الف) حل الإشکال فی معرفة الرجال

این کتاب تألیف سید احمد بن طاووس (م ۶۷۳ ه) است. او نخستین کسی بود که کتابی جامع مشتمل بر مصادر اولیه رجال،^{۱۹۴} تألیف کرد. ابن طاووس عبارات این اصول پنج‌گانه را به ترتیب الفبای نام راویان تنظیم

۱۹۴. الفهرست، رجال شیخ طوسی، رجال نجاشی، کتاب الضعفاء ابن غضائری و اختیار الرجال.

و نقل کرده است. از این رو، باید او را اولین مرتب‌کننده/اختیار معرفه الرجال دانست. لازم به ذکر است که او گزیده‌ای از منقولات رجال کشی را ارائه کرده و عین الفاظ احادیث را نیاورده است. البته این کتاب نقایصی دارد که اکنون مجال شرح آن نیست. اصل این کتاب به صورت کامل به دست ما نرسیده و تنها گزیده‌هایی از آن موجود است که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

ب) التحریر الطاووسی

مرحوم شیخ حسن بن زین‌الدین عاملی فرزند شهید معرفه ثانی، مشهور به صاحب معالم (م ۱۰۱۱ هـ)، از کتاب حل الإشکال مرحوم ابن طاووس، منقولات او از اختیار معرفه الرجال را گزینش کرده و آن را التحریر الطاووسی لکتاب الاختیار من کتاب أبی عمرو الکشی نام نهاده است. تمامی منقولات اختیار معرفه الرجال همراه با نواقصی که در کتاب حل الإشکال بوده در این کتاب نقل شده است. علاوه بر آن، حواشی و توضیحات مؤلف درباره اسناد روایات و مطالب دیگری نیز در این کتاب وجود دارد.

ج) ترتیب الکشی

مولی عنایت‌الله قهپایی مؤلف کتاب مجمع الرجال (قرن ۱۱ هـ) پیش از تألیف کتاب جامع خود، ترتیبی از کتاب اختیار معرفه الرجال بر اساس الفبای اسامی فراهم آورد. او در سال ۱۰۱۱ هجری تألیف این کتاب را به پایان رساند. او همچنین حواشی و تعلیقاتی بر این کتاب نگاشته است.

د) مجمع الرجال

مرحوم قهپایی پس از تألیف ترتیب کشی و ترتیب دیگر کتابهای اصلی رجال، همه منقولات این کتابها را کنار هم قرار داد و کتاب مجمع الرجال را فراهم آورد. تألیف این کتاب در سال ۱۰۶۶ هجری به پایان رسید. این کتاب در هفت جلد با تحقیق آقای ضیاءالدین علامه چاپ شده است.

هـ) ترتیب کشی

شیخ داود بحرانی (قرن ۱۲ هـ) کتاب اختیار معرفه الرجال را با ترتیب کامل اسامی مرتب کرده است.

و) تعلیقه رجال الکشی

مرحوم میرداماد (م ۱۰۴۰ هـ) تعلیقه‌ای بر کتاب اختیار الرجال نوشت که به آن شرح هم گفته شده است. البته او موفق به اتمام این تعلیقه نشد و دو جزء پایانی کتاب تعلیقه ندارد. این کتاب در دو جلد با تحقیق آقای سید مهدی رجایی چاپ شده است.

ز) منتخب الرجال

سید محمدعلی شاه عبدالعظیمی (م ۱۳۳۴ هـ) چهار جلد کتاب به صورت گزیده‌هایی از کتب اصلی رجال نگاشته که جلد دوم آن منتخبی از /اختیار معرفة الرجال است. این کتاب در بمبئی چاپ شده است.

ملحقات

چاپهای کتاب

این کتاب چندین بار چاپ و منتشر شده است:

۱- رجال کشی اولین بار در سال ۱۳۱۷ هجری در بمبئی با تصحیح شیخ علی محلاتی حائری چاپ شده است. فهرست نام کسانی که شرح حال آنان در کتاب آمده با همان ترتیب اصل کتاب در پایان با رقم صفحه آمده است.

۲- دومین بار این کتاب در مؤسسه اعلمی در کربلا به وسیله آقای سید احمد حسینی اشکوری چاپ شده است. نام صاحبان شرح حالها تا ۵۲۰ عنوان شماره خورده و فهرست الفبایی برای دست‌یابی به شرح‌حالها نیز تهیه شده است.

۳- چاپ سوم کتاب در چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۴۸ شمسی هم‌زمان با کنگره هزاره شیخ طوسی انجام شده است. این چاپ با تحقیق آقای سید حسن مصطفوی و با استفاده از هفت نسخه خطی انجام شده و تعلیقات و فهرستهای مناسبی نیز برای آن فراهم آمده است.

۴- چهارمین بار این کتاب همراه با تعلیقات مرحوم میرداماد در سال ۱۴۰۴ هجری با تحقیق آقای سید مهدی رجایی از سوی مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) للنشر و الطباعة، در دو جلد چاپ شد. متن کتاب بر اساس تحقیق آقای مصطفوی ارائه شده است.

جلسهٔ چهارم

آشنایی با کتاب رجال ابن غضائری

اهداف درس

آشنایی با:

✓ ابن غضائری، نگارنده کتاب *الرجال*؛

✓ کتاب *الرجال*، تألیف ابن غضائری.

گفتار سوم: آشنایی با کتاب رجال ابن غضائری

از جمله مصادر مهم رجالی که از آن در جوامع رجالی استفاده شده و داوریه‌های آن مورد توجه قرار گرفته، کتاب *الرجال* ابن غضائری است. درباره این کتاب از جهات مختلف از جمله هویت و وثاقت مؤلف، انتساب کتاب به مؤلف و اعتبار و ارزش داوریه‌های آن، بحث و اختلاف است. اکنون به معرفی کتاب می‌پردازیم.

الف) آشنایی با مؤلف

هویت مؤلف

درباره هویت مؤلف که آیا غضائری است یا ابن غضائری، اختلاف است.

نام غضائری، حسین بن عبیدالله است و فرزند او که به ابن غضائری شهرت دارد، احمد بن حسین بن عبیدالله نام دارد. انتساب این کتاب به فرزند، یعنی ابن غضائری، دیدگاه مشهور است. در اینجا احتمال نگارش این کتاب را به فرض انتساب به هر یک از این دو به تفکیک بررسی می‌کنیم:

احتمال تعلق کتاب به غضائری

نجاشی در معرفی غضائری می‌گوید:

الحسین بن عبیدالله بن ابراهیم الغضائری أبو عبد الله، شیخنا رحمه الله. له كتب، منها كتاب كشف التَّمْوِيهِ وَالْغَمَّةِ ...»^{۱۹۵}.

بعد نجاشی نام چهارده تألیف او را می‌آورد که در میان آنها کتاب رجالی دیده نمی‌شود.

شیخ طوسی نیز در کتاب الرجال خود درباره او می‌گوید:

«يَكُنِّي أَبُ عَبْدِ اللَّهِ، كَثِيرُ السَّمَاعِ، عَارِفٌ بِالرِّجَالِ، وَلَهُ تَصَانِيفٌ ذَكَرْنَاهَا فِي الْفَهْرَسْتِ، سَمِعْنَا مِنْهُ وَأَجَازَ لَنَا بِجَمِيعِ رَوَايَاتِهِ»^{۱۹۶}.

اما در نسخه‌های موجود از کتاب الفهرست شیخ طوسی، هیچ شرح حالی از غضائری دیده نمی‌شود و به تبع، کتاب رجالی نیز به او منتسب نشده است. بنابراین، باید گفت که هرچند غضائری از اساتید و شخصیت‌های مهم و مورد اعتماد بزرگان عصر خویش بوده و از علم رجال هم آگاهی داشته است، اما کتاب رجالی به او نسبت داده نشده و دلیلی نیز وجود ندارد که او صاحب کتاب رجالی باشد.

احتمال تعلق کتاب به ابن غضائری

ابن غضائری (احمد بن حسین بن عبیدالله) در کتابهای متقدم رجالی، که در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری نوشته شده‌اند، در فهرست اسامی راویان قرار نگرفته است و صاحب مدخل مستقل نیست. اما شیخ طوسی در مقدمه کتاب الفهرست در بیان انگیزه تألیف کتاب، از او نام برده است و دو کتاب رجالی حاوی فهرست روات را به او نسبت می‌دهد.

در کتاب نجاشی نیز از ابن غضائری در لابه‌لای شرح حالها یاد شده است. به عنوان نمونه نجاشی در شرح حال برقی می‌گوید:

«قَالَ أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ فِي تَارِيخِهِ تُوِّفِيَ أَحْمَدُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ فِي سَنَةِ أَرْبَعٍ وَسَبْعِينَ وَمِئَتَيْنِ»^{۱۹۷}.

شاید منظور از کتاب تاریخ، کتاب الرجال ابن غضائری باشد؛ زیرا عنوان «تاریخ» برای کتب رجالی نیز به کار می‌رود^{۱۹۸} همچون تاریخ کبیر بخاری. به هر صورت از آنجا که نگارش کتاب رجال به ابن غضائری نسبت داده شده احتمال تعلق این کتاب به او بیشتر است.

۱۹۵. حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری، استاد و شیخ ما، که رحمت خدا بر او باد، تألیفاتی دارد که از جمله آنها کتاب كشف التَّمْوِيهِ وَالْغَمَّةِ و ... است.

۱۹۶. کنیه او ابو عبد الله است، او احادیث زیادی سماع کرده و آگاه به رجال بوده است؛ او صاحب تألیفاتی است که در الفهرست ذکر کردیم. ما از او حدیث شنیدیم و او نقل تمام روایتهای خود را به ما اجازه داد.

۱۹۷. احمد بن حسین در تاریخش نوشته است احمد بن ابی عبد الله برقی در سال ۲۷۴ وفات یافت.

۱۹۸. البته باید در نظر داشت که این احتمال در صورتی صحیح است که منظور از عبارت «فی تاریخه»، تاریخ وفات برقی نباشد.

تاریخ زندگی مؤلف

با توجه به اینکه نام ابن غضائری در کتب رجالی قرن چهارم و پنجم نیامده است، اطلاعاتی از تاریخ حیات و وفات او در دست نیست. فقط می‌دانیم که پدرش در سال ۴۱۱ هجری از دنیا رفته و خود او نیز، با استناد به سخن شیخ طوسی، در جوانی درگذشته است. او می‌گوید:

«... غَيْرَ أَنَّ هَذَيْنِ الْكُتَابَيْنِ لَمْ يَنْسَخْهُمَا أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِنَا وَأَخْتَرَمَ هُوَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَعَمَدَ بَعْضُ وَرَثَتِهِ إِلَى إِهْلَاكِ هَذَيْنِ الْكُتَابَيْنِ وَغَيْرِهِمَا مِنَ الْكُتُبِ عَلَى مَا حَكَى بَعْضُهُمْ عَنْهُمْ»^{۱۹۹}.

در این عبارت شیخ طوسی تعبیر «وَأَخْتَرَمَ» را برای او به کار می‌برد که نشان از مرگ زیر چهل سال دارد. در نتیجه با توجه به قراین می‌توان گفت او متعلق به اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم است.

حال رجالی مؤلف

وصف رجالی ابن غضائری، میان بزرگان اختلافی است؛ عده‌ای او را ضعیف شمرده و در تضعیف او به یکی از اسباب زیر استناد کرده‌اند:

الف) مجهول بودن حال ابن غضائری

در کتابهای حاوی الأقوال،^{۲۰۰} استقصاء الاعتبار،^{۲۰۱} روضة المتقين،^{۲۰۲} نقد الرجال^{۲۰۳} و تعلیقات مقدس اردبیلی در خلاصه الأقوال^{۲۰۴} حال ابن غضائری ناشناخته دانسته شده است و از این رو به ضعف او حکم کرده‌اند.

۱۹۹. ... جز آنکه این دو کتاب را کسی استنساخ نکرد و او خود به مرگ ناگهانی از دنیا رفت و بنا به گفته برخی از ورثه، وراثت او عمداً این دو کتاب و سایر کتب او را نابود کردند.

۲۰۰. عبدالنبی جزایری، حاوی الأقوال فی معرفة الرجال، تحقیق مؤسسة الهدایة لإحياء التراث، قم، ریاض ناصری، ۱۴۱۸ هـ اول، ج ۱، ص ۱۱۵.

۲۰۱. محمد بن حسن بن شهید ثانی، استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، تحقیق و نشر مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۲۰ هـ اول، ج ۱، ص ۸۸.

۲۰۲. محمدتقی مجلسی، روضة المتقين، تحقیق سید حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتیاردی، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی، حاج محمدحسین کوشانیپور، ۱۳۹۹ هـ اول، ج ۱۴، ص ۳۳۰.

۲۰۳. سید میرمصطفی حسینی تفرشی، نقد الرجال، تحقیق عبدالغفار، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۸ هـ ج ۱، ص ۱۱۹.

۲۰۴. أبوالمعالی کلباسی اصفهانی از او نقل کرده است، ركة الرسائل الرجالية، تحقیق محمدحسین درایتی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۲ هـ / ۱۳۸۰ هـ ش، اول، ج ۲، ص ۳۷۴.

ب) کثرت جرح راویان

میرداماد، ابن غضائری را به سبب تضعیف و جرح بسیاری از راویان، ضعیف دانسته است.^{۲۰۵}

ج) مجهول بودن و کثرت تضعیفات

میرزا محمد استرآبادی هر دو دلیل سابق را سبب ضعف او دانسته است. استرآبادی در شرح حال ابراهیم یمانی تصریح می‌کند که آرای ابن غضائری پذیرفتنی نیست و دلیل آن را دو امر ذکر کرده است: یکی توثیق داشتن او و دیگری قدح و تضعیف جمعی که مشمول تضعیف نمی‌شوند.^{۲۰۶} اگرچه در جای دیگری تصریح می‌کند که رویکرد معمول اصحاب، قبول رأی وی در صورت معارض نداشتن است.^{۲۰۷}

لازم به ذکر است که قطعاً مراد از مجهول بودن حال ابن غضائری، مهمل بودن او در کلمات متقدمان است. به نظر می‌رسد که متقدمان الفاظ مخصوص توثیق را درباره وی به کار نبرده‌اند، بلکه تنها به نقل آرای وی پرداخته‌اند. و این به جهت معاصرت و بی‌نیازی ابن غضائری از توثیق بوده است. اما بحث از تضعیف او، به سبب کثرت تضعیفات، در ادامه خواهد آمد.

در مقابل این دسته، گروهی نیز ابن غضائری را توثیق کرده‌اند. از جمله عنایت‌الله قهپایی در مجمع الرجال^{۲۰۸} و فاضل خواجه‌بوی^{۲۰۹} به صراحت بر توثیق او اصرار دارند. و این دسته نکاتی را به عنوان استدلال بر وثاقت ابن غضائری ذکر کرده‌اند که عبارت است از:

نکته اول: نجاشی در موارد بسیاری و همچنین علامه حلی در خلاصه الأقوال آرای ابن غضائری را نقل کرده و این امر شاهد بر اعتماد ایشان به او است.^{۲۱۰}

نکته دوم: کثرت ترحم^{۲۱۱} نجاشی بر ابن غضائری هنگام نام بردن از او،^{۲۱۲} خود شاهی بر وثاقت و معتمد بودن وی است.

۲۰۵. محمدباقر حسینی استرآبادی (میرداماد)، الرواشح السماویه، تحقیق غلام‌حسین قیصریه‌ها و نعمة الله الجلیلی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ هـ، اول، ص ۵۹ و ۱۱۳.

۲۰۶. میرزا محمدعلی استرآبادی، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، قم، ۱۴۲۲ هـ، ج ۳، اول، ص ۲۵.

۲۰۷. همان.

۲۰۸. زکی‌الدین عنایت‌الله بن علی القهپایی، مجمع الرجال، الحاوی لذكر المترجمین فی اصول الخمس الرجالیه، تصحیح ضیاء‌الدین الإصفهانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، بی‌تا، هفت جلد در سه مجلد، ج ۲، ص ۱۸۲.

۲۰۹. محمداسماعیل مازندرانی خواجه‌بوی، الفوائد الرجالیه، تحقیق سید مهدی رجائی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ، ص ۲۸۹ به بعد.

۲۱۰. همان، ص ۲۸۸؛ ابوالمعالی کلباسی، پیشین، ج ۲، ص ۳۸۹.

۲۱۱. مراد از ترحم به کار بردن تعبیر رحمه الله در پی نام بردن از شخص متوفی است.

۲۱۲. ابوالعباس احمد بن علی النجاشی الأسدی الکوفی، رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ۱۴۱۸ هـ، ششم، ص ۸۳، رقم ۲۰۰.

نکته سوم: علامه حلی در شرح حال بسیاری از راویان، از ابن غضائری با عنوان شیخ یاد کرده است^{۲۱۳} و بسیاری از بزرگان، این تعبیر را دلیل بر اعتبار و بلکه وثاقت او می‌دانند. وی در شرح حال یونس بن ظبیان، ابن غضائری را از مشایخ بزرگ برشمرده است.^{۲۱۴}

نکته چهارم: محمدتقی مجلسی تصریح کرده که متأخران بر آرای ابن غضائری اعتماد کرده‌اند^{۲۱۵} و شاهد بر این ادعا، گذشته از اعتماد نجاشی و علامه حلی که گذشت، اعتماد شیخ طوسی،^{۲۱۶} ابن طاووس،^{۲۱۷} شهید ثانی^{۲۱۸} و ... بر او است.

نکته پنجم: بسیاری از کلمات علامه حلی در خلاصه الأَقوال شاهد استناد او به آرای ابن غضائری است؛ از این رو، علامه بر اساس کلام ابن غضائری در تضعیف برخی راویان، درباره ایشان توقف کرده است با آنکه ممکن است دیگران آن شخص را توثیق کرده باشند.^{۲۱۹}

نکته ششم: شیخ عبدالله شوشتری، کتاب ابن غضائری را از مجموعه حل الإشکال مرحوم ابن طاووس استخراج کرده و تصریح می‌کند که، کتاب ابن غضائری به خط ابن طاووس بوده است. این نکته خود شاهد بر اعتبار ابن غضائری است.

نکته هفتم: فاضل خواجهویی با آنکه آرای شیخ طوسی را در شناخت احوال راویان جایز نمی‌شمارد و حتی آنها را موجب ظن و شک در احوال راویان نمی‌داند و به کتاب ابن داود نیز اعتماد نمی‌کند، لیکن به وثاقت ابن غضائری تصریح کرده است. این امر نیز شاهی بر وثاقت ابن غضائری است.^{۲۲۰}

نکته هشتم: ابوالهدی کلباسی در سماء المقال، تعبیر شیخ طوسی در الفهرست را، که ابن غضائری از افراد ماهر در فن رجال است،^{۲۲۱} شاهد بر اعتماد شیخ طوسی به او دانسته است.^{۲۲۲}

۲۱۳. حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی (علامه)، خلاصه الأَقوال، تحقیق سید محمدصادق بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ هـ اول، ص ۹۵، رقم ۲۱۳ و ...

۲۱۴. همان، ص ۲۲۶، رقم ۲.

۲۱۵. محمدتقی مجلسی، پیشین، ج ۱۴، ص ۳۵۶.

۲۱۶. محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، تحقیق سید محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۵ هـ ص ۴۷۰.

۲۱۷. حسن بن زین الدین صاحب المعالم، التحریر الطاووسی، تحقیق فاضل الجواهری، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۱ هـ اول، ص ۵ - ۴.

۲۱۸. زین الدین بن علی بن احمد الجبعی العالمی، الرعاية فی علم الدراية، تحقیق عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۸ هـ ص ۱۷۷.

۲۱۹. علامه حلی، پیشین، ص ۳۵؛ همان، ص ۱۹۸؛ همان، ص ۹۶؛ همان، ص ۲۰۷ - ۲۰۶؛ همان، ص ۲۱۰ و همان، ص ۲۱۵، رقم ۱۵.

۲۲۰. ابوالمعالی کلباسی، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۰.

۲۲۱. همان، مرحوم ابوالمعالی محمد ابراهیم کلباسی (۱۲۴۷ - ۱۳۱۵ هـ) در رساله خود درباره ابن غضائری به تفصیل قرائن وثاقت وی را بیان و یازده وجه برای اثبات این ادعا ذکر کرده است. برخی از این وجوه، در واقع نوعی تکثیر عناوین استدلال بوده و اساس قرائن ادعا شده، مواردی است که در متن ذکر شده است. همچنین او ادعا می‌کند که مراد از تعبیر شیخ در مقدمه کتاب الفهرست شیخ طوسی که از او به تجلیل و اکرام یاد شده، ابن غضائری است که بررسی این ادعا در بحث از کتاب الفهرست خواهد آمد. از این رو این نکته را ذکر نکردیم.

از مجموع این نکات و شواهد، گرچه برخی از آنها چندان قوی نیست، استفاده می‌شود که قطعاً ابن‌غضائری شخصی ثقه و معتمد بوده است؛ اما اعتبار یا بی‌اعتباری تضعیفات او امر دیگری است که به بحث و بررسی نیاز دارد و حتی اگر تضعیفات او بی‌اعتبار باشد این مسئله هیچ منافاتی با وثاقت ابن‌غضائری نخواهد داشت.

ب) آشنایی با تألیف

نام کتاب

در مقدمه الفهرست شیخ طوسی، به دو کتاب رجالی ابن‌غضائری، یعنی فهرست مصنفات و فهرست اصول، اشاره شده، اما نامی از کتاب مورد بررسی ما به میان نیامده است. سید بن طاووس (م ۶۷۳ هـ) در مقدمه کتاب رجالی‌اش (حل الإشکال فی معرفة الرجال) از این کتاب با نام کتاب الضعفاء یاد کرده است؛ اما در هیچ مصدر دیگر پیش از آن، نامی از کتاب الضعفاء منسوب به ابن‌غضائری دیده نمی‌شود. از سوی دیگر توثیقاتی در منقولات خود ابن‌طاووس از ابن‌غضائری وجود دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت که نام این کتاب در واقع کتاب الرجال است و در بر دارنده توثیق و تضعیف بوده است. لازم به ذکر است محقق شوشتری (م ۱۴۱۴ هـ) با استفاده از سخنان علامه حلی در خلاصة الأقول، گذشته از سه عنوان کتاب فوق، دو کتاب دیگر با عنوان کتاب الممدوحین و کتاب المذمومین را نیز از تألیفات ابن‌غضائری دانسته است،^{۲۳۳} اما با توجه به سخنان گذشته، می‌توان این دو کتاب را دو بخش کتاب الرجال دانست که وجودش را برای ابن‌غضائری اثبات شد.

انتساب کتاب الرجال

چنان‌که اشاره شد، در انتساب کتاب الرجال به غضائری پدر یا ابن‌غضائری اختلاف شده است و برخی نیز اصل انتساب کتاب را به هر دو نفی کرده‌اند. اکنون نظریه‌های مختلف در انتساب کتاب به هر یک از ایشان و نیز اعتبار آنها را بررسی می‌کنیم.

۲۲۲. برای اطلاع از تفصیل نکات فوق، ر.ک: أبوالمعالی کلباسی، پیشین، ج ۲۷، ص ۴۰۲ - ۳۸۷؛ ابوالهدی کلباسی، سماء المقال فی علم الرجال، تحقیق سید محمد حسینی قزوینی، قم، مؤسسه ولی‌العصر (عج) للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۹ هـ، اول، ج ۱، ص ۳۵ - ۲۳.

۲۲۳. محمدتقی تستری (شوشتری)، قاموس الرجال فی تحقیق رواة الشیعة ومحدثیهم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ هـ، دوم، ج ۱، ص ۴۴۲ - ۴۴۱.

نظریه اول

کتاب الرجال، متعلق به ابن غضائری نیست، بلکه از مجموعه‌های دشمنان شیعه است که خواسته‌اند با جعل این کتاب، ارزش راویان شیعه را از بین ببرند. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی پس از بیان تاریخچه کتاب می‌گوید:

کتاب از آن غضائری نیست و مؤلف این کتاب، از دشمنان علمای شیعه بوده است و با این کار می‌خواسته به هر حيله‌ای به ایشان تهمت بزند و مقام آنان را تنزل دهد. از این رو، این کتاب را نوشته است و برای رد گم کردن، برخی از نظریات ابن غضائری را نیز در آن درج کرده تا دیگران مطالب خلافی را که در آن آورده است، بپذیرند.^{۲۲۴}

آنچه این نظریه را تأیید می‌کند آن است که:

اولاً: مرحوم نجاشی در بیست و چند موردی که از ابن غضائری نقل می‌کند، با تعبیر قال نظر او را می‌آورد که ظهور در نقل شفاهی دارد؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که ابن غضائری تألیف رجالی نداشته است چه، اگر کتابی می‌داشت، نجاشی از کتاب او نقل می‌کرد نه آنکه مکرراً و تنها از گفته‌های شفاهی او استفاده کند. ثانیاً: شیخ طوسی در مقدمه الفهرست تصریح کرده که ابن غضائری عمر زیادی نکرده است^{۲۲۵} و ورثه او کتابهای ابن غضائری را از بین برده‌اند.^{۲۲۶} و اگر کتاب رجال موجود بعد از زمان شیخ طوسی، در دسترس شیخ بود، او هرگز چنین ادعایی نمی‌کرد.

ثالثاً: نخستین کسی که پس از مدتها به کتاب ابن غضائری دست یافته، احمد بن طاووس (م ۶۷۳ هـ) بوده است. او خود تصریح می‌کند که کتاب با سند متصل به ابن غضائری به دستش نرسیده است.^{۲۲۷}

نظریه دوم

کتاب الرجال، تألیف حسین بن عبیدالله غضائری، یعنی پدر احمد، است. این نظریه از یکی از اجازات شهید ثانی^{۲۲۸} برداشت می‌شود. اگرچه که از برخی حواشی او بر خلاصة الأقوال نیز انتساب کتاب به ابن غضائری استفاده می‌شود.^{۲۲۹}

همچنین این نظریه از نظام‌الدین محمد بن حسین تفرشی ساوجی در کتاب نظام الأقوال نقل شده است.^{۲۳۰} محقق اردبیلی،^{۲۳۱} و محقق نراقی^{۲۳۲} و شیخ اسدالله کاظمی^{۲۳۳} نیز این نظریه را پذیرفته‌اند.

۲۲۴. محمد محسن (آقا بزرگ) منزوی تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ، اول، ج ۴، ص ۳۸۸.

۲۲۵. تعبیر إخترم در کلام شیخ طوسی به معنی وفات ابن غضائری پیش از چهل سالگی است

۲۲۶. محمد بن حسن طوسی، الفهرست طوسی، سید عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ هـ، اول، ص ۲.

۲۲۷. حسن بن زین‌الدین صاحب المعالم، پیشین، ص ۵.

۲۲۸. محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ، دوم، ج ۱۰۸، ص ۱۶۰.

۲۲۹. حواشی بر شرح حال حسین بن بشار، حسین بن أسد، داود بن کثیر رقی، سلیم بن قیس و علی بن میمون.

۲۳۰. ابوالهدی کلباسی، پیشین، ج ۱، ص ۱۷.

۲۳۱. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۸، ص ۴۵۵.

۲۳۲. احمد بن محمد مهدی نراقی کاشانی، عوائد الایام، تحقیق مرکز الابحاث والدراسات الإسلامیة، قم، مرکز النشر التابع

لمکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۱۷ هـ، اول، ص ۳۸۷.

۲۳۳. مقاییس الأنوار، ص ۸.

مستند شهید ثانی در انتساب کتاب به غضائری پدر، عبارت خلاصه الأقوال در شرح حال سهل بن زیاد آدمی است که می‌گوید:

ذَكَرَ ذَلِكَ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ نُوحٍ وَأَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَقَالَ ابْنُ الْغَضَائِرِيِّ: إِنَّهُ كَانَ ضَعِيفًا.

در این عبارت عطف ابن غضائری بر احمد بن حسین ظهور در تغایر این دو نفر دارد. محقق شوشتری در پاسخ به این دلیل می‌گوید:

با بررسی شیوه علامه حلی روشن خواهد شد که عبارت «ذَكَرَ ذَلِكَ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنُ نُوحٍ وَأَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ» از نجاشی است و پس از آن، راوی از کتاب ابن غضائری کلام او را نقل کرده است. و این شیوه معمول علامه حلی در نقل دقیق عبارات بزرگان رجالی است.^{۲۳۴}

نظریه سوم

کتاب رجال، تألیف احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری (ابن غضائری) است. این نظر، که در کلمات عالمان رجالی به عنوان رأی مشهور شناخته شده است، شواهدی دارد:

شاهد اول: همان‌گونه که گفته شد شیخ طوسی در مقدمه الفهرست تصریح کرده است که ابن غضائری دو کتاب در فهرست اصول و فهرست مصنفات داشته است. این کلام، ثبوت تألیف رجالی را برای ابن غضائری دربردارد. و منقولات علامه حلی و ابن طاووس نیز به وجود کتابهایی شهادت می‌دهد که به ابن غضائری منسوب است. اما کسی تألیف رجالی برای حسین بن عبیدالله غضائری یعنی غضائری پدر نام نبرده، میرداماد نیز به این مطلب تصریح کرده است.^{۲۳۵} و تنها تکمله رساله ابو غالب زراری که از تألیفات غضائری پدر است، تا کنون شناسایی و چاپ شده است.

شاهد دوم: مقدمه حل الإشکال که به انتساب کتاب به ابن غضائری تصریح کرده و در لابه‌لای عبارات تحریر طاووسی نیز از وی نام برده است.^{۲۳۶}

شاهد سوم: در کلام ابن طاووس، صاحب کتاب با کنیه ابو حسین معرفی شده است و این کنیه برای ابن غضائری است و غضائری پدر این کنیه را ندارد.

شاهد چهارم: در خلاصه الأقوال به نام کامل احمد بن حسین بن عبیدالله بن غضائری تصریح شده است^{۲۳۷} و شهید ثانی نیز هر کجا علامه حلی از ابن غضائری نام برده، مراد او را احمد بن حسین دانسته است.^{۲۳۸}

شاهد پنجم: علامه حلی در شرح حال احمد بن علی خضیب نقل می‌کند که: «قال ابن الغضائري، حدثني أبي، أنه كان في مذهبه ارتفاع»،^{۲۳۹} مراد از لفظ ابي یا باید حسین باشد یا عبیدالله. قطعاً نمی‌تواند مراد عبیدالله

۲۳۴. محمدتقی تستری، پیشین، ج ۱، ص ۴۵.

۲۳۵. محمدباقر حسینی استرآبادی، پیشین، ص ۱۱۳.

۲۳۶. حسن بن زین‌الدین صاحب المعالم، پیشین، ص ۵۹۹.

۲۳۷. علامه حلی، پیشین، ص ۸، رقم ۶.

۲۳۸. ن.ک: حواشی خلاصه الأقوال، (رسائل الشهيد الثاني، ج ۲) ص ۱۰۸۹ - ۸۸۷.

۲۳۹. علامه حلی، پیشین، ص ۲۰۴، رقم ۱۴.

باشد؛ چه، نامی از او در منابع رجالی برده نشده است؛ پس مراد همان حسین است که بنا به گفته شیخ طوسی در کتاب *الرجال*، آگاه به علم رجال بوده است و در نتیجه گوینده حدیثی احمد، فرزند او، است.

شاهد ششم: در مواردی از غضائری نام برده شده که مراد همان حسین بن عبيدالله است؛ چنان که علامه حلی از احمد بن عبدالله وراق نام برده و راوی او را غضائری معرفی کرده است^{۲۴۰} و شیخ در *الفهرست* تصریح کرده که حسین بن عبيدالله راوی او است.^{۲۴۱}

بنابراین مراد از ابن غضائری همان احمد بن حسین است و حسین بن عبيدالله، یعنی پدر، به ابن غضائری شناخته نمی شود.^{۲۴۲} اما از بین رفتن کتابهای ابن غضائری به دست ورثه اش، دلالت بر دسترسی نداشتن دیگران به آرای او ندارد؛ چه، تنها درباره فهرستهای او به استنساخ شدن تصریح شده و درباره سایر کتابها تنها نبود کردن آنها بنا به حکایتی - به ورثه نسبت داده شده و وجود نسخه هایی از این کتابها نزد دیگران انکار نشده است.^{۲۴۳}

دستیابی به کتاب الرجال

ابن طاووس حلی (م ۶۷۳ ه) اولین کسی است که به جامع نویسی در رجال اقدام کرد. او پنج کتاب مهم رجالی مقدم، یعنی چهار کتاب *رجال کشی*، *رجال طوسی*، *الفهرست طوسی* و *رجال نجاشی* به اضافه *رجال ابن غضائری* را گرد آورد و در سال ۶۴۴ هجری تألیف این کتاب را به پایان رسانید. اما رجال ابن غضائری به دست ما نرسیده است، و تنها استخراجهایی از آن باقی مانده است؛ از جمله این استخراجها کتاب *الرجال* مورد بحث است که شیخ عبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ ه) آن را جداگانه از اصل کتاب استخراج کرده است و نسخه هایی از آن نیز هم اینک وجود دارد.

پس از سید ابن طاووس، شاگردانش، علامه حلی^{۲۴۴} و ابن داود^{۲۴۵} منقولات ابن طاووس از ابن غضائری را در کتابهایشان نقل کرده اند.^{۲۴۶} سپس مولی عنایت الله قهپایی شاگرد شیخ عبدالله شوشتری، مطالب *رجال ابن غضائری* را از نسخه استادش در کتاب *مجمع الرجال* خویش نقل کرده است.

نکته قابل توجه آنکه در طول دویست سال از عصر نجاشی و شیخ طوسی تا عصر ابن طاووس، یعنی از حدود سال ۴۵۰ تا سال ۶۴۴ هجری که کتاب *حل الإشکال* تألیف شد، خبری از کتاب مورد بحث در دست نیست و این امر خود از جمله نکات مبهم در این کتاب شده و شبهاتی را برانگیخته است.

۲۴۰. همان، ص ۶۷، رقم ۲۵.

۲۴۱. شیخ طوسی، *الفهرست پیشین*، ص ۷۷، رقم ۹۷.

۲۴۲. برای آشنایی بیشتر با تفصیل این ادله، ر.ک. ابوالهدی کلباسی، *پیشین*، ج ۱، ص ۲۲ - ۱۸.

۲۴۳. ابوالمعالی کلباسی، *پیشین*، ج ۲، ص ۴۰۰.

۲۴۴. در گذشته به سال ۷۲۶ هجری.

۲۴۵. در کتاب *رجال* خود که در سال ۷۰۷ هجری نگاشت.

۲۴۶. نسخه شیخ عبدالله شوشتری از *رجال ابن غضائری*، را استاد سید محمدرضا حسینی جلالی تحقیق کرده و مستدرکی نیز بر اساس منقولات علامه حلی، ابن داود و دیگران بر آن افزوده است. این کتاب از سوی مرکز تحقیقات دارالحدیث منتشر شده است.

البته توجه به این امر نیز ضروری است که این دویست سال را باید از تاریک‌ترین دوران در میراث فرهنگی شیعی دانست؛ از این رو، این امر را نمی‌توان مشکلی اساسی در اعتبار کتاب ابن غضائری شمرد.

اعتبار آرای ابن غضائری

گذشته از اعتبار کتاب ابن غضائری از جهت صحت انتساب کتاب و منقولات آن به وی، اعتبار آرای نقل شده از او نیز در میان متأخران بحث شده است.

دسته‌ای از بزرگان همچون ابن طاووس، علامه حلی و ابن داود به صراحت یا به حسب ظاهر عبارتشان، بر آرای او اعتماد کرده‌اند. فاضل تونی (م ۱۰۷۱ هـ)، وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶ هـ)، فاضل خواجه‌ویی (م ۱۱۷۳ هـ)، أبوالعالی کلباسی (م ۱۳۱۵ هـ) و شیخ محمدتقی شوشتری (م ۱۴۱۴ هـ) آرای غضائری را پذیرفته‌اند و آنها را تأیید کرده و او را متخصص و ناقد رجالی دانسته‌اند.

دسته دوم که اغلب از اخباریان^{۲۴۷} هستند، آرای ابن غضائری را نپذیرفته‌اند. این نظریه از عصر علامه مجلسی در میان ایشان رایج شد و محدث نوری نیز این رأی را ترویج داد. این گروه دلیل بی‌اعتمادی به آرای ابن غضائری را تسرع در جرح و تضعیف و غلو شمردن اموری که در واقع غلو نیست، دانسته‌اند. دسته سوم از آنجا که استناد کتاب را به ابن غضائری با سند متصل احراز نکرده و در رسیدن کتاب به دست ابن طاووس، صاحب حلّ الإشکال، خدشه کرده‌اند، آرای موجود در کتاب ابن غضائری را معتبر نمی‌دانند. مرحوم آیت الله خویی (م ۱۴۱۴ هـ) از این گروه است.^{۲۴۸} گرچه ایشان نیز در لابه‌لای بحثهای رجالی در معجم رجال//الحديث از کلمات ابن غضائری استفاده کرده است. دسته چهارم، بین تضعیفات و توثیقات او تفصیل قائل شده‌اند. ایشان تضعیفات ابن غضائری را بی‌اعتبار و توثیقات او را معتبر دانسته‌اند.

در مجموع مخالفان آرای ابن غضائری به چهار دلیل استناد کرده‌اند که عبارت است از:

۱- نسخه رجال/ابن غضائری با سند معتبر به دست ما نرسیده است.

نجاشی، که در مقام گزارش کتابها و تصنیفات امامیه بوده و همچنین شیخ طوسی، هیچ کتاب رجالی به حسین بن عبیدالله غضائری یا فرزند او، احمد، نسبت نداده‌اند. حتی علامه حلی در اجازات و طرق خود به کتابها برای این کتاب طریقی نیاورده است^{۲۴۹} و ابن طاووس - چنان که گذشت - تصریح کرده که از بین پنج کتاب اصلی که جمع‌آوری کرده، تنها رجال/ابن غضائری با سند متصل به دست او نرسیده است.

۲- ابن غضائری بر اساس اجتهاد خود به تضعیف راویان پرداخته است.

با این توضیح که دیدگاه مشهور در قبول رأی عالمان رجالی، پذیرش آرای ایشان از باب حجیت خبر واحد در موضوعات است و یا از باب حجیت رأی خبره. بدیهی است در مورد اول، حسی بودن خبر و در مورد دوم، خبریّت - بر اساس معیارها و مبانی پذیرفته‌شده - به عنوان شرط مطرح‌اند؛ بنابراین اجتهاد شخصی‌ای که

۲۴۷. اخباریگری گرایش به پذیرش احادیث بدون درگیر شدن جدی با اسناد احادیث است.

۲۴۸. سید أبوالقاسم موسوی خوئی (رحمة الله علیه)، معجم رجال/الحديث، تهران، مرکز نشر الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۳ هـ پنجم،

ج ۱، ص ۱۰۲.

۲۴۹. همان.

این شرایط را نداشته باشد و به معیارهای عمومی شرایط راویان و راههای احراز آنها مستند نباشد، پذیرفتنی نیست.

وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶ هـ) ضمن اشاره به این اجتهادات و حدسهای شخصی که از سوی برخی رجالیان اعمال شده است، رجال/ابن غضائری را نیز از این دسته می‌داند و می‌گوید:

چه بسا محکوم کردن برخی راویان بر اساس یک سلسله اتهامات، به دلیل روایتی است که از راوی در یکی از موارد غلو، جبر، تفویض و ... نقل شده است و یا به این سبب است که پیروان برخی مذاهب، راوی را هم‌مسلك خود دانسته و از او حدیث نقل می‌کردند و گاهی دلیل آن بود که پیروان مذاهب باطله از آن راوی، مطالب باطل و موافق مذهب خود نقل می‌کردند.

ابن غضائری نیز در موارد زیادی چنان که از شخصی حدیثی نقل می‌شد که از نظر او مستلزم غلو بود، بی‌درنگ او را به غلو محکوم می‌کند و به او نسبت دروغ و حدیث‌سازی می‌دهد.^{۲۵۰}

۳- ابن غضائری در تضعیف راویان، در استناد به دلایلی که موجب جرح و تضعیف نمی‌شود و یا در استناد به اسباب مورد اختلاف در تضعیف، تسرع و عجله کرده است.

مراد از این تعبیر، دقت نداشتن در اسباب جرح و تضعیف است.

این ادعا را مرحوم میرداماد (م ۱۰۴۱ هـ) مطرح و در کتابش به این مطلب تصریح کرده است.^{۲۵۱}

در مقام پاسخ به این دلیل، مواردی از توثیقات ابن غضائری را در برابر تضعیفهای دیگران برشمرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف) با آنکه رجالیان قدیم قم محمد بن اورمه را به غلو متهم کرده‌اند، ابن غضائری او را از اتهام میرا دانسته است.^{۲۵۲}

ب) ابن غضائری جابر بن یزید جعفی را توثیق^{۲۵۳} و نجاشی او را تضعیف کرده است.^{۲۵۴}

ج) ابن غضائری دیدگاه شیخ صدوق را درباره زید نرسی و زید زرّاد کوفی، در موضوع دانستن کتابهایشان نفی کرده و این دیدگاه را نادرست دانسته است.^{۲۵۵}

د) رجالیان قم، احمد بن حسین بن سعید را غالی دانسته‌اند و ابن غضائری حدیث او را - تا آنجا که دیده - از عیب بری دانسته است.^{۲۵۶}

ه) ابن غضائری طعن و قدح رجالیان قم را بر احمد بن محمد بن خالد برقی نقل ولکن قدح او را نفی کرده است.^{۲۵۷}

۲۵۰. میرزا محمدعلی استرآبادی، پیشین، ج ۱، ص ۱۳۰ - ۱۲۹.

۲۵۱. محمدباقر حسینی استرآبادی، پیشین، ص ۵۹ و ۱۱۳.

۲۵۲. احمد بن محمد بن خالد برقی، کتاب الرجال، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه القیوم، ۱۴۱۹ هـ، اول، ص ۹۳، رقم ۱۳۳.

۲۵۳. همان، ص ۱۱۰، رقم ۱۶۰.

۲۵۴. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۱۲۸، رقم ۳۳۲.

۲۵۵. همان، ص ۶۲ - ۶۱، رقم ۵۳ - ۵۲.

۲۵۶. همان، ص ۴۰، رقم ۱۲.

۲۵۷. همان، ص ۳۹، رقم ۱۰.

و) ابن غضائری اعتقاد رجالیان قم به غالی بودن حسین بن شاذویه را با شهادت به اتقان کتاب // صلاة او مورد تردید قرار داده است.^{۲۵۸}

ز) رجالیان قم قاسم بن حسن بن علی بن یقظین را غالی دانسته‌اند و ابن غضائری با تعبیر «والأغلب علیه الخیر» با این نسبت مخالفت کرده است.^{۲۵۹}

۴- کثرت تضعیفات ابن غضائری موجب بی‌اعتمادی بر تضعیفات او است؛ تا آنجا که گفته‌اند: «السالم من سلم منه»^{۲۶۰}. این اشکال را فاضل خواجه‌ویی از تعبیرات محمدتقی مجلسی در روضة المتقین استفاده کرده است.^{۲۶۱} باید توجه داشت که این اشکال با اشکال سابق تفاوت‌هایی دارد.

اما نکته قابل توجه آنکه اولاً احتمال دارد، بخش مهمی از آنچه که به ما رسیده است از کتاب الضعفاء ابن غضائری باشد و از این رو، تضعیفات بسیار وی جلب توجه می‌کند.^{۲۶۲} ثانیاً تضعیف بر اساس معیارهای علمی مقبول، به هر مقدار هم باشد، موجب اشکال در رأی عالم رجالی نمی‌شود.

اما به هر حال تضعیف برخی از بزرگان و مؤثقان از ابن غضائری صادر شده است؛ از جمله احمد بن مهران که از مشایخ کلینی است و کلینی در موارد بسیاری پس از نامش بر او ترحم^{۲۶۳} کرده را، تضعیف کرده است.

خصوصیات ساختاری کتاب

کتاب حاضر دو بخش دارد؛ قسمت نخست که متعلق به شیخ عبدالله شوشتری است و شامل مقدمه‌ای کوتاه از ایشان و ۱۵۹ راوی است که ۱۵۸ نفر از آنان به ترتیب حروف الفبا در ۲۱ بخش مرتب شده‌اند و یک نفر باقی‌مانده در قسمت گنی قرار دارد.

قسمت دوم کتاب، مستدرک آقای جلالی بر کتاب شوشتری است که آن را از منقولات علامه حلی و ابن داود گرد آورده است و شامل ۶۶ راوی است که ترتیب مشخصی در آن دیده نمی‌شود. بدین ترتیب در مجموع راویان کتاب ۲۲۵ نفراند.

خصوصیات محتوایی کتاب

الف) اطلاعات رجالی کتاب

از مجموع ۲۲۵ راوی که در رجال/ ابن غضائری صاحب مدخل هستند ۱۶۵ مورد، تضعیف و هجده مورد، توثیق صریح و غیرصریح دارند و ۴۲ نفر نیز مهمل‌اند و درباره آنان توقف می‌شود. جالب آنکه پانزده نفر از هجده نفر

۲۵۸. همان، ص ۵۳، رقم ۳۸.

۲۵۹. همان، ص ۸۶، رقم ۱۱۵.

۲۶۰. سالم از عیب کسی است که از قدح ابن غضائری سالم مانده باشد.

۲۶۱. محمداسماعیل مازندرانی خواجه‌ویی، پیشین، ص ۲۷۷ - ۲۷۶.

۲۶۲. أبوالمعالی کلباسی، پیشین، ج ۲، ص ۴۱۹.

۲۶۳. یعنی «رَحِمَهُ اللَّهُ» گفتن پس از نام متوفی.

توثیق شده، نامشان در مستدرک کتاب آمده ولی در نسخه شیخ عبدالله شوشتری وجود ندارد و در کتاب چاپ شده ابن غضائری این موارد از خلاصه الأقوال و رجال ابن داود نقل شده است.

ب) مبانی داوریه‌های رجالی

شمار زیادی از داوریهایی که در این کتاب دیده می‌شود بر مبنای بررسی روایات راوی و اجتهاد ابن غضائری بر اساس متن روایات است و نکته مهم در این داوریه‌ها اعتقادات خاص ابن غضائری در مسئله غلو و شیوه ارزیابی روایات غلوآمیز است.

ج) تعبیرات مبالغه‌آمیز و تأکید بر تضعیف راویان

ابوالهدی کلباسی (م ۱۳۵۶ ه) در *سماء المقال*، این دو نکته را این گونه بیان می‌کند:
اولاً: از بررسی عبارتهای ابن غضائری روشن می‌شود که او روایاتی را که ناقل معجزات و کرامات بوده، غلو می‌دانسته است و اگر از فردی روایتی را می‌دید که با اعتقاد او موافق نبود، تردیدی به خود راه نمی‌داد که محتوای روایت، غلو و راوی آن، دروغگو و افتراپرداز است و بی‌درنگ بر ضعف و دروغگویی او حکم می‌کرد.
دلیل بی‌اساس بودن داوری ابن غضائری درباره بسیاری از راویان نیز همین است و این روش از سخنان او درباره راویان کاملاً پیدا است، مثلاً درباره سلیمان دیلمی می‌گوید: «او غالی و دروغگو بوده است»^{۲۶۴} و درباره عبدالرحمان بن ابی حماد می‌گوید: «او جداً ضعیف و روایتش غیرقابل اعتماد است و از مذهب غالیان پیروی می‌کند»^{۲۶۵} به روشنی پیدا است که انگیزه او از تضعیف، غلوی بوده که در آنها می‌انگاشت.^{۲۶۶}
درباره سهل بن زیاد گفته است:

او ضعیف است و روایات و مذهبی فاسد داشته و احمد بن محمد بن عیسی قمی او را از قم بیرون کرده است.^{۲۶۷}

پیدا است که منشأ این اوصاف همان است که نجاشی از احمد بن محمد بن عیسی قمی نقل کرده که او درباره سهل بن زیاد به غلو و کذب حکم داده و او را از قم بیرون کرده است.
ثانیاً: به نظر می‌رسد که ابن غضائری بر اندیشه‌های مذهبی خود غیرت می‌ورزید و از آنها به شدت دفاع می‌کرد و اندیشه‌های دینی مخالف با دیدگاه خود را بر نمی‌تابید و در اظهار تبری و طرد ناقل آن، از حد می‌گذشت و در این شرایط لعن، طعن، دشنام و رسوایی از قلمش بر سر راوی می‌بارید و عبارات او بر این مطلب، گواهی راستین است.

مثلاً در حالی که دیگر عالمان رجالی در مقام جرح و تضعیف، تنها به بیان نقاط ضعف راوی قناعت ورزیده‌اند، ابن غضائری از انتقاد، حکم به خباثت و هلاکت و لعن راوی دریغ نکرده و او را با تأکید هرچه بیشتر و با ناسزاگویی تضعیف کرده است. اینک نمونه‌هایی چند از این حکمها را بررسی می‌کنیم:
درباره مسمعی می‌گوید:

۲۶۴. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۱۱۸، رقم ۱۹۲.

۲۶۵. همان، ص ۸۰، رقم ۹۸.

۲۶۶. همان، ص ۵۷، رقم ۴۵.

۲۶۷. همان، ص ۶۶، رقم ۶۵.

او ضعیف و معتقد به غلو بوده و کتابی در زیارات تألیف کرده که بر خباثت زیاد و مذهب بی‌ارزش وی دلالت دارد و از دروغگویان بصره بوده است.^{۲۶۸}

درباره کتاب علی بن عباس چنین می‌گوید:

تألیفی است که بر خباثت مؤلف و پوچی مذهب او دلالت می‌کند و نباید به او و روایاتش توجه کرد.^{۲۶۹}

درباره جعفر بن مالک می‌گوید:

دروغگو است و به طور کلی روایات او باید کنار گذاشته شود و در مذهبش غلو است و از ضعف و راویان مجهول الحال حدیث نقل می‌کند و همه عیبهای راویان ضعیف در او جمع است.^{۲۷۰}

خلاصه اینکه ابن غضائری ضعفهای کوچک و بی‌اهمیت را بسیار بزرگ جلوه می‌داد. او روحیات خاصی داشت که او را بدین کار وادار می‌کرده است.

شاهد بر این مطلب اینکه گاهی شیخ طوسی و نجاشی هر دو شخصی را تضعیف کرده‌اند ولی بین عبارات ابن غضائری با آنان اختلاف زیادی وجود دارد؛ مثلاً شیخ از عبدالله بن محمد نام می‌برد و می‌گوید: «او واعظ و فقیه بود».^{۲۷۱} نجاشی نیز او را نام برده و با عبارت «او ضعیف بود»^{۲۷۲} تضعیف می‌کند، ولی ابن غضائری او را بسیار شدید تضعیف کرده و درباره‌اش گفته است:

او دروغگو و جعل‌کننده حدیث بود و نه بر روایات او می‌توان اعتماد کرد و نه خودش اهمیتی دارد.^{۲۷۳}

عالمان رجال علی بن ابی حمزه را تضعیف کرده‌اند؛ برای مثال شیخ او را چنین معرفی می‌کند: «او واقعی مذهب بود»^{۲۷۴} و علامه حلی گفته است: «او یکی از ارکان وقف بوده»^{۲۷۵} ولی ابن غضائری درباره او می‌گوید:

لعنت خدا بر او باد که تکیه‌گاه مذهب وقف و دشمن‌ترین مردم بر ولی امر پس از ابوابراهیم بوده است.^{۲۷۶}

إسحاق بن محمد بن احمد مکنی به ابویعقوب از سوی عالمان رجالی تضعیف شده است. نجاشی درباره‌اش می‌گوید: «او محور خلط احادیث است و بر این اساس کتابهایی نیز تألیف کرده است»^{۲۷۷} و

۲۶۸. همان، ص ۷۶، رقم ۸۷.

۲۶۹. همان، ص ۷۹، رقم ۹۵.

۲۷۰. همان، ص ۴۸، رقم ۲۷.

۲۷۱. شیخ طوسی، الفهرست پیشین، ص ۲۹۶، رقم ۴۴۵.

۲۷۲. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۳۲۴، ضمن رقم ۸۳.

۲۷۳. همان، ص ۸۰، رقم ۹۷.

۲۷۴. شیخ طوسی، الفهرست پیشین، ص ۲۸۳، رقم ۴۱۹.

۲۷۵. علامه حلی، پیشین، ص ۳۶۲، رقم ۱۴۲۶.

۲۷۶. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۸۳، رقم ۱۰۷.

۲۷۷. همان، ص ۷۳، رقم ۱۷۷.

ابن غضائری می‌گوید: «او مذهبی فاسد داشت و دروغگو و جّال حدیث بود و به روایتش نمی‌توان توجه کرد.»^{۲۷۸}

در مجموع با توجه به آنکه مبنای بسیاری از داوریهای رجالی در این کتاب، روایات راوی است، امروز این امکان برای ما فراهم است که با بررسی روایات راویان دربارهٔ صحت و سقم و یا تندرستی نظرات ابن غضائری داوری کنیم. در پایان باید گفت داوریهای موجود در این کتاب، بسیار ارزشمند و مورد استفاده در جوامع رجالی‌ای است که در دوره‌های بعد نگاشته شدند.

۲۷۸. همان، ص ۴۱، رقم ۱۴؛ ابوالهدی کلباسی، پیشین، ج ۱، ص ۶۱ - ۵۵.

جلسه پنجم

آشنایی با کتاب الرجال شیخ طوسی

اهداف درس

✓ آشنایی با شیخ طوسی نگارنده کتاب *الرجال*؛

✓ آشنایی با کتاب *الرجال* شیخ طوسی.

گفتار چهارم: آشنایی با کتاب الرجال شیخ طوسی

مرحوم شیخ طوسی گذشته از *اختیار الرجال* - که شرح آن گذشت - کتاب *الرجال* و کتاب *الفهرست* را در حوزه مباحث رجالی نگاشته است. این دو کتاب نیز از اصول اولیه رجالی به شمار می آیند. در این جلسه با نگاهی اجمالی به زندگی شیخ طوسی، به معرفی کتاب *الرجال* می پردازیم.

الف) آشنایی با مؤلف

نام مؤلف

مؤلف کتاب أبوجعفر محمد بن حسن بن علی طوسی، مشهور به شیخ طوسی است.

تاریخ زندگی و فعالیتهای علمی مؤلف

شیخ طوسی در رمضان سال ۳۸۵ هجری در طوس متولد شد و تا سال ۴۰۸ هجری در همان منطقه به یادگیری مقدمات علوم پرداخت. پس از آن به بغداد مهاجرت کرد و از محضر متکلمان، محدثان و فقیهان بزرگ استفاده کرد. او بسیاری از تألیفات مهم خود را در مدت اقامتش در بغداد نوشت. در این دوران از محضر شیخ مفید و پس از وفات او از محضر سید مرتضی بسیار استفاده کرد. شیخ پس از رحلت سید مرتضی علم الهدی، از سال ۴۳۶ هجری زعامت و رهبری علمی و دینی شیعه را عهده دار شد. شیخ طوسی تا سال ۴۴۸ هجری در بغداد حضور داشت، و در طول دوازده سال حضورش در این شهر، حوزه درسی خود را در بغداد اداره می کرد. وی در بغداد جایگاه مهمی داشت به گونه ای که کرسی درس

کلامش از سوی خلفا به رسمیت شناخته شده بود و این مسئله تا سلطه سلجوقیان بر بغداد و سقوط حکومت آل بویه، که منجر به فتنه‌هایی در بغداد شد، ادامه داشت. در اثر این آشوبها کتابخانه و کرسی درس شیخ در بغداد سوزانده شد. از این رو شیخ در سال ۴۴۸ هجری به نجف اشرف مهاجرت کرد و با انتقال تدریس وی به نجف، حوزه علمیه نجف اشرف بنیان نهاده شد. پس از انتقال شیخ به نجف تفاوتی اساسی در شیوه تدریس و بحثهای به وجود آمد. او در بغداد به جهت برخوردهای مذاهب مختلف با یکدیگر، غالباً بحثها را به شیوه تطبیقی ارائه می‌کرد، اما در نجف اشرف، که دیگر چنین تضارب آرایه وجود نداشت، علوم مختلف اسلامی را تنها بر اساس مشرب شیعی مورد توجه قرار داد.

شیخ طوسی در طول حیات پربرکت خویش کتابها و رساله‌های متعددی تألیف کرد. این تألیفات در طول قرنهای پیوسته، به عنوان مهم‌ترین تألیفات در رشته‌های مختلف علوم اسلامی شناخته شده است؛ از این رو به دلیل احاطه او بر علوم مختلف اسلامی او را «شیخ الطائفه»، استاد و بزرگ شیعه در همه قرن‌ها دانسته‌اند. تألیفات شیخ طوسی افزون بر ۵۲ عنوان کتاب و رساله است که برخی از این عناوین خود بالغ بر چندین مجلد است. تألیفات حدیثی او از این مجموعه عبارت‌اند از:

۱- تهذیب الأحکام؛

۲- الإستبصار فیما اختلف من الأخبار؛

۳- الأمالی.

و کتب رجالی او عبارت‌اند از:

۱- کتاب الرجال الذین رووا عن النبی والأئمة الإثني عشر (عليهم السلام) ومن تأخر عنهم؛

۲- کتاب فهرست کتب الشيعة وأصولهم؛

۳- اختیار الرجال.

وی در علوم کلام، اصول، فقه، تفسیر و علوم قرآن، ادعیه، تاریخ و مسائل شرعی نیز تألیفات دارد. شیخ طوسی در شب دوشنبه، بیست و دوم محرم الحرام سال ۴۶۰ هجری در سن ۷۵ سالگی وفات یافت. او گذشته از تألیفات بسیار ارزشمندی که برای آیندگان به جای گذاشت، شاگردان بسیاری نیز تربیت کرد. این شاگردان آن چنان تحت تأثیر مبانی و اندیشه‌های استوار شیخ طوسی قرار گرفتند که تا حدود یک قرن همگی خود را در گرو این اندیشه‌ها می‌دیدند. تا بدان جا که برخی این دوره را قرن مقلدان نامیده‌اند.^{۲۷۹}

۲۷۹. عظمت و بزرگی شیخ طوسی عده‌ای را بر آن داشته که زندگی و اندیشه‌های ایشان را تجزیه و تحلیلی علمی کنند. از این رو، منابع و مصادر بسیاری به شرح حال او پرداخته‌اند. در اینجا برخی از این منابع را معرفی می‌نماییم:

محمد بن حسن الطوسی، *الفهرست طوسی*، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ

مقدمه، ص ۷۸ - ۱۳؛ همان، ص ۴۷، رقم ۷۱۴؛ أبوالباس احمد بن علی النجاشی الأسدی الکوفی، *رجال النجاشی*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ۱۴۱۸ هـ چاپ ششم، ص ۴۰۳، رقم ۱۰۶۸؛ خیرالدین الزرکلی، *الأعلام*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۰ م، ج ۶ ص ۳۱۵؛ محمدحسن منزوی تهرانی (آقا بزرگ)، *طبقات أعلام الشيعة*، تحقیق علی‌نقی منزوی، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۳۹۱ هـ (الناس فی اعلام قرن الخامس)، ص ۱۶۱؛ شیخ عباس قمی، *الکنى و الألقاب*، تهران، مکتبه الصدر، ۱۳۹۷ هـ چاپ چهارم، ج ۳، ص ۳۹۴.

وضعیت رجالی مؤلف

وفاق و جلالت شأن شیخ طوسی نیازی به بیان ندارد. از این رو، تنها به قسمتی از سخن علامه حلی در خلاصه الأقوال اشاره می‌کنیم:

أَبُو جَعْفَرٍ شَيْخُ الْإِمَامِيهِ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ، رَئِيسُ الطَّائِفَةِ، جَلِيلُ الْقَدْرِ، عَظِيمُ الْمَنْزِلَةِ، ثَقَّةٌ، عَيْنٌ، صَدُوقٌ، عَارِفٌ بِالْأَخْبَارِ وَالرِّجَالِ وَالْفَقْهِ وَالْأُصُولِ وَالْأَحْكَامِ وَالْأَدَبِ وَجَمِيعِ الْفَضَائِلِ تُنْسَبُ إِلَيْهِ، صَنَّفَ فِي كُلِّ فَنَوْنٍ الْإِسْلَامِ وَهُوَ الْمُهَذَّبُ لِلْعَقَائِدِ فِي الْأُصُولِ وَالْفُرُوعِ وَالْجَامِعُ لِكَمَالَاتِ النَّفْسِ فِي الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ.^{۲۸۰}

ابوجعفر بزرگ امامیه (قدس الله روحه)، رئیس طائفه (شیعه)، جلیل‌القدر و بلندمنزلت، مورد اعتماد، چهره برجسته، راستگو و آگاه به احادیث، راویان، فقه، اصول، کلام و ادب است و همه فضایل به او منسوب است. نگارشهایی در همه علوم اسلامی دارد؛ او در اصول و فروع راست عقیده است و علم و عمل را در خود جمع کرده است.

ب) آشنایی با تألیف

نام کتاب

شیخ طوسی در شرح حال خود در الفهرست این گونه از این کتاب نام می‌برد: «کتاب الرجال الذين رَوَوْا عن النَّبِيِّ وَالْأَئِمَّةِ الْإِثْنَى عَشَرَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُمْ».^{۲۸۱}

سید بحرالعلوم و برخی دیگر، از این کتاب به جهت باب‌بندی تفصیلی بر اساس اصحاب هر امام با عنوان «الآبواب» نیز یاد کرده‌اند.^{۲۸۲}

در کلمات اکثر رجالیان متقدم و متأخر، این کتاب با تعبیر رجال شیخ یا رجال طوسی یاد شده و با این نام نیز چاپ شده است. نام اختصاری این کتاب در جوامع رجالی «جخ» است.

مقدمه کتاب

برای آشنایی با یک کتاب، شناخت اهداف مؤلف و شیوه و سبک او در تألیف، سودمندترین راه بررسی مباحث کتاب از زوایای نگاه مؤلف است. در آشنایی با کتابهای پیشین؛ یعنی، رجال برقی، رجال کشی و رجال ابن‌غضائری به دلیل فقدان مقدمه و در دست نبودن سخنی از مؤلفان آنها درباره کتاب، بررسی کتاب از نگاه

۲۸۰. حسن بن یوسف بن علی حلی، خلاصه الأقوال، تحقیق سید محمدصادق بحرالعلوم، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ هـ. چاپ اول، ص ۱۴۸.

۲۸۱. شیخ طوسی، پیشین، ص ۴۴۸، شماره ۷۱۴.

۲۸۲. بحرالعلوم طباطبائی، سید محمدمهدی، رجال السید بحرالعلوم (الفوائد الرجالیة)، تحقیق محمدصادق آل بحرالعلوم و حسین آل بحرالعلوم، تهران، مکتبه الصادق، ۱۳۶۳ هـ.ش، چاپ اول، ج ۳، ص ۲۳۱.

مؤلف ممکن نبود. اما مقدمه کتاب رجال طوسی این امکان را فراهم ساخته است تا از نگاه شیخ طوسی به این کتاب بنگریم.

مطالبی که در مقدمه رجال شیخ طوسی تصریح شده عبارت است از:

۱- انگیزه تألیف و درخواست مکرر شیخ فاضل برای تألیف کتاب؛

۲- نام گذاری کتاب به کتاب الرجال الذین رووا عن النبی صلی الله علیه وآله والائمة الاثنی عشر علیهم السلام ومن تأخر عنهم؛

۳- گزارشی از محتوای کتاب.^{۲۸۳}

انگیزه نگارش

آن گونه که از مقدمه برمی آید، شیخ طوسی این کتاب را به درخواست مکرر یکی از عالمان هم عصر خویش نوشته است:

فإني قد أجبتُ إلى ما تكرر سؤال الشيخ الفاضل فيه من جمع كتاب يشتمل على أسماء الرجال الذين رووا عن رسول الله صلى الله عليه وآله [وسلم] وعن الأئمة عليهم السلام من بعده إلى زمن القائم عليه السلام.

من به درخواست «شیخ فاضل»، که مکرراً از من می خواست کتابی مشتمل بر نام روایت کنندگان از رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) بعد از ایشان تا زمان حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه) گرد آورم، این کتاب را تألیف کردم.

تاریخ تألیف کتاب

در آغاز سخن گفتیم که شیخ طوسی صاحب دو کتاب الفهرست و کتاب الرجال است. حال این سؤال مطرح می شود که تدوین کدام یک از این دو بر دیگری مقدم بوده است. ارزش پرسش به این سؤال آنجا مشخص می شود که محقق بین قول شیخ طوسی در این دو کتاب ناهمخوانی ببیند. در چنین شرایطی محقق باید بنا را بر کتاب متأخر بگذارد، چرا که بی شک قول دوم (متأخر) بیانگر نظر شیخ طوسی بعد از تجدید نظر در مطالب کتاب نخست است و به این ترتیب می توان رأی نهایی شیخ طوسی را از آخرین کتاب رجال او به دست آورد. از این رو، دانستن ترتیب نگارش این دو کتاب بسیار اهمیت دارد.

از تأمل در برخی نکته های این دو کتاب می توان تا حدودی ترتیب تألیف آنها را مشخص کرد. برخی از این نکات به قرار زیر است:

۱- ظاهراً آغاز تألیف کتاب الرجال پس از تألیف الفهرست بوده است، زیرا در موارد بسیاری شیخ در کتاب الرجال به کتاب الفهرست ارجاع می دهد و این مسئله گویای تدوین زودتر پاره ای از مطالب کتاب الفهرست نسبت به کتاب الرجال است.

^{۲۸۳}. برای مطالعه مقدمه کتاب می توانید به قسمت ملحقات درس مراجعه کنید.

۲- تألیف کتاب *الرجال* پیش از سال ۴۳۶ هجری آغاز شده است. در این کتاب شیخ در شرح حال سید مرتضی، که به سال ۴۳۶ هجری درگذشته است، برای طول عمر او دعا می‌کند. این نکته قرینه‌ای برای نگارش مطلب مزبور و در نتیجه تألیف پاره‌ای از کتاب *الرجال* پیش از سال ۴۳۶ هجری است.

۳- در *الفهرست* پایان شرح حال سید مرتضی، تاریخ وفاتش ذکر شده، حال آنکه در آغاز شرح حال او، هنگامی که شیخ طوسی از او نام می‌برد، برای طول عمرش دعا کرده است.

۴- شیخ طوسی در کتاب *الفهرست*، کتاب *الرجال* را جزء مؤلفات خود نام می‌برد. این مسئله در نگاه اول حاکی از اتمام کتاب *الرجال* در زمان تألیف *الفهرست* است.

در تحلیل و بررسی اطلاعات فوق باید گفت تعارض در دو بخش شرح حال سید مرتضی، به گونه‌ای که جملات ابتدایی حاکی از زنده بودن سید مرتضی در حین تدوین کتاب و جملات انتهایی گویای وفات اوست، نشان‌دهنده باز بودن دفتر تدوین کتاب *الفهرست* در مدتی طولانی در زمان حیات شیخ طوسی است. به همین خاطر ذکر نام کتاب *الرجال* در *الفهرست* در میان تألیفات شیخ طوسی به تنهایی نمی‌تواند دلیلی بر سامان یافتن زودتر کتاب *الرجال* باشد، زیرا این احتمال وجود دارد که شیخ طوسی نام کتاب *الرجال* را پس از اتمام کتاب *الفهرست* به مجموعه تألیفات خود افزوده باشد، یا به طور کلی شرح حال خود را پس از تألیف کتاب به آن اضافه کرده باشد.

با توجه به نکات فوق به نظر می‌رسد که هرچند شیخ طوسی نگارش کتاب *فهرست* خود را زودتر آغاز کرده اما تألیف این دو کتاب به طور هم‌زمان انجام شده و مؤلف قسمت اعظم نگارش و سامان دادن این دو کتاب را با هم پیش برده است.

خصوصیات ساختاری رجال شیخ طوسی

شیخ طوسی در مقدمه کتاب خصوصیات ساختاری کتابش را در چند مورد بیان می‌کند:

۱- ساختار کتاب بر اساس شیوه نگارش طبقات سامان یافته است. بر این اساس یک باب به اصحاب پیامبر اختصاص یافته و در یازده باب دیگر اصحاب امام علی (علیه السلام) تا امام عسکری (علیه السلام) را معرفی کرده است. باب سیزدهم به راویانی که در عصر ائمه بوده‌اند اما از ایشان روایت نکرده‌اند یا کسانی که در آن عصر نبوده‌اند، اختصاص یافته است. بنابراین کتاب در سیزده باب تنظیم شده است.^{۲۸۴}

۲- در هر یک از بابها، که به معرفی اصحاب ائمه اختصاص دارد، ترتیب الفبایی (حروف معجم) رعایت شده است. این شیوه، مراجعه و یافتن نام مورد نظر مراجعه‌کننده را آسان می‌نماید.^{۲۸۵}

۲۸۴. «کتاب یَشْتَمِلُ عَلَى أَسْمَاءِ الرِّجَالِ الَّذِينَ رَوَوْا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَعَنِ الْأَئِمَّةِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) مِنْ بَعْدِهِ إِلَى زَمَنِ الْقَائِمِ (عَلَيْهِ السَّلَام) ثُمَّ أَذْكَرُ بَعْدَ ذَلِكَ مَنْ تَأَخَّرَ زَمَانُهُ عَنِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ رِوَاةِ الْحَدِيثِ أَوْ مَنْ عَاصَرَهُمْ وَلَمْ يَرَوْا عَنْهُمْ.» کتابی مشتمل بر اسماء راویان رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) بعد از ایشان تا زمان حضرت قائم (علیه السلام) است و پس از آن راویانی را که بعد از زمان ائمه (علیهم السلام) یا معاصر ائمه (علیهم السلام) بودند ولی از ایشان روایت نکرده‌اند، نام بردم.

۲۸۵. «أُرْتَبَتْ ذَلِكَ عَلَى حُرُوفِ الْمُعْجَمِ الَّتِي أَوَّلُهَا الْهَمْزَةُ وَآخِرُهَا الْيَاءُ لِيَقْرَبَ عَلَى مُلْتَمِسِهِ طَلِبُهُ وَيَسْهُلَ عَلَيْهِ حِفْظُهُ.» اسامی را بر اساس حروف معجم، که اول آنها همزه و آخر آنها «ياء» است، مرتب ساختم تا آنکه برای جوینده یافتن آنها ممکن و حفظ آن بر او آسان شود.

۳- جامعیت و کمال این تألیف به طور جدی مورد توجه شیخ طوسی بوده است. از همین رو راویان هر معصوم را در حدّ توان پیگیری کرده است. هر چند خود تصریح می‌کند که نمی‌تواند به صورت کامل این جامعیت را تضمین کند؛ چه آنکه تعداد راویان بسیار است و در مناطق مختلف از شرق تا غرب پراکنده‌اند، ولی او تمامی تلاش خود را در معرفی آنان به کار گرفته است.^{۲۸۶}

۴- به گفته شیخ طوسی تا آن عصر کتابی جامع و کامل در معرفی اصحاب ائمه نبوده است و هر یک از کتابهای نگاشته‌شده در این موضوع تنها بخشی از راویان هر امام را معرفی کرده است. در این میان تنها ابن‌عقده بیشتر راویان امام صادق (علیه السلام) را گرد آورده، لکن راویان دیگر ائمه را ذکر نکرده است. بر این پایه شیخ طوسی مدعی است که اولین کتاب جامع و کامل را در معرفی راویان پیامبر و ائمه تألیف کرده است. همچنین او کتاب ابن‌عقده را به صورت کامل در باب اصحاب امام صادق (علیه السلام) آورده و نام کسانی را که از اصحاب امام صادق (علیه السلام) بوده‌اند ولی نامشان در آن کتاب نیامده، بر آن افزوده است.^{۲۸۷} علاوه بر خصوصیات ساختاری کتاب، که از مقدمه به دست می‌آید، اطلاعات ساختاری زیر نیز درباره این کتاب قابل ذکر است:

۱- شیخ طوسی در کتاب رجالش ۶۴۲۹ عنوان ذکر کرده است. البته این تعداد حکایتگر شمار اشخاص راویان نیست، زیرا گاهی به دلیل تکرار، نام راوی در شمار اصحاب چند امام آمده است؛ از این رو با حذف موارد تکراری می‌توان آمار دقیق راویان را از نظر شیخ طوسی به دست آورد.

۲- به دلیل اهمیت این کتاب، در جوامع رجالی نقل‌قولهای فراوانی از ابواب این کتاب صورت گرفته است و علاوه بر آنکه نام اختصاری «جخ» برای کتاب گذارده شده هر یک از ابواب آن نیز در جوامع رجالی رمزی خاص دارند. البته به دلیل متداول شدن این رموز، گاه این رموزها برای معرفی طبقه اصحاب ائمه (علیهم السلام) استفاده می‌شوند، بدون آنکه نام آن راوی در کتاب رجال طوسی باشد.

رمزهای هر یک از ابواب این کتاب به شرح زیر است:

- باب اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله)؛ «ل»

- باب اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام)؛ «ی»

- باب اصحاب امام حسن (علیه السلام)؛ «ن»

- باب اصحاب امام حسین (علیه السلام)؛ «سین»

۲۸۶. «أَسْتَوْفَى ذَلِكَ عَلَى مَبْلَغِ جَهْدِي وَطَاقَتِي وَعَلَى قَدْرِ مَا يَتَسَعُّ لِي زَمَانِي وَفَرَاغِي وَتَصَفُّحِي وَلَا أَضْمَنُ أَنِّي أَسْتَوْفَى ذَلِكَ عَنْ آخِرِهِ فَإِنَّ رَوَاةَ الْحَدِيثِ لَا يَنْضَبُطُونَ وَلَا يُمَكِّنُ حَصْرُهُمْ لِكَثْرَتِهِمْ وَانْتِشَارِهِمْ فِي الْبُلْدَانِ شَرْقًا وَغَرْبًا غَيْرَ أَنِّي أَرْجُو أَنَّهُ لَا يَشُدُّ عَنْهُمْ إِلَّا النَّادِرُ وَلَيْسَ عَلَى الْإِنْسَانِ إِلَّا مَا تَسَعُّهُ قُدْرَتُهُ وَتَنَالُهُ طَاقَتُهُ»؛ به قدر تلاش و توانم و به اندازه وسعت زمان و فراغت وقت و جستجویم آن را کامل کردم. ولی ضمانت نمی‌کنم که این کار را به پایان رسانیده باشم، زیرا (نام) راویان حدیث به طور کامل ثبت نشده و حصر آنان به دلیل کثرت و پراکندگی‌شان در شرق و غرب عالم ممکن نیست. اما امیدوارم جز اندکی از آنها باقی نمانده باشد و بر انسان جز آنچه در حد قدرت او است و توان او بدان می‌رسد، نیست.

۲۸۷. «وَلَمْ أَجِدْ لِأَصْحَابِنَا كِتَابًا جَامِعًا فِي هَذَا الْمَعْنَى إِلَّا مَخْتَصَرَاتٍ قَدْ ذَكَرَ كُلُّ إِنْسَانٍ طَرَفًا مِنْهَا إِلَّا مَا ذَكَرَهُ ابْنُ عُقْدَةَ مِنْ رَجَالِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَإِنَّهُ قَدْ بَلَغَ الْغَايَةَ فِي ذَلِكَ وَلَمْ يَذْكُرْ رَجَالُ بَاقِي الْأَئِمَّةِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام). وَأَنَا أَذْكُرُ مَا ذَكَرَهُ وَأُورِدُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ مَنْ لَمْ يُورَدْ»؛ من کتاب جامعی در این موضوع نیافتم و به جز اندک نگاشته‌هایی که هر کس گوشه‌ای از این موضوع را در آن گرد آورده بود به چیزی دست نیافتم. جز در مورد راویان امام صادق (علیه السلام) که ابن‌عقده آنان را نام برده است. او این کار را کامل انجام داده، اما او نام راویان سایر ائمه (علیهم السلام) را نیاورده و من [در اینجا] هر آن که را که او نام برده می‌آورم و سپس آنچه را که نیاورده بیان می‌کنم.

- باب اصحاب امام علی بن الحسین (علیه السلام): «ین»
 - باب اصحاب امام باقر (علیه السلام): «قر»
 - باب اصحاب امام صادق (علیه السلام): «ق»
 - باب اصحاب امام کاظم (علیه السلام): «ظم» یا «م»
 - باب اصحاب امام رضا (علیه السلام): «ضا»
 - باب اصحاب امام جواد (علیه السلام): «د» یا «ج»
 - باب اصحاب امام هادی (علیه السلام): «دی»
 - باب اصحاب امام عسکری (علیه السلام): «کر» یا «ری»
 - باب من لم یرو عن واحد من الأئمة (علیهم السلام): «لم»^{۲۸۸}
- در تمامی بابهای کتاب:

ابتدا رجالی که با نام شناخته شده‌اند، آمده است. مبنای چینش راویان در این قسمت ترتیب حروف الفبا است. اما این ترتیب الفبایی به طور کامل رعایت نشده است. زیرا با آنکه در چینش اسامی نخست، ترتیب کامل الفبایی دیده می‌شود، اما گاه در پایان باب اسامی عده‌ای از راویان تنها به ترتیب حرف اول آنها فهرست شده‌اند.

در ادامه، اسامی کسانی که فقط با کنیه شناخته شده‌اند، آمده است. در پایان هر باب، نام راویان زن آمده است.

تنها در باب اصحاب امام صادق (علیه السلام) بابی با عنوان «باب مَنْ لَمْ یُسَمَّ» ترتیب یافته است که در آن نام کسانی ذکر شده که از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده‌اند، ولی نامشان معلوم نیست؛ مانند: «الْغُلَامُ الذی اعتقه».

در ترتیب الفبایی این کتاب تذکر دو نکته لازم است:

اولاً: حرف «واو» در تمامی موارد بر «هاء» مقدم شده است.

ثانیاً: در باب اصحاب امام صادق (علیه السلام) به غیر از ترتیب الفبایی مذکور، در ترتیب حرف دوم، نخست نامهای مشهورتر، که افراد بیشتری را شامل می‌شود، ذکر شده و سپس نامهای کم‌استعمال‌تر آمده است. به دیگر سخن، شیخ طوسی در این باب ابتدا کتاب ابن عقده را آورده و پس از آن ترتیب الفبایی راویان دیگر را از اول شروع کرده است و به همین جهت تکرار حروف معجم در این باب زیاد به چشم می‌خورد.

۲۸۸. در باب اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله) ۴۶۸ راوی، در باب اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۴۴۹ راوی، در باب اصحاب امام حسن (علیه السلام) ۴۱ راوی، در باب اصحاب امام حسین (علیه السلام) ۹۹ راوی، در باب اصحاب امام علی بن الحسین (علیه السلام) ۱۷۱ راوی، در باب اصحاب امام باقر (علیه السلام) ۴۶۸ راوی، در باب اصحاب امام صادق (علیه السلام) ۳۲۲۵ راوی، در باب اصحاب امام کاظم (علیه السلام) ۲۷۳ راوی، در باب اصحاب امام رضا (علیه السلام) ۳۱۹ راوی، در باب اصحاب امام جواد (علیه السلام) ۱۱۶ راوی، در باب اصحاب امام هادی (علیه السلام) ۱۸۵ راوی، در باب اصحاب امام عسکری (علیه السلام) ۱۰۵ راوی و در باب «من لم یرو عن واحد من الأئمة (علیهم السلام)» ۵۱۰ راوی نام برده شده است.

خصوصیات محتوایی رجال شیخ طوسی

میزان اطلاعات رجالی

شیخ طوسی در تألیف این کتاب در دوازده باب نخست، نام راویان مستقیم ائمه معصوم (علیهم السلام) و تعیین طبقه آنها بر اساس اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) آورده است و در باب سیزدهم، راویانی را نام برده که یا اصلاً در عصر ائمه (علیهم السلام) نبوده‌اند و یا در صورت حضور در عصر ائمه (علیهم السلام) قابلیت تحمل حدیث را نداشته‌اند و یا به دلیلی از امام معصوم روایتی ننشیده‌اند. می‌توان گفت که شیخ طوسی به دنبال بیان وثاقت، ضعف یا صاحب کتاب بودن راوی و ... نبوده است. شیخ در مقدمه کتاب به این جهت‌گیری محتوایی اشاره کرده است. او در مقدمه تصریح می‌کند که بر جمع‌آوری راویان پیامبر و ائمه اهتمام دارد و به هیچ ملاک و معیار دیگری توجه قرار نمی‌کند.

با این وجود درباره برخی راویان، اطلاعاتی غیر از صحابه امام بودن راوی و طبقه او ارائه شده است. بیان توثیق و تضعیف برخی راویان و پاره‌ای اطلاعات تاریخی از این نمونه است. در این راستا تا اصحاب امام باقر (علیه السلام) الفاظ معمول و متداول توثیق یا تضعیف دیده نمی‌شود، بلکه مدحیایی چون: «الأركان الأربعة»، «مستقیم»، «فاضل» و ... و مذمتیایی چون: «خارجی ملعون»، «لحق بمعاوية»، «مجهول»، «كان مع معاوية يوم صفين» و ... به چشم می‌خورد. استفاده از الفاظ متداول و صریح در جرح و تعدیل، مانند: «ثقة» و «ضعیف»، در باب اصحاب امام باقر (علیه السلام) و اصحاب امام صادق (علیه السلام) آغاز شده و از اصحاب امام کاظم (علیه السلام) تا آخر کتاب رو به فزونی نهاده است.

همچنین به طور کلی در دوازده باب نخست، کمتر شرح حال راویان ذکر شده و در موارد نادری تنها شرح حال مختصری از راوی وجود دارد. اما در باب سیزدهم، یعنی «باب من لم یرو عن واحد من الأئمة (علیهم السلام)» بیشتر راویان شرح حال نسبتاً مفصلی دارند.

راویان موجود در این کتاب

در مورد شیعه یا سنی بودن راویان موجود در این کتاب دو نظر وجود دارد؛ برخی معتقداند شیخ طوسی در نام بردن اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا اصحاب هر امام، به مؤمن یا منافق بودن و شیعه یا سنی بودن شخص توجه نمی‌کند. از این رو، اشخاصی چون خلفای سه‌گانه و عمرو بن عاص و ... را در شمار اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) آورده است.^{۲۸۹} همچنین زیاد بن ابیه و عبیدالله بن زیاد^{۲۹۰} را در شمار اصحاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) و منصور دوانیقی را در شمار اصحاب امام صادق (علیه السلام) نام می‌برد، بدون آنکه اشاره‌ای به فساد آنها داشته باشد. بنابراین، به صرف وجود اسم شخصی در این کتاب نمی‌توان به شیعه یا امامی بودن^{۲۹۱} او پی برد.

برخی دیگر بر آن‌اند که شیخ اسامی همه صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اصحاب ائمه (علیهم السلام) را ذکر نکرده، بلکه از میان آنان گزینش نموده و مبنای این گزینش، همان‌گونه که در کتاب دیده

۲۸۹. احمد بن محمد بن خالد برقی، کتاب الرجال، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسة القیوم، ۱۴۱۹ هـ چاپ اول، ص ۴۲ و ۴۳.

۲۹۰. همان، ص ۷۱.

۲۹۱. به کسی که قائل به امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد، شیعه گفته می‌شود؛ لذا شیعه می‌تواند زیدی، فطحی یا اسماعیلی باشد، ولی امامی تنها به کسی گفته می‌شود که قائل به امامت دوازده امام به طور کامل باشد.

می‌شود و شیخ طوسی نیز در مقدمه اشاره کرده، راوی مستقیم از امام بودن است. از آنجا که اصل این است که راوی امام، امامی یا حداقل شیعه باشد، می‌توان دربارهٔ راویان موجود در کتاب، به شیعه بودن آنها حکم داد مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

به هر صورت با بررسی راویان این نکته مشخص می‌شود که از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا امام باقر (علیه السلام) شمار راویان عامی مذهب بسیار است، ولی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) به بعد غالب راویان شیعه‌اند و در نهایت در باب سیزدهم به ظاهر راوی غیرشیعی دیده نمی‌شود.

مراد از اصحاب در رجال طوسی

از جمله مطالبی که در بررسی کتاب رجال شیخ طوسی مورد توجه بزرگان قرار گرفته، این نکته است که شیخ طوسی در باب راویان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) عنوان بابها را «باب من رَوَى عَنْ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله) مِنَ الصَّحَابَةِ»؛ یعنی باب صحابه‌ای که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت کرده‌اند و «أَسْمَاءُ مِنْ رَوَى عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام)»؛ یعنی نام کسانی که از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت کرده‌اند، قرار داده است.

اما در دیگر ابواب مربوط به ائمه، عنوان باب را اصحاب هر امام قرار داده است. برای نمونه عنوان باب اصحاب امام باقر (علیه السلام) را «أَصْحَابُ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليهم السلام)» نهاده است. این اختلاف تعبیر در دو باب نخست، نسبت به سایر ابواب نوعی تفنن در عبارت است. اما سؤال اساسی آن است که مراد از اصحاب در ده باب دیگر (سوم تا دوازدهم) چیست؟ آیا این تعبیر اشاره به اصحاب لقا دارد یا اصحاب روایت، و همچنین مراد از روایت، روایت با واسطه است یا بی‌واسطه؟ در این مورد میان عالمان اختلاف نظر وجود دارد.

ظاهراً مراد از اصحاب، اصحاب روایت است؛ یعنی کسانی که علاوه بر ملاقات امام، از ایشان روایت نیز کرده‌اند و مراد از روایت نیز نقل بدون واسطه است، همچنان که نام تفصیلی کتاب، که در کلام خود شیخ طوسی در کتاب الفهرست و مقدمه کتاب الرجال آمده است، حاکی از همین معنی است.

شاهد این مطلب آن است که برخی راویان را که در زمان یک امام زیسته‌اند اما حدیث نشنیده‌اند و در عصر امام بعد حدیث شنیده‌اند، شیخ طوسی در شمار اصحاب امام دوم آورده است. از این رو، محمد بن ابی‌عمیر را در شمار اصحاب امام کاظم نیاورده است، چون به اعتقاد شیخ، او زمان امام کاظم را درک کرده بود ولی از ایشان روایت نداشت. شیخ طوسی در الفهرست می‌گوید: «إِنَّهُ أَدْرَكَ أَبَا إِبْرَاهِيمَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَلَمْ يَرَوْهُ عَنْهُ».^{۲۹۲} بنابراین، شیخ نام او را در شمار اصحاب امام رضا (علیه السلام) ذکر کرده است.

ولی باید گفت بر خلاف نظر شیخ طوسی هم‌اکنون از ابن ابی‌عمیر روایاتی وجود دارد که آنها را از امام کاظم (علیه السلام) نقل کرده و تعداد این روایات نیز کم نیست.

اما میرداماد در الرواشح السماویه معنی دیگری را از این تعبیر ارائه کرده است. مرحوم میرداماد (م ۱۰۴۱ هـ) بر این اعتقاد است که تعبیر اصحاب سه گونه کاربرد دارد: عده‌ای را اصحاب لقا می‌نامند که تنها رؤیت و ملاقاتی با شخص دارند؛ عده‌ای را اصحاب سماع می‌گویند که روایت مستقیم از امام نقل می‌کنند و عده‌ای اصحاب إسناد هستند که با سند و با واسطه دیگر راویان از معصوم نقل می‌کنند.

۲۹۲. او امام کاظم را درک کرد ولی از او روایت نکرده است؛ شیخ طوسی، الفهرست، پیشین، ص ۱۴۲.

بر پایه نظر میرداماد، شیخ طوسی در معرفی اصحاب هر امام قصد معرفی راویان آن امام را دارد، نه معرفی کسانی که عصر امام را درک کرده‌اند. به دیگر سخن، شیخ به معرفی اصحاب روایت - اعم از سماع و إسناد - پرداخته است.^{۲۹۳}

تکرار عناوین در ابواب

در مواردی نام برخی از اشخاص در کتاب *الرجال* شیخ طوسی تکرار شده است. این تکرار به سه شکل در کتاب دیده می‌شود:

الف) تکرار برخی عناوین در یک باب

در مواردی دو یا سه بار نام یک راوی در یک باب تکرار شده است. در این موارد گاه عنوان عیناً تکرار می‌شود و گاه اختلاف کمی در آنها وجود دارد که به حسب ظاهر باید بر تعدد اشخاص حمل شود. اما در برخی موارد با وجود اختلاف در عنوانها، قراین قطعی بر اتحاد اشخاص وجود دارد که این توجیه را بی‌معنا می‌سازد. در مواردی که نامها نزدیک به یکدیگر باشند و اختلاف در عناوین باشد، احتمال تعدد اشخاص از دیدگاه شیخ طوسی وجود دارد، اما در مواردی که فاصله بین نامها زیاد باشد و اختلافی هم در ظاهر عنوانها نباشد ظاهراً بین دو عنوان اتحاد وجود دارد و این تکرار گاه ناشی از غفلت شیخ طوسی بوده است و احتمالاً به دلیل آنکه شیخ طوسی کتاب را طی زمانی طولانی نوشته است، نگارش عنوان پیشین را فراموش کرده، و از این رو آن را مجدد تکرار نموده است.

علاوه بر آن گاهی این تکرار ناشی از تعدد مصادر شیخ طوسی است. مثلاً در باب اصحاب امام صادق (علیه السلام) - چنان که خواهیم گفت - شیخ ابتدا عنوانهای موجود در کتاب ابن‌عقده را آورده و پس از آن، مواردی را به صورت مستدرک نقل کرده است. در چنین مواردی تکرار رخ داده است. در مجموع این موارد بالغ بر ۸۲ عنوان تکراری است. از این جمله احمد بن حارث انماطی است که نام او دو بار در اصحاب امام کاظم (علیه السلام) ذکر شده است.^{۲۹۴}

ب) تکرار برخی عناوین در چند باب

نام برخی راویان در دو یا سه و حتی شش باب از اصحاب ائمه تکرار شده است. دلیل این تکرار، مصاحبت برخی راویان با چند امام بوده که به صورت طبیعی در لیست اصحاب هر امام نامش تکرار می‌شود. برای مثال نام جابر بن عبدالله انصاری در اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین، امام حسن، امام حسین، امام زین‌العابدین و امام باقر (علیهم السلام) تکرار شده است. در مجموع این موارد بالغ بر ۹۷ عنوان است.^{۲۹۵}

۲۹۳. محمدباقر حسینی استرآبادی (میرداماد)، *الرواشح السماویه*، تحقیق غلام‌حسین قیصریه‌ها و نعمة‌الله الجلیلی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ هـ، اول، ص ۱۱۱ - ۱۰۸. برای اطلاع بیشتر از ادله میرداماد و پاسخی که در مقابل این ادله اقامه شده است به ملحقات درس مراجعه کنید. همچنین برای تحقیق بیشتر در این مورد می‌توانید به *سماء المقال*، تألیف ابوالهدی کلباسی، ج ۱، ص ۱۴۲ - ۱۴۰ و *خاتمه مستدرک الوسائل*، تألیف میرزا حسین نوری، ج ۳، ص ۱۷۸، مراجعه فرمایید.

۲۹۴. می‌توانید این موارد را در کتاب *بازشناسی منابع رجالی شیعه* ملاحظه فرمایید.

۲۹۵. برای شناخت این موارد، ر.ک: *بازشناسی منابع رجالی شیعه*، از نگارنده و محمدرضا جدیدی‌نژاد.

ج) تکرار برخی عناوین در اصحاب ائمه و در باب «مَنْ لَمْ يَرَوْ عَنْ وَاحِدٍ مِنْهُمْ (عليهم السلام)» چنان که گفتیم مرحوم شیخ طوسی در دوازده باب از کتاب الرجال، اصحاب هر معصوم را ذیل باب خاص اصحاب آن امام آورده است و کسانی را که از هیچ یک از ائمه، به جهت نبودن در عصر امامان یا ملاقات نکردن یا روایت نداشتن از ایشان، حدیث نقل نکرده‌اند، در باب «مَنْ لَمْ يَرَوْ عَنْ وَاحِدٍ مِنْهُمْ (عليهم السلام)» آورده است. اما در برخی موارد نام یک راوی در اصحاب یک امام ذکر شده و دوباره نام او در باب «مَنْ لَمْ يَرَوْ...» هم آمده است. برای نمونه نام أحمد بن عمر حلال در اصحاب امام رضا (علیه السلام) و باب «مَنْ لَمْ يَرَوْ...» تکرار شده است.

از جمله مشکلاتی که در شناخت مبانی شیخ طوسی در رجالش وجود دارد، تکرار نام برخی از اشخاص، ضمن اصحاب ائمه و همچنین در باب سیزدهم در ضمن کسانی است که از هیچ یک از ائمه روایت ندارند. برای نمونه فضالة بن ایوب یک بار در اصحاب امام کاظم (علیه السلام) و بار دیگر در اصحاب امام رضا (علیه السلام) و دیگر بار در باب «مَنْ لَمْ يَرَوْ عَنْهُمْ (عليهم السلام)» تکرار شده است. یقیناً نیز از جمله کسانی است که نامش یک بار در اصحاب امام رضا (علیه السلام) و بار دیگر در اصحاب امام هادی (علیه السلام) و دفعه سوم در باب «مَنْ لَمْ يَرَوْ عَنْهُمْ (عليهم السلام)» تکرار می‌شود.

این نکته نوعی تناقض را به ذهن متبادر می‌کند که خود سبب به وجود آمدن مباحث تفصیلی در میان عالمان رجال شده است. در توضیح این تناقض باید گفت: نام بردن راوی در باب اصحاب هر امام به معنی روایت آن راوی از آن امام است و نام بردن از او در باب سیزدهم به معنی روایت نداشتن آن راوی از امام است. این دو معنی با یکدیگر تناقض دارند. به عبارت دیگر نمی‌توان پذیرفت که یک راوی هم از اصحاب و راویان یک یا چند امام باشد و هم از کسانی باشد که از ایشان روایت ندارد. بالغ بر هفده توجیه برای این نوع تکرار ارائه شده است. هر یک از این توجیهات نیز اشکالاتی دارد که نمی‌تواند اصل مشکل را حل کند که تفصیل آنها در این مقام نمی‌گنجد.^{۲۹۶}

توثیق عام اصحاب امام صادق (علیه السلام)

از شیخ مفید و بسیاری دیگر از بزرگان نقل شده است که «اصحاب حدیث» اسامی راویان از امام صادق (علیه السلام) را گرد آوردند. در مجموع چهار هزار نفر از شاگردان امام صادق (علیه السلام)، با همه اختلافات کلامی، شناخته شده‌اند و همگی ثقه‌اند.

بسیاری بر این اعتقاداند که منظور از «اصحاب حدیث» ابن عقده می‌باشد. با توجه به مقدمه شیخ طوسی، که جامع‌ترین کتاب در اصحاب امام صادق (علیه السلام) کتاب ابن عقده بوده و شیخ طوسی همه آن کتاب را به اضافه مستدرکات آن در باب اصحاب امام صادق (علیه السلام) آورده است، عده‌ای وجود نام راوی را در این باب از رجال شیخ طوسی دلیل بر وثاقت آن راوی می‌دانند. چون توثیق شیخ مفید و دیگران به صورت طبیعی شامل حال آن راوی خواهد شد.^{۲۹۷}

۲۹۶. همان.

۲۹۷. تفصیل این بحث را در درس توثیقات عام و خاص و در ضمن مبانی توثیق پیگیری کنید.

تعبیر «أُسْنَدُ عَنْهُ» در رجال طوسی

از جمله تعبیرات اختصاصی کتاب *الرجال* شیخ طوسی استفاده از تعبیر «أُسْنَدُ عَنْهُ» در برابر نام برخی رجال است. این تعبیر در اصحاب امام باقر (علیه السلام) ۱ مورد و در اصحاب امام صادق (علیه السلام) ۳۳۳ مورد و در اصحاب امام کاظم (علیه السلام) ۲ مورد و در اصحاب امام رضا (علیه السلام) ۱۲ مورد و در اصحاب امام هادی (علیه السلام) ۱ مورد به کار رفته است. این تعبیر در کلمات دیگر رجالیان وجود ندارد و تنها در منابع پس از شیخ طوسی به نقل از او به کار رفته است.

در شیوه قرائت این لفظ به صورت معلوم «أُسْنَدَ عَنْهُ» یا مجهول «أُسْنَدَ عَنْهُ» و همچنین در تعیین مرجع ضمیرها در «أُسْنَدَ» و «عَنْهُ» و معنای آن، بنا بر هر قرائت، آرای مختلفی وجود دارد. مجموع این گفته‌ها به یازده نظریه می‌رسد.^{۲۹۸} عده‌ای از محققان نیز این لفظ را مبهم دانسته‌اند و در معنای آن توقف کرده‌اند.^{۲۹۹}

اعتبار رجال طوسی

این کتاب از جهت تعیین طبقات و نیز نظرات مربوط به جرح و تعدیل راویان، معتمد بزرگان رجالی پس از شیخ طوسی است. همه رجالیان متأخر در کتابهایشان از رجال شیخ طوسی استفاده کرده‌اند. از این رو، این کتاب را باید از جمله اصول اولیه رجالی مورد اتفاق همه برشمرد.

اما این مطلب به آن معنی نیست که کتاب *الرجال* طوسی شامل تمامی اصحاب ائمه است. اگر در مواردی نام یک راوی در رجال شیخ طوسی نباشد، نمی‌توان آن را دلیل بر روایت نداشتن آن شخص از امام دانست. همچنان که معنای اعتبار کتاب، خالی از اشتباه بودن آن نیست.

فاضل خواجه‌ویی وجود جرح و تعدیل متناقض در کتاب *الرجال* طوسی یا تعارض آن با سایر کتابهای شیخ طوسی را موجب اضطراب کلام شیخ طوسی و ممکن نبودن پیروی از او و حتی عدم حصول ظن از کلام شیخ طوسی دانسته است. چنان که درباره سالم بن مُکَرَّم جَمَّال و سَهْل بن زیاد این امر اتفاق افتاده است.^{۳۰۰} فاضل خواجه‌ویی تنها کسی است که به صراحت این مطلب را بیان می‌کند. هرچند مواردی را که او به آنها استناد جسته، مصداق اضطراب در کلام شیخ طوسی است، ولی چنان که گفتیم اعتبار کتاب با وجود برخی اشتباهات در آن منافاتی ندارد، چه آنکه مقدار اشتباهات بسیار کم است و به فواید بسیار آن خدشه‌ای وارد نمی‌کند.^{۳۰۱}

۲۹۸. برای آشنایی با تفصیل این اقوال، ر.ک: «أُسْنَدُ عَنْهُ فِي رِجَالِ الطُّوسِيِّ»، *تراثنا* (فصل نامه)، صاحب امتیاز مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، سال اول، شماره ۳؛ احمد بن محمد مهدی نراقی کاشانی، *عوائد الأیام*، تحقیق مرکز الأبحاث و الدراسات الإسلامية، قم، مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي، ۱۴۱۷ هـ، چاپ اول، ص ۲۷۳؛ *بازشناسی منابع رجالی شیعه*.

۲۹۹. سید ابوالقاسم موسوی خویی، *معجم رجال الحديث*، تهران، مرکز نشر الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۳ هـ، چاپ پنجم، ج ۱، ص ۱۰۸.

۳۰۰. *الأربعون حديثاً*، ص ۲۸ - ۲۷.

۳۰۱. ابوالهدی کلباسی، *سماء المقال فی علم الرجال*، تحقیق سید محمد حسینی قزوینی، قم، مؤسسة ولی العصر (عجل الله تعالی فرجه) للدراسات الإسلامية، ۱۴۱۹ هـ، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۶۳ - ۱۶۲.

کتابهای نگاشته شده بر محور رجال طوسی

چنان که اشاره کردیم، این کتاب مورد توجه متأخران قرار گرفته و از این رو بر محور این کتاب ترتیب، تلخیص و ترجمه‌های متعددی نوشته شده است. اکنون به معرفی برخی از این نگاشته‌ها می‌پردازیم:

ترتیب رجال شیخ الطائفة: مولی عنایت‌الله قهپایی (زنده ۱۰۱۶ هـ) تمامی اسامی موجود در کتاب *الرجال* طوسی را به ترتیب الفبایی تنظیم کرده است.^{۳۰۲}

مجمع الرجال: مرحوم قهپایی پس از ترتیب *رجال* طوسی آن را با ترتیبی که از دیگر اصول رجالی فراهم آورده بود، در هم آمیخته و کتاب *مجمع الرجال* را فراهم آورد. این کتاب در هفت جزء منتشر شده است. منتخب الرجال: سید محمد شاه‌عبدالعظیمی (م ۱۳۳۴ هـ) در یکی از اجزای کتابش، منتخب *رجال* طوسی را فراهم آورده است. این کتاب در هند چاپ شده است.^{۳۰۳}

ترجمة بخشی از کتاب الرجال طوسی: میرزا محمدتقی خان کاشانی معروف به سپهر، از ابتدای کتاب تا باب اصحاب امام حسین (علیه السلام) را ترجمه کرده است و در جلد سوم *ناسخ/تواریخ* (چاپ قدیم) درج کرده است. دلیل اکتفای او به این مقدار از کتاب، اشتغال آن بر اسامی صحابه و تابعان بوده است.^{۳۰۴}

ملحقات

مقدمه کتاب

شیخ طوسی در مقدمه کتاب می‌گوید:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله حق حمده والصلاة على خير خلقه محمد وآله الطاهرين من عترته وسلم تسليماً. أما بعد: فإني قد أحببت إلى ما تكرر سؤال الشيخ الفاضل فيه من جمع كتاب يشتمل على أسماء الرجال الذين رَوَوْا عن رسول الله صلى الله عليه وآله [وسلم] وعن الأئمة عليهم السلام من بعده إلى زمن القائم عليه السلام ثم أذكر بعد ذلك من تأخر زمانه عن الأئمة عليهم السلام من رَوَاة الحديث أو من عاصرهم ولم يرو عنهم. وأرتب ذلك على حروف المعجم، التي أولها الهمزة وآخرها الياء، ليقرَّب على مُلْتَمِسِهِ طَلْبَهُ وَيَسْهَلَ عَلَيْهِ حِفْظُهُ وَاسْتَوْفَى ذَلِكَ عَلَى مَبْلَغٍ جَهْدِي وَطَاقَتِي وَعَلَى قَدْرِ مَا يَتَسَعُّ لِي زَمَانِي وَفَرَاغِي وَتَصَفُّحِي. وَلَا أَضْمَنُ أَنِّي أَسْتَوْفِي ذَلِكَ عَنْ آخِرِهِ فَإِنْ رَوَاةُ الْحَدِيثِ لَا يَنْضِيطُونَ وَلَا يُمْكِنُ حَصْرُهُمْ لِكَثْرَتِهِمْ وَانْتِشَارِهِمْ فِي الْبُلْدَانِ شَرْقاً وَغَرْباً غَيْرَ أَنِّي أَرْجُو أَنَّهُ لَا يَشُدُّ عَنْهُمْ إِلَّا النَّادِرُ وَلَيْسَ عَلَى الْإِنْسَانِ إِلَّا مَا تَسَعُّهُ قُدْرَتُهُ وَتَنَالُهُ طَاقَتُهُ. وَلَمْ أَجِدْ لِأَصْحَابِنَا كِتَاباً جَامِعاً فِي هَذَا الْمَعْنَى إِلَّا مُحْتَصِرَاتٍ قَدْ ذَكَرَ كُلُّ إِنْسَانٍ طَرَفاً مِنْهَا إِلَّا مَا ذَكَرَهُ ابْنُ عُقْدَةَ مِنْ رِجَالِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ قَدْ بَلَغَ الْغَايَةَ

۳۰۲. محمدحسن منزوی تهرانی (آقا بزرگ)، *النريعة إلى تصانيف الشيعة*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ چاپ

اول، ج ۴، ص ۶، شماره ۴۴.

۳۰۳. همان، ج ۲۲، ص ۴۰۵، شماره ۷۶۳۴.

۳۰۴. همان، ج ۳۴، ص ۶، شماره ۴۴.

فی ذلك وَلَمْ يَذْكُرْ رِجَالَ بَاقِي الْأُئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. وَأَنَا أَذْكُرُ مَا ذَكَرَهُ وَأُورِدُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ مَنْ لَمْ يُورَدْ (يَذْكُرْهُ) وَمِنْ اللَّهِ أَسْتَمِدُّ الْمَعُونَةَ لِكُلِّ مَا يَقْرُبُ مِنْ طَاعَتِهِ وَيَبْعُدُ مِنْ مَعْصِيَتِهِ إِنَّهُ وَلِيُّ ذَلِكَ وَالْقَادِرُ عَلَيْهِ وَآوِلُ مَا ابْتَدَى مِنَ الرِّجَالِ الَّذِينَ رَوَوْا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ رِجَالُ الْأُئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَلَى سِيَاقِهِمْ (سِيَاقَتِهِمْ) إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس خدای را آن گونه که حق حمد او است و سلام و درود بر بهترین مخلوقات او محمد و خاندان پاکش.

اما بعد، من [در تألیف این کتاب] به درخواست شیخ فاضل، که مکرراً از من گردآوری کتابی را مشتمل بر نامهای راویان رسول الله (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) بعد از ایشان تا زمان حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه) را خواسته بود، پاسخ داده و پس از آن راویان حدیث را که بعد از زمان ائمه (علیهم السلام) یا معاصر ائمه (علیهم السلام) بوده‌اند ولی از ایشان روایت نقل نکرده‌اند، نام بردم و اینها را بر اساس حروف معجم، که اول آنها همزه و آخر آنها «یاء» است، مرتب ساختم تا آنکه برای جوینده، یافتن آنها ممکن و حفظ آن آسان شود و به قدر تلاش و توانم و به اندازه وسعت زمان و فراغت وقت و جستجویم آن را کامل کردم، ولی ضمانت نمی‌کنم که این کار را به پایان رسانیده باشم، زیرا (نام) راویان حدیث ثبت نشده و حصر آنان به دلیل کثرت و پراکندگی‌شان در شرق و غرب عالم ممکن نیست. اما امیدوارم جز اندکی از آنان باقی نمانده باشد و بر انسان جز آنچه در حد قدرت او است و توان او بدان می‌رسد، [تکلیف] نیست.

من کتاب جامعی در این موضوع نیافتم و به جز اندک نگاشته‌هایی، که هر کس گوشه‌ای از این موضوع را در آن گرد آورده بود، به چیزی دست نیافتم. جز در مورد راویان امام صادق (علیه السلام) که این عقده آنان را نام برده است. او این کار را کامل انجام داده، اما نام راویان سایر ائمه (علیهم السلام) را نیاورده و من [در اینجا] هر کس را که او نام برده می‌آورم و سپس آنچه را که نیاورده بیان می‌کنم و از خداوند در آنچه انسان را به طاعت او نزدیک و از معصیتش دور می‌کند یاری می‌جویم. که او صاحب اختیار این امر و توانا بر آن است.

در ابتدا از راویان پیامبر (صلی الله علیه و آله) آغاز می‌کنم و پس آن و بر همان روش راویان ائمه (علیهم السلام) را خواهم آورد. ان شاء الله.

نظر میرداماد در الرواشح السماویه درباره مراد شیخ طوسی از اصحاب ائمه

میرداماد در این باره می‌گوید: «مراد شیخ طوسی از اصحاب، همان اصحاب روایت است نه اصحاب لقا». [متقاضی این مطلب آن است که مراد از روایت، اعم از روایت بی‌واسطه یا باواسطه باشد].

شاهد بر این مطلب ذکر نام ابن ابی عمیر در اصحاب امام رضا (علیه السلام) و ذکر نکردن او در اصحاب امام کاظم (علیه السلام) است؛ در حالی که ابن ابی عمیر امام کاظم را نیز ملاقات کرده است و شیخ طوسی در *الفهرست* تصریح کرده که او امام کاظم (علیه السلام) را درک کرده ولی از ایشان روایت نکرده است.^{۳۰۵}

مراد شیخ طوسی از این تعبیر، کم بودن روایات ابن ابی عمیر از امام کاظم است، چه آنکه روایاتی مسند از ابن ابی عمیر از امام کاظم (علیه السلام) در کتابهای روایی وجود دارد. نجاشی نیز در این زمینه گفته است: وی امام کاظم (علیه السلام) را ملاقات و احادیثی را از ایشان نقل کرده است. امام در برخی از این روایات از او با کنیه ابوالاحمد نام برده است.^{۳۰۶}

همچنین او با اینکه امام جواد (علیه السلام) را درک کرده، ضمن اصحاب امام جواد (علیه السلام) ذکر نشده و دلیل این امر همان نکته‌ای است که پیش از این گفته شد. بر همین اساس جوهری را در اصحاب امام صادق (علیه السلام) ذکر کرده، چه آنکه روایتش از امام صادق (علیه السلام) با سند است و الا او به اتفاق رجال شناسان ایشان را ملاقات نکرده و از اصحاب لقا و روایت امام کاظم (علیه السلام) است.

همچنین شیخ طوسی در اصحاب امام صادق (علیه السلام) از حرّیز بن عبدالله و عبدالله بن مسکان نام می‌برده و در کتابهای حدیثی روایاتی از طریق این دو از امام صادق (علیه السلام) وجود دارد. با آنکه بزرگان رجالی ثابت و صحیح دانسته‌اند که حرّیز از امام صادق (علیه السلام) یک یا دو حدیث بیشتر نشنیده و همچنین عبدالله نیز تنها حدیث «کسی که مشعر را درک کند، حج را درک کرده است» را شنیده است. اما از پرحديث‌ترین اصحاب امام شمرده شده است، چنان که کشی و دیگران تصریح کرده‌اند.

خلاصه آنکه شیخ در باب اصحاب امام صادق (علیه السلام) جماعتی را نام می‌برد، که ایشان از اصحاب امام صادق (علیه السلام) روایت و از کتابهای اصول مورد اعتماد آنها استفاده کرده‌اند. او در برابر نام ایشان می‌گوید: «أسند عنه» و این شیوه از اصحاب امام باقر (علیه السلام) به بعد آغاز شده است.^{۳۰۷} این ادعای مرحوم میرداماد گذشته از اشکالهای موجود در مثالها و شواهد، دو اشکال اساسی نیز دارد:

اول: آنکه این ادعا مخالف ظهور لفظ اصحاب است؛

دوم: آنکه در مواردی شیخ طوسی نام راویان با واسطه امام را ضمن اصحاب آن امام نیاورده است. چنان که صفوان بن یحیی را، که از اصحاب امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند، ضمن اصحاب ایشان نیاورده است. شواهد بسیار دیگری نیز علیه این ادعا وجود دارد.^{۳۰۸}

۳۰۵. شیخ طوسی، *الفهرست*، پیشین، ص ۴۰۴، شماره ۶۱۸.

۳۰۶. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۳۲۶، شماره ۸۸۷.

۳۰۷. محمدباقر حسینی استرآبادی، پیشین، ص ۶۳، راجحه ۱۴.

۳۰۸. ابوالهدی کلباسی و میرزا حسین نوری به تفصیل به بررسی این ادعا و شواهد آن پرداخته‌اند؛ کلباسی، پیشین، ج ۱، ص ۱۴۲ - ۱۴۰؛ میرزا حسین نوری، *خاتمه مستدرک الوسائل*، تحقیق و نشر مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۵ هـ چاپ اول، ج ۳، ص ۱۷۸.

چاپهای کتاب

این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۸۱ هجری، با تحقیق سید محمدصادق آل بحر العلوم در چاپخانه حیدریه نجف اشرف با حروف سربی چاپ شد. محقق کتاب در این چاپ از نسخه‌های متعددی استفاده کرده است و نسخه مقابله‌شده با نسخه ابن‌ادریس حلی (م ۵۹۸ ه) را اساس کار خود قرار داده و از دیگر نسخه‌ها گزارش نکرده است.

او بر اساس حروف مختلف برای هر یک از اسامی شماره خاصی قرار داده، از این رو، در ابتدای هر حرف الفبایی شماره‌گذاری جدیدی را آغاز کرده است. در مواردی هم اشتباههایی در شماره‌گذاری‌ها رخ داده است. این چاپ بارها به صورت اُفت در ایران چاپ شده است.

همچنین این کتاب در سال ۱۴۱۵ هجری، با تحقیق جواد قیومی اصفهانی به نام رجال الطوسی از سوی انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم منتشر شده است. این تحقیق بر اساس نسخه چاپی و مقابله آن با نسخه نوشته‌شده در سال ۵۳۳ هجری صورت گرفته است. محقق کتاب، مقدمه‌ای تفصیلی و فهرست‌هایی فنی برای این کتاب فراهم آورده و تمامی نامهای موجود در کتاب را به صورت مسلسل شماره‌گذاری کرده است.

آخرین چاپ این کتاب با تصحیح محقق توانمند سید عبدالعزیز طباطبایی است. چاپ اول این نسخه به سال ۱۴۲۰ هجری، به بازار آمد. ویژگیهای مهم این چاپ عبارت است از:

- ۱- مقابله متن کتاب با ده نسخه از معتبرترین نسخه‌های خطی موجود از الرجال؛
 - ۲- فهرست‌های تفصیلی و دقیق در پایان کتاب، که تألیفات معرفی‌شده در الفهرست و نیز مؤلفان را به صورت الفبایی دقیق لیست کرده است؛
 - ۳- مقدمه محققانه و تفصیلی مرحوم طباطبایی درباره زندگی و اساتید شیخ طوسی.
- شخصیت برجسته استاد مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی و توان علمی او در شناخت و دقت در تحقیق، ارزش این چاپ از کتاب را چند برابر می‌کند. این چاپ در ۶۷۶ صفحه منتشر شده است

جلسه ششم

آشنایی با کتاب الفهرست طوسی

هدف درس

✓ آشنایی با کتاب *الفهرست*، تألیف شیخ طوسی.

گفتار پنجم: آشنایی با کتاب *الفهرست طوسی*

الفهرست یکی از چهار کتاب اصلی رجالی و از جمله تألیفات سه‌گانه شیخ طوسی در رجال است. از آنجا که پیش از این با نویسنده کتاب، شیخ طوسی، آشنا شده‌ایم اینک بی‌هیچ مقدمه به بررسی کتابش می‌پردازیم.

آشنایی با تألیف

نام کتاب

این تألیف را شیخ طوسی در خود کتاب، *الفهرست* خوانده است. او آنجا که نام خود را به عنوان یکی از صاحبان تألیف می‌آورد و تألیفاتش را نام می‌برد، می‌نویسد: «محمّد بن الحسن بن علی الطوسی مُصَنِّفُ هَذَا الْفَهْرَسْتِ ...».^{۳۰۹}

نجاشی نام این کتاب را کامل می‌آورد و آن را *فهرست کتب الشیعة و أسماء المصنّفين*^{۳۱۰} می‌خواند. سید عبدالعزیز طباطبایی، کتاب‌شناس بزرگ معاصر، نام کامل کتاب را *فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول* ذکر کرده است. نام اختصاری این کتاب در جوامع رجالی «ست» است.

۳۰۹. محمد بن حسن طوسی، *الفهرست*، المكتبة المرتضوية، نجف، ص ۱۵۰.

۳۱۰. احمد بن علی نجاشی، *رجال النجاشی*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ هـ، ص ۴۰۳.

انگیزه نگارش

با مطالعه مقدمه کتاب^{۳۱۱} چنین استفاده می‌شود که انگیزه شیخ طوسی از نگارش کتاب *الفهرست* دو نکته بوده است:

الف) وجود نداشتن فهرستی جامع از تألیفات شیعه

تألیف این فهرست جامع در آن عصر می‌توانست به شبهه بسیاری از اهل سنت، که شیعه را مذهب فاقد عالمان قدیمی و کتابهای مرجع می‌پنداشتند، پاسخ گوید.^{۳۱۲} در این راستا شیخ طوسی در مقدمه به شیوه فهرست‌نگاری و تألیفات پیشینیان بر این شیوه و جامع نبودن کار آنان اشاره می‌کند و می‌گوید:

فَإِنِّي لَمَّا رَأَيْتُ جَمَاعَةً مِنْ شُيُوخِ طَائِفَتِنَا مِنْ أَصْحَابِ الْحَدِيثِ عَمِلُوا فِهْرَسْتَ كُتُبِ أَصْحَابِنَا وَمَا صَنَفُوهُ مِنَ التَّصَانِيفِ وَرَوَوْهُ مِنَ الْأَصُولِ وَلَمْ أُجِدْ مِنْهُمْ أَحَدًا اسْتَوْفَى ذَلِكَ وَلَا ذَكَرَ أَكْثَرَهُ بَلْ كُلُّ مِنْهُمْ كَانَ غَرَضُهُ أَنْ يَذْكَرَ مَا اخْتَصَّ بِرِوَايَتِهِ وَأَحَاطَتْ بِهِ خَزَائِنُهُ مِنَ الْكُتُبِ وَلَمْ يَتَعَرَّضْ أَحَدٌ مِنْهُمْ لِاسْتِيفَاءِ جَمِيعِهِ إِلَّا مَا كَانَ قَصْدُهُ أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ رَحِمَهُ اللَّهُ فَإِنَّهُ عَمِلَ كِتَابَيْنِ: أَحَدُهُمَا ذَكَرَ فِيهِ الْمُصَنَّفَاتِ وَالْآخَرُ ذَكَرَ فِيهِ الْأَصُولَ وَاسْتَوْفَاهُمَا عَلَى مَبْلَغٍ مَا وَجَدَهُ وَقَدَّرَ عَلَيْهِ غَيْرَ أَنْ هَذَيْنِ الْكِتَابَيْنِ لَمْ يَنْسَخْهُمَا أَحَدٌ مِنَ أَصْحَابِنَا وَاخْتَرَمَ هُوَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَعَمَدَ بَعْضُ وَرَثَتِهِ إِلَى إِهْلَاكِ هَذَيْنِ الْكِتَابَيْنِ وَغَيْرِهِمَا مِنَ الْكُتُبِ عَلَى مَا يَحْكِي بَعْضُهُمْ عَنْهُمْ.^{۳۱۳}

هنگامی که دیدم گروهی از بزرگان شیعه که در حدیث دستی داشتند فهرست کتب و تصنیفات و اصول شیعیان را گرد آورده‌اند، ولی در میان آنان کسی را که بیشتر آنها را نام برده باشد نیافتم چه رسد به همه آنها؛ و هدف آنها تنها یادکرد مصنفات و اصولی است که به روایت خود ایشان است و بیان کتبی که در محدوده کتابخانه‌هایشان بوده است و هیچ یک از آنان به جز احمد بن حسین بن عبیدالله (رحمه الله) در صدد گردآوری همه آنها نبوده‌اند. ابن غضائری دو کتاب [با این قصد] نوشته است که در یکی از آنها صاحبان تصنیف را یاد کرده و در دیگری صاحبان اصول و آن دو را به قدر یافته‌ها و توانش کامل نموده است، اما این دو کتاب را کسی استنساخ نکرد و او خود در جوانی مرد و برخی ورثه او، بر اساس سخن خود، این دو کتاب و سایر نوشته‌های او را نابود کردند.

بر اساس این بند از مقدمه مطالب زیر استفاده می‌شود:

- ۱- فهرست‌نگاری، شیوه‌ای است که تاریخچه‌ای طولانی نزد شیعیان دارد.
- ۲- فهرستها تا آن زمان تنها به ذکر کتابهایی که صاحب فهرست اجازه نقل آنها را داشته و یا در کتابخانه‌اش نگهداری می‌نموده است، اختصاص داشت.

۳۱۱. برای مطالعه مقدمه کتاب می‌توانید به ملحقات درس مراجعه کنید.

۳۱۲. توضیح بیشتر این مطلب را در بحث *رجال نجاشی* و از مقدمه آن کتاب می‌توانید به دست آورید.

۳۱۳. شیخ طوسی، *الفهرست* پیشین، ص ۲.

۳- کتابهای فهرست جامع در آن روزگار، همان دو کتاب ابن غضائری بود که نسخه اصلی آنها قبل از استنساخ از بین رفته و بر این اساس ضرورت تألیف کتاب فهرست جامعی در آن دوره محسوس شده است.

ب) درخواست و اصرار یکی از علمای معاصر شیخ طوسی

در مقدمه کتاب، شیخ طوسی پس از اشاره به شیوه فهرست‌نویسی و کارهایی که پیشینیان انجام داده‌اند می‌گوید:

وَلَمَّا تَكَرَّرَ مِنَ الشَّيْخِ الْفَاضِلِ - أَدَامَ اللَّهُ تَأْيِيدَهُ - الرِّغْبَةُ فِيمَا يَجْرِي هَذَا الْمَجْرَى وَتَوَالِي مِنْهُ الْحَثُّ عَلَى ذَلِكَ وَرَأَيْتُهُ حَرِيصاً عَلَيْهِ عَمَدَتْ إِلَى عَمَلِ كِتَابٍ يَشْتَمِلُ عَلَى ذِكْرِ الْمُصَنَّفَاتِ وَالْأَصُولِ.^{۳۱۴}

هنگامی که از شیخ فاضل^{۳۱۵} - که همراه از جانب خداوند مورد تأیید باد - میل خود را در تألیف کتابی این‌گونه (فهرست) تکرار کرد و تشویق او بر این کار ادامه یافت و او را مشتاق بر این کار دیدم، قصد کردم کتابی بنویسم که مصنفات و اصول روایی را دربرداشته باشد.

تاریخ تألیف کتاب

همان‌طور که به هنگام سخن از کتاب الرجال شیخ طوسی گفته شد، ظاهراً شیخ طوسی الفهرست و کتاب الرجال را در عرض هم نگاشته است؛ زیرا در الفهرست به کتاب الرجال ارجاع داده و در کتاب الرجال نیز به الفهرست ارجاع داده است. برای مثال در الفهرست، کتاب الرجال را از جمله تألیفات خود نام برده است و یا ذیل عنوان «الحسن بن محمد بن سماعه» در کتاب الرجال به الفهرست ارجاع داده است، ولی گاه این ارجاعات صحیح نیست. برای نمونه، حسین بن عبیدالله غضائری را در باب «من لم یرو عنهم (علیهم السلام)» از کتاب الرجال نام می‌برد و می‌گوید: «وله تصانیف ذکرناها فی الفهرست»، ولی در الفهرست نامی از او وجود ندارد.^{۳۱۶}

درباره حسین بن علی بن سفیان بَزَوْفَری نیز از کتاب الرجال به الفهرست ارجاع می‌دهد، ولی در الفهرست نام او موجود نیست. چنین مواردی یا ناشی از افتادگی عبارات مورد ارجاع از الفهرست است و یا به سبب غفلت شیخ طوسی از ذکر نام ایشان در الفهرست به جهت هم‌زمانی تألیف کتاب الرجال و الفهرست است. در مجموع، تاریخ تألیف این دو کتاب (کتاب الرجال و الفهرست) معلوم نیست، اما با توجه به اینکه این دو کتاب هم‌زمان نگارش شده‌اند و نیز از قراین دیگر می‌توان نتیجه گرفت که این کتابها در حدود سالهای ۳۳۰ تا ۳۴۰ هجری نگارش یافته‌اند.^{۳۱۷}

۳۱۴. همان، ص ۳.

۳۱۵. برای اطلاع بیشتر از هویت شیخ فاضل به ملحقات درس مراجعه کنید.

۳۱۶. البته ابن داود نیز شرح حال ابن غضائری را به الفهرست شیخ طوسی نسبت داده است.

۳۱۷. این مسئله در درس پیش بررسی شد. برای مرور این مباحث به درس پیش مراجعه کنید.

خصوصیات ساختاری

الف) آمار

در مجموع تعداد ۹۱۲ عنوان در این کتاب وجود دارد.

ب) شیوه تنظیم اسامی

ترتیب عناوین در *الفهرست* بر اساس حروف الفبای ابتدای اسامی است. شیخ طوسی در مقدمه آسان بودن دستیابی به مطالب و آسان‌سازی حفظ کتاب را دلیل استفاده از این ترتیب معرفی می‌کند. او تصریح می‌کند که ترتیب زمانی بین این اشخاص مد نظر نیست. از این رو، مواردی دیده می‌شود که شخص متأخر، متقدم و فرد متقدم، متأخر آمده است:

وَرَتَّبْتُ هَذَا الْكِتَابَ عَلَى حُرُوفِ الْمَعْجَمِ الَّتِي أَوَّلُهَا الْهَمْزَةُ وَأَخْرُهَا الْيَاءُ لِيَقْرَبَ عَلَى الطَّالِبِ الظُّفْرُ بِمَا يَلْتَمِسُهُ وَيَسْهَلُ عَلَى مَنْ يُرِيدُ حِفْظَهُ أَيْضاً وَلَسْتُ أَقْصِدُ تَرْتِيبَهُمْ عَلَى أَرْزَمَتِهِمْ وَأَوْقَاتِهِمْ بَلْ رُبَّمَا يَتَّفِقُ ذِكْرُ مَنْ تَقَدَّمَ زَمَانُهُ بَعْدَ ذِكْرِ مَنْ تَأَخَّرَ وَقْتُهُ وَأَوَانُهُ لَأَنَّ الْبُغْيَةَ غَيْرُ ذَلِكَ.^{۳۱۸}

این کتاب را بر اساس حروف معجم که اول آنها همزه و آخر آن «ياء» است مرتب کردم تا بر جوینده، دستیابی به آنچه می‌جوید ممکن باشد و همچنین بر کسی که می‌خواهد آن را حفظ کند، آسان باشد. هدف من ترتیب آنان بر اساس زمان و دوره نبوده است، بلکه چه بسا اتفاق افتاده کسی که از نظر زمانی، جلوتر است بعد از نام کسی که از او عقب‌تر است، آمده باشد؛ زیرا هدف، چیزی غیر از این بوده است.

شیخ طوسی در هر حرف الفبا برای هر یک از نامهای مشهور بابی ترتیب داده است؛ مثلاً در باب همزه، بابهای اسماعیل و ابراهیم وجود دارد. در پایان هر یک از بابهای حروف الفبا نیز باب واحد را به نامهایی اختصاص داده است که تنها بوده‌اند و در هیچ یک از ابواب نگنجانده‌اند؛ برای نمونه در باب الواحد از باب همزه، نام اصبع بن نباته، ادريس بن عبدالله، اصرم بن حوشب و ... به چشم می‌خورد که هر یک از این اسامی تنها نام یک شخص است و با این نامها دو نفر وجود ندارد.

آخرین باب کتاب *الفهرست* به کسانی اختصاص دارد که با کنیه شناخته شده‌اند و شیخ طوسی به نام ایشان دست نیافته است. البته در این باب کسانی نیز هستند که نام مشهور دارند و خود شیخ طوسی در *الفهرست* و یا در کتاب *الرجال* نام آنان را ذکر کرده است؛ بنابراین، نوعی تنافی بین عنوان این باب و برخی افراد که در آن ذکر شده‌اند، دیده می‌شود.

ج) شیوه تنظیم اطلاعات

شیخ طوسی در هر یک از عناوین کتابش اطلاعاتی را در سه بخش گزارش کرده است:

۳۱۸. شیخ طوسی، *الرجال* پیشین، ص ۲.

بخش اول: نام صاحب کتاب یا تصنیف

در این بخش او غالباً به ذکر نام شخصی که او را از دیگر اشخاص متمایز کند، اکتفا کرده است؛ از این رو، از ذکر نام، نام پدر و گاه نام جد و نسب راوی تجاوز نمی‌کند. در مواردی لقب، کنیه و اختلاف هر یک را نقل کرده است و گاه به تاریخ ولادت، وفات، سماع حدیث، اجازه و ... نیز در *الفهرست* توجه کرده است.

بخش دوم: گزارش تألیفات

در این قسمت نام کتابها و تصنیفاتی را که اطلاعات گسترده‌ای از آنها داشته، آورده است و در مواردی نیز با تعبیر «لَهُ کِتَابٌ» یا «لَهُ أَصْلٌ» بدون تعیین نام دقیق و موضوع کتاب از آن گذشته است. گاه اطلاعات جانبی درباره کتابها نیز بیان شده است؛ مطالبی چون عرضه کتاب بر معصوم، تصحیح مطالب کتاب از سوی معصوم، اعتماد اصحاب بر کتاب، اعتماد اصحاب بر روایات افرادی چون ابن ابی عمیر و ... از این جمله است.

بخش سوم: طرق و اسناد به صاحب تألیف

شیخ طوسی در نگارش این کتاب گامی فراتر از کتابهای پیش از خود نهاده و در آن علاوه بر ذکر نام مؤلفانی که خود به آنان طریق داشته، نام مؤلفانی را که به آنان طریق نداشته، اما طریق و سندی از دیگران به آنان موجود بوده را نیز آورده است. در مواردی شیخ طوسی علاوه بر ذکر طریق متصل خود، طرق دیگران را نیز نقل می‌کند.

مثالهایی از این شیوه شیخ طوسی

- ۱- در مواردی شیخ طوسی صاحب تألیفی را نام برده و سپس طریق خود را به کتاب او بیان می‌کند.
- «يعقوب السراج: له كتاب أخبرنا به جماعة عن أبي المفضل، عن ابن بطة، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن ابن أبي عمير، عن الحسن بن محبوب، عنه»؛^{۳۱۹}
- «علي بن ميمون الصائغ: له كتاب أخبرنا به جماعة عن أبي المفضل، عن حميد، عن الحسن بن محمد بن سماعة، عنه».^{۳۲۰}

این گونه موارد در کتاب شیخ طوسی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است و در اکثر این طرق شیخ مفید، غضائری، ابن حاشر، ابن ابی جید و ابن صلت اهوازی واقع شده‌اند و نیز در مواردی که «عدة من أصحابنا» یا «جماعة من أصحابنا» آمده مراد همین افراد است؛ بنابراین، از این جهت اشکال و ابهامی در اسناد وجود ندارد.

- ۲- در مواردی شیخ طوسی صاحب تألیفی را نام می‌برد و سپس طریق دیگری را به کتاب او بیان می‌کند:
- «عيسى بن المستفاد: له كتاب رواه عبيد الله بن عبدالله الدهقان عنه»؛^{۳۲۱}
- «محمد بن الحسن العطار: له كتاب ذكره ابن النديم في الفهرست الذي صنفه».^{۳۲۲}
- ۳- در مواردی شیخ طوسی صاحب طریقی را نام می‌برد و سپس طریق خود و نیز طریق دیگری را به کتاب او بیان می‌کند:

۳۱۹. همان، ص ۱۸۰.

۳۲۰. همان، ص ۹۴.

۳۲۱. همان، ص ۱۱۶.

۳۲۲. همان، ص ۱۴۹.

- «عمر بن سالم: ... له كتابُ أخبرنا به جماعةٌ عن أبي المفضل، عن حميد، عن ابن نُهَيْك، عنه ورواه التَّلْعُكَبَرِيُّ، عن ابن عقده، عن أحمد بن عمر كَيْسَبَه، عن الطاطري، عن محمد بن زياد، عنه».^{۳۳۳}

از آنچه تا کنون گفته آمد می توان نتیجه گرفت که شیخ طوسی نام همه مؤلفان شیعه را گرد نیاورده است، بلکه فقط نام کسانی را آورده که یا خود به طور مستقیم به او طریق دارد یا طریقی که از سوی دیگری به او می رسد را یافته است. بنابراین، شیخ طوسی نام کسانی را که کتابی به آنان منسوب است، ولی طریقی به آنان وجود ندارد، نمی آورد.

خصوصیات محتوایی

الف) موضوع کتاب

موضوع این کتاب، همان گونه که در مقدمه کتاب نیز به آن اشاره شده است، معرفی صاحبان تصنیف و اصول است؛ به عبارت دیگر این کتاب به سبک فهرست نویسی، نام مؤلفان را گرد آورده است. فهرست نویسی یکی از شیوه های متداول در تألیفات است که بهره رجالی دارند. هدف در این کتابها، ضبط و فهرست کردن نام صاحبان اصول و تصنیفات است. وجود نگاشته هایی که بر این اساس سامان یافته اند در میان کتابهای عالمان شیعه سابقه ای طولانی دارد. شیخ طوسی در مقدمه کتابش تصریح می کند که عالمان فهرست هایی را تدوین نموده و در آنها منابعی را که در اختیار داشته یا اجازه نقل آنها را داشته اند، فهرست کرده اند:

... كلُّ منهم كان غرضه أن يذكر ما اختصَّ بروايته وأحاطت به خزائنه من الكتب

هدف آنان تنها یادکرد مصنفات و اصولی است که به روایت خود ایشان است و نیز بیان کتبی که در محدوده کتابخانه هایشان بوده است.

ب) فراگیری کتاب نسبت به موضوع آن

پیش تر گفته آمد که موضوع اصلی این کتاب فهرست کردن مؤلفانی است که به کتاب آنان طریقی باشد، اما شیخ طوسی در مقدمه کتاب تصریح می کند که به دلیل پراکندگی راویان و ثبت نشدن اطلاعات مرتبط با ایشان و صاحبان تألیف، با وجود تلاش بسیار، کتابش فراگیر و جامع نیست:

ولم أضمن أن أستوفي ذلك إلى آخره فإن تصانيف أصحابنا وأصولهم لا تكاد تُضبطُ
لانتشار أصحابنا في البلدان وأقاصي الأرض غير أن على الجهد في ذلك والإستقصاء
فيما أقدر عليه ويبلغه وسعي جدي.

من ذکر همه مؤلفات را ضمانت نمی کنم، زیرا به دلیل پراکندگی شیعیان در شهرها و نقاط دوردست ثبت تألیفات و اصول شیعه ممکن نیست؛ جز آنکه بر من لازم است توان خود را در این کار به کار گیرم و تا آنجا که توان و تلاشم بدان می رسد در تکمیل این کار بکوشم.

ج) میزان اطلاعات رجالی

شیخ طوسی در مقدمه کتابش متعهد شده که جرح و تعدیل راویان را بیان کند و مذهب آنان را متذکر شود:

وَإِذَا ذَكَرْتُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنَ الْمُصَنِّفِينَ وَأَصْحَابِ الْأَصُولِ فَلَا بُدَّ مِنِّي أَنْ أُشِيرَ إِلَى مَا قِيلَ فِيهِ مِنَ التَّعْدِيلِ وَالتَّجْرِيعِ وَهَلْ يُعَوَّلُ عَلَى رَوَايَتِهِ أَوْ لَا وَأُبَيِّنُ عَنْ اعْتِقَادِهِ وَهَلْ هُوَ مُوَافِقٌ لِلْحَقِّ أَوْ هُوَ مُخَالَفٌ لَهُ لِأَنَّ كَثِيرًا مِّنْ مُّصَنِّفِي أَصْحَابِنَا وَأَصْحَابِ الْأَصُولِ يَنْتَحِلُونَ الْمَذَاهِبَ الْفَاسِدَةَ وَإِنْ كَانَتْ كُتُبُهُمْ مُّعْتَمَدَةً.

هنگامی که هر یک از مصنفان و صاحبان اصول را نام بردم بر من است به آنچه که در تعدیل و تجریح او گفته شده است، اشاره کنم و اینکه آیا به روایت او عمل می‌شود یا نه و نیز در مورد اعتقاد او مشخص خواهم کرد که آیا اعتقاد او موافق با حق است یا مخالف آن؛ زیرا بسیاری از شیعیان و صاحبان اصول مذاهب فاسدی دارند هرچند کتابهای ایشان مورد اعتماد است.

بنابراین، شیخ طوسی متعهد شده است که اولاً: آنچه را درباره جرح و تعدیل راوی گفته شده، بیان کند؛ ثانیاً: اعتقاد صاحب کتاب را تبیین نماید.

۱- منقولات جرح و تعدیل راویان

در کتاب *الفهرست* مجموعاً ۸۶ عنوان توثیق و چهارده عنوان با الفاظ مختلف تضعیف شده‌اند.^{۳۲۴} نسبت مواردی که جرح و تعدیل آنان بیان شده، به مجموع شرح حالها، نسبت صد به ۹۱۲ است. بر اساس این آمار می‌توان گفت شیخ طوسی به تعهد خود در مقدمه، مبنی بر نقل هر آنچه درباره راوی گفته شده، پایبند نبوده است.

۲- تبیین اعتقاد صاحب کتاب

شیخ طوسی در بیان لزوم بررسی اعتقاد مؤلفانی که در کتابش از آنان نام می‌برد، می‌گوید: «بسیاری از صاحبان اصول روایی شیعه مذاهب فاسد داشته‌اند، اما کتابهای آنان مورد اعتماد است». شیخ طوسی در عمل کوشیده است تا عامی‌مذهبان را معرفی کند، ولی مذاهب مختلف شیعی را معرفی نکرده است. با این همه حتی در میان عامی‌مذهبان نیز از کسانی چون مالک بن انس نام برده است، بدون آنکه به مذهبش اشاره کند.

با توجه به عملکرد شیخ طوسی و زیاد بودن موارد نقض تعهد او، که در مقدمه کتاب بر آن اصرار دارد، نمی‌توان ذکر نام مشخصی را در *الفهرست* بدون ذکر فساد مذهب یا تضعیفش دلیل بر امامی‌مذهب و یا موثق بودن راوی دانست. در مجموع کسانی را که شیخ طوسی فاسدمذهب معرفی کرده است، عبارت‌اند از: ده نفر عامی‌مذهب، چهار نفر زیدی، پنج نفر فطحی، هفت نفر متهم به غلو، ده نفر واقفی و یک نفر مخمسی.

۳۲۴. البته این آمار شامل مواردی که جرح یا تعدیل در ضمن شرح حال فرد دیگری ذکر شده است، نمی‌شود. مثلاً تضعیف کثیر بن عیاش قطان در شرح حال زیاد بن منذر آمده و در این آمار لحاظ نشده است؛ شیخ طوسی، *الفهرست*، پیشین، ص ۲۰۴، شماره ۳۰۳.

ارزش طرق موجود در کتاب الفهرست طوسی

طرق موجود در الفهرست شیخ طوسی از یک سو انتساب کتاب را به مؤلف اثبات می‌کند و از سوی دیگر در شناخت مشایخ و شاگردان و به عبارت دیگر طبقه راویان مؤثر است.

شیخ طوسی افزون بر تألیف کتابهای رجالی، صاحب تألیفات حدیثی همچون تهذیب الاحکام و الاستبصار نیز است. او در بیان اسناد احادیث در این دو کتاب حدیثی، که از اصول اربعه حدیثی شیعه به شمار می‌روند، شیوه اختصارگویی را پیش گرفته و بدین منظور از مشیخه‌نویسی استفاده کرده است. به این معنا که او در کتاب حدیثی خود اسناد را به صورت کامل نمی‌آورد، بلکه سند را به صورت معلّق از صاحبان کتابها شروع می‌کند و برای رفع این تعلیق طریق خود را به صاحبان کتبی که از آنها استفاده کرده است، در مجموعه‌ای جدا از احادیث بیان می‌کند. این مجموعه که در واقع بیانگر طرق شیخ به منابع مورد استفاده او است، مشیخه نام دارد.

از این سخنان وجه اشتراک مشیخه شیخ طوسی و کتاب الفهرست او روشن و مشخص می‌شود. پس هر دو کتاب مشتمل بر طرق شیخ طوسی تا صاحبان کتب هستند و از این رو، دو کتاب مکمل یکدیگراند، بنابراین، چنانچه طریق شیخ طوسی به کتابی در این دو متفاوت باشد نشانگر آن است که شیخ طوسی به آن کتاب از دو جهت طریق داشته است. در نتیجه این دو طریق معادل یکدیگراند.

حال با توجه به این نکته و نیز به جهت اینکه شیخ طوسی در مشیخه تهذیب الاحکام و الاستبصار به کتاب الفهرست ارجاع داده و طرق مشیخه را تنها در برخی از طریقهای خود معرفی کرده است، می‌توان طرق ضعیف مشیخه را با طرق صحیح الفهرست و برعکس عوض کرد. از این رو، چنانچه ضعیفی از جهت طریق شیخ طوسی در مشیخه متوجه حدیثی باشد با این تعویض سند می‌توان مشکل آن را حل کرد. این کار را اصطلاحاً تعویض سند یا تبدیل سند می‌گویند.

کتابهایی نگاشته شده بر محور الفهرست

بسیاری از عالمان رجالی پس از شیخ طوسی به کتابش توجه نشان دادند و به تعلیقه‌نویسی، ترتیب‌نگاری یا شرح این کتاب پرداختند که خود گویای اهمیت این کتاب است. اینک این کتابها را از نظر می‌گذرانیم:

الف) معالم العلماء

مؤلف این کتاب رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ هـ) است. این کتاب به تصریح مؤلف به عنوان متمم و تکمیل الفهرست شیخ طوسی نوشته شده است. از این رو، علاوه بر نام کسانی که در فهرست شیخ آمده‌اند، نام معاصران شیخ و متأخران از او را نیز دربردارد. مجموع نامهای موجود در این کتاب بالغ بر ۹۹۰ نفر است. این رقم غیر از نام شاعرانی است که مازندرانی فصلی خاص را به ذکر نام ایشان اختصاص داده است. گذشته از آنکه او اسامی کتابهای زیادی را، که بیش از ششصد نام است، نیز به آنچه شیخ طوسی ذکر کرده بود افزوده است.

از آنجا که ابن شهر آشوب، اسناد فهرست شیخ طوسی را حذف کرده، اصل کتاب کم‌حجم‌تر از اصل فهرست شیخ طوسی شده است. او در ترتیب نامها تنها تنظیم الفبایی در حرف اول را رعایت کرده است. مثلاً نظم میان ابراهیم و بلال را رعایت کرده، ولی میان ابراهیم و احمد هیچ ترتیبی را رعایت نکرده است. خصوصیت دیگری که در این کتاب وجود دارد آن است که وی بعد از شرح حال هر شخص توثیق، تضعیف و تاریخ وفاتش را نیز آورده است. این کتاب اولین بار در سال ۱۳۵۳ هجری به تصحیح و تحقیق عباس اقبال آشتیانی در تهران چاپ شد و در سال ۱۳۸۱ هجری نیز با حواشی و مقدمه تفصیلی سید محمدصادق بحر العلوم در ۱۵۳ صفحه در انتشارات حیدریه نجف اشرف به زیور طبع آراسته گشت.

ب) الفهرست

شیخ منتجب‌الدین علی بن ابی‌قاسم عبیدالله بن بابویه قمی (متوفی پس از سال ۵۸۵ ه) در تکمیل کتاب فهرست شیخ طوسی این کتاب را تألیف کرد. نام این اثر *أسماء مشایخ الشيعة و مصنفیهم* است. در این کتاب نام صاحبان اصول و مصنفان پس از شیخ طوسی و معاصرانش، که از آنان در کتاب شیخ طوسی نام برده، گرد آمده است. بنابراین، فهرست شیخ منتجب‌الدین با کتاب *معالم العلماء* که در عصر او نوشته شده است، تفاوت موضوعی دارد، اما با توجه به اینکه در مقدمه کتاب تصریح کرده که پس از شیخ طوسی کتابی از این نوع نوشته نشده، می‌توان نتیجه گرفت که یا *معالم العلماء* تا آن زمان نوشته نشده و یا شیخ منتجب‌الدین از آن بی‌خبر بوده است. ترتیب این کتاب شبیه کتاب *معالم العلماء* است. این کتاب چاپهای متعددی در ایران، عراق و لبنان دارد.

ج) تلخیص الفهرست

شیخ نجم‌الدین، ابوالقاسم جعفر بن حسین بن یحیی معروف به محقق حلی (م ۶۷۶ ه) اسامی کتابها و اسناد شیخ طوسی به آن کتابها را حذف و تنها نام رجال، مؤلفان و برخی خصوصیات ایشان را ذکر کرد و به این ترتیب کتاب *الفهرست* را خلاصه نمود.

د) ترتیب الفهرست

عنايت‌الله قهپایی کتاب *الفهرست* را بر اساس حروف الفبا تنظیم کرد و آن ترتیب را با ترتیب دیگر کتب رجال درآمیخت و کتاب *مجمع الرجال* را فراهم آورد.

ه) ترتیب الفهرست

شیخ علی بن عبدالله اصبحی بحرانی (م ۱۱۲۷ ه) نیز الفهرست را ترتیب داده است.^{۳۲۵}

و) معراج أهل الکمال إلى معرفة الرجال

شیخ سلیمان بن عبدالله بحرانی ماحوزی (۱۰۷۵ - ۱۱۲۱ ه) به شرح و تصحیح و ترتیب کتاب الفهرست شیخ طوسی اقدام کرد. اما این کتاب کامل نشد و تنها تا حرف «باء» ادامه یافته است. او که صاحب معراج أهل الکمال سابق الذکر است در تکمیل الفهرست شیخ طوسی نامهائی را ترتیب داده است.

ملحقات

مقدمه کتاب

در ابتدای مقدمه فعلی کتاب، سند راویان به کتاب و پس از آن مقدمه‌ای که خود شیخ طوسی بر آن نگاشته، آمده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ الصَّالِحُ رَشِيدُ الدِّينِ أَبُو الْبَرَكَاتِ الْعَبْدَادُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ خُسْرُو الدَّيْلَمِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ بِقِرَاءَتِي عَلَيْهِ فِي عِدَّةٍ مَجَالِسَ (بِقَرَاخِ أَبِي الشَّحْمِ) آخِرُهَا يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ سَادِسَ عَشَرَ جُمَادِي الْأُولَى مِنْ سَنَةِ سَبْعٍ وَثَمَانِينَ وَخَمْسِمِائَةٍ بِالْجَانِبِ الشَّرْقِيِّ مِنْ بَغْدَادَ قَالَ: أَخْبَرَنِي الْفَقِيهُ جَمَالُ الدِّينِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ هُبَيْةَ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ رَطِيَّةِ السُّورَاوِيِّ بِسُورَاءِ الْمَدِينَةِ فِي مَنْزِلِهِ قِرَاءَةً عَلَيْهِ قَالَ: أَخْبَرَنِي الْفَقِيهُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ [مُحَمَّدٍ] بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ قَالَ: أَخْبَرَنِي السَّعِيدُ الْوَالِدُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الطُّوسِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: ...^{۳۲۶}

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِيَّ الْحَمْدِ وَمُسْتَحَقَّهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَالْأَطَائِبِ مِنْ أُرُومَتِهِ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا. أَمَّا بَعْدُ: فَإِنِّي لَمَّا رَأَيْتُ جَمَاعَةً مِنْ شُيُوخِ طَائِفَتِنَا مِنْ أَصْحَابِ الْحَدِيثِ عَمِلُوا فَهْرَسْتَ كُتُبِ أَصْحَابِنَا وَمَا صَنَفُوهُ مِنَ التَّصَانِيفِ وَرَوَوْهُ مِنَ الْأَصُولِ وَلَمْ أَجِدْ مِنْهُمْ أَحَدًا اسْتَوْفَى ذَلِكَ وَلَا ذَكَرَ أَكْثَرَهُ بَلْ كُلُّ مِنْهُمْ كَانَ غَرَضُهُ أَنْ يَذْكُرَ مَا اخْتَصَّ بِرِوَايَتِهِ وَأَحَاطَتْ بِهِ خَزَائِنُهُ مِنَ الْكُتُبِ وَلَمْ يَتَّعِزْ أَحَدٌ مِنْهُمْ لِاسْتِيفَاءِ جَمِيعِهِ إِلَّا مَا كَانَ قَصْدُهُ أَبُو الْحُسَيْنِ أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ رَحِمَهُ اللَّهُ فَإِنَّهُ عَمِلَ كِتَابَيْنِ: أَحَدُهُمَا ذَكَرَ فِيهِ الْمُصَنَّفَاتِ وَالْآخَرُ ذَكَرَ فِيهِ الْأَصُولَ وَاسْتَوْفَاهُمَا عَلَى مَبْلَغٍ مَا وَجَدَهُ وَقَدَّرَ عَلَيْهِ غَيْرَ أَنَّ هَذَيْنِ الْكِتَابَيْنِ لَمْ يَنْسَخْهُمَا أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِنَا وَاخْتَرِمَ

۳۲۵. محمد محسن منزوی تهرانی (آقا بزرگ)، الذریعة إلى تصانیف الشیعه، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ه اول،

ج ۴، ص ۲۲۷.

۳۲۶. شیخ طوسی، الفهرست پیشین، ص ۱، این قسمت سند راویان به کتاب است.

هُوَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَعَمَدَ بَعْضُ وَرَثَتِهِ إِلَى إِهْلَاكِ هَذَيْنِ الْكِتَابَيْنِ وَغَيْرِهِمَا مِنَ الْكُتُبِ عَلَى مَا يَحْكِي بَعْضُهُمْ عَنْهُمْ.^{۳۲۷}

ولما تكرر من الشيخ الفاضل - أدام الله تأييده - الرغبة فيما يجري هذا المجرى وتوالي منه الحث على ذلك ورأيتُه حريصاً عليه عمدتُ إلى عمل كتاب يشتمل على ذكر المصنفات والأصول. ولم أفرد أحدهما عن الآخر لئلا يطول الكتاب لأن في المصنفين من له أصل فيحتاج إلى أن يعاد ذكره في كل واحد من الكتابين فيطول. ورتبتُ هذا الكتاب على حروف المعجم التي أولها الهمزة وآخرها الياء ليقرّب على الطالب الظفر بما يلمسه ويسهل على من يريد حفظه أيضاً. ولست أقصد ترتيبهم على أزمنتهم وأوقاتهم بل ربما يتفق ذكر من تقدم زمانه بعد ذكر من تأخر وقته وأوانه لأن البغية غير ذلك. وإذا ذكرت كل واحد من المصنفين وأصحاب الأصول فلا بد من أن أشير إلى ما قيل فيه من التعديل والتجريح وهل يعول على روايته أو لا وأبين عن اعتقاده وهل هو موافق للحق أو هو مخالف له لأن كثيراً من مصنفى أصحابنا وأصحاب الأصول ينتحلون المذاهب الفاسدة وإن كانت كتبهم معتمدة. فإذا سهل الله إتمام هذا الكتاب فإنه يطلع على ذكر أكثر ما عمل من التصانيف والأصول ويعرف به قدر صالح من الرجال وطرائقهم. ولم أضمن أن أستوفى ذلك إلى آخره فإن تصانيف أصحابنا وأصولهم لا تكاد (تضبط لا تتشاور) أصحابنا في البلدان وأقاصي الأرض غير أن على الجهد في ذلك والاستقصاء فيما أقدر عليه ويبلغه وسعي وجدي وألتمس بذلك القربة من الله تعالى وجزيل ثوابه ووجوب حق الشيخ الفاضل - أدام الله تأييده - وأرجو أن يقع ذلك موافقاً لما طلبه إن شاء الله تعالى.^{۳۲۸}

بسم الله الرحمن الرحيم. حمد خدای را که صاحب اختیار حمد است و مستحق آن و درود بر بهترین مخلوقات او محمد و خاندان پاکش.

اما بعد، هنگامی که دیدم گروهی از بزرگان شیعه که در حدیث دستی داشتند فهرست کتب، تصنیفات و اصول شیعیان را گرد آورده‌اند، ولی در میان آنان کسی را نیافتم که بیشتر آنها را نام برده باشد چه رسد به همه آنها. هدف آنان تنها یادکرد مصنفات و اصولی است که به روایت خود ایشان است و بیان کتبی که در محدوده کتابخانه‌هایشان بوده است و هیچ یک از آنان به جز احمد بن حسین بن عبیدالله (رحمه الله) در صد گردآوری کامل همه آنها نبوده است. ابن غضائری دو کتاب [با این قصد] نوشته است. در یکی از آنها صاحبان تصنیف و در دیگری صاحبان اصول را یاد کرده است؛ و آن دو را به قدر یافته‌ها و توانش کامل کرد، اما این دو کتاب را کسی استنساخ نکرد و او خود در جوانی مرد و برخی ورثه او به گفته خودشان این دو کتاب و سایر نوشته‌های او را نابود کردند.

هنگامی که مکرراً علاقه شیخ فاضل - که خداوند تأییدش را مستدام دارد - را بر آنچه که بر این شیوه تألیف شود دیدم و تشویق او بر این کار تداوم یافت و او را علاقه‌مند

۳۲۷. همان، ص ۲.

۳۲۸. همان، ص ۳.

این کار یافتیم، بر آن شدم کتابی مشتمل بر مصنفات و اصول بنویسم و برای آنکه کتاب مفصل نشود اصول و مصنفات را از یکدیگر جدا نکردم؛ زیرا در میان صاحبان تصنیف کسانی بودند که اصل داشتند. از این رو، نیاز بود نام آنان در هر دو کتاب تکرار شود و بدین سان کتاب مفصل می شد.

این کتاب را بر اساس حروف معجم که اول آنها همزه و آخر آن «یاء» است مرتب کردم تا بر خواهان، دستیابی به آنچه می جوید ممکن و حفظ آن آسان باشد. هدف من ترتیب آنان بر اساس زمان و دوره ایشان نبود، بلکه چه بسا اتفاق افتاده که کسی از نظر زمانی، جلوتر است و بعد از نام کسی که در زمان و عصر عقب تر است آمده؛ زیرا هدف جز این بوده است.

و هنگامی که هر یک از مصنفان و صاحبان اصول را نام بردم بر من است به آنچه که در تعدیل و تجریح در حق او گفته شده است، اشاره کنم و اینکه آیا به روایت او عمل می شود یا نه؟ و در مورد اعتقاد او مشخص خواهم کرد که آیا اعتقاد او موافق با حق است یا مخالف آن، زیرا بسیاری از شیعیان و صاحبان اصول مذاهب فاسد دارند؛ هر چند کتب آنان مورد اعتماد است. پس اگر خداوند اتمام این کتاب را هموار سازد این کتاب نام بسیاری از تصانیف را ارائه خواهد کرد و به واسطه آن، راویان صالح و طریقه های آنها شناخته خواهد شد، اما من ذکر همه مؤلفات را ضمانت نمی کنم؛ زیرا به دلیل پراکندگی شیعیان در شهرها و نقاط دوردست ثبت تألیفات و اصول شیعه ممکن نیست. جز اینکه بر من لازم است که توان خود را در این کار به کار گیرم و تا آنجا که توان و تلاشم بدان می رسد در تکمیل این کار بکوشم و از این رهگذر، آن نزدیکی به خداوند و پاداش فراوان و ادای حق واجب شیخ فاضل را - که خداوند او را تأیید کند - خواهانم و امیدوارم که این کتاب آن چنان که او خواسته بود، باشد.

مراد از شیخ فاضل در مقدمه الفهرست

برخی مراد شیخ طوسی از شیخ فاضل را، که در مقدمه / فهرست گفته شده تألیف به اصرار او انجام شده است، شیخ مفید دانسته اند. دلیل این برداشت را، با آنکه خود شیخ طوسی تصریحی به این مطلب ندارد، عبارت شیخ در پایان همان مقدمه می دانند؛ آنجا که می گوید:

و من با این تألیف نزدیکی به خداوند تعالی و ثواب عظیمش را درخواست می کنم و حق شیخ فاضل را، که خداوند او را تأیید کند، بر خود واجب می دانم و امیدوارم که این کتاب آن چنان که وی خواسته بود باشد؛ ان شاء الله.^{۳۳۹}

مسلم است که مراد از شیخ فاضل شخصیت علمی بزرگی در آن زمان بوده که برجستگی خاصی در عصر خویش داشته است، اما قراین خاصی برای تعیین این شخصیت وجود ندارد؛ مگر آنکه با توجه به جایگاه شیخ مفید حدس زده شود تعبیر شیخ طوسی در عبارت گذشته به وجوب حق شیخ فاضل بر شیخ طوسی، شاهی

بر اراده کردن شیخ مفید، شمرده شود. شاهد دیگر ذکر نام این کتاب در فهرست تألیفات شیخ طوسی در کتاب *رجال نجاشی* است که مؤلف آن به سال ۴۵۰ هجری فوت کرده و تألیف این کتاب، سالها قبل از وفاتش پایان یافته است. بنابراین، احتمالاً باید *الفهرست* شیخ طوسی، قبل از ۴۱۳ هجری (سال وفات شیخ مفید) به پایان رسیده باشد و در آن عصر کس دیگری غیر از شیخ مفید چنان شأنی که از تعبیر شیخ طوسی استفاده می‌شود، نداشته است. به علاوه تعبیر شیخ طوسی در جاهای مختلف از تألیفاتش به شیخ یا شیخ ما و اراده کردن شیخ مفید از آنها، شاهد بر این امر دانسته شده است. از سوی دیگر اگر شیخ طوسی مقدمه کتاب را پس از اتمام کتاب نوشته باشد، مراد از شیخ فاضل نمی‌تواند شیخ مفید باشد؛ زیرا تاریخ اتمام تألیف کتاب *رجال طوسی* قطعاً پس از وفات شیخ مفید بوده است با توجه به شرح حال کسانی که پس از شیخ مفید می‌زیسته‌اند و تاریخ وفات آنان ذکر شده است. مانند سید مرتضی (م ۴۳۶ هـ). البته این احتمال قوی‌تر است که شیخ طوسی مقدمه کتاب را در ابتدای تألیف نگاشته باشد، چنان‌که از شواهد عبارت مقدمه استفاده می‌شود. از این رو، از شیخ مفید همراه با دعای دوام تأیید یاد کرده است؛ هرچند که شیخ طوسی نام شیخ مفید و گزارش وفات او را در متن *الفهرست* آورده است.^{۳۳۰}

البته باز این مسئله وجود دارد که تعبیرات مقدمه *الفهرست* با توجه به آنکه سن شیخ طوسی هنگام وفات شیخ مفید، ۲۸ سال بیشتر نبوده است، با شیخ مفید که در آن عصر در جلالت قدر کامل بوده تناسب ندارد. شیخ طوسی کتابهای *الرجال*، *الجمال* و *العقود* را نیز به درخواست شیخ فاضل نوشته است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب *الذریعة إلى تصانیف الشيعة* از بعضی نسخه‌های قدیمی کتاب *الجمال* و *العقود* نقل می‌کند که مراد از شیخ فاضل، قاضی عبدالعزیز بن براج، قاضی طرابلس (م ۴۸۱ هـ)، است.^{۳۳۱}

در مقابل مرحوم ابوالمعالی کلباسی (م ۱۳۱۵ هـ) در رساله‌ای که درباره ابن غضائری نوشته چنین ادعا کرده است که مراد شیخ طوسی از شیخ که کتاب *فهرست* را به درخواست او نوشته، احمد بن حسین غضائری است و این مسئله به تجلیل شیخ طوسی بر او تصریح دارد.^{۳۳۲} ولی توجه به عبارت شیخ طوسی در مقدمه در نقل وفات ابن غضائری از یک سو و دعای شیخ طوسی به دوام تأییدات او، از سوی دیگر، با ادعای اینکه مراد از شیخ، ابن غضائری باشد، منافات آشکار دارد. همچنان‌که کلام شیخ طوسی در مقدمه *الفهرست*، در معرفی و تمجید کتاب ابن غضائری و ارائه گزارشی از نابود شدن آن، خود به نوعی گویای این مطلب است که ظاهراً شیخ طوسی از بین رفتن کتاب ابن غضائری بعد از وفاتش را، انگیزه تألیف جدید *الفهرست* برشمرده است؛ بنابراین، نمی‌تواند مراد از شیخ فاضل ابن غضائری باشد.

در نهایت، اطمینان به اینکه مراد شیخ طوسی یکی از سه نفری باشد که پیش از این نام برده شد، وجود ندارد.

۳۳۰. محمد بن حسن طوسی، *الفهرست*، سید عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ هـ چاپ اول، ص ۴۴۵، شماره ۷۱۱.

۳۳۱. آقا بزرگ تهرانی، پیشین، ج ۵، ص ۱۴۵.

۳۳۲. ابوالمعالی کلباسی اصفهانی، *الرسائل الرجالیه*، تحقیق محمدحسین درایتی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ هـ / ۱۳۸۰ هـ، چاپ اول، ج ۲، ص ۳۸۹ - ۳۸۷.

چاپهای فهرست

از آنجا که نسخه‌های خطی کتاب *الفهرست* پر از غلط و تصحیف است، تصحیح و تحقیق کتاب اهمیت زیادی دارد. قدیمی‌ترین نسخه این کتاب به خط مؤلف، نقل ابن داود حلی از آن است. او در مواردی به این نکته تصریح کرده است. بنا بر منقولات ابن داود و علامه حلی، که هم‌عصر ابن داود است، این کتاب نیز باید به عنوان یک نسخه از عبارات *فهرست* محسوب شود.

کتاب *الفهرست* به سال ۱۲۷۱ هجری مطابق با ۱۸۵۳ میلادی در هند با تحقیق اسپرنجر و مولوی عبدالحق با ترتیب الفبایی در تمامی حروف نامها، نام پدر و جد چاپ شده است. سید محمدصادق بحرالعلوم این نسخه را ناقص، پُراشتباه و با چاپ بد توصیف کرده است.^{۳۳۳}

بعد از آن اولین چاپ این کتاب به شکل و ترتیب ابتدایی خود در سال ۱۳۵۶ هجری در انتشارات حیدریه نجف به تصحیح و تحقیق سید محمدصادق بحرالعلوم انجام شد و همان چاپ در سال ۱۳۸۰ هجری نیز تجدید شد.

این کتاب که در ۲۵۲ صفحه در قطع وزیری نشر یافت، *فهرست* نامها و شماره‌گذاری عناوین راویان را دربرداشت.

چاپ دیگر کتاب را نشر الفقاهه قم در سال ۱۴۱۷ هجری با تحقیق جواد قیومی در ۳۴۳ صفحه منتشر کرد. آخرین بار علامه محقق سید عبدالعزیز طباطبایی این کتاب را در سال ۱۴۲۰ هجری تحقیق کرد و کتابخانه ایشان آن را با عنوان *فهرست کتب الشیعه و اصولهم* در ۶۷۶ صفحه منتشر کرد. محقق طباطبایی این کتاب را بر اساس بیش از ده نسخه خطی تصحیح و تحقیق کرده است.

۳۳۳. محمد بن حسن طوسی، *رجال الطوسی*، تحقیق سید محمدصادق آل بحرالعلوم، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۵ هـ ص ۶۹.

شایان ذکر است، بر اساس گفته کتاب *الأصول الأربعة الرجالية*، مرحوم بحرالعلوم از شیخ آقا بزرگ تهرانی نقل می‌کند که در حدود سال ۱۳۱۵ هجری در تهران نسخه‌ای از *الفهرست* را در کتابخانه حاج میرزا ابوالفضل تهرانی دیده است که در لندن چاپ شده بود و آن نسخه را با ارزش و زیبا و با توضیحات لاتین توصیف کرده است. اما محقق تهرانی از این نسخه در کتاب *الندریعه* نامی نبرده است. از این رو برخی با توجه به قراین موجود، آن نسخه را همان نسخه اسپرنجر دانسته که به اشتباه مرحوم تهرانی آن را چاپ لندن معرفی کرده است. (الأصول الأربعة الرجالية، ص ۵۴)

جلسه هفتم

آشنایی با کتاب رجال نجاشی
قسمت اول

اهداف درس

آشنایی با:

✓ نجاشی، نگارنده کتاب الرجال؛

✓ رجال نجاشی.

گفتار ششم: آشنایی با کتاب رجال نجاشی

یکی از مهم‌ترین کتابهای رجال شیعه که اطلاعات فراوانی را دربر گرفته کتاب فهرست أسماء مُصَنَّفی الشَّیْخ مشهور به رجال النجاشی است. این کتاب از زمان تألیف تا کنون مورد اعتماد و عنایت عالمان بوده است. اینک به معرفی کتاب و نویسنده آن می‌پردازیم.

الف) آشنایی با مؤلف

نام مؤلف

احمد بن علی بن احمد بن عباس نجاشی نگارنده این کتاب است. برخی کنیه او را ابوالعباس و برخی دیگر ابوالحسین گفته‌اند. کنیه دیگر او ابن‌الکوفی است. شهرت او به این کنیه بدان جهت است که خانواده نجاشی از قبیله بنی‌اسد و یکی از خانواده‌های معروف کوفی ساکن در بغداد بوده است. نجاشی به واسطه تولد در این خانواده معروف کوفی، در بغداد به ابن‌الکوفی شهرت یافته است.

تاریخ زندگی مؤلف

او در سال ۳۷۲ هجری متولد شد^{۳۳۴} و در سال ۴۵۰ هجری^{۳۳۵} یعنی ده سال قبل از وفات شیخ طوسی، در مطیرآباد از دنیا رفت.

خاندان مؤلف

پدر او علی بن احمد بن عباس نجاشی از عالمان و محدثان بغداد به شمار می‌آید. او در مسافرتی که به بغداد داشت از شیخ صدوق حدیث شنیده و اجازه نقل کتابها و روایاتش را دریافت کرده است. همچنین پدر بزرگ او احمد بن عباس، ابویعقوب نجاشی از عالمان بغداد و محدثان آن دیار بود.^{۳۳۶} شیخ طوسی نیز او را از اساتید هارون بن موسی تَلْعُکَبَرِیّ معرفی کرده است.^{۳۳۷}

جد بزرگ او عبدالله بن نجاشی ابوبجیر اسدی نصری، والی اهواز و فارس بوده است. او به امام صادق (علیه السلام) نامه‌ای می‌نویسد و از ایشان سؤالهایی می‌پرسد و امام صادق (علیه السلام) پاسخ مکتوب برای او می‌فرستند. این نوشته تنها مکتوب باقی‌مانده از امام صادق (علیه السلام) است^{۳۳۸} و موضوع آن «حقوق برادر ایمانی در ولایت از سوی ظالمان» است.

حال رجالی مؤلف

نام نجاشی در کتاب خود او آمده است.^{۳۳۹} او در ابتدا نام کامل خود را به همراه گزارشی درباره جد بزرگش عبدالله بن نجاشی بیان می‌کند و سپس با تأکید بر اینکه کتاب حاضر از آن او است، چند کتاب دیگر خود را نام می‌برد.^{۳۴۰}

۳۳۴. حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی (علامه)، خلاصة الأقوال، تحقیق سید محمدصادق بحر العلوم، نجف، الطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ هـ، چاپ اول، ص ۷۲، شماره ۱۱۸.

۳۳۵. در تاریخ وفات مرحوم نجاشی اختلافاتی وجود دارد که تفصیل آن را در مقاله آیت الله العظمی حاج آقا موسوی شبیری زنجانی با عنوان «ابوالعباس نجاشی و عصر وی»، نشریه نور علم، شماره ۱۱ و ۱۲، سال ۱۳۶۴ هـ.ش، می‌توانید، ببینید.

۳۳۶. چنان‌که در شرح حال علی بن عبيدالله علوی به شماره ۶۶۷۷ در رجال نجاشی آمده است.

۳۳۷. محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، تحقیق سید محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۵ هـ، ص ۴۴۶، شماره ۴۵.

۳۳۸. ابوالعباس احمد بن علی النجاشی الاسدی الکوفی، رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، ۱۴۱۸ هـ، ششم، ص ۱۰۱، شماره ۲۵۳.

۳۳۹. همان‌گونه که خواهد آمد محور گزینش رجال در این کتاب، صاحب تألیف بودن راوی است و نجاشی از آنجا که خود صاحب تألیف است نام خود را در این کتاب آورده است.

۳۴۰. احمد بن علی بن احمد بن العباس بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم بن محمد بن عبدالله بن النجاشی - الَّذِي وَلِيَ الْاَهْوَازَ، وَكَتَبَ إِلَى أَبِي عَبْدِالله عَلَيْهِ السَّلَامُ يُسْأَلُهُ (يُسْأَلُهُ) وَكَتَبَ إِلَيْهِ رِسَالَةً عَبْدُالله بن النجاشي المعروفة، ولم ير لأبي عبدالله عليه السلام مُصَنَّفٌ غَيْرُهُ - ابن عثیم بن أبي السَّمَالِ سَمْعَان بن لبيرة الشاعر ابن مساحق بن بَجَر بن أُسامَة بن نصر بن قُعين بن الحارث بن ثعلبة بن دودان بن أسد بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان. احمد بن العباس النجاشي الاسدي

اما شیخ طوسی با وجود اینکه با نجاشی هم‌دوره بوده و از او نقل قول نموده است و همچنین پس از وفات نجاشی زنده بوده و از کتابی متعلق به او اطلاع داشته، اما با این حال نام نجاشی را در کتاب *الفهرست* خود نیاورده است.

به هر حال وثاقت نجاشی، که مهم‌ترین مسئله در بررسی حال رجالی فرد است، ثابت و مسلم است. علامه حلی در این باره بعد از بیان نام او می‌گوید:

وكان أحمد يُكنى أبا العباس رَحِمَهُ اللهُ، ثقةً معتمدٌ عليه عندي.

کنیه احمد، ابوالعباس بود. خداوند او را رحمت کند. او از نظر من ثقة و معتمد است. همان‌گونه که در شرح احوال نجاشی در کتاب خود او دیده می‌شود علاوه بر کتاب *الرجال*، نوشتن کتابهای دیگری نیز به او نسبت داده شده است.

از این موارد می‌توان به کتاب *الجمعة وما ورد فيه من الأعمال*، کتاب *الكوفة وما فيها من الآثار والفضائل*، کتاب *انساب بنی نصر بن قعین وایامهم وأشعارهم*، کتاب *مختصر الأنوار ومواضع النجوم التي سمتها العرب*، کتاب *التفسير* و ... اشاره کرد.

ابن داود، نجاشی را «کثیر التصانیف» خوانده^{۳۴۱} و علامه حلی در خلاصه *الأقوال* می‌گوید: «او صاحب کتبی است که آنها را در کتاب کبیر خود برشمرده‌ام.»^{۳۴۲} اما از آنجایی که کتاب کبیر در گذر زمان مفقود شده و از دست رفته است دسترسی ما به این لیست از کتب نجاشی ممکن نیست. مشایخ نجاشی بالغ بر چهل نفر هستند.

نجاشی در طول زندگی به مسافرتها زیادی پرداخته است. از جمله اینکه او سفرهایی به نجف اشرف،^{۳۴۳} کوفه^{۳۴۴} و سامرا^{۳۴۵} داشته است. از دیگر سفرهای او اطلاعی در دست نیست.

مُصَنَّفُ هَذَا الْكِتَابِ. لَهُ كِتَابُ الْجُمُعَةِ وَمَا وَرَدَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ، وَكِتَابُ الْكُوفَةِ وَمَا فِيهَا مِنَ الْأَثَارِ وَالْفَضَائِلِ، وَكِتَابُ أَنْسَابِ بَنِي نَصْرٍ بَنِ قَعِينٍ وَأَيَّامِهِمْ وَأَشْعَارِهِمْ، وَكِتَابُ مُخْتَصَرِ الْأَنْوَارِ وَمَوَاضِعِ النُّجُومِ الَّتِي سَمَتْهَا الْعَرَبُ.

احمد بن علی بن احمد بن عباس بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم بن محمد بن عبدالله بن نجاشی - کسی که والی اهواز بود و به امام صادق (علیه السلام) نامه نوشت و سؤالاتی پرسید و امام در جواب رساله او رساله معروف را نوشتند. و برای امام صادق (علیه السلام) جز آن نوشته‌ای دیده نشده است - ابن عثیم بن ابی‌السّمال سمعان بن لبيرة الشاعر بن ماحق بن بجیر بن أسامة بن نصر بن معین بن حارث بن ثعلبة بن دودان بن أسد بن خزیمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان. احمد بن عباس نجاشی نویسنده این کتاب و صاحب کتب *الجمعة* و *ما ورد فيه من الأعمال*، کتاب *الكوفة وما فيها من الآثار والفضائل*، کتاب *انساب بنی نصر بن قعین وایامهم وأشعارهم* و کتاب *مختصر الانوار* و *مواضع النجوم التي سمتها العرب* است؛ احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۱۰۱، شماره ۲۵۳.

۳۴۱. حسن بن علی حلی، *رجال ابن داود*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ هـ، ص ۳۲.

۳۴۲. علامه حلی، پیشین، ص ۲۰.

۳۴۳. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۴۴۳، شماره ۱۱۹۶.

۳۴۴. همان، ص ۱۱۹، شماره ۳۰۴، ترجمه جعفر بن بشیر.

۳۴۵. ملاقات او با قاضی ابی‌الحسن علی بن محمد بن یوسف، ن. ک: همان، شماره ۵۹۱.

(ب) آشنایی با تألیف

نام کتاب

نام مشهور این کتاب، رجال النجاشی است. در ابتدای جزء دوم یکی از نسخه‌ها این کتاب فهرست اُسماء مُصَنَّفی الشَّیْعَةِ وما أدرکنا مِنْ مُصَنِّفَاتِهِمْ وَذَكَرَ طَرَفٌ مِنْ کُنَاهُمْ وَأَلْفَابِهِمْ وَمَنَازِلِهِمْ وَأَنسَابِهِمْ وما قیل فی کلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ مِنْ مَدْحٍ أَوْ ذَمٍّ خوانده شده است. نام اختصاری این کتاب در جوامع رجالی «جَش» است.

مقدمه کتاب

نجاشی در مقدمه کتاب خویش می‌گوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي وَقَفْتُ عَلَى مَا ذَكَرَهُ السَّيِّدُ الشَّرِيفُ - أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَهُ وَأَدَامَ تَوْفِيقَهُ - مِنْ تَعْيِيرِ قَوْمٍ مِنْ مُخَالِفِينَا أَنَّهُ لَا سَلَفَ لَكُمْ وَلَا مُصَنَّفٌ. وَهَذَا قَوْلٌ مَنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالنَّاسِ وَلَا وَقَفَ عَلَى أَخْبَارِهِمْ وَلَا عَرَفَ مَنَازِلَهُمْ وَتَارِيخَ أَخْبَارِ أَهْلِ الْعِلْمِ وَلَا لَقِيَ أَحَدًا فَيَعْرِفُ مِنْهُ وَلَا حُجَّةَ عَلَيْنَا لِمَنْ لَمْ يَعْلَمْ وَلَا عَرَفَ. وَقَدْ جَمَعْتُ مِنْ ذَلِكَ مَا اسْتَطَعْتُهِ وَلَمْ أَبْلُغْ غَايَتَهُ لِعَدَمِ أَكْثَرِ الْكُتُبِ وَإِنَّمَا ذَكَرْتُ ذَلِكَ عِذْرًا إِلَى مَنْ وَقَعَ إِلَيْهِ كِتَابٌ لَمْ أَذْكُرْهُ. وَقَدْ جَعَلْتُ لِلْأَسْمَاءِ أَبْوَابًا عَلَى الْحُرُوفِ لِيُيَسِّرَ عَلَى الْمُتَمَسِّكِ لِاسْمٍ مَخْصُوصٍ مِنْهَا. [وها] أَنَا أَذْكُرُ الْمُتَقَدِّمِينَ فِي التَّصْنِيفِ مِنْ سَلَفِنَا الصَّالِحِ وَهِيَ أَسْمَاءٌ قَلِيلَةٌ وَمِنْ اللَّهِ أَسْتَمِدُّ الْمَعُونَةَ عَلَى أَنْ لِأَصْحَابِنَا رَحِمَهُمُ اللَّهُ فِي بَعْضِ هَذَا الْفَنِّ كُتُبًا لَيْسَتْ مُسْتَغْرَقَةً لِجَمِيعِ مَا رَسَمَهُ وَأَرْجُو أَنْ يَأْتِيَ فِي ذَلِكَ عَلَى مَا رَسَمَ وَحْدًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ [تعالی]. وَذَكَرْتُ لِرَجُلٍ طَرِيقًا وَاحِدًا حَتَّى لَا يَكْثُرُ (تَكْثُرُ) الطَّرِيقُ فَيَخْرُجُ عَنِ الْغَرَضِ.^{۳۴۶}

بسم الله الرحمن الرحيم، حمد و سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است و سلام و درود او بر محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله) و بر اهل بیت طاهر او.

اما بعد من بر سخن سید بزرگوار - که خداوند زندگی‌اش را طولانی کند و بر توفیقاتش بیفزاید - مبنی بر اینکه گروهی از مخالفان ما خرده می‌گیرند که شما [شیعیان] نه در گذشته عالمی داشته‌اید و نه تألیفی، اطلاع یافتیم. [اما باید گفت] این سخن کسی است که هیچ اطلاعی از مردم ندارد و بر روایات و جایگاه (روایی) آنان واقف نیست، پیشینه روایات عالمان را نمی‌داند و هیچ کس را ندیده است تا این امور را از او فرا گیرد و [روشن است که] سخن کسی که اینها را نمی‌داند و نمی‌شناسد، نمی‌تواند حجتی علیه ما باشد.

و من [برای پاسخ به این گفته] تا آنجا که برایم ممکن بود از این دست اطلاعات جمع کردم، ولی به سبب نابودی بیشتر کتابها این کار را به پایان نرساندم. این سخن را

بنابر عذرخواهی از کسی بیان کردم که [شاید] به کتابی دست یابد که من آن را ذکر نکرده‌ام. در این کتاب من برای اسامی، ابوابی بر اساس حروف الفبا قرار دادم تا اگر کسی دنبال اسم خاصی باشد آن اسم را آسان بیابد. و اکنون من نام گذشتگان صالح را که در تألیف پیش‌کسوت بوده‌اند، برمی‌شمارم و (البته) تعداد آنان کم است. از خداوند در این راه کمک می‌جویم. با وجود اینکه شیعیان در بخشهایی از فن فهرست‌نگاری، کتابهایی دارند اما این کتب، همه مقاصد آنان را دربرنمی‌گیرد و من امیدوارم که مراجعه‌کننده، در این موضوع هرچه قصد شده و معین گردیده است، بیابد و برای هر کس فقط یک طریق ذکر می‌کنم تا تعدد طرق پیش نیاید و کتاب از هدف اصلی خود دور نشود.

انگیزه نگارش

همان‌گونه که از سخن آغازین نجاشی در مقدمه کتاب پیدا است، نجاشی این کتاب را در ردّ طعن و خردۀ مخالفان مبنی بر اینکه شیعه در گذشته نه عالمی داشته و نه کتابی، نوشته است. سید مرتضی، که نجاشی در مقدمه کتاب از او با نام السید الشریف یاد کرده، در این تصمیم مؤثر بوده است؛ تا آنجا که می‌توان گفت نجاشی برای مستند ساختن کلام استادش، سید مرتضی، به تألیف این کتاب دست زده است.

تاریخ تألیف کتاب

پیش‌تر گفته آمد که شیخ طوسی کتاب *الفهرست* را هم‌زمان با کتاب *الرجال* نوشته است و به احتمال قوی این دو کتاب قبل از *رجال نجاشی* تألیف شده‌اند. شاهد این نظر چند مسئله است: اول: شرح حال شیخ طوسی و تألیفات او در *رجال نجاشی* آمده و در آن از کتاب *الفهرست* او نیز نام برده است، اما در کتاب شیخ طوسی نامی از *رجال نجاشی* نیامده است.

البته ممکن است نام *الفهرست* پس از تألیف *رجال نجاشی* به لیست تألیفات شیخ اضافه شده باشد. چنان‌که شیخ طوسی نیز خود نام کتاب *المبسوط* را، که آخرین تألیفش است، در *فهرست* خود آورده و او نام آن کتاب را پس از تألیف کتاب *الفهرست* به آن افزوده است. البته اینکه نجاشی شرح حال شیخ طوسی و تألیفات او را در کتاب خود آورده و شیخ طوسی چنین نکرده است - با آنکه شیخ طوسی ده سال پس از نجاشی وفات کرده و قطعاً از وی و کتابش اطلاع داشته - شاید به جهت تقدّم رتبه‌ای، برجستگی علمی و مرجعیت شیخ طوسی بوده است.

دوم: بررسی *رجال نجاشی* نشان می‌دهد که میان عبارات آن با *الفهرست* شیخ طوسی شباهت بسیاری دیده می‌شود.

در این موارد غالباً توضیح و تبیین مطالب در رجال نجاشی بیش از الفهرست است. این نشان می‌دهد کتاب نجاشی ناظر بر کتاب الفهرست و با توجه به آن نگاشته شده است که خود حکایتگر تأثیر شخصیت علمی شیخ طوسی بر نجاشی است.

چنین تأثیرپذیری را می‌توان در شرح حال ابراهیم بن سلیمان اَبی‌داحه مشاهده کرد.^{۳۴۷} برخی نیز مراد نجاشی از بسیاری نقل‌قولها با عنوان «بعض اصحاب» و «فهرستات» را کتاب الرجال و الفهرست شیخ طوسی می‌دانند. با توجه به آنچه در این زمینه بیان شد، اطمینان حاصل می‌شود که کتاب الفهرست قبل از رجال نجاشی نوشته شده است.

خصوصیات ساختاری

نجاشی در این کتاب ۱۲۶۹ عنوان را ذکر کرده است. اساس تنظیم و چینش عنوانها در کتاب، ترتیب حروف الفبا است. البته او نام چند تن از صحابه و تابعان را که صاحب تألیف هستند بدون رعایت حروف الفبا مقدم داشته است. در سایر اسامی نیز ترتیب الفبایی به صورت کامل و دقیق رعایت نشده است. برای نمونه در «باب العین» ترتیب مجموعه اسامی به این شکل است: عبدالله، عبیدالله، عبدالرحمن، عبدالملک، عبدالعزیز، عبدالسلام، عبدالحمید، عبدالغفار، عبدالواحد، عبدالوهاب، عبدالعظیم، عبدالصمد، عبدالزمن، باب علی، باب عباس، باب عمر، عمرو و عمار، باب عیسی، باب العلاء، عقبه، عثمان، عون، عاصم، عَنَسَة، عَبْدُوس، عِیص، عَتِیْبَه، الْعَوَّام، عُمَارَه، الْعَمْرَکِیَّ، عَلِیْم، عُبَادَه، عَبْدَان. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که نظم الفبایی در چینش اسامی و حروف رعایت نشده است.

خصوصیات محتوایی

۱- موضوع کتاب

افرادی که در این کتاب از آنان نام برده شده همگی کتاب، اصل، نوادر و یا نسخه دارند. نجاشی در مقدمه کتاب تصریح می‌کند که این کتاب را به عنوان فهرستی از صاحبان کتابها و اصول شیعه نگاشته است: «وَأَنَا أَذْکُرُ الْمُتَقَدِّمِينَ فِي التَّصْنِيفِ مِنْ سَلَفِنَا الصَّالِحِ».

۲- میزان فراگیری تألیف نسبت به موضوع

از مقدمه کتاب برمی‌آید که نجاشی ادعای ذکر نام تمام صاحبان تألیف شیعه را نداشته، زیرا دستیابی به همه مصنفات و تألیفات برای او ممکن نبوده است او خود با اشاره به این مطلب، از کسانی که نام آنان را نبرده عذر خواسته است.

۳۴۷. همان، ص ۱؛ کتاب الرجال/النجاشی، ص ۱۵.

۳- میزان اطلاعات رجالی

نجاشی کوشیده است در هر عنوان تمام اطلاعاتی را که در اختیار داشته ارائه دهد؛ از این رو، محدوده اطلاعاتی که در این کتاب وجود دارد وسیع است. اطلاعاتی که نجاشی در حد امکان در بسیاری از عنوانهای کتاب ارائه کرده به شرح زیر است:

الف) اطلاعات مربوط به تشخیص هویت راوی

۱- نام

مؤلف نام کامل شخص را به گونه‌ای که او از دیگر هم‌نامانش تمییز داده شود، آورده است. در مواردی به دلیل دسترسی نداشتن به اطلاعات یک شخص، نامش نیامده و یا ناقص است. برای نمونه، بیان نام کامل احمد بن محمد بن احمد بن طلحه^{۳۴۸} او را از احمد بن محمد بن احمد^{۳۴۹} و احمد بن محمد بن احمد بن طرخان^{۳۵۰} متمایز ساخته است.

۲- نسبت

نجاشی گذشته از نام، تا جایی که امکان داشته اجداد و نسب هر شخص را تا نام کسی که قبیله به او انتساب داشته برشمرده است. بدین منظور او در پاره‌ای موارد بیش از بیست نفر از اجداد شخص مورد نظر را ذکر کرده است تا انتساب او به یک خاندان مشخص شود. در مواردی که شخص از سادات و علویان بوده نسبتش را تا امام علی (علیه السلام) رسانیده است.

برای نمونه نسب عمر بن محمد بن عبدالرحمن را با برشمردن ۲۴ نفر از اجداد او مشخص کرده است:

عمر بن محمد بن عبدالرحمن بن اُذَیْنَةَ بن سَلَمَةَ بن الْحَارِثِ بن خَالِدِ بن عَائِذِ بن سَعْدِ بن ثَعْلَبَةَ بن غَنَمِ بن مَالِكِ بن بُهْثَةَ بن جَدِیْمَةَ بن الدَّیْلِ بن شَنِّ بن أَفْصَى بن عَبْدِ الْقَیْسِ بن أَفْصَى بن دَعْمَى بن جَدِیْلَةَ بن أَسَدِ بن رَبِیعَةَ بن نِزَارِ بن مَعَدٍّ بن عَدْنَانَ.

علوی بودن یحیی بن معتمد با بیان کامل نسب او مشخص شده است:

یحیی بن محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله بن الحسن بن علی بن علی بن الحسین بن علی بن اُبی طالب (علیه السلام).

۳- کنیه

کنیه افراد از جمله مشخصاتی است که در کنار نام اشخاص و گاه در درجه اهمیتیش از آن، در بین اعراب کاربرد دارد. از این رو، گاه در اسناد به جای آوردن نام راوی، کنیه او بیان شده است. نجاشی در کتاب خود با توجه به این مهم، کنیه‌های مختلف افراد را ذکر کرده است. برای نمونه در ذکر کنیه ابراهیم بن عیسی آمده است: ابراهیم بن عیسی ابویوب الخزاز.^{۳۵۱}

۴- لقب

گذشته از مشخصات عمومی که در شناسایی افراد از آنان استفاده می‌شود، گاه القاب نیز نقش مهمی در این امر دارد. اوصافی که از جمله مشخصات ظاهری افرادند، چون «مکفوف»، «ضریر»، «أعمی» به معنی نابینا

۳۴۸. همان، ص ۹۳، شماره ۲۳۲.

۳۴۹. همان، ص ۸۶، شماره ۲۰۸.

۳۵۰. همان، ص ۸۷، شماره ۲۱۰.

۳۵۱. همان، ص ۲۰، شماره ۲۵.

و یا «أعرج» به معنی معلول از ناحیه پا، به عنوان لقب شناخته می‌شوند. این القاب در تعیین دقیق اشخاص بسیار مؤثراند.

اینک به چند نمونه از این القاب توجه کنید:

علی بن عمر الأعرج أبو الحسن الکوفی؛^{۳۵۲} إبراهيم بن یزید المکفوف؛^{۳۵۳} العلاء بن یحیی المکفوف؛^{۳۵۴} أبویحیی، المکفوف.^{۳۵۵}

۵- وطن

از دیگر اطلاعات مهمی که پس از عناوین شناسایی افراد؛ یعنی نام، نسبت، کنیه و لقب در شناخت افراد مهم است و فواید جانبی دیگری هم دارد، تعیین محل اقامت راوی است.

تعبیراتی چون کوفی، بصری، بغدادی، قمی، مصری و ... نشانه تعیین وطن اشخاص است و گاه نیز نشان از اقامتگاه فرد دارد و راوی در جایی دیگر متولد شده است. از این رو، در مواردی تعدد انتساب به شهرها دیده می‌شود. گاه در پاره‌ای موارد این نسبت‌ها دقیق‌تر شده است، تا آنجا که انتساب به محله‌های برخی شهرها نیز ذکر شده است. مثلاً «مُزینة» در مدینه، و «سوق العطش» در بغداد.

اطلاعات مکانی که در مورد زندگی برخی راویان ذکر شده به قرار زیر است:

- أبان بن عثمان الأحمر البجلي مولا هم، أصله کوفی، کان یسکنها تارة والبصرة تارة.^{۳۵۶}

- حماد بن عیسی أبو محمد الجهنی مولى، وقيل عربی، أصله الکوفه وسكن البصره ومات حماد بوادي قنّاة وهو واد یسيل من الشجر إلى المدینه.^{۳۵۷}

- علي بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين أبو الحسن، سکن العریض من نواحی المدینه.^{۳۵۸}

۶- طبقه

تعیین تاریخ زندگی شخص و نام کسانی که از او روایت می‌کنند و کسانی که راوی از آنان روایت کرده است، نقش مهمی در شناسایی و تمییز او از دیگر هم‌عصران و راویان دارد. نجاشی کوشیده است ائمه معاصر با هر راوی و تا حدی اشخاص مشهوری که او از آنان نقل کرده است را معرفی کند از این رهگذر او طبقه و مقطع زمانی زندگی فرد را مشخص می‌کند.

برای مثال نجاشی درباره راویان زیر این چنین می‌گوید:

إبراهيم بن مهزم الأسدي: من بني نصر أيضاً يعرف بابن أبي بردة، ثقة ثقة، روى عن أبي عبدالله و أبي الحسن عليه السلام.^{۳۵۹}

۳۵۲. همان، ص ۲۵۶، شماره ۶۷۰.

۳۵۳. همان، ص ۲۴، شماره ۴۰.

۳۵۴. همان، ص ۲۹۹، شماره ۸۱۳.

۳۵۵. همان، ص ۴۵۵، شماره ۱۲۳۵.

۳۵۶. همان، ص ۱۳، شماره ۸.

۳۵۷. همان، ص ۱۴۲، ش ۳۷۰.

۳۵۸. همان، ص ۲۵۱، شماره ۶۶۲.

۳۵۹. همان، ص ۲۲، شماره ۳۱.

إبراهيم بن محمد بن معروف أبو اسحاق المذاري: شيخٌ من أصحابنا، ثقةٌ، روى عن أبي علي محمد بن علي بن همام ومن كان في طبقته.^{٣٦٠}

ب) اطلاعات مربوط به وضعیت رجالی راوی

۱- تصریح به مدح یا ذم

اگرچه رجالی نجاشی در حقیقت، فهرستی از نام مؤلفان است نه بیان حال رجالی افراد،^{٣٦١} لکن از آنجا که ارزش گذاری هر تألیف حدیثی تا حدّ زیادی به حال رجالی مؤلف آن بستگی دارد، بنابراین، تعیین وضعیت رجالی، وثاقت راوی ضعف او مهم است. از این رو، نجاشی کوشیده است مدح و ذمهای مربوط به هر شخص را بیان کند. این از امتیازات کتاب رجالی نجاشی است و هیچ یک از اصول رجالی تا این حد به بیان مدح یا ذم راویان نپرداخته است. از این دست اطلاعات می توان به موارد زیر اشاره کرد:

إبراهيم بن صالح الأنماطي يُكَنَّى بِأبي اسحاق، كوفي، ثقةٌ لا بأس به.^{٣٦٢}
الحسن بن راشد الطُّفَاوِي ضَعِيفٌ لَهُ كِتَاب.^{٣٦٣}

۲- مدح یا ذم ذیل عناوین دیگر

در مواردی نجاشی ضمن شرح حال برخی از مؤلفان، به توصیف سایر افراد خاندان ایشان همچون برادر، عمو یا دیگر منسوبان او می پردازد. برای نمونه دربارهٔ إسماعیل بن همام بن عبدالرحمن می گوید: «ثقةٌ، هو وأبوه وجده.»^{٣٦٤}

و دربارهٔ شخصیت أحمد بن عمر بن ابی شعبة الحلبي می گوید:

ثقةٌ، روى عن أبي الحسن الرضا عليه السلام وعن أبيه من قبل، وهو ابن عمّ عبدي الله
وعبد الأعلى وعمران ومحمد الحلبين، روى أبوه عن أبي عبد الله عليه السلام، وكانوا
ثقات.^{٣٦٥}

افزون بر موارد پیش گفته گاه نجاشی ذیل یک عنوان تمامی افراد یک خاندان را توصیف می کند. این موارد همه از توثیقات عامّ موجود در کتاب محسوب می شوند. خاندانهای همچون آل شعبه، آل نعیم و دیگران از این طریق توصیف و توثیق شده اند.^{٣٦٦}

۳- سکوت نجاشی نشانهٔ مدح راوی

میرداماد (م ۱۰۴۱ هـ) در کتاب *الرواشح السماويه* ادعا کرده که نجاشی در کتاب خود هر کس که در او طعن و اشکالی وجود دارد در شرح حال خودش یا دیگری این مسئله را بیان می کند. بر این معنا هرگاه او ضعف شخصی را بیان نکرده باشد و تنها نامش را بدون مدح یا ذم نقل کند، نشانهٔ آن است که آن شخص از نظر

٣٦٠. همان، ص ۱۹، شماره ۲۳.

٣٦١. از مقدمهٔ کتاب برمی آید هدف نجاشی فهرست کردن نام صاحبان تألیف است، از این رو، از یک سو او در صدد بیان حال رجالی افراد نبوده و از سوی دیگر صرف راوی بودن یک شخص سبب وجود نام او در این کتاب نشده است.

٣٦٢. همان، ص ۱۵، شماره ۱۳.

٣٦٣. همان، ص ۳۸، شماره ۷۶.

٣٦٤. همان، ص ۳۰، شماره ۶۲.

٣٦٥. همان، ص ۹۸، شماره ۲۴۵.

٣٦٦. برای اطلاع بیشتر در مورد این دسته از توثیقات به قسمت ملحقات مراجعه کنید.

نجاشی از طعن و اشکال به دور است. بنابراین هر کس که نجاشی درباره اش سکوت کرده اشکالی در مذهب و قدحی در روایتش نیست.^{۳۶۷}

نکته پذیرفتنی در این ادعا آن است که با توجه به مقدمه کتاب و هدف اصلی از نگارش، نجاشی ملتزم است امامی مذهبانی که صاحب تألیف هستند را معرفی کند و در مواردی که بحث اختلاف مذهب پیش آید مسئله را تذکر دهد. از این رو، می توان گفت که ذکر نام شخص در رجال نجاشی و سکوت او، نشانه امامی مذهب بودنش خواهد بود، ولی نمی توان این روش را دلیلی بر توثیق او دانست.

ج) اطلاعات مربوط به تصنیفات

دو دسته اطلاعات درباره تصنیفات ارائه شده است:

۱- برشمردن تصنیفات

با بیان این نوع اطلاعات در واقع سابقه تألیفات شیعی و موضوعات آنها روشن شده و هدف اصلی از نگارش کتاب، که در مقدمه به آن اشاره شده، محقق گردیده است. نجاشی پس از آنکه اطلاعاتی درباره هر مصنف می دهد به بیان تصنیفات او می پردازد. این تصنیفات شامل اصل، کتاب، نوادر و نسخه ها است. برای مثال نجاشی بیش از صد تألیف برای شیخ صدوق نام برده است.^{۳۶۸}

۲- بیان اسناد به تصنیفات

اسناد موجود برای اثبات صاحب کتاب بودن راوی آورده شده اند. علاوه بر این فواید دیگری از جمله اثبات کتابهای مؤلفان و مشخص کردن مشایخ و شاگردان راوی را دربردارند. اما نجاشی در صدد نبوده است همه اسناد در دسترس را بیان کند، بلکه به پاره ای از آنها اکتفا کرده است. او خود در مقدمه به این نکته تصریح می کند:

وَذَكَرْتُ لِرَجُلٍ طَرِيقًا وَاحِدًا حَتَّى لَا يَكْثُرُ (تکثر) الطَّرِيقُ فَيَخْرُجُ عَنِ الْغَرَضِ.^{۳۶۹}

و برای هر کس فقط یک طریق ذکر می کنم تا تعدد طرق پیش نیاید و کتاب از هدف اصلی خود دور نشود.

نجاشی در جایی دیگر نیز تصریح می کند که به جهت اختصار بیش از یک یا دو سند را نیاورده است.^{۳۷۰} او در اغلب موارد پس از معرفی مصنفات، طریق و سند خود را به آنها ذکر می کند، ولی در برخی موارد که سند متصل به آنها ندارد نام مؤلف را به استناد اجازات و طرقی که از استادانش دارد، نقل می کند و با تعبیراتی چون

۳۶۷. محمدباقر حسینی استرآبادی (میرداماد)، *الروائح السماویه*، تحقیق غلامحسین قیصریه ها و نعمة الله الجلیلی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ هـ، چاپ اول، ص ۶۷ و ۶۸.

همچنین از نظر میرداماد سند حدیث به جهت چنین شخصی به عنوان حدیث قوی شناخته می شود، نه حسن یا موثق. بر اساس این مبنا، تعبیر قوی در مورد چنین حدیثی به کار می رود و تعبیر حسن یا موثق در مورد آن صادق نیست. اما بر اساس رأی مشهور حدیث قوی از اقسام حدیث ضعیف است و میرداماد در واقع بر خلاف مشهور چنین ادعایی را مطرح کرده است. أبوالمهدی کلباسی، *سماء المقال فی علم الرجال*، تحقیق سید محمد حسینی قزوینی، قم، مؤسسه ولی العصر (علیه السلام) للدراسات الإسلامیة، ۱۴۱۹ هـ، اول، ج ۱، ص ۱۹۷.

۳۶۸. همان، ص ۳۸۹ و ۳۹۰، شماره ۱۰۴۹.

۳۶۹. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۳.

۳۷۰. همان، ص ۱۱۶، شماره ۲۹۷.

«ذکره فلان»، «ذکره أصحاب الرجال» و «کذا فی الفهرستات» تصریح می‌کند که خود انتساب کتاب را به مؤلفش احراز نکرده است. برای نمونه:

الحسن بن محمد النہاوندی، أبوعلی متکلم جید الکلام، له کتب منها النقض علی سعید بن هارون الخارجي في الحكمين و کتاب الاحتجاج في الإمامة و کتاب الکافي في فساد الاختیار ذکر ذلك أصحابنا في الفهرستات.^{۳۷۱}

اسناد موجود در این کتاب از لحاظ اعتبار متفاوت‌اند. هنگام بیان اسناد به مجموعه کتب یک شخص و در تقدیم و تأخیر آنها هیچ‌گونه عنایتی به میزان اعتبار اسناد نشده است. مثلاً چهار طریق به کتب ظریف بن ناصح بیان شده است.^{۳۷۲}

۳۷۱. همان، ص ۴۹ و ۴۸، شماره ۱۰۲.

۳۷۲. همان، ص ۲۰۹، شماره ۵۵۳.

جلسه هشتم

آشنایی با کتاب رجال نجاشی
قسمت دوم

هدف درس ✓ آشنایی با رجال نجاشی.

گفتار ششم: آشنایی با کتاب رجال نجاشی

در جلسه گذشته با نجاشی، مؤلف کتاب *الرجال*، آشنا شدیم و بخشی از خصوصیات کتاب او، از جمله خصوصیات ساختاری و خصوصیات محتوایی، را بررسی کردیم. در این جلسه سایر مباحث مربوط به این کتاب را دنبال می‌کنیم.

قواعد رجالی در رجال نجاشی

گذشته از شیوه و روش کلی نجاشی، یعنی بررسی عناوین اشخاصی که به عنوان مؤلف شناخته شده‌اند، در لابه‌لای کلمات او مطالبی بیان شده است که دیگر رجالیان از آنها، قواعد کلی رجالی استنباط و استخراج کرده‌اند.

بر اساس هر یک از این قاعده‌ها عده‌ای از راویان توثیق می‌شوند. از آنجا که توثیق این اشخاص با نام و عنوان خاصی نیست یک عنوان کلی مورد داوری رجالی قرار می‌گیرد، از این قاعده‌ها با نام «توثیق عام» یاد می‌شود. در این شیوه، افراد به عنوان مصادیق یک قانون کلی توثیق می‌شوند. مثلاً توثیق عنوان کلی مشایخ یک شیخ، بدون تعیین تک تک مشایخ او، توثیق عام محسوب می‌شود و مشایخ آن شخص در مرحله بعد به عنوان مصادیق این داوری معرفی می‌شوند.

توثیقات عام مستند به تعبیرات نجاشی عبارت است از:

(الف) وثاقت مشایخ و اساتید نجاشی؛

(ب) تضعیف نکردن نجاشی، نشانه وثاقت؛

(ج) توثیق مشایخ و شاگردان جعفر بن بشیر؛

(د) توثیق مشایخ و شاگردان زعفرانی؛

(ه) خاندانهای ثقات، شامل:

- ۱- خاندان آل ابی جهّم؛
- ۲- خاندان آل ابی نعیم؛
- ۳- خاندان آل ابی شعبه.^{۳۷۳}

اعتبار کتاب و آرای نجاشی

کتاب نجاشی به جهت تنوع اطلاعات و دقت مؤلف، نزد رجالیان شیعه ممتاز بوده است. این نکته از دو امر روشن می‌شود:

اول آنکه به هنگام تعارض و اختلافات آرای نجاشی، کشی و شیخ طوسی، بسیاری نظر نجاشی را بر دیگران مقدم شمرده‌اند.

دوم آنکه مؤلفان کتابهای رجالی پس از نجاشی از این کتاب بسیار استفاده کرده و به آن استناد و اعتماد نموده‌اند. اینک به توضیح این دو مسئله می‌پردازیم:

مبحث اول: تقدّم آرای رجال نجاشی بر رجال کشی و شیخ طوسی

الف) تقدّم آرای نجاشی بر رجال کشی

در مورد اختلاف نظر بین نجاشی و کشی، گروهی رأی نجاشی را بر کشی مقدم داشته‌اند و گروهی دیگر عکس این مسئله را قائل‌اند. دسته اول به سه دلیل نظر نجاشی را برتر می‌دانند:

دلیل اول: نجاشی دقیق‌ترین و مطلع‌ترین عالم در مباحث رجالی است از این رو، نظرش بر دیگران مقدم است.^{۳۷۴}

دلیل دوم: رأی عالم متأخر به صواب نزدیک‌تر است. عالم متأخر از آرای صاحب‌نظران پیش از خود مطلع است. او با وجود این اطلاع و با نظر به ضوابط و قرائنی که در دست دارد نظر دیگری را برمی‌گزیند؛ بنابراین، نظرانش به صواب نزدیک‌تر خواهد بود.

دلیل سوم: نجاشی از اغلاط و اشتباهات موجود در رجال کشی آگاه بوده و این نکته را ذیل عنوان کشی بیان کرده است.^{۳۷۵} علاوه بر نجاشی رجالیان پس از او نیز بر این نکته تأیید کرده‌اند. از جمله کسانی که رأی نجاشی را بر کشی مقدم می‌دانند میرزا محمد استرآبادی است. او در کتاب *منهج المقال* در مقام بیان رمزهای کتاب، رمز *رجال نجاشی* را بر رمز *رجال کشی* مقدم داشته است و در لابه‌لای مطالب کتاب نیز این تقدیم به چشم می‌خورد. این امر می‌تواند گواه آن باشد که استرآبادی آرای نجاشی را معتبرتر از آرای کشی می‌داند.

^{۳۷۳} برای اطلاع بیشتر درباره این توثیقات به ملحقات مراجعه کنید.

^{۳۷۴} دلیل دقت فراوان نجاشی را در مباحث آینده خواهیم گفت.

^{۳۷۵} رجال نجاشی، ص ۳۷۵، شماره ۱۰۱۸.

اما گروهی دیگر، نظر کشی را بر نظر نجاشی مقدم داشته‌اند. آنان با این استدلال که کشی از نظر زمانی مقدم بر نجاشی است و به دلیل فاصله زمانی کمتر با راویان از احوال رجالی آنان آگاه‌تر است، نظر او را مقدم داشته‌اند.

شیخ اسماعیل خواجوبی (م ۱۱۷۳ هـ) این ادعا را به صراحت مطرح می‌کند. او این نظر را به شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ هـ) و فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۵ هـ) نیز نسبت داده است. این دو نفر (شیخ بهایی و طریحی) در اختلاف نظر میان کشی و نجاشی در بیان عمر حماد بن عیسی، که کشی آن را هفتاد و چند سال دانسته و نجاشی نود و چند سال می‌داند، نظر کشی را ترجیح داده‌اند.^{۳۷۶}

فاضل خواجوبی در رفع این اختلاف بر این باور است که چون شکل نوشتاری کلمه «تسعین» و «سبعین» شبیه به یکدیگر است، در نگارش اشتباه شده است. دلیل این سخن آن است که در هر دو کتاب لفظ «نیف»، به معنای «چندی»، بدون تغییر آمده، پس می‌توان گفت که اشتباه مذکور از ناحیه کاتبان و ناسخان کتاب صورت گرفته است.^{۳۷۷} با توجه به این نکته، نمی‌توان نظریه تقدم آرای کشی بر نجاشی را به شیخ بهایی و طریحی منتسب کرد.

برخی نیز از کتابهای رجال ابن داود و نقد الرجال تفرشی که در فهرست رمزه‌های کتابشان رمز کتاب کشی را بر کتاب نجاشی مقدم داشته‌اند و در نقل قولها هم این ترتیب را رعایت کرده‌اند، چنین برداشت کرده‌اند که از دیدگاه ابن داود و تفرشی، رأی کشی از دیدگاه ایشان مقدم بر نظر نجاشی است.^{۳۷۸} البته ممکن است سابقه زمانی و مقدم بودن زمان حضور کشی دلیل این امر باشد.

گفتیم که تقدم آرای نجاشی بر کشی یا بالعکس، به هنگام تعارض نظرات روی می‌دهد؛ از این رو، باید دانست که موارد تعارض بین نظر کشی و نجاشی بسیار کم است. به خصوص این اختلاف در جرح و تعدیل نیست، بلکه در شرح حال برخی از راویان است و بیشتر این موارد نیز به دلیل وجود اشتباهات و اغلاط در رجال کشی رخ داده است.^{۳۷۹}

ب) تقدم آرای نجاشی بر شیخ طوسی

عالمان سرشناس دانش رجال به تقدم رأی نجاشی بر نظر شیخ طوسی معتقداند. این نکته خود گویای شأن نجاشی در میان رجالیان شیعه است.^{۳۸۰}

۳۷۶. ر.ک: محمد اسماعیل مازندرانی خواجوبی، الفوائد الرجالية، تحقیق سید مهدی رجائی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، ج ۱، ۱۴۱۳ هـ، ص ۴۹؛ بهایی، الأربعون حديث؛ فخرالدین الطریحی، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، مکتبه نشر الثقافة الإسلامية، ۱۴۰۸ هـ، دوم، ج ۲، ص ۴۱.

۳۷۷. خواجوبی، پیشین، ص ۵۰؛ از این گذشته نسخه‌های رجال در این دو کلمه اختلاف دارند. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، تحقیق میرداماد، محمدباقر حسینی و مهدی رجایی، قم، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۴ هـ، ص ۳۱۷، رقم ۵۷۲.

۳۷۸. أبوالمعالی کلباسی اصفهانی، الرسائل الرجالية، تحقیق محمدحسین درایتی، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۲ هـ / ۱۳۸۰ هـ، ش، اول، ج ۲، ص ۳۰۰.

۳۷۹. این مبحث در درس آشنایی با کتاب اختیار الرجال بررسی شد.

۳۸۰. جواد کاظمی، مسالك الأفهام، تحقیق ج ۱: محمدباقر شریف‌زاده، تحقیق ج ۲: محمدباقر بهبودی، طهران، المکتبة المرتضویه، ج ۱، ص ۴۰۵؛ میرزا محمدعلی استرآبادی، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، تحقیق مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، قم، ۱۴۲۲ هـ، اول، ج ۳، ص ۱۷۴ (شرح حال سلیمان بن صالح جصاص)؛ محمدتقی مجلسی، روضة

دلایل تقدّم نظر نجاشی بر شیخ طوسی در چند مورد خلاصه می‌شود:

۱- شرح حال شیخ طوسی در *رجال نجاشی* آمده، همچنین نجاشی از *فهرست و رجال* شیخ طوسی استفاده کرده است؛ بنابراین نجاشی از آرای شیخ طوسی اطلاع داشته و نظر او متأخر از شیخ طوسی است. از این رو، می‌توان گفت که نظراتش به صواب و صحت نزدیک‌تر است.

۲- نجاشی در دانش آنساب و تاریخ متبحّر بوده است. دانش رجال ارتباطی بسیار نزدیک با دانشهای تاریخ و آنساب دارد به گونه‌ای که حتی اگر دانش رجال را به علوم وابسته ندانیم، ارتباط و استفاده دانش رجال از آنساب و تاریخ را نمی‌توان منکر شد و علم به تاریخ در واقع اطلاعات رجالی را تقویت می‌کند.

در لابه‌لای کلمات نجاشی، اجداد راوی و احوال ایشان و نیز فرزندان، برادران و پدران وی ذکر شده است. افزون بر آن نجاشی کتابی در تاریخ کوفه و آثار و فضایل آن و کتابی در آنساب بنی نصر بن قُعین و تاریخ ایشان نگاشته است که همه اینها نشانگر تبحّر او در دانش آنساب و تاریخ است. اما در شرح حال شیخ طوسی بیان نشده که شیخ در علم تاریخ مهارت داشته است. این موضوع، گمان برتری و صحت نظرات رجالی نجاشی را تقویت می‌کند.

۳- تخصص بارز نجاشی منحصر به علم رجال بوده است، حال آنکه شیخ طوسی عالمی متبحّر در علوم مختلف اسلامی همچون حدیث، رجال، فقه، اصول، کلام، تفسیر و ادبیات بوده و در تمامی این موضوعات تألیفاتی دارد. این امر خود موجب پراکندگی افکار او در موضوعات مختلف شده است. مهارت علمی نجاشی در دانش رجال متمرکز است و تألیفات او بیشتر با علم رجال مرتبط است. این تخصص می‌تواند دلیل ترجیح نظر نجاشی بر نظر شیخ طوسی تلقی شود.

۴- نجاشی از شخصیت‌های کوفی و از خاندانهای مشهور آن شهر است. بسیاری از راویان حدیث نیز از آن دیار بوده‌اند. بدیهی است که نجاشی از شیخ طوسی، که از اهالی طوس بوده و چند سالی نیز در بغداد به سر برده، به حال روایان آشناتر بوده است.

۵- نجاشی هم‌دوره ابن‌غضائری (احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری) بوده است. ابن‌غضائری یکی از علمای رجالی است و تألیفاتی نیز در این زمینه دارد. نجاشی از حضور ابن‌غضائری استفاده کرده و در مواردی به سخنان او استناد جسته است. نقل‌قول‌های او از ابن‌غضائری می‌تواند دلیلی بر ترجیح نظر نجاشی باشد.

۶- بزرگانی مانند أبوعباس أحمد بن علی بن نوح سیرافی، أبوالفرج محمد بن علی قنایی کاتب و ...، که از ارکان دانش رجال به شمار می‌روند، از اساتید و مشایخ نجاشی هستند. برخی از این افراد، استاد شیخ طوسی نیز بوده‌اند، اما شیخ طوسی عده‌ای از ایشان را درک نکرده است. نجاشی حداقل هفده استاد اختصاصی داشته که شیخ طوسی ایشان را درک نکرده است. وجود چنین اساتیدی زمینه‌ای برای نجاشی فراهم آورده است که اطلاعات گسترده‌ای در حوزه دانش رجال فراهم آورد. این امر می‌تواند دلیل ترجیح نظر نجاشی بر شیخ طوسی قلمداد شود.

۷- اشکالاتی که برخی از عالمان رجالی بر کتب رجالی و آرای شیخ طوسی وارد کرده‌اند موجب تضعیف آرای شیخ شده است. برای نمونه اختلاف آرای شیخ درباره یک شخص در کتابهای متعدد یا در یک کتاب و نیز

المتقین، تحقیق سید حسین موسوی کرمانی و علی‌پناه اشتهاردی، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی، حاج محمدحسین کوشانپور، ۱۳۹۹ هـ اول، ج ۱۴، ص ۳۳۱؛ عبدالنبی جزایری، *حاوی الأقوال فی معرفة الرجال*، تحقیق مؤسسة الهدایة لإحياء التراث، قم، ریاض ناصری، ۱۴۱۸ هـ اول، ج ۱، ص ۱۸۴ و ۴۲۵؛ میرزا ابوالقاسم القمی، *قوانین الأصول*، افست از چاپ سنگی، ص ۴۷۶؛ *رجال السید بحر العلوم*، ج ۲، ص ۴۲.

تعارض تضعیف و تصحیح‌های یک حدیث، به جهت راویان، در کتابهای حدیثی و اصولی، گویای تناقض در آرای شیخ طوسی است. این موضوع تا بدان جا پیش رفته است که فاضل خواجهویی به شیخ طوسی نسبت غفلت و فراموشی داده است. او نظر شیخ را در مباحث رجالی نه تنها گمان‌آور بلکه موجب شک هم نمی‌داند و آنها را به طور کامل موهوم می‌شمارد.^{۳۸۱}

برخی در صدد پاسخ به این اشکالات برآمده و با پذیرش کثرت اشتباهات در نظرات شیخ طوسی، آن را ناشی از کثرت تصنیفاتش دانسته‌اند.^{۳۸۲}

اگرچه برخی از این دلایل ضعیف و برخی دیگر قابل پاسخ‌گویی است، اما در مجموع می‌تواند مؤید ترجیح رأی و نظر نجاشی بر شیخ طوسی باشد. شایان ذکر است که بر خلاف این نظر مشهور، محدث جزایری در کتاب *غایة المرام* با پرداختن به تعارض نظر نجاشی و طوسی دربارهٔ سالم بن مکرم، تصریح می‌کند که شیخ طوسی دقیق‌تر از نجاشی است.^{۳۸۳}

مبحث دوم: استناد و اعتماد رجالیان بر رجال نجاشی

از قدیمی‌ترین مدارک اعتماد و استناد به *رجال نجاشی*، کتاب *حل الاشکال*، نوشتهٔ سید احمد بن موسی آل طاووس (م ۶۷۳ هـ) است. او در این کتاب، پنج کتاب رجالی را گرد آورده که *رجال نجاشی* یکی از آنها است.^{۳۸۴} همچنین سید علی بن طاووس در کتاب *الإقبال* توثیق نجاشی را برای علی بن فضال نقل کرده است.^{۳۸۵} محقق حلی در *المعتبر*^{۳۸۶} و *نکتة النهاية* و علامه حلی در *خلاصة الأقوال* و دیگر کتابهایش به دیدگاه‌های نجاشی استناد کرده‌اند.

علامه حلی در شرح حال نجاشی می‌گوید:

ثقه و نزد من معتمد است. او کتاب رجالی دارد که ما از آن در این کتاب و غیر آن مطالب زیادی نقل کردیم.^{۳۸۷}

او در ۱۲۶ مورد از کتاب نجاشی نقل کرده است. ابن داود حلی - معاصر علامه حلی - نیز به طور گسترده به این کتاب استناد و از آن نقل می‌کند.

۳۸۱. برای اطلاع بیشتر از دلایل دقیق‌تر بودن نجاشی از شیخ طوسی ر.ک: أبوالمعالی کلباسی، پیشین، ج ۲، ص ۳۲۵-۳۱۶؛ سید محمد مهدی بحر العلوم طباطبائی، *رجال السید بحر العلوم (الفوائد الرجالية)*، تحقیق محمدصادق آل بحر العلوم و حسین آل بحر العلوم، تهران، مکتبة الصادق، ۱۳۶۳ هـ، ج ۲، ص ۴۷ به بعد؛ أبوالمهدی کلباسی، *سماء المقال*، ج ۱، ص ۱۹۷ به بعد.

۳۸۲. أبوالمهدی کلباسی، *الرسائل الرجالية*، ج ۲، ص ۳۳۴ - ۳۳۰.

۳۸۳. *غایة المرام فی شرح تهذیب الأحکام*، همچنان مخطوط است.

۳۸۴. حسن بن زین الدین (صاحب المعالم)، *التحریر الطاووسی*، تحقیق فاضل الجواهری، قم، مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۱ هـ، ج ۱، ص ۵ - ۶.

۳۸۵. علی بن موسی حلی (سید بن طاووس)، *إقبال الأعمال*، تحقیق جواد قیومی، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۱، ص ۵۳.

۳۸۶. المحقق الحلی، *المعتبر*، تحقیق لجنة التحقيق به اشراف ناصر مکارم شیرازی، مؤسسه سیدالشهدا (علیه السلام)، ۱۳۶۴ هـ، ج ۱، ص ۲۹۲، ۲۵۶ و ۴۰۶؛ همان، ج ۲، ص ۶۶ و ۶۸۱.

۳۸۷. علامه حلی، پیشین، ص ۷۲، رقم ۱۱۸.

پس از ایشان هیچ کتاب رجالی خالی از نقل قولهای نجاشی و استناد به کتاب رجال او نیست. به جهت شهرت این کتاب، اهل سنت نیز در بررسی برخی رجال مشترک با شیعه، از این کتاب استفاده کرده‌اند. ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ - ۷۷۳ هـ) در *لسان المیزان* در بیش از هفتاد مورد از *رجال نجاشی*، با نامهای متعددی مانند «رجال الشیعه»، «مصنفی الشیعه» و «مصنفی المعتزله»، نقل قول کرده است.

مصادر رجال نجاشی

قطعاً نجاشی در تألیف کتاب رجال، از منابع پیش از خود استفاده کرده است. خود نیز ضمن شرح حالها به این مطلب تصریح کرده و نقل قولهایی را آورده است. مصادری که از تتبع و بررسی کتاب نجاشی شناسایی شده به قرار زیر است:

۱- کتاب تاریخ، تألیف ابوالحسین احمد بن حسین بن عبدالله غضائری؛^{۳۸۸}

۲- کتاب تاریخ، ابن عقده؛^{۳۸۹}

۳- نامه احمد بن علی بن عباس بن نوح سیرافی؛^{۳۹۰}

۴- اجازه و وصیت ابوالعباس بن نوح؛^{۳۹۱}

۵- ذیل المذیل، تألیف ابوجعفر محمد بن جریر طبری (مؤلف تاریخ طبری)؛^{۳۹۲}

۶- رجال ابن عقده؛^{۳۹۳}

۷- رجال ابن فضال؛^{۳۹۴}

۸- رجال ابوالحسن علی بن أحمد علوی عقیقی؛^{۳۹۵}

۹- رجال ابی المفضل شیبانی؛^{۳۹۶}

۱۰- رجال کشی؛^{۳۹۷}

۳۸۸. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۷۷، رقم ۱۸۲.

۳۸۹. همان، ص ۳۳۱، رقم ۸۹۳؛ همان، ص ۴، رقم ۱.

۳۹۰. همان، ص ۵۹، رقم ۱۳۷ - ۱۳۶.

۳۹۱. همان، ص ۶۷، رقم ۱۵۸ و

۳۹۲. همان، ص ۳۴۹، رقم ۶۵۵.

۳۹۳. *رجال النجاشی* در ۳۲ مورد از این کتاب نقل کرده است. ر.ک: عناوین رقم ۲۶، ۲۴ و ... و در یازده مورد نیز از ابن عقده نقل کرده است که منبع نقل دقیقاً مشخص نیست.

۳۹۴. همان، ص ۱۷۰، رقم ۴۴۹.

۳۹۵. همان، ص ۷۱، رقم ۴۴۹.

۳۹۶. همان، عناوین رقمهای ۶۶۵، ۱۱۸۲ و ۱۲۶۸.

۳۹۷. نجاشی در بیش از بیست مورد از کشی نقل کرده که قطعاً از کتابش بوده است. برای نمونه ر.ک: ارقام ۷، ۱۸، ۳۰ و

- ۱۱- طبقات الشیعه، تألیف سعد بن عبدالله أشعری قمی؛^{۳۹۸}
 - ۱۲- الفهرست، تألیف أبو عبدالله حسین بن حسن بن بابویه قمی؛^{۳۹۹}
 - ۱۳- الفهرست، تألیف أبو القاسم حمید بن زیاد بن حماد؛^{۴۰۰}
 - ۱۴- الفهرست، تألیف محمد بن إسحاق ندیم؛^{۴۰۱}
 - ۱۵- الفهرست، تألیف أبو جعفر محمد بن جعفر بن احمد بن بَطَّه مؤدب تمیمی؛^{۴۰۲}
 - ۱۶- الفهرست، تألیف أبو جعفر محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی؛^{۴۰۳}
 - ۱۷- الفهرست، تألیف أبو جعفر محمد بن حسن طوسی؛^{۴۰۴}
 - ۱۸- کتاب أبوزرعه رازی؛^{۴۰۵}
 - ۱۹- کتاب بغداد، تألیف احمد بن أبی طاهر کاتب مرورودی معروف به ابن طیفور؛^{۴۰۶}
 - ۲۰- البیان و التبیین، تألیف جاحظ؛^{۴۰۷}
 - ۲۱- کتاب الحیوان، تألیف جاحظ؛^{۴۰۸}
 - ۲۲- کتاب یحیی بن زکریا گنجی؛^{۴۰۹}
 - ۲۳- مصابیح نور، تألیف أبو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان مفید؛^{۴۱۰}
 - ۲۴- المفخرة بین العدنانية و القحطانية، تألیف جاحظ.^{۴۱۱}
- این مصادر به صورت روشن در رجال نجاشی مورد استناد قرار گرفته‌اند، ولی شناسایی برخی مصادر دیگر نیز از مقابله منقولات با یکدیگر ممکن است که نیاز به تحقیقی وسیع دارد.

۳۹۸. همان، رقمهای ۱۰۷۱ و ۱۱۷۰.

۳۹۹. همان، ص ۱۶۸، رقم ۴۴۱.

۴۰۰. همان، ص ۲۳۲، رقم ۶۱۵؛ همان، ص ۲۷۵، رقم ۶۷۵.

۴۰۱. همان، ص ۱۱۴، رقم ۲۹۴.

۴۰۲. نجاشی در بیش از یازده مورد به کتابش استناد کرده است. برای نمونه ر.ک: ... ارقام ۱۸۲، ۳۳۳ و ۵۰۷.

۴۰۳. همان، ص ۳۳، رقم ۷۱، و در موارد دیگر بدون تصریح به استفاده از کتابش از او نقل قول کرده است.

۴۰۴. با مقابله ارقام ۱۴، ۱۹، ۲۱ و ... از رجال نجاشی با فهرست شیخ طوسی، این استناد روشن می‌شود.

۴۰۵. رجال النجاشی، ص ۱۰، رقم ۷.

۴۰۶. همان، ص ۲۹۴، رقم ۷۹۶.

۴۰۷. همان، ص ۳۲۶، رقم ۸۸۷.

۴۰۸. همان، ص ۱۴۱، رقم ۳۶۷.

۴۰۹. همان، ص ۳۰۷، رقم ۸۴۰.

۴۱۰. همان، ص ۴۴۷، رقم ۱۲۰۸.

۴۱۱. همان، ص ۳۲۶، رقم ۸۸۷.

تألیفات بر محور رجال نجاشی

از آنجا که رجال نجاشی اهمیت ویژه‌ای در شناخت راویان دارد، مورد اهتمام عالمان شیعی قرار گرفته و ترتیبها، حاشیه‌ها و شرحهایی بر آن نگاشته شده و تصحیح و تحقیقهایی بر روی آن انجام گرفته است که ما هر یک را در دسته‌هایی مناسب معرفی می‌کنیم:

الف) ترتیب رجال نجاشی

پیش از این گفته آمد که ترتیب و تنظیم اسامی و عناوین رجال نجاشی به ترتیب کامل الفبایی نیست؛ بنابراین، برخی برای تسهیل استفاده از کتاب، آن را بر اساس ترتیب الفبایی تنظیم کرده‌اند؛ از جمله:

- ۱- ترتیب النجاشی، تألیف شیخ محمدتقی خادم انصاری؛^{۴۱۲}
- ۲- ترتیب النجاشی، تألیف شیخ داود بن حسن بحرانی؛^{۴۱۳}
- ۳- ترتیب النجاشی، تألیف مولی عنایت‌الله قهپایی؛^{۴۱۴}
- ۴- تجرید أسانید النجاشی، تألیف [آیت الله العظمی] آقا سید حسین بروجردی.^{۴۱۵}

ب) حواشی رجال نجاشی

از میان کتابهایی که در زیر نام برده می‌شود غیر از کتاب اول، بقیه کتابهای پیرامونی؛ یعنی کتاب‌شناسی توصیفی هستند.

- ۱- حاشیه رجال النجاشی، تألیف محمد بن حسین حارثی عاملی، معروف به شیخ بهایی؛^{۴۱۶}
- ۲- حاشیه رجال النجاشی، تألیف سید محمدباقر استرآبادی مشهور به میرداماد؛^{۴۱۷}
- ۳- حاشیه رجال النجاشی، تألیف ابوالفضل بن ابی‌قاسم بن محمدعلی نوری تهرانی؛^{۴۱۸}
- ۴- حاشیه رجال النجاشی، تألیف امیر نجم‌الدین از شاگردان شیخ بهایی؛^{۴۱۹}

۴۱۲. محمدحسن منزوی تهرانی (آقا بزرگ)، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ، اول،

ج ۴، ص ۷۰.

۴۱۳. همان.

۴۱۴. همان؛ همان، ص ۷۱.

۴۱۵. موسوعة الرجال ایشان به خط شیخ حسن نوری چاپ شده است.

۴۱۶. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة پیشین، ج ۴، ص ۸۸.

۴۱۷. میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی، قم، مکتبه آیة‌الله المرعشی العامه، ۱۴۰۱ هـ، اول،

ج ۵، ص ۴۳.

۴۱۸. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة پیشین.

۴۱۹. همان، ج ۱۰، ص ۱۵۶.

- ۵- حاشیه رجال النجاشی، تألیف شیخ احمد بن صالح آل طعان بحرانی قطیفی؛^{۴۲۰}
- ۶- حاشیه رجال النجاشی، تألیف شیخ محمد بن صفرعلی همدانی نجفی؛^{۴۲۱}
- ۷- حاشیه رجال النجاشی، تألیف آیت الله العظمی آقا سید حسین بروجردی.^{۴۲۲}

ج) شروح و تحقیقات

- ۱- تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، تألیف سید محمدعلی موحد ابطحی که تا کنون پنج جلد آن چاپ شده است.
 - ۲- رساله فی النجاشی، تألیف أبوالمعالی محمد بن محمد إبراهیم کلباسی (۱۳۱۵ - ۱۲۴۷ هـ) در جلد دوم الرسائل الرجالیه، از صفحه ۱۹۷ تا ۳۷۰، به تحقیق آقای محمدحسین درایتی از سوی مرکز تحقیقات دارالحديث نشر یافته است.
 - ۳- مشیخته النجاشی، تألیف شیخ محمود دریاب نجفی که در سال ۱۴۱۳ هجری چاپ شده است.
 - ۴- «أبوالعباس نجاشی و عصر وی»، مقاله‌ای به قلم سید موسی شبیری زنجان‌ی.^{۴۲۳}
 - ۵- «رجال نجاشی مهم‌ترین کتاب رجالی شیعه»، مقاله‌ای به قلم سید علی میرشریفی.^{۴۲۴}
- گذشته از این منابع مستقل، کتابهای دیگری چون رجال سید بحر العلوم و سماء المقال أبوالهدی کلباسی نیز به بحث از رجال نجاشی پرداخته‌اند.

ملحقات

چاپها و تصحیح‌های رجال نجاشی

- این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۱۷ هجری در بمبئی با ۳۲۰ صفحه چاپ سنگی شد.
- چاپ دوم: در سال ۱۳۹۷ هجری نسخه چاپ اول با تصحیح شیخ محمدهادی یوسفی غروی افسر شد.
- چاپ سوم: چاپ حروفی کتاب به تصحیح و تعلیق جلال‌الدین غروی آملی در چاپخانه مصطفوی قم انجام شد.

۴۲۰. محمدحسن منزوی تهرانی (آقا بزرگ)، نقباء البشر (طبقات اعلام الشیعه)، مشهد، دار المرتضی للنشر، ۱۴۰۴ هـ دوم، ج ۱، ص ۱۰۴.

۴۲۱. همان، ج ۲، ص ۸۴۹.

۴۲۲. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، پیشین ج ۱۰، ص ۱۱۲.

۴۲۳. نور علم، نشریه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، شماره ۱۱ و ۱۲، مرداد و آبان‌ماه ۱۳۶۴ هـ ش.

۴۲۴. همان، شماره ۲۵، رجب ۱۴۰۸ هـ.

چاپ چهارم: چاپ تحقیقی کتاب برای اولین بار در سال ۱۴۰۷ هجری به تحقیق آیت الله سید موسی شبیری زنجان‌ی در انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم انجام گرفت و تا کنون چندین نوبت نشر یافته است. چاپ پنجم: این چاپ به تحقیق محمدجواد نائینی با مقدمه آیت الله جعفر سبحانی به سال ۱۴۰۸ هجری در دو جلد در بیروت منتشر شد.

توثیقه‌های عام مستند به کتاب رجال نجاشی

توثیقه‌های عامی که مستند به تعبیرات نجاشی است، در چند دسته جای می‌گیرند:

الف) وثاقت مشایخ و اساتید نجاشی

برخی با بررسی کلمات نجاشی، به این نتیجه رسیده‌اند که نجاشی از افراد ضعیف و متهم دوری کرده و حتی از بزرگانی که در طبقه پیش از او بودند و آنان را درک کرده به جهت ضعف یا فساد مذهب چیزی نقل نکرده است. بر این مبنا می‌توان نتیجه گرفت که او بر تمامی اساتیدی که از آنان نقل کرده، اعتماد و اطمینان داشته و مذهب و روایت آنان را خالی از اشکال و ضعف می‌دانسته است.

سابقه طرح این نظریه به علامه حلی می‌رسد. او تعبیر نجاشی درباره ابن جندی را نقل کرده که می‌گوید: «إِنَّهُ أَسْتَاذُنَا - رَحِمَهُ اللَّهُ - أَلْحَقْنَا بِالشَّيْخِ فِي زَمَانِهِ» و سپس می‌گوید: این تعبیر در تعدیل ابن جندی صراحت ندارد.^{۴۲۵}

مولی نظام‌الدین قرشی (م بعد ۱۰۳۸ ه) در کتاب *نظام الأقوال* استادی ابن ابی جید برای نجاشی را دلیل بر عدالت او دانسته است. این بدان جهت است که نجاشی از افراد ثقه حدیث نقل می‌کند و از اینکه برخی اساتیدش

- همچون أبوعلی بن همام و أبوغالب زراری - از افراد ضعیف نقل می‌کنند، اظهار تعجب می‌نماید.^{۴۲۶} طرح موضوع وثاقت اساتید نجاشی و بررسی مبانی و دلایل آن از سوی علامه سید مهدی بحر العلوم (م ۱۲۱۲ ه) بیان شده است.

ادله مرحوم بحر العلوم را در چند دسته می‌توان مرتب کرد:

دسته اول: نجاشی درباره برخی شیوخ و اساتید عصر خویش تصریح کرده است که ایشان را دیده، ولی به جهت ضعف یا فساد مذهب به صورت مستقیم از آنان حدیث نقل نکرده است؛ چنان‌که در شرح حالهای ابن عیاش^{۴۲۷} و إسحاق بن حسن عقرائی^{۴۲۸} و أبوالفضل شیبانی^{۴۲۹} به این نکته تصریح کرده است.

۴۲۵. علامه حلی، پیشین، ص ۷۱ - ۷۰، رقم ۱۰۸.

۴۲۶. به نقل از میرزا عبدالله، پیشین، ج ۳، ص ۳۵۱.

۴۲۷. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۸۶، رقم ۲۰۷.

۴۲۸. همان، ص ۷۴، رقم ۱۷۸.

۴۲۹. همان، ص ۳۹۶، رقم ۱۰۵۹.

دسته دوم: نجاشی از برخی اساتیدش که از افراد ضعیف حدیث نقل کرده‌اند، تعجب می‌کند. برای نمونه او از روایت کردن أبوعلی بن همام و أبوغالب زراری - با نهایت جلالت شأن و عظمت شخصیت - از جعفر بن مالک که محکوم به ضعف می‌باشد، تعجب کرده است.^{۴۳۰}

دسته سوم: برخی تعبیراتی که نجاشی در شرح حالها به کار برده است، نشان از تشکیک در وثاقت افراد دارد و به عنوان اشکال بر وثاقت شخص است. تعبیراتی همچون «يعتمد المراسيل» و «يروي عن الضعفاء و المجاهيل» از این موضوع حکایت می‌کند.

بدیهی است که این شیوه نجاشی در نقل از ضعفا، گویای پایبندی او به نقل نکردن از ضعفا و اعتماد نکردن به مراسیل است.^{۴۳۱}

دسته چهارم: نجاشی دلیل نقل روایات بنی‌فضال و طاطریها و دیگر گروههای فاسدالمذهب را عمل کردن اصحاب به روایات ایشان می‌داند. زیرا ایشان کسانی هستند که با شیعیان درآمیخته‌اند.

دسته پنجم: نجاشی برخی طرق و اسناد را ضعیف یا مجهول دانسته است که نشان از صحت و سلامت دیگر اسناد دارد.

مرحوم بحرالعلوم، به استناد شواهد پیشین، مجموع این شواهد را نمایانگر شیوه نجاشی در گزینش استاد می‌داند. طبیعی است که شخصی همچون نجاشی، که از افراد ضعیف و مجهول نقل نمی‌کند، باید ملتزم باشد که از اساتید موثق و معتمد نقل کند. به خصوص در مواردی که از یک استاد زیاد نقل می‌کند. بر این مبنا می‌توان گفت که تمام مشایخ و اساتید نجاشی ثقه و معتمداند.^{۴۳۲}

محدوده توثیق عام مشایخ نجاشی

از شیوه‌شناسی نجاشی، اعتقاد او به وثاقت اساتیدش فهمیده می‌شود، اما این سؤال مطرح است که این توثیق چه محدوده‌ای را در برمی‌گیرد؟ آیا این قانون به صورت موجه کلیه نسبت به همه اساتید نجاشی عمومیت دارد یا وضعیت به گونه‌ای دیگر است؟ مرحوم بحرالعلوم تمامی مشایخ و اساتید نجاشی را مشمول قانون توثیق کلی ایشان دانسته است؛ اما به نظر می‌رسد که این قانون درباره همه ایشان صادق نیست و بر اساس اختلاف تعبیرهای نجاشی در نقل از اساتیدش می‌توان این اساتید را از دیدگاه او دسته‌بندی کرد.

نجاشی از برخی اساتید خود با تعبیر «أخبرني» نقل می‌کند که ظهور در نقل مستقیم ندارد و از برخی دیگر با تعبیر «حدثني» روایت می‌کند که ظهور در نقل قول مستقیم دارد. از آنجا که نجاشی در نقل قول مستقیم مقید بوده که فقط از ثقات نقل کند و در نقل با واسطه چنین شیوه‌ای نداشته است، بنابراین، این قانون به اساتید دسته اول اختصاص دارد. همچنین این شیوه نجاشی درباره اساتید حدیثش، که او از آنان حدیث اخذ و نقل نموده، قابل اثبات است، اما در دیگر اساتیدش در علم انساب، فقه یا دیگر علوم قابل اثبات نیست.^{۴۳۳}

۴۳۰. همان، ص ۱۲۲، رقم ۳۱۳.

۴۳۱. سید محمد مهدی بحرالعلوم طباطبائی، پیشین، ج ۲، ص ۹۸.

۴۳۲. همان، ج ۲، رقم ۹۹.

۴۳۳. برای اطلاع از استناد مباحث، ادله و مبانی این نظریه، ر.ک: رجال السید بحرالعلوم، ج ۲، ص ۴۶ به بعد.

ب) تضعیف نکردن نجاشی، نشانه وثاقت

مرحوم میرداماد (م ۱۰۴۱ هـ) در کتاب *الرواشح السماویه* مدعی شده که نجاشی ملتزم است هر کس را که در او طعن و اشکالی باشد در شرح حالش یا شرح حال فرد دیگری این نکته را گوشزد کند. پس هرگاه او ضعف شخصی را بیان نکرده باشد و تنها نامش را بدون مدح و یا ذم نقل کند، و به عبارت دیگر درباره او سکوت کرده باشد، دلیل آن است که آن شخص از دید نجاشی از هر طعن و اشکالی مبرا است؛ در مذهب چنین شخصی اشکالی نیست و در روایت او قدحی نیست. از این رو، سند حدیث به خاطر وجود چنین شخصی به عنوان حدیث قوی شناخته می‌شود، نه حسن یا موثق.^{۴۳۴} بر اساس این ادعا تعبیر قوی در مورد چنین حدیثی به کار می‌رود و تعبیر حسن یا موثق در مورد آن صادق نیست. از آنجا که بر اساس رأی مشهور، حدیث قوی نیز از اقسام ضعیف است، می‌توان گفت که مرحوم میرداماد ادعایی بر خلاف مشهور مطرح کرده است.^{۴۳۵}

نکته پذیرفتنی در این ادعا آن است که مرحوم نجاشی، ملتزم به معرفی امامی‌مذهبان است که مؤلف و مصنفان و در مواردی که اختلاف مذهب وجود دارد باید آن را تذکر دهد. نتیجه عملی این سخن آن است که ذکر نام شخصی در *رجال نجاشی*، نشانه امامی‌مذهب بودن او خواهد بود، اما دلیل بر توثیق افراد نمی‌شود.

ج) توثیق مشایخ و شاگردان جعفر بن بشیر

محدث نوری به استناد کلام نجاشی در شرح حال جعفر بن بشیر، تمام کسانی را که او از ایشان حدیث نقل کرده و یا آنان از او روایت کرده‌اند، ثقه دانسته است.^{۴۳۶}

نجاشی در شرح حال جعفر بن بشیر می‌گوید:

او از اصحاب زاهد، عابد، اهل عمل، ثقه و قابل اعتماد است. او مسجدی در کوفه دارد.

... از ثقات روایت کرده و ثقات هم از او حدیث نقل کرده‌اند.^{۴۳۷}

اما بسیاری بر این باوراند که تعبیر «روی عن الثقات ورووا عنه» به معنی حصر نیست. دلالت این سخن آن نیست که همه کسانی که از او نقل کرده‌اند و تمامی کسانی که او از ایشان روایت می‌کند، ثقه هستند بلکه این مطلب یک امر غالبی است که نشانه مورد اعتماد بودن او است. شاهد این مطلب آن است که روایت کردن شاگردان ثقه یا غیرثقه به دست جعفر بن بشیر نبوده است و نمی‌توانسته باشد. همچنین راویان ضعیف هم از او روایت کرده‌اند.

د) توثیق مشایخ و شاگردان زعفرانی

عبارتی که در توثیق جعفر بن بشیر در *رجال نجاشی* آمده، درباره محمد بن اسماعیل بن میمون زعفرانی نیز وارد شده است.^{۴۳۸}

۴۳۴. محمدباقر حسینی استرآبادی، پیشین، ص ۶۸ - ۶۷.

۴۳۵. ابوالهدی کلباسی، *سماء المقال*، ج ۱، ص ۱۹۷.

۴۳۶. میرزا حسین نوری طبرسی، *خاتمه مستدرک الوسائل*، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۵ هـ اول، ج ۴، ص ۶۶۴.

۴۳۷. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۱۱۹، رقم ۳۰۴.

۴۳۸. همان، ص ۳۴۵، رقم ۹۳۳.

مطالبی که درباره جعفر بن بشیر و مشایخ و شاگردانش گفته شد، درباره او نیز صادق است.

هـ) خاندان ثقات

در رجال نجاشی چند خاندان کوفی به صورت کلی توثیق شده‌اند. این خاندانها عبارت‌اند از:

۱- خاندان آل ابی جهم

نجاشی در شرح حال دو نفر از این خاندان، تمامی ایشان را ستوده است.^{۴۳۹} وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶ هـ) دلیل وثاقت این افراد را انتساب آنان به این خاندان دانسته است.^{۴۴۰}

۲- خاندان آل ابی نعیم الأزدی

نجاشی در شرح حال دو نفر از افراد این خاندان، همه ایشان را ستوده است.^{۴۴۱}

۳- خاندان آل ابی شعبه

نجاشی در شرح حال دو نفر از افراد این خاندان، همه ایشان را توثیق کرده است.^{۴۴۲} از این رو انتساب به یکی از این سه خاندان نیز نشانه وثاقت شمرده شده است. البته نجاشی به خاندانهای محدث دیگری هم اشاره کرده، ولی تنها درباره این سه خاندان ادعای وثاقت نموده است.

بی‌شک انتساب به این خاندانها نوعی مدح محسوب می‌شود، و شاید قرینه‌ای بر توثیق باشد، اما دلیل قطعی بر وثاقت نیست. البته توثیق آل ابی شعبه، که در آن عصر بوده‌اند، و تصریح و تأکید نجاشی بر وثاقت همه آنان می‌تواند قرینه‌ای قوی، بلکه دلیل وثاقت، شمرده شود.

۴۳۹. همان، ص ۱۷۹، رقم ۴۷۲؛ همان، ص ۱۸، رقم ۱۱۱۸.

۴۴۰. محمدباقر بن محمد اکمل (وحید بهبهانی)، فوائد الوحید/البهبهانی، تحقیق حسن خاقانی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی،

۱۴۰۴ هـ، دوم، ص ۵۹.

۴۴۱. احمد بن علی النجاشی، پیشین، ص ۱۰۸، رقم ۲۷۳؛ همان، ص ۱۲۱، رقم ۳۰۹.

۴۴۲. همان، ص ۲۳۰، رقم ۶۱۲.

جلسة نهم

أشنايى با كتاب خلاصة الأقوال علامه حلى

اهداف درس

آشنایی با:

✓ علامه حلی، نگارنده خلاصه الأقوال؛

✓ کتاب خلاصه الأقوال.

فصل دوم: اصول ثانویه

گفتار اول: آشنایی با خلاصه الأقوال

از آنجا که در چگونگی نگارش خلاصه الأقوال ابتکاراتی دیده می‌شود و منقولات مهمی را نیز دربرگرفته، آن را از اصول رجالی و به دلیل آنکه داوریه‌های رجالی در آن مستند به کتب اصول اولیه رجالی است، از اصول ثانویه رجالی دانسته‌اند.

اینک نظری به شرح حال مؤلف، تألیفات و آرای رجالی او خواهیم داشت.

الف) آشنایی با مؤلف

نام مؤلف

مؤلف این کتاب حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی و کنیه او ابومنصور است و به جهت آنکه سرآمد علمای عصر خویش و در علوم مختلف عقلی و نقلی صاحب تألیف بوده است، او را علامه و آیت الله علی‌الاطلاق خوانده‌اند.

تاریخ زندگی مؤلف

علامه حلی در نوزدهم^{۴۴۳} رمضان ۶۴۸ هجری در حله متولد شد و در سال ۷۲۶ هجری در همان شهر از دنیا رفت. پس از فوت، جنازه او را به نجف منتقل کردند و در یکی از حجرات ایوان طلالی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاک سپردند.

خاندان مؤلف

علامه حلی از طرف پدر به آل مطهر - که از جمله خاندانهای اصیل عرب بنی‌آسد است - منسوب می‌شود و از طرف مادر با بنی‌سعید که از قبیله هذیل و عربی اصیل بوده‌اند، نسبت دارد. هر دو خاندان شخصیت‌های علمی بسیاری داشته‌اند. علامه حلی در محیط علمی و خاندانی متقی زیر نظر پدر و دایی‌اش تربیت شد. پدرش سدیدالدین یوسف بن علی بن مطهر حلی از علما و مشایخ اجازه بوده است. شهید ثانی در یکی از اجازات خود از او به «امام سید حجت» تعبیر کرده است.^{۴۴۴}

دایی‌اش، نجم‌الدین جعفر بن حسن بن یحیی حلی مشهور به محقق حلی است. او از فقیهان بزرگ شیعه در عصر خویش و پس از آن بود و کتاب *شریع الاسلام* او از اهمیت ویژه‌ای در فقه امامیه برخوردار است. فرزندش، فخرالدین محمد حلی مشهور به فخر المحققین (۷۷۱ - ۶۸۲ هـ) از فقیهان بزرگ و محقق شیعه محسوب می‌شود.^{۴۴۵}

فرازی از زندگی مؤلف

در سال ۷۰۲ هجری سلطان غازان خان مغول، عالمی امامی‌مذهب را از عراق خواست تا درباره موضوع مشکلی از او سؤال کند. از میان عالمان آن دیار، علامه حلی را برگزیدند. علامه در حضور سلطان با علمای اهل سنت مناظره کرد و این امر باعث تشیع سلطان و بسیاری از امیران، وزیران و فرماندهان شد. سلطان نام خود را محمد خدابنده نهاد و دستور داد که در تمامی منطقه حکومتی خویش، اسامی خلفا را از خطبه‌ها حذف کنند و نام امیرالمؤمنین (علیه السلام) و دیگر ائمه (علیهم السلام) را جایگزین آنها نمایند. همچنین «حی» علی خیر العمل» در اذان گفته شد و نقش سکه‌ها از اسامی خلفا پاک شد و نام ائمه (علیهم السلام) را بر آنها نقش کردند.

علامه حلی ملازم و همراه سلطان محمد خدابنده بود و به درخواست او کتابها و رساله‌هایی چون *منهاج الإکرام*، *نهج الحق*، *رساله سعدیه* و ... را نگاشت.

در سال ۷۱۶ هجری پس از فوت سلطان محمد خدابنده، علامه حلی به حله بازگشت، و به تدریس، تألیف و تربیت شاگردان مشغول شد، و تا آخر عمر (۷۲۶ هـ) در همان‌جا اقامت داشت.

۴۴۳. این تاریخ از اکثر نسخه‌های خلاصه الأقوال نقل شده است. در برخی نسخه‌ها تاریخ بیست و نهم و در برخی منابع بیست و هفتم آمده است.

۴۴۴. محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ هـ چاپ دوم، ج ۱۰۷، ص ۱۸۸.

۴۴۵. محمد بن حسن الحر العاملی، *أمل الآمل*، تحقیق سید احمد حسینی، بغداد، مکتبة الأندلس، ۱۳۸۵ هـ چاپ اول، ص ۲۶۰.

حال رجالی مؤلف

تمامی بزرگان شیعه و بسیاری از اهل سنت، علامه حلی را ستوده‌اند. او اساتید بسیاری از شیعه و اهل سنت داشت و شاگردان بسیاری را نیز تربیت کرده است. برخی حدود پانصد نفر مجتهد را از شاگردان او دانسته‌اند.^{۴۴۶}

علامه حلی تألیفات بسیاری در فقه، اصول، کلام، فلسفه، ادعیه، تفسیر، فضایل، صرف و نحو، حدیث و رجال داشت که عناوین آنها بالغ بر صد عنوان است. او سه تألیف رجالی دارد که عبارت‌اند از:

۱- خلاصة الأقوال في معرفة الرجال؛ علامه تألیف این کتاب را در سال ۶۹۳ هجری به اتمام رسانیده است.^{۴۴۷}

۲- إيضاح الاشتباه في أسماء الرواة؛ این کتاب تألیف مختصری است که علامه حلی در آن ضبط و شیوه تلفظ نام راویان را تعیین کرده است و ۷۹۹ عنوان دارد. علامه تألیف این کتاب را در بیست و نهم ذیقعدة ۷۰۷ هجری به پایان رسانیده است.

۳- كشف المقال في معرفة الرجال؛ علامه حلی از این کتاب در مقدمه خلاصة الأقوال نام برده است. به گفته علامه حلی این کتاب شامل تمام منقولات راویان و مفسران قدیم و شرح حال عالمان متأخر و معاصر او است.^{۴۴۸} همچنین علامه حلی در مقدمه کتاب رجالی دیگرش، إيضاح الاشتباه، می‌گوید:

کتاب را با بیان احوال راویان طولانی نکردم، و جرح و تعدیل ایشان را نیز نقل ننموده، و آن را به کتاب بزرگ خویش موکول نمودم.

علامه حلی در لابه‌لای مطالب این دو کتاب نیز به کتاب کبیر خود، كشف المقال، ارجاع داده است، اما این کتاب به دست ما نرسیده و مفقود است.

برخی کتاب خلاصة الأقوال را خلاصة این کتاب دانسته‌اند و این مطلب را از برخی تعبیرات علامه در ارجاع به کتاب كشف المقال استخراج کرده‌اند.^{۴۴۹}

به هر حال از تعبیرات مقدمه خلاصة الأقوال استفاده می‌شود که این کتاب، پس از كشف المقال نوشته شده است، اما نمی‌توان خلاصة الأقوال را مختصر آن دانست؛ زیرا در کتاب كشف المقال، بر اساس گفته خود علامه حلی، شرح حال متأخران و معاصران علامه موجود بوده است، اما در خلاصة الأقوال هیچ موردی از این گونه افراد دیده نمی‌شود.^{۴۵۰}

۴۴۶. سید حسن صدر، تأسیس الشیعه، عراق، شركة النشر و الطباعة العراقية المحدودة، ص ۲۷.

۴۴۷. این کتاب در ادامه درس، بررسی خواهد شد.

۴۴۸. حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی (علامه)، خلاصة الأقوال، تحقیق سید محمدصادق بحر العلوم، نجف، الطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ هـ چاپ اول، ص ۲.

۴۴۹. محمدباقر خوانساری، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، مکتبة اسماعیلیان، ج ۲، ص ۲۷۴.

۴۵۰. شایان ذکر است که تعبیر «خلاصة» و «مختصر» در مواردی به کار می‌رود که هیچ یک از عناوین حذف نشده باشد و تنها تفصیل و شرح کم شود، از این رو، با تعبیر «منتخب» یا «گزیده» تفاوت دارد. آنچه در اینجا نفی شده «مختصر» یا «خلاصة» بودن کتاب خلاصة الأقوال از کتاب كشف المقال است.

ب) آشنایی با تألیف

نام تألیف

نام خلاصه الأقوال في معرفة الرجال را علامه خود بر این کتاب نهاده و در مقدمه کتاب به این نام‌گذاری تصریح کرده است. در هنگام نام بردن از این کتاب، علاوه بر نام خلاصه الأقوال گاه از تعبیر رجال العلامة الحلی استفاده می‌شود. علامت اختصاری این کتاب در جوامع «صه» است.

خصوصیات ساختاری

این کتاب در دو بخش و یک خاتمه سامان یافته است. قسمت اول کتاب با عنوان «القسم الأول في مَنْ أَعْتَمِدُ عَلَيْهِ»؛ به معنای بخش اول، درباره کسانی که من به آنها اعتماد می‌کنم، و عنوان قسمت دوم «القسم الثاني في ذِكْرِ الضَعْفَاءِ وَمَنْ أَرَدُ قَوْلَهُ وَأَقِفُ فِيهِ»؛ یعنی بخش دوم، در نام بردن از ضعفا و کسانی که من سخن آنان را مردود می‌دانم و یا درباره آنان توقف می‌کنم، است.

فصل‌بندی داخل هر بخش بر اساس حروف الفبا است. برای مثال در هر دو بخش فصلی با عنوان «الفصل السادس في الحاء» وجود دارد. به این ترتیب در بخش اول ۲۷ فصل و در بخش دوم ۲۸ فصل شکل گرفته است. بعد از فصلهای الفبایی، در پایان هر بخش فصلی به کنیه‌ها اختصاص دارد.

در فصلهای الفبایی، اولاً: در عناوین داخل هر فصل نظم الفبایی در حرف دوم، سوم و ... در چینش اسامی رعایت شده ولی علامه ترتیب را در نام پدر و دیگر مشخصات رعایت نکرده است؛ ثانیاً: در فصلهایی که راویان زیادی وجود دارند بر اساس نامها ابوابی ترتیب داده شده است. برای نمونه در «الفصل السادس عشر في العين وفيه اثنا عشر باباً، الباب الأول في علي ثمانية عشر رجلاً و الباب الثاني عبدالله أربعة وثلاثون رجلاً» و به همین ترتیب نه باب دیگر وجود دارد. در پایان این ابواب، بابی با عنوان «باب أحاد» وجود دارد که در آن، نامهایی که تنها یک راوی به آن نام شناخته شده، آمده است.

در مجموع، بخش اول ۱۳۴ باب شامل ۱۲۲۷ نام و بخش دوم ۶۶ باب شامل ۵۱۰ نام دارد. با افزودن ۴۲ کنیه در فایده اول از خاتمه کتاب، مجموعاً ۱۷۷۹ نفر در این کتاب نام برده شده‌اند.

خاتمه کتاب نیز شامل ده فایده رجالی است که مسائل مطرح‌شده در آنها به قرار زیر است:

فایده اول: کسانی که به کنیه شناخته شده‌اند؛ در این فایده نام ۴۲ نفر از این اشخاص ذکر می‌شود.

فایده دوم: مشخص کردن مراد از ابی‌جعفر در روایات سعد بن عبدالله الأزدي، و مراد از ابی‌القاسم در روایت حسن بن محبوب از او.

فایده سوم: مشخص کردن مراد از عده در اسناد کلینی در کتاب کافی.

فایده چهارم: استثنای رجال نوادر/الحکمه از سوی محمد بن حسن بن علی قمی.

فایده پنجم: تاریخ امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و وکلای چهارگانه ایشان.

فایده ششم: نام مذمومین در کتاب الغیبه شیخ طوسی.

فایده هفتم: نام چند نفر از کسانی که برای ایشان توقیع صادر شده، در نقل از کتاب الغیبه شیخ طوسی.

فایده هشتم: بررسی طرق شیخ طوسی در مشیخه تهذیب/الأحكام و الاستبصار و طرق صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه.

فایده نهم: تعیین مراد از حماد که إبراهیم بن هاشم از او نقل کرده است.

فایده دهم: برخی طرق صحیح علامه حلی به تألیفات شیخ طوسی، صدوق و کشی. لازم به ذکر است که ذکر فواید رجالی - ولو به عنوان خاتمه - در بخش مستقلی از کتاب، برای اولین بار در خلاصه الاقوال دیده می‌شود و به شیوه بیان فواید رجالی در بخش مشخصی از کتاب تا قرن‌ها بعد عمل شده است.

مسئله مطرح دیگر در خصوصیات ساختاری کتاب، تکرار اسامی است. تکرارهای موجود در این کتاب به دو گونه است:

۱- تکرار نام در یک بخش: برای مثال نام «الیاس صیرفی» و «الیاس بن عمرو بجلی» را در دو عنوان و هر دو را در بخش اول کتاب آورده است. این تکرار می‌تواند ناشی از اختلاف و تعدد این نام‌ها در مصادر و منابع باشد، چنان‌که در بخش دوم نام‌های «محمد بن سلیمان النصری، محمد بن سلیمان بن عبدالله الدیلمی و محمد بن سلیمان دیلمی» به این دلیل تکرار شده است.

در نتیجه این گونه تکرارها ظاهراً تعدد عنوان، ناشی از تعدد و اختلاف افراد است، ولی در عین حال احتمال اشتباه یا اختلاف مصادر نیز می‌تواند منشأ این امر شده باشد.

۲- تکرار نام در دو بخش: چنان‌که گفتیم، بخش اول خلاصه الاقوال به افراد ممدوح و معتمد، از نظر علامه، اختصاص دارد و بخش دوم به کسانی اختصاص یافته که مذموم و از نظر علامه مورد توقف هستند. در مواردی که نام شخصی در هر دو بخش آمده است، نشان‌دهنده نوعی تناقض در عمل علامه است. از جمله این نوع تکرارها می‌توان به تکرار نام «بکر بن محمد ازدی» اشاره کرد.

خصوصیات محتوایی

کتاب خلاصه الاقوال بر اساس جرح و تعدیل راویان نوشته شده است، به این معنا که علامه حلی پس از بررسی یکایک راویان هنگام نام بردن راویان بین افراد معتمد از نظر خود و افرادی که به هر جهت ضعیف شمرده شده‌اند یا درباره وضعیت رجالی آنان اختلاف است یا مجهول و یا مهم‌اند و در نتیجه قابل اعتماد نیستند، تفکیک قائل شده و به هر کدام از این دو گروه راویان، بخش مجزایی اختصاص داده است. علامه حلی در توثیقات و تضعیفات، مبانی گوناگونی داشته است. این مبانی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- اعتماد بر توثیق و تضعیف‌های رسیده از پیشینیان؛ همان‌طور که گفتیم علامه حلی در ارائه اطلاعات و داوریه‌های رجالی غالباً بر کتابهای مشایخ سه‌گانه رجالی شیعه؛ یعنی کشی، شیخ طوسی و نجاشی، اعتماد و از کتابهای آنان نقل قول و استنباط کرده است. استفاده از این کتابها گاه با تصریح و نام بردن مصدر و گاه بدون تصریح به نام مصدر صورت گرفته است. علاوه بر کتب کشی، شیخ طوسی و نجاشی، در این کتاب، رجالی برقی، رجالی/ابن غضائری، رجالی عقیقی و ابن عقده نیز استفاده شده و علامه از آنها نقل قول کرده است.^{۴۵۱} بدین ترتیب مبانی علامه حلی پذیرفتن توثیقات و تضعیفات رسیده از ابن غضائری و ابن عقده و اعتماد بر آنها است.

۲- وکالت از امام معصوم، ملازم با عدالت دانسته شده است؛ بر این اساس که ائمه (علیهم السلام) افراد فاسق را وکیل خود قرار نمی‌دهند.

۴۵۱. به دلیل همین نقل قولها و استفاده از کتب اولیه رجالی است که این کتاب از اصول ثانویه رجالی به شمار می‌رود.

۳- ترحم یکی از معصومان بر شخصی نشانه وثاقت است؛ مراد از ترحم، گفتن عبارت «رَحِمَهُ اللهُ» یا تعبیری مانند آن، هنگام یاد کردن از شخص مرحوم است.

۴- کثرت روایت مشایخ حدیث از راوی، نشانه وثاقت او است؛ برای مثال علامه حلی، علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری را به دلیل نقل زیاد کنشی از او و اعتماد کنشی بر وی، ثقه دانسته است.

۵- شهادت راوی به همراه یکی از ائمه و یا حضور او با ایشان در جنگها نشانه وثاقت راوی است؛ علامه حلی در بسیاری از موارد، کسانی را که با پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ شرکت داشته‌اند و درباره آنان توثیق یا مدحی نیز نیامده است، ضمن راویان معتمد ذکر کرده است.

۶- وجود فضایل در شخص راوی نشانه وثاقت او است؛ در بخش اول کتاب، افرادی به عنوان معتمد نزد علامه وجود دارند که درباره آنان تنها عنوان «فاضل» یا امثال آن به کار رفته است و مدح دیگری ندارند. ظاهراً علامه به واسطه این فضایل بر ایشان اعتماد می‌کند.

۷- نقل روایات مدح راوی از سوی مشایخ و بزرگان رجالی نشانه وثاقت راوی است؛ به عنوان نمونه، علامه حلی، أحمد بن إبراهیم و أبوحامد مراغی را به این دلیل که مشایخ روایت آنان را مدح کرده‌اند، در بخش معتمدان نام برده است. گرچه این روایت از نظر سند ضعیف است، اما علامه حلی نقل این روایت از مشایخ را شاهد بر اعتماد مشایخ بر او و جبران‌کننده ضعف سند روایت گرفته و راوی را در بخش اول نام برده است.

۸- اصاله العداله؛ به این معنی که اصل و قاعده اولی درباره هر مؤمنی که درباره او ذمی نرسیده باشد، عدالت او است. برخی ادعا کرده‌اند که علامه حلی قائل به اصاله العداله است. همچنین ادعا شده که علامه حلی بر اساس مبنای فقهی خویش، هر مسلمانی را که فسق و خلاف شرع از او گزارش نشده باشد عادل می‌داند و این اصل و قاعده تا زمانی که فسقی از راوی گزارش نشود، صادق است.

با بررسی در کتب علامه حلی روشن می‌شود که نسبت دادن این مبنا به علامه قابل اثبات نیست.

۹- هر کس از فرقه امامیه نباشد، قابل اعتماد نیست؛ مگر آنکه توثیقی خاص یا دلیلی قطعی بر وثاقت او باشد و نتواند از این قاعده عدول کند. در موارد بسیاری علامه حلی به قابل اعتماد نبودن غیرامامیان تصریح کرده است.

گذشته از مسئله نظام‌بندی کتاب بر اساس جرح و تعدیل و مبنای علامه حلی در توثیق و تضعیف، تعیین ضبط و شیوه تلفظ اسامی بسیاری از راویان از امتیازات این کتاب به شمار می‌رود. علامه حلی چهارده سال پس از تألیف این کتاب، *ایضاح/الاشتباه* را در موضوع ضبط اسامی راویان نگاشته است. اما گاه، ضبط یک نام در این دو کتاب مختلف نقل شده است. از جمله این اختلاف ضبطها موارد زیر را برای نمونه می‌توان ذکر کرد:

ایضاح/الاشتباه خلاصه الأقوال

الکفر ثوثی الکفر ثوثانی

الجرجائی الجرجانی

أحمد بن میثم، (به کسر میم و فتح باء) أحمد بن میثم (به فتح میم و ثاء بعد از آن)

الخرازینی (با خاء) الجرازینی (با جیم)

برخی سبب این اختلاف ضبط را تغییر رأی او یا اختلاف نسخه‌های خطی این دو کتاب دانسته‌اند، اما کثرت این اختلافات مانع از انحصار دلیل اختلاف در این دو امر است.

اعتبار آرای رجالی علامه حلی در توثیق و تضعیف

از جمله بحث‌هایی که در قواعد رجالی مطرح و توجه شده است، میزان اعتبار توثیقات متأخران است. آرای رجالی متأخران بر چند دسته است:

الف) توثیقات متأخران درباره معاصران و یا کسانی که به عصر آنان نزدیک بوده‌اند: بی‌شک شهادت رجالیان متأخر همچون رجالیان متقدم در توثیق و تضعیف راوی معاصر یا نزدیک به عصرشان معتبر است، زیرا معاصرت، امکان ملاقات و اطلاعاتی مستقیم از حال رجالی فرد را به دنبال دارد و نزدیک بودن رجالی به عصر حضور راوی، امکان استفاده او را از شهادت معاصران و شهرت حال رجالی راوی در میان معاصران فراهم می‌سازد، لذا شهادت شیخ منتجب‌الدین و ابن شهر آشوب و دیگران درباره وثاقت معاصرانشان پذیرفتنی است.

ب) توثیقات متأخران درباره راویانی که با آنان فاصله زمانی دارند: توثیقات رجالیان متأخر همچون ابن طاووس حلی، علامه حلی، ابن داود و افرادی که پس از ایشان بوده‌اند، همچون علامه مجلسی، درباره راویان حدیث که با آنان فاصله زمانی دارند، دو گونه است:

۱- توثیقاتی که مستند به سخنان علمای رجال پیش از ایشان است: در این صورت داوری رجالی در حکم خبر واحد و پذیرفتنی است.

۲- توثیقاتی که مستند به سخنان رجالیان پیش از آنان نیست: در این صورت به دلیل ممکن نبودن ملاقات و مطلع شدن مستقیم از حال رجالی راوی و نیز نقل نشدن شهادت معاصران، روایتشان ناشی از حدس و اجتهاد در احادیث راوی و کلمات بزرگان فن است و از این رو جای درنگ و تأمل دارد.

برای مثال ادعا شده علامه حلی به هر امامی مذهبی که ذم نشده باشد، اعتماد می‌کند یا علامه مجلسی هر کس را که صدوق در مشیخة کتاب من لا یحضره الفقیه به او طریق دارد، موثق می‌شمارد، بنابراین، پذیرش این دسته از توثیقات متأخران که اغلب درباره راویان قبل از شیخ طوسی صورت پذیرفته‌اند به دلیل اجتهادی بودن آنها محل تأمل و درنگ است.

گذشته از نکات فوق درباره توثیقات متأخران، در خصوص توثیقات علامه حلی باید گفت که توثیقات اجتهادی او بسیار اندک است؛ زیرا بسیاری از توثیقاتش از نجاشی گرفته شده و اغلب عین کلمات نجاشی و گاه با کاستی و افزونی در برابر نام راویان آمده است. بنابراین، اکنون در مورد کتب موجود، مثل رجال نجاشی که دسترسی به آنها امکان دارد، نیازی به نقل قول‌های خلاصه الاقوال نیست. اما در مورد کتب رجالی کهن، مثل رجال عقیقی و رجال ابن عقده و رجال ابن غضائری^{۴۵۲} که امروز در اختیار ما نیست و از بین رفته است، کتاب خلاصه الاقوال منبع بسیار مهمی برای دستیابی به اقوال و آرای آنها است.

۴۵۲. کتاب ابن غضائری با استفاده از نقل قول‌های علامه در خلاصه الاقوال و ابن داود در کتاب الرجال و مرحوم قهپائی در مجمع الرجال بازسازی شده و به شکل کتاب مستقلی چاپ شده است. توضیح بیشتر این مطلب در درس آشنایی با رجال ابن غضائری آمده است.

جلسه دهم

آشنایی با کتاب الرجال ابن داود

اهداف درس

هدف از ارائه این درس عبارت است از:

- ✓ آشنایی با ابن داود، نگارنده کتاب *الرجال*؛
- ✓ آشنایی با کتاب *الرجال*.

گفتار دوم: آشنایی با کتاب الرجال ابن داود

دومین کتابی که از جمله اصول ثانویه رجالی شمرده می شود کتاب *الرجال* تألیف ابن داود حلی است. برای آشنایی با این کتاب ابتدا با مؤلف آن آشنا می شویم.

الف) آشنایی با مؤلف

نام مؤلف

نگارنده کتاب الرجال شیخ محمد تقی الدین، ابومحمد حسن بن علی بن داود حلی است. گاه او را به جدش نسبت می دهند و به اختصار حسن بن داود یا ابن داود می خوانند.

تاریخ زندگی مؤلف

ابن داود در پنجم جمادی الثانی سال ۶۴۷ هجری در حله به دنیا آمد، اما تاریخ وفاتش به روشنی معلوم نیست. بر اساس تاریخ اتمام کتاب *الرجال* که شیخ آقا بزرگ تهرانی آن را به سال ۷۰۷ هجری دانسته،^{۴۵۳} او قرن هشتم هجری را درک کرده است، ولی تاریخ دقیق وفاتش مشخص نیست.

از کتاب *الطلیعة فی شعراء الشیعة*، تألیف شیخ محمد سماوی، نقل شده که تاریخ وفات ابن داود حدود سال ۷۴۰ هجری است، لکن سید محسن امین در *أعیان الشیعة* می گوید:

هیچ کس در گزارش از وفات او این تاریخ را ذکر نکرده است و در صورتی که این تاریخ صحیح باشد او حدود یکصد سال عمر کرده و از جمله معمرین شمرده خواهد شد که اگر چنین بود شرح حال نویسان درباره او به این نکته اشاره می کردند.^{۴۵۴}

حال رجالی مؤلف

اکثر عالمان رجالی و شرح حال نگاران ابن داود را ستوده اند و به علم و دانش او اعتراف کرده اند. همچنین بسیاری از اجازات اعلام و بزرگان شیعه از طریق ابن داود است.^{۴۵۵}

درباره شکل گیری شخصیت علمی او باید گفت که ابن داود در خانواده ای اهل علم و در مرکز علمی حله تربیت شد و تحصیل نمود و از محضر اساتید بهره برد. ابن داود از جمله عالمان برجسته درس محقق حلی صاحب *شرایع الاسلام* به شمار می رفت. از این رو، در برخی موارد از او با وصف تلمیذ (شاگرد) محقق حلی یاد می کنند.

علاوه بر محقق حلی ابن داود از دیگر بزرگان خاندانهای مهم حله از جمله بزرگان خاندانهای بنی طاووس، بنی سعید، بنی مطهر، آل معیه و ... درس آموخت.

ابن داود از درس سید جمال الدین احمد بن طاووس استفاده کرد. او خود در کتاب *الرجال* تصریح می کند که

۴۵۳. محمد محسن (آقا بزرگ) منزوی تهرانی، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ چاپ اول، ج ۶، ص ۸۷؛ محمد محسن (آقا بزرگ) منزوی تهرانی، *مضی المقال فی مصنفی علم الرجال*، تصحیح احمد منزوی، ۱۳۷۸ هـ چاپ دوم، ص ۱۲۶.

۴۵۴. سید محسن امین حسینی عاملی شقرائی، *أعیان الشیعة*، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۳ هـ چاپ پنجم، ج ۵، ص ۱۸۹؛ برای آشنایی بیشتر با زندگی ابن داود می توانید به منابع زیر مراجعه کنید:

سید محسن امین حسینی عاملی شقرائی، پیشین، ج ۵، ص ۱۸۹؛ محمد بن حسن الحر العاملی، *أمل الآمل*، تحقیق سید احمد حسینی، بغداد، مکتبه الاندلس، ۱۳۸۵ هـ چاپ اول، ج ۲۷، ص ۷۱؛ محمد باقر خوانساری، *روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات*، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، مکتبه اسماعیلیان، ج ۲، ص ۲۸۷؛ محمد علی مدرس، *ریحانة الأدب*، تبریز، مکتبه الخیام، چاپ دوم، ج ۷، ص ۵۱۳؛ محمد محسن (آقا بزرگ) منزوی تهرانی، *نقباء البشر (طبقات أعلام الشیعة)*، مشهد، دار المرتضی للنشر، ۱۴۰۴ هـ چاپ دوم، قرن هشتم، ص ۴۳؛ قمی، *الکنی و الألقاب*، تهران، مکتبه الصدر، ۱۳۹۷ هـ چاپ چهارم، ج ۱، ص ۲۸۲؛ علی اکبر دهخدا و دیگران، *لغت نامه دهخدا (مقاماتی)*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ هـ ش، ص ۵۹۰؛ عمر رضا کحاله، *معجم المؤلفین*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ج ۳، ص ۲۳۵.

۴۵۵. ن. ک. مقدمه حسن بن علی حلی، *رجال ابن داود*، تحقیق محمد صادق آل بحر العلوم، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲ هـ ص ۱۲ - ۹.

اکثر فواید و نکته‌های کتابش از اشارت و تحقیقات ابن طاووس است.^{۴۵۶}
ابن داود از درس عبدالکریم، فرزند احمد بن طاووس، نیز استفاده کرده و شرح حال او را در کتاب *الرجال* آورده است.^{۴۵۷} همچنین از درس نجم‌الدین، ابوالقاسم جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید، شیخ مفیدالدین و محمد بن علی بن محمد بن جهیم أسدی^{۴۵۸} نیز بهره برده است.
ابن داود معاصر علامه حلی و یک سال از او بزرگ‌تر بود و همراه او در مجلس بحث محقق حلی حاضر می‌شد. ابن داود در بخش نخست کتاب *الرجال* از علامه حلی نام برده ولی علامه حلی از او در خلاصه *الأقوال* نام نبرده است. ابن داود در هنگام نقل کلام علامه حلی از او با تعبیر بعضی اصحابنا یاد می‌کند.
ابن داود تألیفات بسیاری در فقه به شعر و نثر، منطق، ادبیات عرب، عروض، کلام و اصول فقه دارد که ضمن شرح حال خود در کتاب *الرجال* از آنها نام برده است. تألیفات او بالغ بر سی عنوان است.^{۴۵۹}

ب) آشنایی با تألیف

لازم به ذکر است که شناخت این کتاب و شیوه تألیف آن در شناخت سیر تکامل کتب رجالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در ضمن مباحث پیرامونی، با نکات خاص آن آشنا خواهید شد.

نام کتاب

در کتب تراجم از این کتاب با نام کتاب *الرجال* یاد کرده‌اند. نام اختصاری این کتاب در جوامع رجالی «د» است.

انگیزه نگارش

ابن داود در مقدمه کتابش تصریح می‌کند:

با مطالعه اصول فقه و فروع فقهی متوجه شدم که برای اجتهاد و خروج از تقلید به بررسی روایات ائمه نیازمندم و باید احادیث مختلف و متعارض را با قواعد اصولی نقد

۴۵۶. همان، ص ۴۶.

۴۵۷. همان، ص ۶۳ - ۶۲.

۴۵۸. همان، ص ۲۸ - ۲۶.

۴۵۹. همان، ص ۷۵ و ۷۶، رقم ۱۲۶.

کنم و استنباطات اصحاب را در مسائل فرعی با این ملاک بسنجم تا روایات حق را بپذیرم و مخالف آن را طرد کنم.

به نظرم رسید لازمه این جریان دقت در احادیث شیعه امامی و راویان مقبول و غیرمقبول است. از این رو، این کتاب مختصر را، که برگزیده کتاب رجال شیخ طوسی و فهرست او، کتاب کشی، نجاشی، برقی، ابن غضائری و غیر ایشان است، تصنیف کردم. با توجه به این نکته روشن می‌شود که انگیزه ابن داود از تألیف این کتاب، تألیف کتابی جامع و آسان‌یاب برای دسترسی به رجال به جهت تسهیل امر اجتهاد است. از این رو، در تنظیم کتاب از بهترین شیوه‌ای که می‌تواند فقیهان را به کار آید، استفاده شده است؛ به گونه‌ای که تنظیم کتاب بر اساس جرح و تعدیل راویان صورت پذیرفته است.

خصوصیات ساختاری

این کتاب همچون کتاب خلاصه الأقوال بر اساس جرح و تعدیل راویان سامان یافته است و دو بخش اصلی دارد. در پایان هر بخش چند فصل به گروه‌هایی از راویان، که ویژگی خاصی داشته‌اند، اختصاص یافته است. به بخش اول در برخی از نسخه‌ها عنوان «في ذكر الممدوحين ومن لم يضعفهم الأصحاب فيما علمته» داده شده که در واقع بدین معنا است: «در ذکر ممدوحین و کسانی که اصحاب، تا آنجا که من می‌دانم، آنان را تضعیف نکرده‌اند.»^{۶۰}

این بخش ۱۷۴۴ نفر از ممدوحان را در خود جای داده است. نکته قابل توجه دیگر درباره کتاب الرجال ابن داود ترتیب نام رجال در این کتاب است. چنان‌که در مباحث سابق گذشت، اصولاً برخی کتب رجال پیش از ابن داود، مانند رجال کشی، ترتیب خاصی نداشتند و برخی نیز، مانند کتابهای شیخ طوسی، نجاشی و خلاصه الأقوال، ترتیب الفبایی را تنها در ابتدای نامها رعایت کرده بودند؛ از این رو، استفاده از این کتابها چندان آسان نیست. اما ابن داود حلی اولین کسی است که ترتیب الفبایی کامل را در کتابش رعایت کرد. او این نظم الفبایی را در تمامی بخشهای نام راویان به کار گرفت. از این رو، استفاده از این کتاب بسیار آسان است.

در انتهای بخش اول فصلهای زیر وجود دارد:

- فصلی در ذکر جماعتی که نجاشی درباره آنان تعبیر ثقة ثقة را به کار برده است؛
- فصل اجماع اصحاب بر هجده نفر و اختلاف نداشتن در جلالت آنان؛
- فصلی در ذکر کسانی که نجاشی آنان را ثقة شمرده و در مذهب مضطرب‌اند؛
- فصلی در ذکر کسانی که نجاشی درباره آنان تعبیر لیس بذلک یا لا بأس به و یا قریب الأمر را به کار برده است.

- فصلی در ذکر کسانی که تعداد روایاتشان معین شده است؛

- فصلی در ذکر کسانی که به کنیه شهرت یافته‌اند و نام ایشان روشن نیست؛

- باب کنیه‌ها با ۱۰۲ عنوان و فصل مربوط به راویان زن که با ۲۲ عنوان آمده است.

بخش دوم کتاب به مجروحین و مهملین اختصاص دارد. مؤلف این مطلب را در مقدمه بیان داشته، ولی عنوان خاصی به آن نداده است. این بخش مقدمه‌ای مستقل دارد و بعد از آن نام ۵۶۵ راوی ضعیف به ترتیب حروف الفبا ذکر شده است. در پایان این بخش نیز دسته‌های مختلفی از افراد ضعیف معرفی شده که عبارت‌اند از:

- واقفی مذهب: ۶۶ نفر؛
 - فطحی مذهب: ۱۶ نفر؛
 - زیدی مذهب: ۲۷ نفر؛
 - عامی مذهب: ۳۹ نفر؛
 - کیسانی مذهب: ۶ نفر؛
 - ناووسی مذهب: ۳ نفر؛
 - غالیان: ۶۵ نفر؛
 - کسانی که تعبیر ضعیف درباره آنان به کار رفته است: ۵۵ نفر؛
 - کسانی که تعبیر مُخَلَّط یا مضطرب درباره آنان به کار رفته است: ۱۹ نفر؛
 - کسانی که تعبیر يُعْرِف و يُنْکَر درباره ایشان به کار رفته است: ۶ نفر؛
 - کسانی که به فساد مذهب قَدْح شده‌اند: ۱۲ نفر؛
 - کسانی که ثقه شمرده شده‌اند: ولی از ضعفا نقل کرده‌اند: ۸ نفر؛
 - کسانی که گفته شده واضح حدیث‌اند: ۹ نفر؛
 - کسانی که دروغگو شمرده شده‌اند: ۴ نفر؛
 - کسانی که لعن شده‌اند: ۱۵ نفر؛
 - کسانی که امام معصوم آنان را نفرین کرده است: ۳ نفر؛
 - کسانی که درباره آنها تعبیر لیس شیء به کار رفته است: ۸ نفر؛
 - کسانی که درباره آنان تعبیر مجهول به کار رفته است: ۳۸ نفر.
- در پایان کتاب نیز نه تنبیه ذکر شده که هشت تنبیه به برخی اسناد و تمییز نامهای مشترک راویان اشاره دارد و یک تنبیه نیز به طرق شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه و شیخ طوسی در تهذیب/الأحكام و استبصار اختصاص یافته است. ابن داود در این بخش اسناد را به صورت صحیح، موثق و ضعیف دسته‌بندی و هر نوع را به ترتیب ذکر کرده است. پس از تنبیهات، باب کنیه ضعفا قرار دارد که در آن ۳۵ نفر را، که تنها با کنیه شناخته شده و ضعیف‌اند، نام برده است.
- با مقایسه فواید رجال این کتاب، که به اجمال به آنها اشاره کردیم، و کتب پیش از او روشن می‌شود که فواید رجال، بدین شکل، از ابتکارات ابن داود است و بسیاری از آنها در خلاصه الاقوال و کتب پیش از او وجود ندارد. هرچند که اغلب این فواید دسته‌بندی کلمات بزرگانی چون نجاشی، کشی، شیخ طوسی و ابن غضائری است.

خصوصیات محتوایی

بارزترین خصوصیت محتوایی این کتاب گنجانده شدن راویان در دو بخش بر اساس حال رجالی‌شان است. ابن داود بخش اول کتاب را به روایتی اختصاص داده است که کمترین مدحی درباره آنان وجود ندارد؛ اگرچه ذم بسیار نیز درباره آنان در دست است. این راویان عموماً کسانی‌اند که به خبرشان عمل نمی‌شود. در بخش دوم کتاب، از راویانی نام برده که کمترین ذمی درباره آنان رسیده است، اگرچه مدح بسیاری داشته باشند. این راویان عموماً کسانی‌اند که به خبرشان عمل می‌شود.

برای نمونه برید بن معاویه عجلی، که در شمار اصحاب اجماع قرار دارد، در بخش دوم کتاب نام برده شده است و نام هشام بن حکم و عدّه دیگری از موثقان علاوه بر بخش اول در بخش دوم کتاب نیز دیده می‌شود. نکته قابل توجه دیگر در این کتاب، اشاره به منابع استفاده‌شده در نگارش آن با استفاده از رموز است. ابن داود در بیان نام منابع، اولاً: مقید است مستند سخن گوید و منبع هر کلام را بیان کند؛ تا آنجا که اگر مطلبی بدون سند در کتاب وجود داشته باشد احتمال افتادگی نام منبع آن سخن بسیار زیاد است. ثانیاً: ابن داود برای بیان منبع استفاده‌شده، از رموز اختصاری بهره می‌گیرد. به این ترتیب هر تعبیری که در این کتاب به کار رفته با یک رمز به منبع نقل قول مستند شده است.

استفاده از این رموز در کتب رجال برای اولین بار در کتاب *الرجال* ابن داود دیده می‌شود و ابن داود نیز خود تصریح می‌کند که این شیوه را کسی قبل از او اختیار نکرده و او این اصل و قاعده را بنا نهاده است.^{۶۱} پس از ابن داود این شیوه، یعنی استفاده از رمز برای آدرس‌دهی به منابع رجالی و حدیثی، متداول و معمول شد و کمتر کسی از این شیوه خارج شده است.

دلیل انتخاب رمز برای نام کتابهای منبع، تنها اختصار و جایگزینی کلمات کوتاه یک حرفی یا دو حرفی به جای کلمات بلند چند حرفی بوده است.

رموز استفاده‌شده در این کتاب که نشانگر منابع ابن داود است، به قرار زیر می‌باشد:

- جَش: رجال نجاشی؛

- جَخ: رجال شیخ طوسی؛

- ست: فهرست شیخ طوسی؛

- قی: رجال برقی؛

- عَق: رجال علی بن احمد عقیقی؛

- قَد: رجال ابن عقده؛

- فَش: رجال فضل بن شاذان؛

- عَب: رجال ابن عبدون؛

- غَض: رجال ابن غضائری؛

- یَه: رجال محمد بن بابویه؛

- فَض: رجال ابن فضال.

گذشته از این نامهای اختصاری، که حاکی از کتابهای منبع و همچنین صاحب‌نظران رجالی است، ابن داود برای اصحاب ائمه (علیهم السلام) به تفکیک و نیز برای راویانی که از اصحاب ایشان نبوده‌اند و راوی با واسطه ایشان‌اند، رمزهایی قرار داده است.

این رمزها با ابواب سیزده‌گانه رجال شیخ طوسی هماهنگ است و غالباً بر اساس کتاب الرجال شیخ طوسی به کار رفته‌اند،^{۶۲} اما گاهی این رمزها سبب اشکالاتی در کلام ابن داود و دیگران شده‌اند. از جمله این اشکالات، اشکال مربوط به رمز «لم» است.

رمز «لم» به تصریح خود ابن داود در بیان او و دیگران به راویانی مربوط است که از هیچ یک از ائمه (علیهم السلام) به طور مستقیم حدیث نقل نکرده‌اند.

ابن داود این رمز را درباره کسانی که کشی، نجاشی، شیخ طوسی و ابن غضائری در مورد روایت کردنشان از ائمه (علیهم السلام) سکوت کرده‌اند نیز به کار برده و سکوت آنان را دال بر روایت نداشتن راوی از امام انگاشته است، اما با توجه به کاربرد این رمز برای باب «من لم یرو عن واحد منهم (علیهم السلام)» در رجال طوسی بسیاری تصور کرده‌اند که هر کس، رمز «لم» در برابر نامش وجود دارد باید در باب سیزدهم رجال طوسی ذکر شده باشد، در حالی که این رمز اختصاصی به باب سیزدهم رجال طوسی ندارد.

این اشتباه از آنجا ناشی می‌شود که رمزهای اصحاب ائمه با ابواب رجال طوسی هماهنگ است. اما روشن است که اصولاً کتابهای رجال کشی، فهرست شیخ طوسی، رجال ابن غضائری و رجال نجاشی برای بیان طبقه و یا حتی نام راویان نگاشته نشده‌اند، از این رو صحیح نیست بگوییم کسانی که اینان به وجود روایتشان تصریح نکرده‌اند، هیچ‌گونه روایتی ندارند. البته میرداماد کاربرد رمز را در رجال ابن داود، علاوه بر راویان باب سیزدهم رجال طوسی، درباره افرادی که نجاشی به روایت آنان از ائمه تصریح نکرده است، صحیح می‌داند؛ اما باید گفت هرچند نجاشی کوشیده در صورت احراز راوی بودن فرد این نکته را بیان کند، ولی ذکر نکردن این مسئله در کتاب نجاشی دلیل بر وجود نداشتن روایت شخص از امام (علیه السلام) نیست.

با توجه به این نکته، استرآبادی در تفسیر رمز «لم» آن را به باب سیزدهم رجال شیخ طوسی اختصاص داده و به ابن داود اشکال کرده است که نام فلان راوی که رمز «لم» در مقابل نام او آمده در باب سیزدهم رجال طوسی یافت نمی‌شود.^{۶۳} به هر حال این اشکالات با توجه به شیوه ابن داود حل‌شدنی خواهد بود.

نکته قابل توجه دیگر در هنگام استفاده از محتوای این کتاب توجه به معنی واژه مجهول در کلام ابن داود است.

در کتاب الرجال ابن داود و نیز خلاصه الأقوال علامه حلی تعبیر مجهول تنها در مواردی که مجهول بودن راوی محرز باشد و بزرگان رجال درباره راوی از این تعبیر استفاده کرده باشند به کار رفته است. از آنجا که ناشناخته بودن حال رجالی راوی نزد قدمای رجالی و تصریحشان به ناشناس بودن او حاکی از مشکل و ضعفی در راوی است، بنابراین این تعبیر از جمله الفاظ جرح و ذم به شمار می‌آید. بر این مبنا از این تعبیر تنها در بخش دوم کتاب الرجال ابن داود و خلاصه الأقوال علامه حلی استفاده شده و ابن داود در انتهای بخش مربوط به ضعفاً فصلی را به ذکر نام این اشخاص اختصاص داده است.

اما این تعبیر از زمان شهید ثانی و مجلسی تا دوره پیدایش جوامع متأخر و معاصر رجالی، درباره افراد مهمل نیز به کار رفته و به این ترتیب بین مجهول و مهمل خلط و گاه اشتباه شده است؛ از این رو، لازم است که بین مجهول در کلمات متقدمان که گویای ضعف و قدحی در راوی است و مجهول در کلمات متأخران که

۶۲. برای یادآوری این رموز به مبحث آشنایی با کتاب الرجال شیخ طوسی مراجعه کنید.

۶۳. نمونه‌هایی از این قبیل را می‌توانید در کتاب منهج المقال ببینید.

به معنی مجهول مجروح یا مجهول مهمل است، تفاوت قائل شد و نیز بین مجهول مجروح و مجهول مهمل در کلمات متأخران نیز تمییز گذارد تا این مسئله موجب اشتباه نشود.^{۴۶۴}

جایگاه رجال ابن داود نزد رجالیان

گذشته از مزایا و امتیازاتی که برای رجال ابن داود برشمردیم دیدگاه عالمان رجالی درباره اعتبار این کتاب و منقولات آن مختلف است. در مجموع می‌توان این دیدگاهها را در سه بخش دسته‌بندی کرد که عبارت‌اند از:

الف) اعتماد کامل بر رجال ابن داود

مرحوم شیخ حسین بن عبدالصمد حارثی، پدر شیخ بهایی (م ۹۸۴ هـ) تصریح کرده است: کتاب ابن داود در رجال، ما را از تمامی کتابهایی که در این علم نوشته شده است مستغنی می‌سازد و اکنون اعتماد ما بر این کتاب است.^{۴۶۵} شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ هـ) نیز این کتاب را ستوده و همان‌گونه که خواهیم گفت وجود اغلاطی را که به آن نسبت داده می‌شود، توجیه کرده است.^{۴۶۶}

ب) عدم اعتماد بر رجال ابن داود

مولی عبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ هـ) در شرح تهذیب تصریح کرده که رجال ابن داود را قابل اعتماد نمی‌داند؛ چه آنکه در منقولات این کتاب از متقدمان و نقد رجال و تمییز بین آنها اشتباهات بسیاری دیده است و این موارد با کمترین بررسی برای هر کسی محرز است.^{۴۶۷}

۴۶۴. محمدتقی تستری (شوشتری)، قاموس الرجال فی تحقیق رواة الشیعة و محدثیهم، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ هـ چاپ دوم، ج ۱، ص ۴۴.

۴۶۵. حسن بن عبدالصمد عاملی، وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، تحقیق سید عبداللطیف کوه‌کمری، قم، مجمع الذخائر الإسلامیه، ۱۴۰۱ هـ، ص ۱۱۷.

۴۶۶. همچنین شیخ فرج‌الله حویزی، از معاصران شیخ حرّ عاملی، صاحب کتاب ایجاز المقال فی معرفة الرجال پس از نقل ایراد عالمان بر کتاب الرجال ابن داود این‌گونه به ایشان اشکال می‌کند:

ما أنصف الصهباء من ضحكت إليه و قد حبس

صهبا در مورد کسانی که او بدانها خندید و آنان چهره در هم کرده بودند، انصاف نورزید.

مرحوم سید مهدی بحر العلوم در جواب او گفته است:

قد أنصف الصهباء من ازال عنها ما التبس

محققاً صهبا در مورد کسانی که به او آنچه را که میهم بود آشکار کردند، انصاف ورزید.

۴۶۷. سید محمد مهدی بحر العلوم طباطبائی، رجال السید بحر العلوم (الفوائد الرجالیه)، تحقیق محمدصادق آل بحر العلوم و حسین آل بحر العلوم، تهران، مکتبه الصادق، ۱۳۶۳ هـ ش، چاپ اول، ج ۲، ص ۲۳۵ - ۲۳۴.

همچنین سید مصطفی تفرشی (قرن ۱۱)، پس از مدح ابن داود، درباره کتابش وی می‌گوید: «او در علم رجال کتابی معروف و نیک ترتیب داد، الا آنکه در آن غلط‌های بسیاری وجود دارد.»^{۴۶۸} صاحبان دیدگاه اول در جواب و توجیه کلام تفرشی و وجود اشتباه در رجال ابن داود به چند نکته اشاره کرده‌اند:

غلط‌هایی که به کتاب نسبت داده شده در واقع اعتراضات ابن داود به آرای علامه حلی است. شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ هـ) مراد از غلط‌هایی را که تفرشی از آنها یاد کرده اعتراضاتی دانسته که ابن داود نسبت به آرای علامه حلی، در مطالب مختلف رجالی، وارد ساخته است.

اما این توجیه صحیح نیست، زیرا، اولاً؛ واضح است که مراد از اشتباه و غلط اعتراض نیست و اعتراض به علامه حلی اشتباه او محسوب نمی‌شود؛ گذشته از آنکه اعتراضات بر علامه حلی همه درباره ضبط کلمات و اسامی است و ابن داود در ذکر بیشتر آنها، اگر نگوئیم همه آنها، بر صواب است. بنابراین اشکال کتاب را در اعتراضات او بر علامه حلی نباید جست و این دو مسئله ارتباطی با هم ندارند. ثانیاً؛ اشتباهات کتاب در اعتراضات ابن داود بر علامه حلی محدود نمی‌شود؛ صاحب *سماء المقال*، ابوالهدی کلباسی (م ۱۳۵۶ - ۱۳۱۵ هـ)، این اشتباهات را گرد آورده است.^{۴۶۹}

این اشتباهات چند نوع‌اند. در مواردی اشتباهاتی در ارجاعات وجود دارد. برای مثال از کشی نقل قول شده، ولی در واقع عبارت از نجاشی است و یا از کتاب دیگری مطلبی نقل می‌شود که در آن کتاب موجود نیست. در مواردی دو نفر به اشتباه یک نفر دانسته شده و یا یک نفر به دو نفر تعدد یافته است. در مواردی نیز اشتباهاتی در ضبط نامها دیده می‌شود.

اشکال ارجاعات نادرست از اختلاف نسخه‌ها و اضافه کردن مطالبی از سوی مؤلفان کتب در نسخه‌هایشان ناشی می‌شود. صاحب *ریاض العلماء* در توجیه اشکال ارجاعات کتاب ابن داود به کتب دیگر و وجود نداشتن برخی منقولات ابن داود در منابع آنها می‌گوید:

این نکته اشکال کار در ابن داود محسوب نمی‌شود، زیرا اکثر این اشکالات از اختلاف نسخه‌ها و اضافه کردن مطالب از سوی مؤلفان کتب در نسخه‌هایشان ناشی شده است.^{۴۷۰}

او سپس مواردی از این اختلافات را برمی‌شمارد.

اما در پاسخ به این توجیه باید گفت: اولاً؛ با دقت و مراجعه به کتاب ابن داود درمی‌یابیم که منشأ این اشتباهات و غلط‌ها اختلاف نسخه‌ها نیست. ثانیاً؛ مسئله اختلاف نسخه‌های موجود به ابن داود اختصاص ندارد؛ در پاسخ به این پرسش که چرا این اشتباهات تنها در کتاب ابن داود دیده می‌شود و در دیگر کتابها به این مقدار اشتباه وجود ندارد؟^{۴۷۱} باید گفت که اشکال در ارجاعات هنگام قرائت نسخه خطی کتاب ابن داود رخ داده است.

۴۶۸. سید میرمصطفی حسینی تفرشی، *نقد الرجال*، تحقیق عبدالغفار، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۸ هـ ج ۲، ص ۴۳.

۴۶۹. ن.ک: ابوالهدی کلباسی، *سماء المقال فی علم الرجال*، تحقیق سید محمد حسینی قزوینی، قم، مؤسسه ولی العصر (علیه السلام) للدراسات الإسلامیه، ۱۴۱۹ هـ چاپ اول، ج ۱، ص ۲۸۱ و ۲۹۰.

۴۷۰. میرزا عبدالله، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق سید احمد حسینی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی العامه، ۱۴۰۱ هـ چاپ اول، ج ۱، ص ۲۵۸ - ۲۵۴.

۴۷۱. سید محسن امین حسینی عاملی شقرائی، پیشین، ج ۵، ص ۱۹۲ - ۱۸۹.

ابوعلی حائری (م ۱۲۱۶ هـ) در مقام توجیه ارجاعات غیرصحیح در کتاب ابن داود بسیاری از آنها را اشتباه در قرائت نسخه به دلیل بدخط بودن ابن داود دانسته است؛ به گونه‌ای که کاتبان هر یک بر اساس فهم خود این موارد را نوشته‌اند و به این ترتیب مشکل را ناشی از تغییر رمزها مثلاً رمز «جش» به «کش» دانسته است. در حقیقت او تغییر را نتیجه تصحیف شمرده است.

ج) لزوم دقت در منقولات رجال ابن داود

رجال ابن داود از جمله جوامع رجالی است که همچون دیگر کتابها باید در منقولاتش دقت شود. این نظریه را اکثر عالمان پذیرفته‌اند.^{۴۷۲}

در پایان سخن از وضعیت رجالی این کتاب باید گفت که به هر حال تصحیفات، تحریفات و اشتباهات بسیاری در این کتاب وجود دارد. محقق شوشتری در بیان دلیل رخداد این تحریفات به نکته قابل تأملی اشاره کرده است. او یکی از علل راهیابی تحریف در این کتاب را هم‌عصری ابن داود با علامه حلی دانسته است، به گونه‌ای که این کتاب تحت تأثیر کتاب علامه حلی قرار گرفته و تا مدت زمان طولانی به آن توجه نشده است.

رابطه رجال ابن داود و خلاصة الأقوال

همان‌گونه که گفتیم از یک سو ابن داود و علامه حلی در یک عصر و یک شهر زندگی می‌کردند و هر دو نزد محقق حلی، دایی علامه حلی، شاگردی نموده‌اند و از سوی دیگر، در نگاه کلی، شیوه تألیف هر دو کتاب یکسان است. این تشابهات و نیز هم‌عصری مؤلفان، این پرسش‌ها را در ذهن ایجاد می‌کند که این دو کتاب با یکدیگر چه ارتباطی دارند؟ آیا یکی از دیگری استفاده کرده است یا خیر؟ آیا یکی ناظر بر دیگری و نقد آن است یا خیر؟

با مراجعه به رجال ابن داود نکته‌های زیر به دست می‌آید که می‌تواند در پاسخ‌گویی به این سؤالها راه‌گشا باشد:

الف) ابن داود از علامه حلی در بخش اول کتابش نام برده، او و پدرش را ستوده و علامه را صاحب تصنیفات بسیار و رئیس امامیه در معقول و منقول دانسته است.^{۴۷۳}

ب) ابن داود اشتباهات مختلفی را به نقل از بعضی الأصحاب و بعضی أصحابنا بیان کرده و در صدد تصحیح آنها برآمده است. همه این اشکالات در خلاصة الأقوال وجود دارد و رأی مختار علامه حلی است.

این اشتباهات غالباً در دو حوزه ضبط کلمات و نسب اشخاص است. برای نمونه ابن داود در حوزه ضبط کلمات در ترجمه زر بن حبیش تصریح می‌کند که بعضی الأصحاب نام او را حبیس ضبط کرده‌اند و این اشتباه

۴۷۲. حسین نوری طبرسی، خاتمة مستدرک الوسائل، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، قم، ۱۴۱۵ هـ چاپ اول، ج ۳، ص ۳۲۵.

۴۷۳. حسن بن علی حلی، پیشین، ص ۷۸، رقم ۴۶۶.

است.^{۴۷۴} ضبط نام این شخص در خلاصه الأقوال الحیسی آمده است.^{۴۷۵}

نمونه تصحیح اشتباه در نسبت و نیز توضیح آن، در ترجمه داود بن ابی زید دیده می شود. ابن داود در ترجمه این شخص تصریح می کند که نام ابوزید، زَنکان است نه زَنکار - آن گونه که برخی اصحاب گفته اند -^{۴۷۶} با رجوع به رجال علامه حلی مشاهده می شود که علامه نام این شخص را زَنکار دانسته است.^{۴۷۷}

با توجه به نکته های یادشده چنین به نظر می رسد که ابن داود رجال خود را پس از کتاب خلاصه الأقوال علامه حلی نوشته است. علاوه بر این نکات منقولات ابن داود از علامه حلی نیز تثبیت گر این ادعا است، اما شاید تصور شود که چون اکثر اشکالهای ابن داود بر علامه حلی ناظر به ضبط کلمات، اسامی و انسب است، از این رو شاید او به کتاب ایضاح/الاشتباه علامه حلی نظر داشته است، بنابراین هیچ رابطه ای بین کتاب الرجال ابن داود و خلاصه الأقوال علامه حلی وجود ندارد. این تصور با توجه به تأخیر تألیف ایضاح/الاشتباه از خلاصه الأقوال از بین می رود چرا که علامه حلی ایضاح/الاشتباه را پس از گذشت چهارده سال از تألیف خلاصه الأقوال به پایان رسانده است.

تفاوت های رجال ابن داود و خلاصه الأقوال

علی رغم وحدت ظاهری و وحدت شیوه تألیف خلاصه الأقوال و رجال ابن داود تفاوت هایی نیز میان آنها مشاهده می شود، از جمله:

الف) علامه حلی در تنظیم بخش های دوگانه کتاب، بخش اول را به کسانی اختصاص داده است که بر روایتشان اعتماد دارد یا قبول خبر ایشان را ترجیح می دهد و بخش دوم کتاب را به کسانی که روایتشان را ترک و یا در قبول آنها توقف می کند، اختصاص داده است. اما ابن داود بخش اول کتاب را به روایانی مختص می کند که کمترین مدحی درباره آنان موجود است؛ اگرچه ذم بسیار نیز درباره آنان رسیده است. این روایان عموماً کسانی اند که به خبرشان عمل نمی شود، و در بخش دوم، روایانی آمده اند که کمترین ذمی درباره آنان رسیده است؛ اگرچه مدح بسیاری داشته باشند. این روایان عموماً کسانی اند که به خبرشان عمل می شود. از این رو، ابن داود برید بن معاویه عجل و نیز هشام بن حکم و عده ای دیگر از موثقان را در بخش دوم نیز نام برده است.

ب) علامه روایانی را که در جرح و تعدیلشان اختلاف است در هر دو بخش ذکر نمی کند، بلکه در صورت ترجیح دادن مدح، راوی را در بخش اول و در صورت قوی تر دیدن جانب ذم و یا برگزیدن توقف در حال رجالی راوی، او را در بخش دوم ذکر می کند. بدین ترتیب او بنا ندارد نام یک راوی را در هر دو بخش بیاورد. اما ابن داود این موارد را در هر بخش تکرار کرده است؛ در بخش اول به جهت مدح راوی و در بخش دوم به سبب جرحش.

۴۷۴. همان، ص ۹۷، رقم ۶۳.

۴۷۵. حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلی (علامه)، خلاصه الأقوال، تحقیق سید محمدصادق بحر العلوم، نجف، الطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ هـ اول، ص ۸۵۳، رقم ۴۴۰.

۴۷۶. حسن بن علی حلی، پیشین، ص ۸۹، رقم ۵۸.

۴۷۷. علامه حلی، پیشین، ص ۱۴۲، رقم ۳۹۱.

ج) علامه حلی عبارت کشی، نجاشی، ابن غضائری، فهرست و یا رجال شیخ طوسی را بدون ذکر مستند و آدرس منبع عیناً نقل می‌کند. البته در صورت اختلاف در جرح و تعدیل راوی به نام کشی، شیخ طوسی، نجاشی و سایرین تصریح می‌کند. اما ابن داود مقید است تمامی مستندات و منابع مرجع خود را ذکر کند؛ تا آنجا که اگر مطلبی بدون مستند در کتاب باشد احتمال افتادگی رمز آن منبع بسیار است. دقت ابن داود در ارجاعات به حدی زیاد است که در صورت مشتبه بودن عبارت یک کتاب نزد او، مثل برقی و رقی در رجال کشی، هر دو را ذکر کرده و رمزی را به عنوان مستند خود نمی‌آورد.

د) علامه حلی به بیان مدح یا ذم اهتمام دارد، اما به بیان این مسئله که راوی از اصحاب کدام امام است توجه نمی‌کند. از این رو در صورتی که نام شخصی در رجال شیخ طوسی ذیل اصحاب چند امام ذکر شده باشد و تنها یک جا مدح یا ذم وجود داشته باشد علامه فقط همان مورد از عبارت شیخ را نقل می‌کند،^{۴۷۸} اما ابن داود ملتزم است که تمامی آن موارد را ذکر کند.

ه) علامه در بخش اول کتابش تنها ممدوحان و کسانی را که به روایتشان عمل می‌کند نام می‌برد، ولی ابن داود افراد ممدوح و نیز افراد مهملی که مدح یا ذمی درباره آنان وجود ندارد را در بخش اول می‌آورد. مفهوم این کار آن است که ابن داود به روایات افراد مهمل همچون روایات ممدوحان عمل می‌کرده و این شیوه برخی اصحاب و فقهای آن عصر بوده است.

البته توجه به این نکته ضروری است که ابن داود در مقام ذکر نام تمامی افراد مهمل که می‌توان به روایاتشان عمل کرد، نبوده است؛ بلکه تنها افرادی از این دست را که در خاطر داشته نام برده است.

تألیفات بر محور رجال ابن داود

با توجه به اهمیت تاریخی رجال ابن داود برخی بر آن حاشیه نگاشتند، از جمله:

- حاشیه شهید ثانی که در رسائل الشهید الثانی، جلد دوم چاپ شده است؛

- حاشیه عبدالله بن حسین تستری؛^{۴۷۹}

- حاشیه شمس‌الدین محمد کشمیری؛^{۴۸۰}

- حاشیه میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی.^{۴۸۱}

۴۷۸. برخی متأخران همین نکته را به عنوان غفلت علامه حلی برشمرده‌اند.

۴۷۹. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۶، ص ۸۷.

۴۸۰. آقا بزرگ تهرانی، مصنفی المقال فی مصنفی علم الرجال، ص ۱۹۶.

۴۸۱. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۶، ص ۸۷.

ملحقات کتاب

چاپهای کتاب الرجال ابن داود

اولین چاپ تحقیق شده کتاب در نجف اشرف به تحقیق سید محمدصادق بحر العلوم انجام شد و همان کتاب را در قم منشورات رضی در ۳۱۶ صفحه تجدید چاپ کرد. انتشارات دانشگاه تهران نیز این کتاب را در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی با تحقیق محدث ارموی به همراه کتاب *الرجال* برقی چاپ نمود. مجموع این کتاب در ۵۷۳ صفحه به صورت دو ستونی ارائه شده است.

جلسه یازدهم

آشنایی با مبحث جوامع رجالی و کتاب منهج المقال استرآبادی

اهداف درس

- ✓ آشنایی با گرایش جامع‌نگاری در تدوین کتب رجال؛
- ✓ آشنایی با نگارنده منهج المقال؛
- ✓ آشنایی با کتاب منهج المقال.

فصل سوم جوامع رجالی

درآمد

تا قرن هشتم هجری اصول اولیه و ثانویه رجالی شیعه تدوین شد. این مصادر از همان ابتدا مورد توجه و مراجعه عالمان قرار گرفت اطلاعات اولیه رجالی در این دوره تکوین یافت. کتب هشت‌گانه رجالی باقی‌مانده از قرون اولیه تا آن زمان به عنوان منابع مرجع رجالی مورد استفاده محققان قرار می‌گرفت. پس از این دوره، مشکل مراجعه به این منابع و بازیافت اطلاعات از آن مورد توجه قرار گرفت.

اطلاعات رجالی هر یک از کتابهای هشت‌گانه به شیوه‌ای و در محدوده‌ای خاص از راویان ارائه شده بود. این موضوع اشکالاتی را برای مراجعه‌کننده به وجود می‌آورد. مراجعه‌کننده به هنگام استفاده از هر کتاب باید به گونه‌ای به دنبال نام راوی و اطلاعات رجالی مورد نظر خود می‌گشت. در کتابی باید اطلاعات را بر اساس شیوه طبقات‌نگاری، در کتابی بر اساس فهرست نام مؤلفان و در کتاب دیگری بر اساس جرح و تعدیل راویان، پی‌جویی می‌کرد. این مشکل باعث شد که شیوه نگارش کتب رجالی تحولی اساسی بیابد و کتابهایی با عنوان «جوامع رجالی» ظهور نمایند. مراد از جامع رجالی کتابی است که تنظیم اطلاعات در آن، تنها بر اساس نام راوی و تنظیم الفبایی نام این راویان است. بدون در نظر گرفتن اینکه این راوی از چه طبقه‌ای است، مؤلف کتاب است یا خیر، جرح یا تعدیل دارد، یا هر قید دیگری. بر خلاف منابع رجالی پیش از این دوره که تنظیم آنها بر اساس یکی از قیده‌ای ذکر شده است، در جوامع رجالی تنها نظام الفبایی، به صورت کامل در همه حروف نامها، بدون در نظر گرفتن خصوصیات هر راوی حاکم است. این کار را اولین بار سید احمد بن طاووس حلی (م ۶۷۳ هـ) انجام داد. او کتابی با عنوان *حل الإشکال فی معرفة الرجال* نگاشت که در آن پنج کتاب از اصول اولیه رجالی شیعه را گرد آورد. ابن طاووس شیوه کار خود را این‌گونه تشریح نموده است:

من در این کتاب اراده کردم که نام رجال، مصنفان و غیرایشان، را که در مورد آنها مدح یا قدحی آمده است از کتابهای پنج‌گانه رجالی گرد آورم. کتاب *الرجال* تألیف شیخ أبوجعفر محمد بن حسن طوسی، و کتاب *الفهرست* تألیف همو، و کتاب *اختیار الرجال* از کتاب کشی، أبوعمر و محمد بن عمر بن عبدالعزیز، تألیف همو، و کتاب أبوالحسنین أحمد بن عباس نجاشی أسدی، و کتاب أبوالحسنین أحمد بن حسین بن عبیدالله غضائری که در موضوع ضعفا نگاشته شده است. خداوند همه ایشان را رحمت کند.

وی سپس درباره شیوه تنظیم کتابش می‌گوید:

همه این کتابها را بر اساس حروف الفبا تنظیم کرده‌ام و پس از نقل مطلب هر کتاب در یکی از حروف، محتوای کتاب دیگر را در آن حرف نقل کرده‌ام و همین شیوه را در تمامی حروف تا آخر کتاب پیروی کرده‌ام و پس از پایان اسامی در آخر کتاب به کنیه‌ها و پس از آن به القاب پرداخته‌ام.^{۴۸۲}

اما این کتاب بزرگ در طول زمان، از دست رفته و تنها دو گزینش از آن باقی مانده است؛ یکی گزینش و بازنویسی *رجال ابن غضائری* از کتاب *حل الإشکال*، به دست شیخ عبدالله شوشتری، و دیگری گزینش *اختیار الرجال* تألیف شیخ طوسی از کتاب *حل الإشکال* به دست شیخ حسن، پسر شهید ثانی، که *التحریر الطاووسی* نام گرفته است. در این کتاب مقدمه *حل الإشکال* نقل شده است و ما پیش از این مقدمه *حل الإشکال* را از کتاب *تحریر الطاووسی* باز گفتیم.

این گام اولیه جامع‌نویسی در رجال شیعه چند قرن پی‌گیری نشد تا آنکه از قرن دهم هجری به بعد، به صورت جدی این روش شکل گرفت و متداول شد. هدف اصلی از انتخاب این شیوه نگارش را می‌توان در دو مطلب بیان کرد:

اول: ساده‌سازی مراجعه به منابع رجالی و دست‌یابی به اطلاعات این منابع، که بر این اساس دیگر مراجعه‌کننده پیش از مراجعه به منبع مورد نظرش، به معلومات خاصی درباره راوی نیاز ندارد. برای نمونه اگر کسی بخواهد نام یک راوی را در کتب طبقات همچون *رجال طوسی* بیابد، باید بداند که آن راوی در ضمن اصحاب کدام امام است یا اگر بخواهد نام او را در کتب نوشته‌شده بر اساس جرح و تعدیل مانند خلاصه *الأقوال* علامه حلی بجوید، باید بداند که راوی مورد نظرش آیا جرح دارد یا تعدیل و سپس بر این اساس به جستجوی آن نام بپردازد. یا آنکه همه کتابهای فوق را بدون هیچ‌گونه اطلاعات سابق تتبع کند تا به نام راوی مورد نظرش دست یابد. این مسئله در همه اصول اولیه و ثانویه رجالی جاری است. اما در جامع رجالی، تنها ملاک تنظیم اطلاعات کتاب، الفبای نام راوی و نظام خاص قرار گرفتن نام او به لحاظ حرف اول و دوم و ... و نام پدر یا جد و نسب وی است.

دوم: جمع‌آوری اطلاعات رجالی درباره یک راوی در یک جا؛ چه آنکه عالمان رجالی بر اساس میزان اطلاعاتی که به دستشان رسیده و شیوه نگارش کتابشان اقتضا داشته است اصول اولیه و ثانویه را نگاشته‌اند. هیچ یک از آنان ادعای ارائه اطلاعات جامع درباره یک راوی ندارد. همچنین اختلاف نظرها در بین این عالمان رجالی کم نیست. به طور قطع مراجعه‌کننده به این منابع رجالی پیش از قضاوت درباره راوی مورد نظرش، باید همه اطلاعات رجالی درباره آن راوی را مطالعه کند. این امر با اختلاف شیوه‌های تدوین اصول اولیه و ثانویه و

۴۸۲. *التحریر الطاووسی*، ص ۴ و ۵، به نقل از *حل الإشکال*.

پراکنده بودن اطلاعات بسیار سخت و پرهزمت است. اما در جامع رجالی، نویسنده می‌کوشد همه اطلاعات منابع گذشته را کنار هم گرد آورد و مراجعه‌کننده به کتاب به صورت یکجا به همه آنها دست یابد. همچنان که گاه در یک منبع رجالی، نام یک راوی به صورت تکراری در موارد مختلف آمده و اطلاعات گوناگونی هم در برابر هر نام ارائه شده و یا صورتهای مختلفی از نام یک راوی ذکر شده است. این موارد گاه از دید مراجعه‌کنندگان پنهان می‌ماند، اما نویسندگان جوامع رجالی کوشیده‌اند همه این اطلاعات پراکنده را یکجا گرد آورند.

علت ظهور این گونه نگارش در منابع رجالی را، در این دوره و مقطع تاریخی باید در تاریخ فرهنگی آن دوره و به ویژه تاریخ حدیث آن دوره جستجو کرد. علل و عواملی که باعث ظهور جوامع روایی گسترده و احیای متون حدیث در آن عصر شد، رشد علوم حدیث و از جمله دانش رجال را نیز موجب گشت. از این رو، آسان‌سازی رجالی، همچون آسان‌سازی استفاده و دسترسی به متون احادیث، مورد توجه عالمان آن عصر قرار گرفت.

در مجموع دو رویکرد کلی در تدوین این جوامع رجالی، با تعریفی که گذشت، مورد توجه بود؛ یکی جمع‌آوری تفصیلی اطلاعات رجالی و دیگری مختصرنویسی در شناخت یکایک راویان. در رویکرد نخست، جامع‌نگاران رجالی به صورت کامل و جامع آرا و اقوال گذشتگان را نقل کرده‌اند و شرح حالها به تفصیل گراییده است. اما در رویکرد دوم هیچ‌گونه نقل و تفصیلی دیده نمی‌شود و تنها اظهار نظر رجالی با یک یا حداکثر چند کلمه مشاهده می‌شود.

نمونه رویکرد نخست را می‌توان در مجمع الرجال تألیف عنایت الله قهپایی، که در سال ۱۰۱۶ هجری تألیف کتابش را به پایان رسانیده است، مشاهده کرد و به نوعی دیگر در منهج المقال استرآبادی و کتابهایی از این دست هم قابل مشاهده است. نمونه رویکرد دوم در الوجیزة فی الرجال شیخ حرّ عاملی یا الوجیزة فی الرجال محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ه) دیده می‌شود. خصوصیات بیشتر رویکرد نخست در نگارش جوامع رجالی را در ضمن دروس آینده مشاهده خواهید کرد.

شیوه تدوین جوامع رجالی

در درسهایی پیشین به اجمال اشاره شد که اطلاعات جوامع رجالی بر اساس تنظیم الفبایی سامان یافته است. اما لازم است که در اینجا به شیوه معمول و متداول در تنظیم این نوع کتابها بپردازیم. در بیشتر این گونه تألیفات رجالی، بخشهای زیر دیده می‌شود:

۱- مقدمه

در بسیاری از جوامع رجالی در مقدمه کتابها به ذکر مبانی رجالی‌ای که مؤلف آنها پذیرفته یا باید درباره آنها اظهار نظر کند، پرداخته‌اند. مقدمه تنقیح المقال تألیف شیخ عبدالله مامقانی و مقدمه قاموس الرجال تألیف محمدتقی شوشتری و مقدمه معجم الرجال تألیف آیت الله خویی از نمونه‌های روشن این گونه تألیفات است. مقدمات این کتابها خود مصادر و منابع مهمی در شناخت مبانی رجالی هستند.

۲- باب اسامی راویان

بسیاری از راویان به صورت دقیق با نام و نام پدر و جدشان شناسایی می‌شوند. نظام الفبایی کامل در هر سه بخش از نام راوی، خود، پدر و جد، در همه این جوامع مورد توجه قرار گرفته است و گاه در تمامی بخشهای نام، مانند کنیه‌ها و القاب هم ترتیب الفبایی لحاظ شده است. بر این اساس در چینش اسامی گاه القاب هم مورد توجه قرار می‌گیرند؛ برای نمونه احمد بن علی علوی و احمد بن علی فائدی چون در اسم خودشان و پدرشان مشترک هستند، در نظام الفبایی، تنظیم نام این دو نفر با نظر به لقب آنها انجام می‌شود. گفتنی است که در بسیاری از جوامع رجالی متقدم و برخی از متأخرین «بن» در چینش الفبایی نامها به حساب نمی‌آید و ابتدای نام بعدی ملاک چینش قرار می‌گیرد. پس محمد بن خالد طایلسی بر محمد بن خالد بن عبدالرحمان مقدم می‌شود، در حالی که محاسبه «بن» در نام دوم می‌توانست آن را مقدم بدارد. اما در کتابهایی مانند معجم رجال الحدیث تمامی الفاظ موجود در نام کامل شخص ملاک چینش الفبایی قرار گرفته‌اند؛ همچنان که در ترتیب رایانه‌ای این تنظیم صورت می‌گیرد و معمول است.

۳- باب کنیه‌های راویان

چنانچه از راوی در اسناد با نام یاد شده باشد، باید او را در بخش اسامی جستجو کرد، اما در صورتی که از کنیه او در اسناد استفاده شده باشد، باید حال رجالی او را در بخش کنیه‌ها پی‌جویی نماییم. در این باب، کسانی که کنیه آنها با «أب»، «أم»، «أبی»، «أخ» و «أخت» آغاز می‌شود، آمده است. کنیه‌هایی که در این باب ذکر می‌شود باید دارای یکی از سه خصوصیت زیر باشد:

- ۱- نام صاحب کنیه شناخته نشده باشد و تنها مشخصه فرد همین کنیه باشد؛ مانند: أبوالمغراء.
- ۲- کنیه راوی، هر چند که نام او را بدانیم، مشهورتر از نام او باشد؛ مانند ابن ابی عمیر که نام او محمد بن زیاد بن عیسی است.
- ۳- کنیه راوی همچون نام او شناخته شده باشد؛ مانند أبو الیقظان عمار الأسدی که همان عمار أبو الیقظان الأسدی است. در دو صورت اخیر به طور معمول، شرح حال کامل راوی در باب اسامی ذکر می‌شود و در باب کنیه‌ها، با ذکر اسم اصلی راوی، به شرح حال او در باب اسامی ارجاع داده می‌شود.

۴- باب القاب راویان

در این باب، کسانی که به لقب خاصی که برگرفته از صفت خلقی (مانند ضریر، مکفوف، أعرج) یا شغل (مانند شحام، زیات، حنّاط) یا انتساب به قبیله یا شهری (مانند منقری، مدنی، واسطی) و ... هستند، معرفی می‌شوند. در این بخش نیز همان سه صورت قابل تصور در کنیه‌ها وجود دارد.

تذکر (۱)

در برخی از جوامع رجالی راویان زن را جدای از راویان مرد ذکر کرده‌اند. در این صورت ابواب سه‌گانه، اسامی، کنیه‌ها و القاب، درباره این راویان جداگانه ذکر شده است، همچنان که در منتهی‌المقال تألیف أبوعلی حائری چنین عمل شده است. اما در اکثر جوامع رجالی این دو گروه راویان از یکدیگر جدا نشده‌اند.

تذکر (۲)

در برخی موارد به سبب اختلاف نسخه‌ها و شیوه نگارش عربی قدیم، نامی به صورت مکبر ذکر شده در حالی که به صورت مصغر در اسناد آمده است؛ مانند: بکر و در اسناد بکیر یا برعکس. یا در مواردی هاشم به صورت هشام نوشته و یا خوانده شده و جابه‌جایی در نظام الفبایی رخ داده است. از این رو، به هنگام برخورد با اسمی در اسناد روایات باید ابتدا به جستجوی همان شکل نگارشی پرداخت و در صورت نیافتن آن شکل نگارشی، اشکال احتمالی تصحیف شده را نیز باید بررسی کرد و تا بدون دلیل به عدم ذکر نام شخص حکم نشود.

۵- خاتمه

همه کتب جوامع رجالی خاتمه‌هایی دارند که در آن فواید رجالی مربوط به اطلاعات اسناد روایات را ذکر کرده‌اند. شرح عده در اسناد کلینی یا ارزیابی طرق در مشیخه شیخ طوسی در تهذیب الأحکام و استبصار و طرق در مشیخه شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه، از متداول‌ترین این فواید رجالی است. اکنون با آشنایی کلی نسبت به این نوع تألیفات رجالی به معرفی این گونه منابع رجالی به ترتیب اهمیت تاریخی می‌پردازیم:

گفتار نخست: آشنایی با منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال (رجال کبیر)

کتاب منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال که از آن به رجال کبیر هم تعبیر می‌شود، جامع‌ترین کتاب رجالی تألیف شده در دوره صفویه است.

آشنایی با مؤلف

مؤلف این کتاب محمد بن علی بن ابراهیم استرآبادی است که در بین رجالیان به میرزا معروف است. اطلاعی از ابتدای زندگی استرآبادی و محل تولد او وجود ندارد. تنها او را از ساکنان نجف اشرف معرفی کرده‌اند. وی نزد بزرگان آن سامان علم آموخت و کتاب *منهج المقال* را همان‌جا به سال ۹۸۶ هجری به پایان برد و پس از وفات استادش، مقدس اردبیلی، به سال ۹۹۳ هجری به مکه سفر کرد و در آنجا ساکن شد. به هنگام سکونت در مکه عده‌ای از عالمان در درس او حاضر می‌شدند.

سرانجام او در سیزدهم ذی‌الحجه یا سوم ذی‌القعدة ۱۰۲۸ هجری در مکه وفات یافت.^{۴۸۳}
معروف‌ترین مشایخ او:

- ۱- شیخ احمد اردبیلی مشهور به مقدس اردبیلی (م ۹۹۳ ه)؛
- ۲- نورالدین علی بن عبدالعالی، مشهور به ابن‌مفلح عاملی مسینی (م ۱۰۳۲ ه)؛
- ۳- سید یوسف حسینی عاملی شامی، صاحب کتاب *جامع الأقوال* که آن را در سال ۹۸۲ هجری تألیف کرده است؛
- ۴- سید محسن بن میرشرف‌الدین حسینی شیرازی دشتکی.
برجسته‌ترین شاگردان او:
 - ۱- محمدامین استرآبادی (۱۰۳۳ ه) صاحب کتاب *الفوائد المذنیة* و طراح اصول اخباریگری؛^{۴۸۴}
 - ۲- شیخ محمد بن حسن بن زین‌الدین شهید ثانی، مؤلف کتاب *استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار* (م ۱۰۳۰ ه)؛
 - ۳- شرف‌الدین علی حسینی شولستانی (م ۱۰۶۰ یا ۱۰۶۵ ه).
همه شرح حال‌نگاران و رجال‌نویسان معاصر و متأخر او را بسیار ستوده‌اند. او تألیفات گوناگونی در حوزه حدیث و رجال از خود به جا گذاشته است که عبارت‌اند از:
 - ۱- آیات الأحکام؛
 - ۲- حاشیه بر تهذیب الأحکام؛
 - ۳- حاشیه بر استبصار؛
 - ۴- رساله در احوال زید شهید؛
 - ۵- چند نامه علمی؛
 - ۶- منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال، مشهور به رجال کبیر؛
 - ۷- تلخیص المقال (یا الأقوال) فی معرفة الرجال، مشهور به رجال وسیط؛
 - ۸- توضیح المقال، مشهور به رجال وجیز یا موجز.

۴۸۳. برای آشنایی بیشتر با شرح حال مرحوم استرآبادی مراجعه کنید به: الزرکلی، *الأعلام*، ج ۷، ص ۱۸۶؛ *أمل الآمل*، ج ۲، ص ۲۸۱؛ *روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات*، ج ۷، ص ۳۶؛ *ریحانة الأدب*، ج ۳، ص ۳۶۴؛ *لغت‌نامه دهخدا* (مقانی)، ص ۵۸۶؛ *معجم المؤلفین*، ج ۱، ص ۲۹۸.

۴۸۴. او داماد میرزا محمد استرآبادی صاحب *منهج المقال* است و به ارشاد میرزا، مسلک اخباری را پایه‌گذاری کرده است.

آشنایی با تألیف

مرحوم استرآبادی این کتاب را به سال ۹۸۶ هجری در نجف اشرف به پایان برد و از همان زمان این کتاب به عنوان یکی از جوامع مهم رجالی قرن دهم هجری شناخته شد و مورد اعتماد و اعتقاد بزرگان و محققان در موضوعات رجالی و شرح حال و کتاب‌شناسی قرار گرفت. استرآبادی کتابش را در یک مقدمه، متن و خاتمه سامان داده است.

الف) مقدمه

استرآبادی در مقدمه کتابش می‌گوید:

تمامی آنچه را که از عالمان رجالی متقدم و متأخر رسیده است، و آنچه از عالمان سنی مذهب دربارهٔ راویان شیعی بوده است، گرد آورده‌ام.^{۴۸۵}
از این عبارت استفاده می‌شود که هدف عمده استرآبادی نقل اقوال و آرای رجالیون گذشته بوده و تألیف یک جامع رجالی را مد نظر داشته است.
او در مقدمه کتابش از منابع خود نام برده و رمز هر یک را بیان کرده است. این منابع عبارت‌اند از:

- ۱- خلاصة الأقوال؛
 - ۲- رجال نجاشی؛
 - ۳- فهرست شیخ طوسی؛
 - ۴- اختیار معرفة الرجال؛
 - ۵- رجال شیخ طوسی؛
 - ۶- رجال برقی؛
 - ۷- رجال ابن داود؛
 - ۸- معالم العلماء؛
 - ۹- من لا یحضره الفقیه؛
 - ۱۰- کافی؛
 - ۱۱- إیضاح الإشتباه؛
 - ۱۲- فهرست علی بن عبیدالله بن بابویه (فهرست منتخب‌الدین).
- همچنین از منابع رجالی اهل سنت همچون تقریب/التهذیب ابن حجر استفاده کرده است.^{۴۸۶}

ب) متن کتاب

مؤلف در متن کتاب نام راویان و اشخاص را به ترتیب حروف الفبا در تمامی مراتب نامها تنظیم کرده است. در شرح حال هر یک از راویان، هر آنچه را که رجالیون دربارهٔ او گفته‌اند، ذکر کرده و در صورت نیاز، خود نیز اظهار نظر کرده است. پس از پایان یافتن نامها، او کنیه‌ها، نسب‌ها، لقب‌ها و نام زنان راوی را ذکر کرده است. در مجموع بالغ بر هفت هزار عنوان در این کتاب آمده است.

۴۸۵. منهج المقال، ج ۱، ص ۱۷۹.

۴۸۶. همان.

استرآبادی در شرح حال نگاری ابتدا آنچه اقوال رجالیان را که در ضبط نام راوی به طور مستقل گفته‌اند یا در ضمن شرح حال او بدان اشاره کرده‌اند، می‌آورد. از این رو، عبارت علامه حلی بیشتر در مواردی که چگونگی ضبط نام راوی مطرح بوده است. از *ایضاح الإشتباه* یا *خلاصة الأقوال*، که در هنگام پرداختن به شرح حال راوی به ضبط اسامی اهمیت داده است، که در ابتدای شرح حال راوی به آن می‌پردازد. البته به طور کلی مؤلف کوشیده است اطلاعات مربوط به شناخت نام و طبقه و دیگر خصوصیات این گونه را بر شرح حال رجالی و اوصاف راوی مقدم کند، اما در چیش مطالب و نقل آنها نظم خاصی به صورت دائمی دیده نمی‌شود.

پس از آن، استرآبادی به شرح حال رجالی راوی می‌پردازد و پس از تبیین آنچه که از کلمات رجالیان یافته است به نقد کلمات متأخران همچون ابن داود، علامه حلی یا شهید ثانی می‌پردازد. اگرچه در بیشتر مطالب، بنا بر نقل آرا و گردآوری منظم آنهاست، اما در مواردی که اقوال و آرا با یکدیگر دچار تنافی و ناسازگاری بوده‌اند مؤلف بر نقد آرا یا جمع بین آنها نیز همت گماشته است.

ج) خاتمة کتاب

او در خاتمة کتاب، ده فایده رجالی ارائه کرده است که عبارت‌اند از:

فایده اول: مراد از عده در کتاب کافی؛

فایده دوم: مراد از أبوجعفر که سعید بن عبدالله از او نقل کرده است و مراد از أبوالقاسم که حسن بن محبوب از او نقل کرده است؛

فایده سوم: تنبیهاتی که ابن داود در آخر کتابش ذکر کرده است؛

فایده چهارم: سفیران ممدوح و مذموم امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصر غیبت؛

فایده پنجم: تاریخ سفیران چهارگانه امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛

فایده ششم: افراد مذمومی که ادعای نیابت از امام عصر (علیه السلام) کرده‌اند؛

فایده هفتم: افراد معتمدی که از سوی سفیران امام عصر (علیه السلام) برای آنان توقیع صادر شده است؛

فایده هشتم: روایات کشی درباره اقوام و دسته‌های مختلف؛

فایده نهم: اسناد و طرق استرآبادی به شیخ طوسی، صدوق، کشی، نجاشی و علامه حلی.

فایده دهم: اسناد و طرق استرآبادی به شیخ طوسی، صدوق، کشی، نجاشی و علامه حلی.

خصوصیات کتاب منهج المقال

چند ویژگی و خصوصیت عمده برای کتاب *منهج المقال* می‌توان برشمرد که در ادامه به مواردی از آن اشاره می‌شود:

۱- جامعیت و در برداشتن نام تمام راویانی که نام آنان در مصادر رجالی - اصول اولیه و ثانویه و غیر آن - آمده است.

۲- نقل دقیق تمامی اطلاعات موجود در منابع رجالی.

۳- شرح حال مستقل برخی از راویان که در منابع سابق شرح حال مستقل نداشته‌اند و به صورت ضمنی در شرح حال دیگر راویان آمده است.

- ۴- تمییز مشترکات.^{۴۸۷}
 - ۵- توحید مختلفات.^{۴۸۸}
 - ۶- آرای شخصی استرآبادی در توثیق و تضعیف و غیر اینها.^{۴۸۹}
 - ۷- ضبط بعضی عناوین یا بعضی الفاظ مشکل و تفسیر و توضیح آنها.^{۴۹۰}
 - ۸- بیان اختلاف نسخه‌ها در برخی تراجم و شرح حالها.^{۴۹۱}
 - ۹- نقد آرای برخی رجالیان چون علامه حلی، ابن داود حلی و شهید ثانی.^{۴۹۲}
 - ۱۰- استفاده از منابع رجالی اهل سنت در شرح حال برخی راویان.^{۴۹۳}
 - ۱۱- تذکر برخی از افتادگیها و تحریفات در نسخه‌ها.^{۴۹۴}
- با این همه، استرآبادی عالمان متأخر از منابع رجالی گذشته را ذکر نکرده است.

حواشی منهج المقال

مهم‌ترین حواشی بر این کتاب، سه تألیف است:

۱- حاشیه شیخ محمدباقر وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶ ه) که به تعلیقه بهبهانی نیز شهرت دارد و تعبیر تعلیقه به شکل مطلق در دانش رجال به همین کتاب انصراف دارد. مرحوم وحید تعلیقه خود را با پنج فایده آغاز نموده است که این فواید به دلیل اهمیت و دقتش به صورت مستقل نیز مورد توجه قرار گرفته و نشر یافته است. بهبهانی در این فواید، مبانی کلی رجالی را به گونه‌ای دقیق و مختصر بیان کرده و مثالهای هر بحث را به حواشی متن کتاب ارجاع داده است.

۲- حاشیه و تکمیل منهج المقال با نام اِکلیل المنهج فی تحقیق المطلب تألیف محمدجعفر خراسانی اصفهانی (زنده به سال ۱۱۵۱ ه). اهمیت این کتاب از آن روست که مؤلف حواشی سه نفر از بزرگان حدیث‌پژوه یعنی: شیخ حر عاملی و شیخ محمد بن حسن بن شهید ثانی و شیخ محمد بن عبدالفتاح سراب تنکابی را در این کتاب جمع کرده و همچنین توضیحاتی درباره برخی اصطلاحات مرحوم استرآبادی و تحقیقات خویش در تکمیل منهج المقال آورده است.^{۴۹۵}

۳- تلخیص و تکمیل منهج المقال به نام منتهی المقال فی احوال الرجال تألیف أبوعلی محمد بن اسماعیل مازندرانی (م ۱۲۱۶ ه). او متن منهج المقال و حواشی استادش وحید بهبهانی را تلخیص و نقل کرده و افراد مجهول را نام نبرده است و در صورتی که مطلبی غیر از محتوای این دو کتاب وجود داشته، در ادامه کلام

-
۴۸۷. برای نمونه نگاه کنید به: ابراهیم بن عثمان، ص ۳۲۴، ش ۱۱۵؛ ابراهیم بن اسحاق، ج ۱، ص ۲۶۷، ش ۵۵.
۴۸۸. برای نمونه نگاه کنید به: ابراهیم بن علی بن عبدالله، ج ۱، ص ۳۳۵، ش ۱۲۰؛ ابراهیم بن عیسی، ج ۱، ص ۳۴۰، ش ۱۲۴؛ ابراهیم بن المهاجر الأزدی، ج ۱، ص ۳۷۱، ش ۱۶۵.
۴۸۹. برای نمونه نگاه کنید به: ج ۱، ص ۳۲۹ و ۳۳۹.
۴۹۰. برای نمونه نگاه کنید به: ج ۱، ص ۳۲۴، ش ۱۱۸؛ ج ۱، ص ۳۵۶.
۴۹۱. برای نمونه نگاه کنید به: ج ۱، ص ۲۵۷، ۲۴۷ و ۲۷۸.
۴۹۲. برای نمونه نگاه کنید به: ج ۱، ص ۳۰۹، ش ۱۰۶؛ ص ۲۸۳، ش ۸۸؛ ص ۲۹۰، ش ۹۳؛ ص ۳۲۹ - ۳۲۸، ش ۱۲۳.
۴۹۳. برای نمونه نگاه کنید به: ج ۱، ص ۳۲۴، ش ۱۱۸؛ ص ۳۴۵ - ۳۴۴، ص ۳۹۵، ش ۱۸۱.
۴۹۴. برای نمونه نگاه کنید به: ج ۱، ص ۳۴۷، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۵ و ۳۹۷، ش ۱۲۴.
۴۹۵. این کتاب در مرکز تحقیقات دارالحدیث، به تحقیق آقای سید جعفر حسینی اشکوری منتشر شده است.

ایشان آورده است. مازنداری آرای سید محسن بغدادی نجفی کاظمی و سید مهدی طباطبایی نجفی، مشهور به بحر العلوم و همچنین محتویات کتاب هدایه المحدثین إلى طريقة المحمدين، مشهور به مشترکات کاظمی را در این کتاب نقل کرده است. مؤلف بخشی از این کتاب را در زمان حیات استادش وحید بهبهانی و باقی را پس از وفات او نگاشته است.

کتاب منهج المقال جامع‌ترین کتاب رجالی است که تا چندی پیش منحصر به فرد شمرده می‌شد. از این رو، حواشی بسیاری بر این کتاب نوشته شد و بسیار مورد استفاده رجالیان قرار گرفت. از جمله حواشی نگاشته شده بر این کتاب، حواشی زیر در منابع کتاب‌شناسی شناسایی شده‌اند:

۱- حاشیه مؤلف (میرزا محمد استرآبادی) (م ۱۰۲۸ ه)؛

۲- حاشیه محمد بن حسن عاملی شامی (محمد سبط شهید ثانی) (م ۱۰۳۰ ه)؛

۳- حاشیه أبوالحسن أبوعبدالله (زنده به سال ۱۰۵۱ ه)؛

۴- حاشیه نعمت الله نصیری شیرازی (زنده به سال ۱۰۵۱ ه)؛

۵- حاشیه علی اصغر شامی عاملی (قرن ۱۱ ه)؛

۶- حاشیه عنایت الله قهپایی (قرن ۱۱ ه)؛

۷- حاشیه میرزا عبدالله آفندی (م ۱۱۳۰ ه)؛

۸- حاشیه سید عبدالله جزایری تستری (م ۱۱۷۳ ه)؛

۹- حاشیه نصیرالدین رشیدی (م ۱۲۷۰ ه)؛

۱۰- حاشیه علی حکیم نجفی (م ۱۳۰۰ ه)؛

۱۱- حاشیه احمد بن صالح بحرانی قطیفی (م ۱۳۱۵ ه)؛

۱۲- حاشیه شرف‌الدین علی بن محمد مرعشی تبریزی (م ۱۳۱۶ ه)؛

۱۳- حاشیه میرزا محمدعلی مدرس چهاردهی نجفی (م ۱۳۳۴ ه)؛

۱۴- حاشیه سید محمد علم‌الهدی کابلی (م ۱۳۶۸ ه)؛

۱۵- حاشیه فضل الله زنجانی (م ۱۳۷۰ ه)؛

۱۶- حاشیه سید حسین طباطبایی بروجردی (م ۱۳۸۱ ه).

جلسه دوازدهم

آشنایی گفتار دوم: نقد الرجال

هدف درس

✓ آشنایی با کتاب نقد الرجال تفرشی

گفتار دوم: نقد الرجال

این کتاب از مهم‌ترین جوامع رجالی است که در عصر صفویه نگاشته شده است. در این کتاب فواید بسیاری نهفته است که مورد توجه عالمان رجالی پس از آن قرار گرفته است.

آشنایی با مؤلف

همان‌گونه که از نام این کتاب برمی‌آید مؤلف در این کتاب علاوه بر اینکه اقوال و آرای پیشینیان را در آن گرد آورده، طریق نقد و تحقیق بر اساس ادله محکم و مبناهای استوار را نیز در پیش گرفته است. نویسنده این کتاب سید میرمصطفی حسین تفرشی از بزرگان قرن یازدهم هجری است. او از شاگردان برجسته شیخ عبدالله شوشتری (م ۱۰۲۱ هـ) و شیخ عبدالعالی کرکی (۹۹۳ - ۹۲۶ هـ) و همچنین معاصر میرزا محمد استرآبادی (م ۱۰۲۸ هـ)، شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱ هـ) و شیخ محمدتقی مجلسی، پدر مجلسی صاحب بحار/الأنوار (م ۱۰۷۰ هـ) بوده و از ایشان روایت نقل کرده است.

متأسفانه با آنکه بسیاری از شرح حال‌نگاران از او نام برده‌اند، اما اطلاعاتی از تاریخ تولد و وفات، زندگی، مؤلفات، شاگردان و اساتید او، بیش از مقداری که بیان شد، وجود ندارد و تنها از قرینه‌ای در کلام شیخ آقابزرگ تهرانی می‌توان استفاده کرد که وی در سال ۱۰۴۴ هجری زنده بوده است.^{۴۹۶} تمامی شرح حال‌نویسان و رجالیان مهم او را در عالم رجال متخصص دانسته‌اند، او را ستوده و ناقد و بصیر این فن شناخته‌اند.

۴۹۶. الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۴، ص ۲۲۳، ش ۱۱۲۲، با عنوان التعليقة السجادية.

آشنایی با کتاب نقد الرجال

تفرشی کتاب *نقد الرجال* را در قالب یک مقدمه و متن کتاب و خاتمه سامان داده است.

الف) مقدمه

او در مقدمه کتاب درباره انگیزه تألیف و شیوه کلی کتابش می‌گوید:

چون در کتابهای رجالی دقت کردم، برخی از آنها را فاقد ترتیبی که بتوان به راحتی به مقصود رسید، یافتیم. علاوه بر این خالی از اشتباه و تکرار هم نبودند. برخی دیگر هم گرچه ترتیب خوبی داشتند، اما دارای غلط‌های بسیار بودند. همچنین هر یک از این کتابها نام تمام رجال را دربر نمی‌گرفت. پس اراده کردم کتابی بنویسم که تمامی نامهای راویان از ممدوحان و مذمومان و مهملان را دارا باشد، از تکرار و غلط خالی باشد و ترتیبی نیکو داشته باشد. همچنین آرای تمام عالمان رجالی را در مدح و ذم دربرداشته باشد، مگر نظرهایی که به شدت شاذ و نادر هستند.^{۴۹۷}

بنابراین، می‌توان ضرورت تدوین یک جامع رجالی جدید را از دیدگاه مرحوم تفرشی در موارد زیر برشمرد:

- ۱- نبودن ترتیب مناسب در برخی کتب رجالی؛
- ۲- وجود اشتباه و تکرار اسامی در آنها؛
- ۳- وجود غلط در کتابهایی که ترتیبی نیکو داشتند؛
- ۴- نبودن نام همه راویان در کتب رجالی پیشین.

تفرشی در مقدمه کتابش نه کتاب از مصادر مهم *نقد الرجال* را نام می‌برد و برای آنها رمز قرار می‌دهد. این کتابها عبارت‌اند از:

- ۱- اختیار معرفة الرجال؛
- ۲- رجال النجاشی؛
- ۳- رجال الطوسی؛
- ۴- الفهرست؛
- ۵- رجال ابن غضائری؛
- ۶- معالم العلماء؛
- ۷- خلاصة الأقوال؛
- ۸- إيضاح الاشتباه؛
- ۹- رجال ابن داود.

همچنین او در مقدمه تصریح می‌کند در مواردی که از این مصادر عبارتی نقل می‌کند، عین عبارت را بدون هیچ تصرفی می‌آورد و تنها در مواردی که تفاوتی در معنی حاصل نشود، تصرف می‌کند. برای نمونه در *رجال نجاشی* درباره شخصی گفته شده است: «له کتاب کذا و کتاب کذا و کتاب کذا» و مرحوم تفرشی به نقل از نجاشی می‌گوید: «له کتب».

۴۹۷. *نقد الرجال*، ج ۱، ص ۳۴.

تفرشی در نقل عبارت از رجال طوسی در مورد هر یک از روایات تصریح می‌کند که او از اصحاب کدام امام است. در حالی که شیخ طوسی نام اصحاب هر امام را پشت سر هم می‌آورد و تنها در عنوان باب بیان می‌کند که مجموعه روایات این باب از اصحاب امام مذکور است؛ از این رو، به امام هر یک راویان در مورد تک‌تک تصریح نمی‌شود.^{۴۹۸} بدین ترتیب تفرشی در مقدمه کتاب بیان می‌دارد که بیش از این مقدار، در نقل عبارات تصرفی نکرده است.

ب) متن کتاب

تفرشی اسامی راویان را به ترتیب الفبایی تنظیم کرده است و نظم الفبایی را در تمامی حروف نام اشخاص رعایت کرده است. او تمام اطلاعات موجود در مصادر نه‌گانه‌ای را که در مقدمه از آنها نام برده است در ذیل هر عنوان آورده و پس از نقل قولها، به نقد و بررسی و بیان اغلاط در موارد لزوم پرداخته است. او در بسیاری از موارد، غلط‌های موجود در رجال/ابن‌داود را تذکر داده و نقل‌های او را از نجاشی، کشی و دیگر مصادر تصحیح کرده است. تذکر این نکته لازم است که مؤلف در مواردی از مصادر دیگری، جز آنچه گذشت، هم مطالبی نقل کرده است، ولی موارد آنها بسیار کم و در موارد خاص است؛ از این رو، برای آنها رمز تعیین نکرده است. برای نمونه می‌توان از کتاب/الارشاد شیخ مفید و/الدرايه شهید ثانی و غیر اینها نام برد.

تفرشی همچنین به تمییز مشترکات در اسامی راویان و توحید مختلفات آنها توجه کرده است و حتی در مواردی که به نتایج قطعی دست نیافته، نظر خویش را به صورت احتمالی بیان کرده است. او عنوان‌هایی را که نام‌های مختلف یک شخص می‌دانسته، در ذیل یک عنوان آورده است.

در بخش نام‌ها از ۵۹۰۷ نفر نام برده است و ۶۹۷ عنوان نیز در کنیه‌ها و القاب و نام زنان راوی ذکر کرده است که در مجموع برای راویان در این کتاب ۶۶۰۴ عنوان وجود دارد.

ج) خاتمه کتاب

تفرشی در پایان کتاب تقدیر/الرجال، شش فایده رجالی افزوده است که عبارت‌اند از:

فایده اول: کنیه‌های معصومانی که راویان در نقل روایات به کار برده‌اند؛

فایده دوم: نام‌های معصومان و تاریخ تولد، وفات و مدت عمر هر یک از آنان؛

فایده سوم: مراد از «عده» در اسناد کلینی؛

فایده چهارم: تعیین اعتبار اسناد شیخ طوسی در مشیخه تهذیب/الأحكام و استبصار و اسناد شیخ صدوق در مشیخه من لا یحضره الفقیه؛

فایده پنجم: معروف بودن مصادر شیخ طوسی نزد او و بی‌نیازی از بررسی مشیخه در حجیت اخبار تهذیب و استبصار؛

فایده ششم: سند تفرشی به کتب حدیثی کلینی، طوسی، صدوق و مفید و دیگران.

خصوصیات کتاب نقد الرجال

شیوه کار مؤلف کتاب *نقد الرجال* امتیازات و ویژگیهایی دارد که این کتاب را از کتب رجالی‌ای که پیش از این با آنها آشنا شدیم، متمایز می‌سازد. آن گونه که از نام کتاب برمی‌آید تفرشی در این کتاب علاوه بر نقل اقوال و آرای پیشینیان، راه نقد و تحقیق بر اساس ادله محکم و مبانی استوار را در پیش گرفته است.

از جمله ابتکارات او در این کتاب به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- در این کتاب به ذکر توثیقات و تضعیفات رجالیان اکتفا نشده است، بلکه به آرا و نظریات فقها در کتب فقهی در مورد راوی نیز استناد و استشهاد شده است؛

۲- گاه به اساتیدی که راوی بسیار از آنها روایت می‌کند و شاگردانی که بسیار از او روایت می‌کنند در این کتاب به نقل از مصادر اولیه اشاره شده است؛^{۴۹۹}

۳- در اختلاف نسخه‌های منابع رجالی^{۵۰۰} و ضبط کلمات^{۵۰۱} دقت شده است؛

۴- نسخه‌های کتب رجالی موجود با نسخه‌هایی که علامه حلی و ابن داود از آنها روایت کرده‌اند، مقابله شده است؛^{۵۰۲}

۵- در موضوع تمییز مشترکات^{۵۰۳} و توحید مختلفات^{۵۰۴} تحقیق و بررسی صورت گرفته است؛

۶- اصول رجالی‌ای که اکنون در دست نیست، جمع‌آوری شده است؛^{۵۰۵}

۷- در این کتاب نظر رجالیان تکرار نشده و به نقل سخن یکی از آنها اکتفا شده است؛

۸- آرای رجالی علامه حلی در خلاصه الاقوال^{۵۰۶} بررسی شده و به صحت و سقم آنها اشاره شده است؛

۹- آرای رجالی و نقلهای ابن داود حلی در رجالش بررسی و به صحت و سقم آنها اشاره شده است.^{۵۰۷}

این ویژگیها و بسیاری دیگر که به آنها اشاره نکردیم در کتب رجالی بعد از او اثر گذاشته است و عالمان رجالی از آرا و نظریات او تأثیر پذیرفته‌اند؛ برای نمونه اردبیلی در جامع الرواة متأثر از این کتاب است.^{۵۰۸}

۴۹۹. در توثیقات عام گفته خواهد شد که برخی وضعیت رجالی و جهت‌گیری فکری اساتید و شاگردان کثیر الروایه یک راوی را نشان‌دهنده خط فکری و وضعیت رجالی او می‌دانند؛ به گونه‌ای که اگر بزرگان از راوی مزبور فراوان روایت کنند یا او از بزرگان فراوان روایت کند او را از این رهگذر توثیق می‌کنند و این مسئله را نشانی بر توثیق او می‌گیرند و برعکس چنانچه ضعفا بسیار از راوی روایت کنند و یا او از ضعفا بسیار روایت کند این مسئله را نشانی بر عدم وثاقت او می‌گیرند. درستی یا نادرستی این مبنا در توثیقات عام بحث می‌شود.

۵۰۰. برای نمونه نگاه کنید به: ابراهیم العجمی، ش ۱۰۰؛ ابراهیم بن محمد الهمدانی، ش ۱۳۴؛ بسطام بن برید الجعفی، ش ۶۹۲؛ بشار بن یسار الضبعی، ش ۷۱۰.

۵۰۱. برای نمونه نگاه کنید به: شرح حال جعفر بن بشیر، ش ۹۵۲؛ الحارث بن غصین، ش ۱۱۲۹؛ الحارث بن هاشم بن المغیره، ش ۱۱۴۲.

۵۰۲. برای نمونه نگاه کنید به: جعفر بن عمرو، ش ۹۸۹؛ جهیم، ش ۱۰۸۹؛ الحارث بن قیس، ش ۱۱۳۱.

۵۰۳. برای نمونه نگاه کنید به: جعفر بن سلیمان، ش ۹۶۶؛ جعفر بن عبدالله، ش ۹۷۷؛ جعفر بن معروف، ش ۱۰۲۴.

۵۰۴. برای نمونه نگاه کنید به: جعفر بن سماعه، ش ۹۶۸؛ جعفر بن الحکم العبدی، ش ۱۰۳۹؛ جعفر بن الهذیل، ش ۱۰۳۲.

۵۰۵. مثل رجال ابن غضائری.

۵۰۶. برای نمونه نگاه کنید به: زرعة بن محمد، ش ۲۰۳۰؛ زکریا أبویحیی، ش ۲۰۴۲؛ زکریا بن سابق، ش ۲۰۴۸.

۵۰۷. برای نمونه نگاه کنید به: شهاب بن عبدربه، ش ۲۵۵۸؛ صالح بن سعید، ش ۲۵۸۲؛ صالح بن سهل، ش ۲۵۸۶؛ زکریا أبویحیی، ش ۲۰۴۲.

۵۰۸. جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۶ - ۱۴.

رابطه نقد الرجال با جوامع هم عصر

نقد الرجال تفرشی و مجمع الرجال قهپایی و منهج المقال استرآبادی در یک عصر نگاشته شده‌اند. مرحوم تفرشی تاریخ تألیف کتاب نقد الرجال را چهاردهم رمضان المبارک سال ۱۰۱۵ هجری ذکر کرده است.^{۵۰۹} او پس از این تاریخ بر این کتاب حواشی نوشته است. در حاشیه کتاب تاریخ وفات استادش شیخ عبدالله شوشتری را به سال ۱۰۲۱ هجری و تاریخ وفات فیض‌الله تفرشی را به سال ۱۰۲۵ هجری ثبت کرده است.

قهپایی نیز که هم عصر تفرشی بوده و برخی اساتیدش با اساتید او مشترک بوده‌اند به سال ۱۰۱۶ هجری کتاب مجمع الرجال را به پایان برده و سپس بر آن حواشی زده است. کتاب مهم منهج المقال تألیف میرزا محمد استرآبادی نیز به سال ۹۸۶ به پایان رسیده است. به این ترتیب این سه کتاب در یک دوره زمانی نوشته شده‌اند. از آنجا که مرحوم قهپایی حاشیه‌ای بر نقد الرجال نوشته است؛^{۵۱۰} بنابراین، از آن کتاب اطلاع داشته است، اما قرینه‌ای بر استفاده او از این کتاب در تألیف مجمع الرجال وجود ندارد. از سوی دیگر هیچ گونه قرینه صریحی بر استفاده نقد الرجال از منهج المقال وجود ندارد؛ هرچند که نگارش منهج المقال پیش از نقد الرجال پایان یافته است و هر دو مؤلف نیز در زمان تألیف کتابهای رجالی‌شان در یکجا سکونت داشته‌اند. همچنین مؤلف شاگرد استرآبادی هم بوده است؛ بنابراین، به طور قطع کتاب او را دیده و در اختیار داشته است.

ملحقات

حواشی نقد الرجال

- کتاب نقد الرجال به سبب برخی خصوصیات مهم که ذکر شد و همچنین جامعیت به همراه اختصار، موضوع حواشی بسیاری از بزرگان شده است. این حواشی عبارت‌اند از:
- ۱- حاشیه محمدتقی مجلسی (م ۱۰۷۰ ه)؛ این حاشیه در چاپ اخیر، که از سوی مؤسسه آل بیت صورت گرفته است در زیرنویس آمده است.
 - ۲- حاشیه عنایت الله قهپایی (قرن ۱۱ ه)؛
 - ۳- حاشیه سید نعمت الله جزایری (م ۱۱۱۲ ه)؛
 - ۴- حاشیه سید عبدالله جزایری تستری (م ۱۱۷۳ ه)؛
 - ۵- حاشیه محمدعلی بهبهانی کرمانشاهی (م ۱۲۱۶ ه)؛
 - ۶- حاشیه میرزا نصرالله حسینی (زنده به سال ۱۲۳۹ هجری)؛
 - ۷- حاشیه حسین حسینی خراسانی (م ۱۲۵۸ ه)؛
 - ۸- حاشیه محمدجعفر شریعتمدار استرآبادی (م ۱۲۶۳ ه)؛
 - ۹- حاشیه سید محمد شفیع محدث جزایری شوشتری (م ۱۲۷۴ ه)؛
 - ۱۰- حاشیه سید شفیع بن محمد بن عبدالکریم جزایری (قرن ۱۳ ه)؛

۵۰۹. همان، ج ۵، ص ۴۲۸.

۵۱۰. ملاعلی کنی در توضیح المقال تصریح کرده که این کتاب را دیده است، اما صاحب ریاض العلماء در انتساب این حواشی به قهپایی تردید کرده و احتمال انتساب آن به شیخ عبدالنبی جزایری مؤلف حاوی الأقوال را نیز منطقی دانسته است.

۱۱- حاشیه علی بن محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی (م ۱۳۱۵ ه).
همچنین عبدالنبی کاظمی کتابی با عنوان *تکملة نقد الرجال* در سه جلد تألیف کرده و از سوی انتشارات انوار الهدی^۱ چاپ شده است.

چاپهای کتاب

۱- کتاب *نقد الرجال* به صورت افست از نسخه سنگی در یک مجلد از سوی انتشارات الرسول المصطفی^۱ در قم نشر یافته است.

۲- این کتاب توسط مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث تحقیق شد و در سال ۱۳۷۶ شمسی در پنج مجلد نشر یافت. همچنین حاشیه محمدتقی مجلسی با رمز (م، ت) در زیرنویس این کتاب تحقیق و چاپ شده است. در این چاپ رمزهای موجود در اصل *نقد الرجال* باز شده و نام مصادر به صراحت ذکر شده است.

جلسه سیزدهم

آشنایی با جامع الرواة

اهداف درس

آشنایی با:

✓ اردبیلی، نگارنده جامع الرواة؛

✓ کتاب جامع الرواة.

گفتار سوم: آشنایی با جامع الرواة

یکی از مهم‌ترین جوامع رجالی که در قرن یازدهم هجری تألیف شده است کتاب جامع الرواة و إزاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد نام دارد. از آنجا که این کتاب خصوصیات منحصر به فردی دارد آشنایی با آن برای هر دانش‌پژوه رجالی ضرورت دارد.

آشنایی با مؤلف

مؤلف این کتاب عالم بزرگوار محمد بن علی اردبیلی است. از تاریخ و محل ولادت او اطلاعی در دست نیست، اما با توجه به قراین ظاهراً او در اصل اردبیلی بوده و مدتی در نجف اشرف و کربلای معلی اقامت گزیده و در اواخر قرن یازدهم به اصفهان سفر کرده است و پس از آن دوباره به کربلا بازگشته است. اردبیلی در ماه ذی‌القعدة سال ۱۱۰۱ هجری در کربلا چشم از جهان فرو بست. بنابراین، او پس از بازگشت از اصفهان به کربلا مدت بسیار کوتاهی در قید حیات بوده و پس از اندک‌زمانی از دنیا رفته است.^{۵۱۱}

بر اساس کتاب او می‌توان برخی از مشایخش را بازشناخت. او در جامع الرواة از شیخ جعفر کمرئی نام می‌برد و او را به عنوان استاد خود در تمام علوم می‌ستاید.^{۵۱۲} همچنین در این کتاب نام علامه محمدباقر مجلسی را می‌آورد و ضمن ستایش وی، او را به عنوان استاد خود معرفی می‌کند.^{۵۱۳} اردبیلی اجازه روایی از علامه مجلسی نیز دارد. این اجازه در سال ۱۰۹۸ هجری صادر شده و در پایان کتاب جامع الرواة چاپ شده است.

۵۱۱. اطلاع‌الله علی الرجال و الحدیث، ص ۱۲۷.

۵۱۲. جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۵۳.

۵۱۳. همان، ج ۲، ص ۷۸.

آشنایی با کتاب جامع الرواة

این کتاب در قالب مقدمه، متن اصلی کتاب و خاتمه‌ای مشتمل بر ده فایده سامان یافته است.

الف) مقدمه

مرحوم اردبیلی در مقدمه درباره انگیزه تألیف کتاب جامع الرواة می‌نویسد:

هنگامی که احادیث اهل بیت (علیهم السلام) را فرامی‌گرفتم بر خود تکلیف نمودم که در صحت و ضعف سند روایات نیز دقت کنم. پس با مراجعه به منابع، به دلیل مطلق گذاردن نام برخی راویان یا به دلیل اختلاف نسخه‌ها دچار تحیر شدم و راهی برای ترجیح حکم به صحت یا ضعف روایات نیافتم؛ از این رو، حدیث از نظر من ضعیف و مجهول بود؛ چنان که در نظر بسیاری از عالمان و فقیهان نیز چنین بود و آنان بر چنین خبری اعتماد نمی‌کردند و آن را مستند حکم قرار نمی‌دادند، در حالی که این‌گونه روایات در کتابهای حدیث بسیار است. این نکته بر من بسیار سخت و سنگین آمد. پس از فکر بسیار و تفضل خداوند به این نتیجه رسیدم که شناخت حال راویانی که به صورت مطلق از ایشان نام برده شده است، از طریق راوی و مروی^{۵۱۴} عنه آنها ممکن است، به صورتی که دیگر اشتباه و اشکالی باقی نماند. اما از سوی دیگر، عالمان رجالی نام تمامی راویان (روایت‌کننده و گیرنده روایت از راوی) را ذکر نکرده‌اند و تنها در برخی موارد در ذیل نام برخی راویان گفته‌اند: جماعتی از فلان راوی روایت کرده‌اند، از جمله فلانی و فلانی، و این مقدار در رسیدن به مطلوب کافی نبود.^{۵۱۴}

با توجه به این شرح، که اردبیلی خود درباره انگیزه تألیف کتاب آورده است، باید انگیزه تألیف کتاب را شناخت مشترکات از طریق طبقه دانست و این کتاب را اولین کتابی شمرد که به دنبال تعیین طبقه راویان از طریق راوی و مروی^{۵۱۴} عنه بوده است.

ب) متن کتاب

در متن کتاب نام روات، اطلاعات رجالی نقل شده از کتب پیشینیان و اطلاعات مربوط به طبقه وجود دارد. اکنون به بررسی هر یک از این اجزا می‌پردازیم:

۱- نام راویان: مؤلف نام هر یک از راویان را به صورت کامل در کتاب خود می‌آورد. او در متن کتاب، علاوه بر نام راویانی که در مصادر رجالی گذشته وجود داشته است، نام راویانی را که در کتب چهارگانه حدیثی شیعه ذکر شده‌اند نیز آورده است. خصوصیات کلی این بخش از کتاب عبارت است از:

الف) نظم الفبایی: نظم الفبایی کامل در عناوین کتاب جامع الرواة رعایت شده است؛

ب) باب‌بندی: اسامی راویان، بخش عمده کتاب را تشکیل می‌دهد. پس از ذکر اسامی که بیش از ۷۸۴۶ عنوان است، بابتی به ذکر کنیه‌ها اختصاص داده شده است که ۷۱۹ کنیه با تعبیر «أبو» را شامل می‌شود.

۵۱۴. همان، ج ۱، ص ۴ - ۳ با تلخیص.

همچنین در فصلی جداگانه ۱۵۵ کنیه که با «ابن» آمده‌اند، ذکر شده است. در فصلی دیگر نسبت و لقبهای مشهور به کار رفته در اسناد را معرفی کرده است. این فصل ۲۰۸ عنوان دارد.

فصل دیگری به ذکر زنان راوی از ائمه اختصاص دارد که بالغ بر ۸۸ نفر هستند. در فصل آخر، چهارده عنوان به صورت مبهم و بدون ذکر اسم در بین راویان که شیخ طوسی نیز به آنها اشاره کرده، آورده است؛ مواردی چون «عن رجل»، «عن شیخ من أصحابنا»، «عن بعض أصحابه» و مانند اینها.

بنابراین، در مجموع بیش از ۹۰۵۰ عنوان در کتاب جامع الرواة در بخشهای اسامی، کنیه‌ها، نسب و القاب نام برده شده‌اند.^{۵۱۵}

۲- نقل اطلاعات رجالی کتب پیشین: مؤلف شرح حال روات را از کتب رجالی مشخصی استخراج کرده است و آنها را بر اساس نظامی معین ارائه می‌دهد. شیوه مؤلف در ارائه اطلاعات رجالی به این صورت است: الف) مؤلف ابتدا عبارت رجال وسط میرزا محمد استرآبادی را که تلخیص المقال فی أحوال الرجال نام دارد، آورده است و پایان نقل او را با رمز «مح» مشخص می‌کند. بنابراین، تمامی عناوین موجود در تلخیص المقال به صورت کامل در این کتاب آمده است.

ب) در صورتی که مطلب مهمی در نقد الرجال میرمصطفی تفرشی وجود داشته باشد که استرآبادی ذکر نکرده است، آن را نقل و با رمز «س» مشخص می‌کند.

ج) علاوه بر آن مواردی از فهرست شیخ منتجب‌الدین با رمز «جب» به این اسامی افزوده شده است.

د) در نهایت مؤلف خود نیز نام راویانی را که در کتابهای رجالی از ایشان نام برده نشده است، استخراج کرده و این‌چنین عناوینی بدون ذکر مصدر و اطلاعات رجالی در این کتاب آمده است.

۳- اطلاعات مربوط به طبقه: مؤلف اطلاعات مربوط به طبقه هر راوی را به دو شکل ارائه می‌دهد:

الف) مشخص کردن روایت راوی از امام: او در مقابل نام هر یک از اصحاب ائمه (علیهم السلام)، با ذکر رمز نام آن امام، بر اساس رمزهای ابواب رجال طوسی، طبقه راوی را مشخص کرده است.

تعیین راویان هر امام و کسانی که از هیچ یک از ائمه (علیهم السلام) روایت نقل نکرده‌اند، پیش‌تر به دست شیخ طوسی و در حد توان و اطلاعات شیخ در کتاب الرجال انجام شده بود. مرحوم اردبیلی مدعی است که بیش از یک سوم رجال شیخ طوسی را بر آن افزوده و اصحاب ائمه (علیهم السلام) را تعیین کرده است؛ در حالی که از نظر شیخ طوسی و دیگر عالمان رجالی، به ظاهر، ایشان روایتی از ائمه (علیهم السلام) نداشته‌اند.^{۵۱۶}

مؤلف برای اختصار، آدرس روایت راویان را از امام ذکر نکرده و به همان رمز، که نشان‌دهنده روایت از امام است، اکتفا کرده است.

۵۱۵. در چاپ موجود از این کتاب، در پاره‌ای مواردی برخی عناوین شماره‌گذاری نشده است؛ از این رو، شمارشگر عناوین به طور قطع شماره تمامی عناوین را گزارش نمی‌کند و تعداد عناوین بیش از این مقدار است.

۵۱۶. همان، ص ۶.

ب) مرحوم اردبیلی پس از ذکر نام راوی و نقل سخن استرآبادی و تفرشی و مشخص کردن روایت او از ائمه (علیهم السلام)، نام راویان از راوی مورد بحث را ذکر می‌کند و بعد از نام هر یک از آنان به آدرس اجمالی چهار تا شش حدیث از آنان اشاره می‌کند. اردبیلی برای این کار راویان هر راوی را از کتب اربعه حدیثی (کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب الأحکام و استبصار) فهرست شیخ طوسی، فهرست شیخ منتجب‌الدین، مشیخه من لا یحضره الفقیه و تهذیب الأحکام و استبصار استخراج کرده است و به ترتیب با رمزهای «فی»، «یه»، «یب»، «بص»، «ست» و «جب» به آنها ارجاع می‌دهد.

مرحوم اردبیلی با این شیوه، راهی برای شناخت راویان و تمیز مشترکات گشوده و بسیاری از موارد اشکال را حل کرده است. البته در مواردی با وجود تلاش او این کار عملی نشده است و هیچ قرینه‌ای برای ترجیح نام یکی از راویان بر دیگر هم‌نامانش و تعیین او نیافته است. در این موارد راوی و مروی عنه را آن‌گونه که در سند وجود داشته، همراه نام مورد بحث نقل کرده است، تا شاید دیگران قرینه‌ای برای ترجیح بیابند. او در تبیین شیوه خود در ترجیح و تمیز بین مشترکات می‌گوید:

در ابتدای امر تنها بر قرینه‌های فراوان و قوی اعتماد می‌کردم، ولی پس از تتبع و بررسی چون در ترجیح برخی نامها بر دیگران بر اساس قاعده مشهور، ترجیح بدون مرجح یا ترجیح ناپسند لازم می‌آمد، پس ترجیح با قرینه‌های ضعیف را بهتر از آن دانستم؛ لذا در برخی موارد بر قرینه‌های کم و ضعیف هم اعتماد نمودم.^{۵۱۷}

در مجموع این شیوه نگارش، گذشته از فواید بسیاری که به صورت مستقیم داراست، فوایدی نیز در لابه‌لای آن نهفته است که عبارت است از:

- ۱- برخی راویانی که توثیق شده‌اند، اما به روایات ایشان از معصوم تصریح نشده است، در این کتاب شناسایی و معرفی شده‌اند. این امر در شناسایی و بررسی احادیث مضمرة از این افراد بسیار مؤثر است.
- ۲- پس از توضیح و تعیین راویان از هر شخص، در صورتی که اشتباهی از جهت قرار نگرفتن راوی در طبقه رجالی‌اش رخ داده باشد، قابل تشخیص و بازایی است.
- ۳- گاهی روایت کردن عده زیادی از ثقات و راویان معروف و دیگران از شخص، به این معناست که او حسن ظاهر داشته، یا شیخ اجازه و یا کثیر الروایه بوده است و هر یک از این امور خود می‌تواند بر اساس برخی مبانی، کاشف از وثاقت یا حسن راوی باشد.
- ۴- با شناخت راوی و مروی عنه، برخی اختلافات بین عالمان رجالی نیز حل‌شدنی است و این امر می‌تواند مرجح نظر برخی بر دیگران گردد.

ج) خاتمه کتاب

مؤلف بعد از پایان متن کتاب، فواید ده‌گانه تلخیص‌المقال را آورده است. همچنین فواید شش‌گانه نقد الرجال تفرشی را ذکر کرده است، اما از آنجا که او در ذکر فواید رجالی از این دو کتاب، حتی شماره فواید را همان‌گونه که در مصدر کتابش بوده، ذکر کرده است، نوعی پیچیدگی و ابهام را در عناوین این فواید به وجود آورده است. از این رو، مراجعه‌کننده دو فایده اول و دو فایده دوم و ... را مشاهده می‌کند و چه بسا دچار اشتباه می‌شود. ما در اینجا فهرست این فواید را با تعیین مصدر آن ذکر می‌کنیم:

الخاتمه، فایده اول: دوازده کنیه، که در اسامی به کار رفته و گاه در شناخت راوی مشکل آفرین است (تلخیص المقال).

الخاتمه، فایده اول: کنیه‌ها و القاب ائمه (علیهم السلام) که در اسناد روایات به کار رفته است. (نقد الرجال)
فایده دوم: مراد از أبوجعفر که راوی بوده و در برخی اسناد قرار گرفته است. (تلخیص المقال)
فایده دوم: اسامی ائمه (علیهم السلام) و تاریخ ولادت و وفات و مدت عمر ایشان. (نقد الرجال)
فایده سوم: مراد از «عده» در اسناد کلینی در کتاب کافی. (تلخیص المقال)
فایده چهارم: تذکرات و تنبیهاتی که ابن داود در رجالش درباره برخی اسناد ذکر کرده است. (تلخیص المقال)
فایده پنجم: تعیین نایبان خاص امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف). (تلخیص المقال)
فایده ششم: کسانی که از سوی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای ایشان توقیع صادر شده است. (تلخیص المقال)
فایده هفتم: کسانی که در عصر غیبت صغری ادعای نیابت و وکالت کردند و مورد ذم معصوم قرار گرفتند. (تلخیص المقال)
فایده هشتم: ذکر نظر علامه حلی درباره ۲۸ طرق شیخ طوسی به مصادر کتابهای تهذیب و استبصار به اختصار. (تلخیص المقال)
فایده چهارم: بررسی طرق شیخ طوسی به مصادر دو کتاب تهذیب و استبصار به ترتیب الفبای اسامی افزون بر ۶۸ طریق و طرق شیخ صدوق به راویان کتابش افزون بر ۳۹۰ نفر. (تلخیص المقال و نقد الرجال)
فایده نهم: روایات رجال کشی درباره اقوام و گروههای مختلف (هفت گروه). (تلخیص المقال)
فایده دهم: طرق علامه حلی به مصادر کتابش و طرق میرزا محمد استرآبادی به علامه حلی. (تلخیص المقال)
فایده پنجم: تصحیح طرق شیخ طوسی و شیخ صدوق به مصادرشان. (نقد الرجال)
فایده ششم: طرق تفرشی به کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی. (نقد الرجال)

تاریخ تألیف جامع الرواة

بر اساس نسخه خطی که در قم از این کتاب موجود است، تاریخ پایان تألیف کتاب در نوزدهم ربیع الأول ۱۱۰۰ هجری در اصفهان بوده است. بخشی از این نسخه را آقا رضی قزوینی، معاصر مؤلف، نگارش کرده است و بخش دیگر آن را کاتبی دیگر به درخواست او نگاشته است. تاریخ نگارش این نسخه از روی خط مؤلف، سال ۱۱۲۵ هجری است.

در پشت این نسخه مطالبی از مؤلف نقل شده است که فواید جالبی دارد؛ از جمله:

- ۱- مؤلف این کتاب را در طول بیست سال تألیف کرده است.
- ۲- پس از پایان تألیف کتاب، شاه سلیمان صفوی دستور داد که نسخه‌ای از این کتاب را برای او بنویسند. هنگامی که کاتب قصد نسخه‌برداری نمود، مؤلف جمعی از عالمان بزرگ را در حجره‌اش در مدرسه مبارکیه گرد آورد و هر یک از آنان کلمه‌ای از کتاب را به خط خود نگاشتند. دو سطر اول کتاب به این شکل بازنویسی شد. این کار تقریری از سوی آن عالمان نسبت به مؤلف و کتابش و همچنین نوعی تیمن و تبرک به خط آن عالمان بود.

در این داستان، نقل شده است که «بسم الله الرحمن الرحيم» را علامه محمدباقر مجلسی، «الحمد لله» را آقا جمال خوانساری، «الذي» را علاءالدین گلستانه، «زین قلوبنا» را سید میرزا محمد رحیم عقیلی، «بمعرفه الثقات» را شیخ جعفر قاضی، «والعدول» را آقا رضی خوانساری، برادر آقا جمال، «الإثبات و الأعیان» را مولی^۱ محمد سرابی و بقیه دو سطر را دیگر عالمان نگاشتند و سپس تا آخر کتاب را دو کاتب نسخه، نگاشتند.

۳- نسخه پیش گفته در سال ۱۱۰۰ هجری پایان یافته است.

۴- علامه مجلسی در پشت این نسخه چنین نوشته است:

إنه أوقفها من قبل الشاه سليمان في شهر شعبان من سنة مئة بعد الألف.

تصحیح الأسانید

یادآوری می شود که مؤلف کتابی در ذکر تمامی طرق شیخ طوسی به مصادر کتابهای تهذیب و استبصار نگاشته و نام آن را *رسالة تصحیح الأسانید* گذاشته است. او مختصر این رساله را در ضمن فایده چهارم خاتمه به صورت کامل آورده است.^{۵۱۸}

وی دلیل تألیف این رساله را دو نکته ذکر کرده است:

۱- ضعیف یا مجهول یا مرسل بودن برخی از طرق شیخ طوسی به مصادر کتابش، بنا بر نظر مشهور، موجب تضعیف روایات او می شد؛

۲- تعلیق در اسناد تهذیب و استبصار و ذکر نکردن سند شیخ طوسی به برخی از مؤلفان کتب مشهور موجب تضعیف روایات او می شد.

مؤلف با توجه به این دو مشکل مهم، به تتبع پرداخته و به طرق دیگری از شیخ طوسی دست یافته است که آن طرق صحیح و معتبر هستند و می توانند ضعفهای پیش گفته را جبران کنند.

بر این اساس، مؤلف اسناد شیخ طوسی را به ۸۵۰ نفر از نویسندگان مصادر کتابش با ذکر آدرس فراهم آورده و اعتبار آنها را بررسی کرده است. با این کار، او حدود پانصد طریق شیخ طوسی را معتبر دانسته است؛ حال آنکه شیخ طوسی هم در *مشيخة تهذیب و استبصار* تنها ۳۹ استاد خود را نام برده است. علامه حلی و میرزای استرآبادی ظاهراً تنها ۲۵ طریق را معتبر می دانند و سید تفرشی ۳۱ استاد شیخ طوسی را بر *مشيخة تهذیب و استبصار* افزوده و طرق آنها را از کتاب *الفهرست* شیخ طوسی استخراج کرده است. تفرشی در مجموع سی طریق شیخ را معتبر دانسته است.^{۵۱۹}

۵۱۸. جامع الرواة، ج ۲، ص ۵۲۹ - ۴۷۳.

۵۱۹. برای آشنایی شیوه جمع آوری این اساتید در *رسالة تصحیح الأسانید* و نقد آن و همچنین دیدن نمونه های عینی نگاه کنید به: *إطالة على الرجال والحديث*، ص ۱۳۶ - ۱۳۲، یا *مقدم جامع الرواة*، ج ۱، ص «د»، «ه»، «و».

ملحقات

کتابهایی بر محور جامع الرواة

کتاب جامع الرواة مدتها در دسترس عالمان بسیاری قرار نداشت و به آن توجهی نمی شد. مرحوم آیت الله العظمی بروجردی بر نسخه این کتاب دست یافتند و با وجود آنکه خودشان کتاب رجالی ای بر شیوه جامع الرواة نوشته بودند و در دست آماده سازی برای چاپ بود، اما به چاپ جامع الرواة همت گماردند و مقدمه ای هم بر این کتاب نگاشتند؛ از این رو، حواشی و تعلیقات بر این کتاب نوشته نشده است. تنها دو نوع اختصار از این کتاب وجود دارد که عبارت است از:

- ۱- مختصر جامع الرواة، تألیف سید حسین حسینی قزوینی (م ۱۲۰۸ هـ): او در مقدمه سوم کتاب معارج الأحکام خود به اختصار از راویان حدیث نام برده و این فهرست را بر اساس جامع الرواة تنظیم کرده است.
- ۲- معجم الثقات من جامع الرواة، تألیف سید علی محمد دستغیب حسینی شیرازی (معاصر) که فهرستی از موثقین جامع الرواة را گرد آورده است.

جلسه چہاردهم

آشنایی با تنقیح المقال فی علم الرجال

اهداف درس

آشنایی با:

✓ مامقانی، نگارنده تنقیح المقال؛

✓ کتاب تنقیح المقال.

گفتار چهارم: تنقیح المقال فی علم الرجال

از آنجا که این کتاب بزرگ‌ترین مجموعه رجالی چاپی موجود است، اهمیت بسیار دارد.

آشنایی با مؤلف

مؤلف این اثر ارزشمند شیخ عبدالله مامقانی، فرزند شیخ محمدحسن مامقانی نجفی غروی، متولد سال ۱۲۹۰ هجری و متوفی سال ۱۳۵۱ هجری است. او از پنج سالگی فراگیری قرآن و دروس مقدماتی را شروع کرد و سپس دروس سطح عالی را طی کرد و در هجده سالگی در درس استدلالی اصول فقه و در نوزده سالگی در درس استدلالی فقه، که توسط پدرش تدریس می‌شد، شرکت کرد. او در مطالعه و مباحثه بسیار باهمت و علاقه‌مند بود، اما پس از مدتی به سبب کثرت مطالعه و مباحثه افسرده‌خاطر شد و از آن پس به راهنمایی برخی اساتید تألیف منتهی المقاصد فی نکت شرایع الاسلام را آغاز کرد و تا زمان تألیف تنقیح المقال، ۶۳ جلد از این کتاب را تألیف نمود.

مامقانی هفده عنوان کتاب تألیف کرده است که برخی، از جمله منتهی المقاصد، دارای مجلدات بسیار است. علاوه بر این، او رساله‌های علمی بسیاری نیز تألیف کرده است.

از مهم‌ترین نگارشهای او در رجال و درایه، کتابهای تنقیح المقال فی علم الرجال و مقباس الهدایة فی علم الدرایه است.^{۵۲۰}

۵۲۰. برای اطلاع بیشتر از زندگی مامقانی به این منابع مراجعه کنید: ریحانة الأدب، ج ۵، ص ۱۵۶؛ طبقات أعلام الشیعه (نقباء البشر)، ج ۳، ص ۱۱۹۶؛ الکنی و الألقاب، ج ۳، ص ۱۳۴؛ معجم المؤلفین، ج ۶، ص ۱۱۶؛ لغت‌نامه دهخدا (مامقانی)، ص ۱۱۴۸.

آشنایی با تنقیح المقال فی علم الرجال

مامقانی کتاب را در قالب مقدمه، فهرست خلاصه آرای رجالی، متن اصلی کتاب و خاتمه سامان داده است.

الف) مقدمه

مقدمه کتاب در چهار مقام سامان یافته است:

مقام اول: تعریف علم رجال؛

مقام دوم: موضوع علم رجال؛

مقام سوم: فایده و نیاز به آن؛

مقام چهارم: فواید مختلف رجالی.

در بخش فواید رجالی سی فایده که دانستن آن برای رجالیان ضروری است، آمده^{۵۲۱} و مبانی رجالی و اصطلاحات رجالی شرح داده شده است. او در مقدمه، انگیزه خود از نگارش کتاب را چنین برمی‌شمارد:

هنگام تألیف مقیاس الهدایة فی علم الدراریه به برادران ایمانی وعده می‌دادم که کتابی در رجال تألیف خواهم کرد، اما موانعی برای این کار وجود داشت. تا آنکه در پایان ماه صفر سال ۱۳۴۸ هجری شروع به تألیف این کتاب کردم.

همچنین او از حال خود هنگام تألیف این کتاب، گزارش می‌دهد و می‌گوید که این کتاب را با توفیق الهی در نزدیک به یک سال نوشته است.^{۵۲۲}

ب) فهرست خلاصه آرای رجالی

پس از مقدمه، مامقانی در بخشی با عنوان «من نتائج التنقیح»، نتایج رجالی و اظهار نظر دربارهٔ راویان را که محصول مباحث تنقیح المقال است، فهرست‌وار ارائه کرده است.

ج) متن کتاب

نام راویان در این کتاب بر اساس ترتیب الفبایی نام راوی و نام پدر او آمده است. در مورد متن کتاب چند نکته قابل توجه است:

۱- خصوصیات عناوین

الف) عناوین صحابه: مؤلف در قسمتهای آغازین کتاب نام همه صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را که از منابع رجالی اهل سنت استخراج کرده است، بر اساس حروف الفبا در جای خود نگاشته است، ولی پس از چندی، تنها صحابه موثق یا حسن را ضمن نام راویان در جای اصلی خودش آورده و دیگر افراد را زیر هر عنوان از نامها با عنوان «تذیل» ذکر کرده است؛ برای نمونه در نام «أسود»، تزییلی مشتمل بر یازده صحابه مجهول که نامشان «أسود» است، آمده است.

۵۲۱. این سی فایده رجالی تنقیح المقال در مبحث «برای مطالعه بیشتر» در همین گفتار آمده است.

۵۲۲. سخن او در توفیقات الهی هنگام نگارش کتاب در مبحث «برای مطالعه بیشتر» در همین گفتار آمده است.

ب) عناوین غیر روات: تنقیح المقال در بسیاری از موارد از شیوه کتب رجالی خارج شده و به شیوه کتب تراجم گراییده است. در این گونه موارد، شرح حال اشخاصی غیر از رجال حدیث آمده است و کتاب از حالت رجالی صرف به حالتی فراتر کتاب او، اعم از رجال و تراجم، در آمده است.^{۵۲۳}

۲- محتوای شرح حالها

مؤلف پس از ذکر هر عنوان، مطالب زیر را در شرح حال شخص می آورد:

الف) شیوه تلفظ و خصوصیات هجایی برخی نامها در عنوان «الضبط» بیان شده و وجه نام گذاری را بیشتر با استفاده از /یضاح /لاشتباه و توضیح /المشتبه و تاج العروس بیان کرده است.

ب) شرح حال به نقل از منابع رجالی در عنوان «الترجمة» بیان شده است. او ابتدا بیشتر، کلام شیخ طوسی در رجال یا فهرست رامی آورد و پس از آن، گفتار دیگر مصادر رجالی را ذکر می کند.^{۵۲۴}

ج) تمیز مشترکات، با نقل عبارات جامع المقال و هداية المحدثین و جامع الرواة و تحقیق در باب وحدت یا تعدد یک عنوان که این مباحث را گاه با عنوان «التمییز» مطرح می کند.^{۵۲۵}

د) مدح و ذم با استفاده از آرای رجالیان و روایات او در کتب حدیث. در این راستا و در تعیین اعتبار شخص از روایات رجال کسبی نیز استفاده می کند.^{۵۲۶}

۳- منابع علامه مامقانی

از آنجا که کتاب تنقیح المقال یک کتاب جامع رجالی است، لذا در بررسی آن، توجه به منابع و مصادر کتاب اهمیت ویژه ای دارد.

مامقانی در ابتدا به گردآوری کتب رجالی پرداخته و به واسطه جمعی از معاصرینش به کتابهای رجالی مختلف دست یازیده است. او خود از شیخ علی کاشف الغطاء، که متصدی کتابخانه شیخ جعفر کاشف الغطاء در نجف اشرف بوده است، نام برده و از او به تجلیل و اکرام یاد کرده است.^{۵۲۷}

او در بیان شیوه استفاده از این منابع می گوید:

من از کتابهای رجالی ای که در دسترسم بود، چیزی فرو نگذاشتم، مگر آنکه مطالب مهم آن را نقل کردم و مراجعه کننده را از مراجعه به آنها راحت ساختم.^{۵۲۸}

لیست منابعی که مؤلف هنگام تألیف کتاب در اختیار داشته و از آنها استفاده کرده است، چنین است:

۱- رجال شیخ طوسی؛

۲- رجال برقی؛

۳- فهرست ابن ندیم؛

۴- فهرست شیخ طوسی؛

۵۲۳. برای نمونه در پایان باب احمد نام دو تن از شهدای کربلا را افزوده است که راوی هم نیستند. برخی شرح حال همه شهدای کربلا را از کتاب تنقیح المقال استخراج کرده اند (بصار العین فی أنصار الحسین علیه السلام).

۵۲۴. برای نمونه رجوع کنید به: ج ۳، ص ۲۳۶، ۲۴۵، ۲۵۱، ۲۵۸ و ۲۹۰ - ۲۸۸.

۵۲۵. برای نمونه رجوع کنید به: ج ۳، ص ۷۱ - ۶۴، ۲۶۸ - ۲۶۷ و ۲۸۸ - ۲۸۲.

۵۲۶. برای نمونه رجوع کنید به: ج ۳، ص ۷۱ - ۶۴، ۲۶۷، ۲۶۸ و ۲۸۸ - ۲۸۲.

۵۲۷. تنقیح المقال، انتشارات جهان، ج ۱، ص ۱.

۵۲۸. همان، ص ۲.

- ۵- رجال ابن غضائری؛
 - ۶- رجال نجاشی؛
 - ۷- رجال کشی؛
 - ۸- تحریر طاووسی؛
 - ۹- خلاصة الأقوال؛
 - ۱۰- تعلیقہ شہید ثانی بر خلاصة الأقوال؛
 - ۱۱- رجال ابن داود؛
 - ۱۲- معالم العلماء؛
 - ۱۳- الوجيزة فی الرجال، علامہ مجلسی؛
 - ۱۴- بلغة المحدثین؛
 - ۱۵- حاوي الأقوال؛
 - ۱۶- نقد الرجال؛
 - ۱۷- تکملة نقد الرجال؛
 - ۱۸- خیر الرجال، تألیف شریف لاهیجی؛
 - ۱۹- منهج المقال و تعلیقہ بهبهانی؛
 - ۲۰- تلخیص المقال یا رجال و سبط استرآبادی؛
 - ۲۱- منتهی المقال؛
 - ۲۲- نکت الرجال، تعلیقہ صدرالدین بر منتهی المقال؛
 - ۲۳- جامع الرواة؛
 - ۲۴- جامع المقال؛
 - ۲۵- هداية المحدثین یا مشترکات کاظمی؛
 - ۲۶- رجال سید بحر العلوم؛
 - ۲۷- الرسائل الرجاليه، تألیف شفتی؛
 - ۲۸- إيضاح الإشتباه؛
 - ۲۹- توضیح الإشتباه، تألیف فاضل ساروی؛
 - ۳۰- معراج أهل الکمال؛
 - ۳۱- أمل الآمل؛
 - ۳۲- روضات الجنات.
- همچنین مامقانی سخنان محقق داماد، شیخ بهایی و شیخ محمد، نوه شہید ثانی را کہ به دستش رسیدہ، نقل کرده است. او چہار کتاب از منابع رجال اہل سنت را نام می برد:
- ۱- أسد الغابة في معرفة الصحابة؛
 - ۲- تهذيب الأسماء؛
 - ۳- الإصابة في تمييز الصحابة؛
 - ۴- الاستيعاب.

احتمال دارد که از غیر اینها هم استفاده کرده باشد. همچنین او از کتابهای چهارگانه حدیث شیعہ نیز استفاده کرده است.

منابع گذشته منابعی است که مرحوم مامقانی از آنها مطلب نقل کرده است، ولی فراتر از آن، مامقانی به کتابهای رجال بسیار دیگری نیز مراجعه کرده است که به دلیل نقل نکردن از آن کتابها، از آنها نامی نبرده است.

در مجموع تعداد ۱۳۳۶۸ عنوان راوی با نام، ۱۴۴۴ عنوان با کنیه، ۱۳۴۳ عنوان لقب و ۱۵۲ راوی زن در کتاب تنقیح المقال عنوان شده است که در مجموع افزون ۱۶۳۰۰ عنوان است.

د) خاتمه کتاب

خاتمه کتاب شامل ده فایده رجال است. این فواید عبارتاند از:

- ۱- بیان شیوه کلینی در کافی و مراد او از عده در اول اسناد؛
 - ۲- بیان شیوه شیخ طوسی و بیان حال اسناد و اساتید و شاگردان، و مراد او از «عده» در اسناد؛
 - ۳- بیان شیوه شیخ صدوق و بیان حکم اسناد کتابش؛
 - ۴- بیان اساتید شیخ صدوق؛
 - ۵- راویانی که شیخ مفید از ایشان حدیث نقل کرده است؛
 - ۶- تعداد اساتید نجاشی و مباحث درباره ایشان؛
 - ۷- تعیین محمد بن اسماعیل، راوی از فضل بن شاذان، در اسناد کلینی و کشی؛
 - ۸- تعیین علی بن محمد در ابتدای برخی اسناد کافی؛
 - ۹- برخی فواید متفرقه که از کلمات اساتید استفاده شده است؛
 - ۱۰- فهرست ضبط نامها در تنقیح المقال.
- همچنین او نامهایی را که از متن جا مانده است، به صورت مستدرک در پایان خاتمه ذکر کرده است.

کتابهایی بر محور تنقیح المقال

مرحوم شیخ محمدتقی شوشتری با تألیف کتاب قاموس الرجال اشکالات موجود در تنقیح المقال را تذکر داده است.^{۵۲۹} مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز ضمن تذکر برخی انتقادات شیخ شوشتری بر تنقیح المقال، منشأ این اشتباهات را سرعت در تألیف و نشر کتاب دانسته است.^{۵۳۰}

۵۲۹. در بحث آینده به کتاب قاموس الرجال و اشکالات شیخ محمدتقی شوشتری می‌پردازیم.

۵۳۰. الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۴، ص ۴۶۷ - ۴۶۶.

ملحقات

۱- فواید رجالی تنقیح المقال

چنان که اشاره شد صفحات آغازین کتاب تنقیح المقال به فواید رجالی اختصاص یافته است. این مجموعه شامل چهار مقام و مقام چهارم دربردارنده سی فایده رجالی است که فهرست آنها چنین است:

مقام اول: تعریف علم رجال؛

مقام دوم: موضوع علم رجال؛

مقام سوم: فایده علم رجال و دلیل نیاز به آن؛

مقام چهارم: فواید متفرقه‌ای که پیش از شرح حال رجال باید ذکر شود و این فواید عبارت‌اند از:

فایده اول: شیوه استفاده از کتب رجالی؛

فایده دوم: تاریخ تولد، وفات، نامها و کنیه‌ها و القاب معصومان (علیهم السلام) که در راستای شناخت ارسال در اسناد مهم است؛

فایده سوم: رمزهای اصحاب ائمه (علیهم السلام) و کتب حدیث و رجال؛

فایده چهارم: وثاقت مؤلفان کتابهای چهارگانه حدیث شیعه؛

فایده پنجم: تفسیر اصطلاح «يُعَرَفُ وَيُنْكَرُ» در کلام ابن غضائری و دیگران؛

فایده ششم: اعتماد نکردن بر کتب فقهی در جرح و تعدیلها؛

فایده هفتم: اعتبار روایات راویان فطحی مذهب و دیگر مذاهب فاسد شیعه به شرط وثاقت؛

فایده هشتم: توجیهات تکرار نام راوی در رجال شیخ طوسی در ابواب اصحاب ائمه و باب «من لم یرو عنهم»؛

فایده نهم: توثیق راوی در اصحاب یکی از ائمه (علیهم السلام) در رجال شیخ طوسی و عدم توثیق یا تضعیف همو در ضمن اصحاب امام دیگر؛

فایده دهم: نقش ضبط اسامی در تمیز راویان و شناخت دقیق ایشان؛

فایده یازدهم: برخی از ائمه جرح و تعدیل شیعی؛

فایده دوازدهم: تفسیر برخی از الفاظ مدح و ذم که در مقباس/الهدیه بحث نشده است. دسته‌های راویانی که در منابع رجالی به صورت جمعی از ایشان نام برده شده است؛ مانند: ارکان، زهاد ثمانیه، فقها و ...؛

فایده سیزدهم: حکم اعتماد بر تصحیح دیگران؛

فایده چهاردهم: تاریخ تقسیم احادیث به چهار نوع صحیح، موثق، حسن و ضعیف؛

فایده پانزدهم: تمیز مشترکات و ضوابط آن؛

فایده شانزدهم: اعتماد نکردن در حکم به اتحاد اشخاص بر وحدت نام، یا نام پدر یا جد، یا لقب، یا کنیه به تنهایی؛

فایده هفدهم: اعتبار کتب تاریخ و رجال غیرامامی مذهبان در جرح و تعدیل؛

فایده هجدهم: اعتبار تصحیح حدیث در کتابهای فقهی و بی‌اعتباری آن؛

فایده نوزدهم: معنای تعبیر «ثقة» و شیوه منابع رجالی قدما در جرح و تعدیل راویان؛

فایده بیستم: حجیت روایات راویان ثقة فاسد العقیده و ادله عادل نبودن ایشان؛

فایده بیست و یکم: شناخت مبانی محدثان قدیم قم در جرح راویان؛

فایده بیست و دوم: توثیقات شیخ مفید در رساله عدویه و/رشداد؛

فایده بیست و سوم: ضوابط حکم به سقوط راوی از سند روایت؛

- فایده بیست و چهارم: یازده قرینه که بر اساس مبانی مؤلف، بر وثاقت راوی دلالت می‌کند؛
- فایده بیست و پنجم: صحیح نبودن نسبت غلو به برخی راویان؛
- فایده بیست و ششم: حاضر نبودن برخی معاصران امام حسین (علیه السلام) در کربلا مانع از عدالت و وثاقت نیست؛
- فایده بیست و هفتم: منافات نداشتن قیام مسلحانه با عدالت؛
- فایده بیست و هشتم: نقد نظریه عدالت تمامی صحابه؛
- فایده بیست و نهم: عمل به ظن غالب در تعارض اخبار مدح و جرح رجالی؛
- فایده سی‌ام: ده فایده پراکنده و مختصر به شرح زیر:
- ۱- تفصیل در راویانی که در بخشی از عمرشان منحرف شده‌اند؛
 - ۲- روایات ضعیف در مدح راوی و روایاتی که از راوی در مدح خودش نقل شده است به شرط ظن‌آوری حجت هستند؛
 - ۳- شیوه و مبانی علامه حلی در خلاصه الأقوال؛
 - ۴- شیخ محمد، نوه شهید ثانی، عبارات زیادی را از حاوی الأقوال شیخ عبدالنبی جزایری گرفته است و توهم عکس آن باطل است؛
 - ۵- حکم توثیقات ابن‌نمیر؛
 - ۶- سیر جرح و تعدیل در رجال شیخ طوسی؛
 - ۷- نقد نظریه شیخ حرّ عاملی در توثیق جمعی از راویان در الفوائد الطوسیة؛
 - ۸- نام بردن از امام ششم با تعبیر «صادق» شاهد بر عامی بودن راوی نیست؛
 - ۹- تفسیر لفظ «معدل»؛
 - ۱۰- نسبت به قبایل و شهرها و شیوه‌ها.

۲- گزارش مامقانی از توفیقات الهی هنگام نگارش کتاب

مامقانی در مقدمه کتاب تنقیح المقال درباره توفیقات الهی هنگام نگارش این کتاب می‌گوید:

با توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت او توفیق به من روی نمود و الطاف و تأییدات الهی بر من نازل شد. پس از آنکه این آثار را دیدم، شوق و اراده من بیشتر شد و قدرت بدنی من به بالاترین درجه رسید تا آنجا که در نزدیک یک سال بر کمترین مقدار ضروری از خوردن و خوابیدن اکتفا کردم و در این مدت اعضا و قوای من استراحت نکردند. من حتی در شبهای طولانی، غالباً کمتر از چهار ساعت می‌خوابیدم. پس از سه ساعت از شب رفته می‌خوابیدم و قبل از پایان هفت ساعت از شب گذشته بیدار می‌شدم و مشغول به نگارش می‌شدم.

از جمله آثار توفیق که برای من حاصل شد، این بود که هر زمان اراده می‌کردم مطلبی را در کتابی بیابم، آن را به مجرد باز کردن کتاب می‌یافتم. بسیار کم اتفاق می‌افتاد که بحث و بررسی کتاب را تعطیل کنم.

در اوایل شروع به تألیف کتاب، در یک شب بلند و طولانی، حدود سه ساعت قبل از طلوع فجر نیاز به کتاب رهن از تهنیدب الأحکام شیخ طوسی داشتم که نزد من موجود

نبود. در حالی که پنج ساعت به طلوع فجر باقی مانده بود و نمی‌توانستم کار را تعطیل کنم و همچنین امکان نوشتن را بدون مراجعه به تهذیب نداشتیم، توجه به حضرت مولی^۱ حجت منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یافتیم و به ایشان عرض کردم: آقای من! از من بذل جان و از شما عنایت و کمک در این کار لازم است و من الآن از شما کتاب رهن تهذیب را می‌خواهم و از شدت توجهم به ایشان، اشکهایم جاری شد.

نزد ما مقداری کتاب وقفی بود که با خطهای قدیمی بد نوشته شده بود. این کتابها در موضوع صرف و نحو و تفسیر و غیر اینها بود و این کتابها چون بسیار مورد استفاده ما قرار گرفته بود، استفاده جدیدی از آنها نمی‌شد و به هیچ وجه احتمال وجود کتاب تهذیب را در بین آنها نمی‌دادم. پس بی‌اختیار به سوی این کتابها رفتم و دست بردم و کتابی از بین آنها برداشتم و ناگاه دیدم که بخشی از کتاب تهذیب با خط خوش است و فقط بخش رهن می‌باشد. پس آنچه را که نیاز داشتم از آن نقل کردم و عجیب آن است که پس از آن تاریخ، بارها به دنبال آن کتاب گشتم و آن را نیافتم. پس دریافتم که آن دفعه لطف خاص امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده است و ایشان اراده کرده‌اند که من این کار را به انجام برسانم. از تألیف این کتاب روز هفتم رجب ۱۳۴۹ هجری فراغت یافتیم و از آن تاریخ تا اواخر جمادی الاولی ۱۳۵۰ هجری به بازنگری در آن پرداختیم و پس از آن شروع در بازنگری فهرست و مراجعه مستدرکها نمودم.^{۵۳۱}

وی پس از نقل این مطالب، شوق خویش را در اتمام کتاب در حدّ عشق توصیف می‌کند، تا آنجا که هیچ سختی‌ای در هنگام انجام این کار احساس نمی‌کرده است.

۳- چاپهای کتاب

از این کتاب دو چاپ به شرح زیر صورت گرفته است:

الف) چاپ سنگی آن در سه جلد رحلی در سال ۱۳۵۱ هجری از سوی انتشارات جهان به صورت افست تجدید چاپ شده است.

ب) چاپ جدید آن که از سوی مؤسسه آل البيت لإحياء التراث آغاز شده است. این چاپ با تحقیق و اضافات و تعلیقات فرزند مؤلف همراه است. جلد صفر آن با عنوان مخزن المعانی به بررسی سرگذشت مامقانی می‌پردازد و از جلد سوم اصل کتاب آغاز می‌شود. دو جلد اول و دوم هم به فواید رجالی مقدماتی اختصاص دارد. پیش‌بینی می‌شود که این چاپ نزدیک به پنجاه جلد برسد.

۵۳۱. تنقیح المقال، انتشارات جهان، ج ۱، ص ۱ و ۲ با تلخیص و تصرف.

جلسه پانزدهم

آشنایی با کتاب قاموس الرجال شوستری

اهداف درس

✓ آشنایی با شوشتری، نگارنده قاموس الرجال؛

✓ آشنایی با کتاب قاموس الرجال.

گفتار پنجم: آشنایی با قاموس الرجال

از جمله تألیفات محققانۀ عصر حاضر کتاب قاموس الرجال اثر شوشتری است. در این کتاب دقتهای فراوان و تحقیقات بی‌شمار دربارهٔ یکایک راویان دیده می‌شود.

الف) آشنایی با مؤلف

نویسندهٔ کتاب، مرحوم آیت الله شیخ محمدتقی شوشتری (تستری) است. شوشتری در سال ۱۳۲۰ هجری در نجف اشرف به دنیا آمد و در هفت سالگی به همراه پدر، که به درجهٔ اجتهاد رسیده بود، به شوشتر سفر کرد. او از همان کودکی به تحصیل علم پرداخت و با تلاش و کوشش فراوان به مرتبهٔ اجتهاد رسید. شیخ محمدتقی پس از واقعهٔ کشف حجاب به همراه خانواده‌اش به کربلا مهاجرت کرد و تحصیلات و تحقیقات خود را در آنجا ادامه داد.

او در عتبات عالیات با شیخ آقا بزرگ تهرانی ارتباط داشت و از او اجازهٔ نقل حدیث دریافت کرد و پس از شش یا هفت سال، به دنبال عزل رضاخان به شوشتر بازگشت و تا آخر عمر در آنجا اقامت داشت. از تألیفات ایشان کتابهای قضاء امیرالمؤمنین، قاموس الرجال، النجعة فی شرح اللمعه، الأخبار الدخیله، بهج الصباغه، الأوائل، البدایع و آیات بینات را می‌توان نام برد. ایشان در سال ۱۴۱۴ هجری در شوشتر از دنیا رفت.

ب) آشنایی با تألیف

از آنجا که کتاب *تنقیح المقال* شیخ عبدالله مامقانی تفصیلی‌ترین کتابی است که به گردآوری اقوال و مدارک گوناگون پرداخته است، مرحوم شوشتری *قاموس الرجال* را به عنوان تعلیقه و حاشیه‌ای بر این کتاب نگاشت. هر چند *تنقیح المقال* را تفصیلی‌ترین کتاب در گردآوری آرا و اقوال رجال می‌دانند، اما برخی نکات زائد، تطویلها و نیز اشتباهاتی در آن وجود دارد که مرحوم شوشتری این نکات را تذکر داده است. او خود در دلیل نام‌گذاری کتابش می‌گوید:

چون که اصل کتاب به *تنقیح المقال فی الرجال* نامیده شد، پس سزاوار است که این کتاب به نام *تصحیح تنقیح المقال* نامیده شود، اما برخی فضلا نام *قاموس الرجال* را برای ما برگزیدند و از آنجا که این نام کوتاه‌تر است، پس نیکوتر است و بهترین کلام، کلام کوتاه و پرمعنی است ...

و با آنکه این کتاب تعلیقه و حاشیه است، اما آن را همچون کتابی مستقل درآوردیم تا آنکه مراجعه به این کتاب خواننده را از مراجعه به *تنقیح المقال* بی‌نیاز سازد.^{۵۳۲} چند نکته درباره این کتاب وجود دارد که باید به آنها بپردازیم:

اشتباهات تنقیح المقال

چنان‌که اشاره شد مرحوم شوشتری با توجه به اشتباهات موجود در کتاب *تنقیح المقال* در مقام نقد این کتاب و تصحیح اشتباهات آن برآمده است. اشکالات کلی *تنقیح المقال* که مرحوم شوشتری به آنها اشاره کرده است، در چند دسته جای می‌گیرد:

دسته نخست: اشکالات تألیفی کتاب

برخی از این اشکالات، به شیوه تدوین و تألیف کتاب مربوط است؛ از جمله:

۱- گرد آوردن توثیقات متأخران در کنار توثیقات قدما دلیل موجهی ندارد و مباحث رجالی را به درازا می‌کشاند؛ زیرا با وجود توثیقات قدما و اصالت نظر آنها، ذکر توثیقات متأخران، که بر توثیقات گذشتگان است، ضرورتی ندارد.

البته در صورتی که توثیق در کلام قدما روشن و واضح نباشد، برای نمونه در شرح حال دیگری ذکر شده باشد و یا از مفهوم کلام قدما توثیق کسی استفاده شده باشد، بیان رأی اولین کسی که به این نکته اشاره کرده است برای ادای حق او یا توجه دادن به غفلت کسانی که از توثیق چنین اشخاصی غفلت کرده‌اند و نیز توجه دادن به نظر کسی که راوی‌ای را به اشتباه توثیق کرده است، مفید و کارآمد است.

گرد آوردن توثیقات قدما و متأخران به هر یک از دلایل بالا موجه است، اما در غیر این صورت، چنین کاری بی‌دلیل خواهد بود.^{۵۳۳}

۵۳۲. قاموس الرجال، ص ۱۲.

۵۳۳. همان، ج ۱، ص ۹.

۲- در بسیاری موارد، به ضبط نام راوی (تعیین شیوه تلفظ نام راوی) نیاز نیست. اسامی ای چون ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، داود، سلیمان و محمد از جمله اسامی مشهور و متداولی است که کسی در ضبط آنها دچار مشکل نمی‌شود تا به تبیین نیاز داشته باشد. مرحوم شوشتری از این مطلب به عنوان تحصیل حاصل یاد کرده است.^{۵۳۴}

۳- غفلت از ذکر بعضی عناوین: تنقیح *المقال* یک جامع و موسوعه کامل رجالی است. تعداد اسامی موجود در این کتاب بسیار فراوان است و مؤلف نیز این نکته را از امتیازات مهم کتابش برشمرده است. با این همه، نام بسیاری از راویانی که در کتب رجالی به صورت اصلی یا در ضمن شرح حال دیگران یا در کتب روایی آمده است، در این کتاب وجود ندارد.^{۵۳۵}

در چاپ جدید کتاب *تنقیح المقال* که با تحقیق و تکمیل فرزند مؤلف انجام شده است، عناوین بسیاری به عنوان مستدرک کتاب در زیرنویسها افزوده شده است که شاهدهی بر این مدعاست.

۴- غفلت از برخی مصادر و مدارک در شرح حال برخی راویان: برای نمونه در شرح حال احمد بن علی ابوالعباس از نقل کلام نجاشی و اطلاعات موجود در *رجال نجاشی* غفلت شده است.^{۵۳۶}

۵- نقل برخی عناوین بدون توجه به وجودشان: مامقانی از کتب شناخت صحابه که اهل سنت نگاشته‌اند، استفاده کرده است. در پاره‌ای موارد مطالبی از این منابع نقل شده است، اما درباره وجود عنوان مورد نظر تحقیقی صورت نگرفته است؛ از جمله در شرح حال خارجه بن جبلة در مصادر اصلی، برخی به صورت احتمالی و برخی قطعی جبلة بن خارجه را ذکر کرده‌اند.^{۵۳۷}

در شرح حال خارجه بن حمیر اشجعی هم در مصادر اصلی به جای «خارجه»، «جاریه» و به جای «حمیر»، «خمیر» و «جمیز» ذکر شده است. برخی دیگر نیز به جای این عنوان، «حمزة بن الجمیز» ذکر کرده‌اند^{۵۳۸} و موارد دیگری که مؤلف باید پیش از بیان نام آنها در وجود چنین عناوینی تحقیق می‌کرد.

۶- تذکر ندادن توحید مختلفات: گاه عناوین متعددی را که حکایت از شخص واحدی دارند، بدون اشاره به وحدت آنها، ذکر کرده است. این نکته می‌تواند گمان تعدد این افراد را به وجود آورد. چنان که در *تنقیح المقال* در حرف «عین» نام «عبدالرحمان بن سعد» ذکر شده و در حرف «میم»، «منذر بن سعد» آمده است، در حالی که این دو عنوان یکی است و هر دو به «ابوحمید ساعدی» برمی‌گردد، اما مامقانی به اتحاد این افراد اشاره‌ای نکرده است.^{۵۳۹}

۷- اشتباه در نسبت اقوال: مامقانی در نسبت دادن اقوال و آرا گاه دچار اشتباه شده است؛ برای نمونه گفتار قدما را به متأخران نسبت داده و از آنها دلیل خواسته است. یا گاه سخن یکی از بزرگان رجالی را به کسی که آن مطلب را از او نقل کرده، نسبت داده است و به این ترتیب حق کسی که تحقیق اصل مطلب را بر عهده

۵۳۴. همان.

۵۳۵. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۱.

۵۳۶. تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۶، ص ۳۳۸ به بعد.

۵۳۷. قاموس الرجال، ج ۴، ص ۹۲.

۵۳۸. همان، ص ۹۳.

۵۳۹. همان، ج ۱، ص ۱۲ - ۱۱.

داشته، تضييع کرده است. نمونه‌های این اشتباه در لابه‌لای کتاب تنقيح المقال به صورت پراکنده وجود دارد.^{۵۴۰}

۸- احتمالات متعدّد در منسوبان: در موارد بسیاری، مامقانی نسبت‌هایی را که در اسامی راویان وجود دارد، توضیح داده است. گاه احتمالات متعددی را هم بیان کرده است، اما نتوانسته است در ارزیابی این احتمالات رأی نهایی را بیان کند و با احتمال از کنار آنها گذشته است. برای نمونه در شرح حال ابراهیم احمری احتمالات متعدّد در نسبت احمری را بیان کرده و هیچ نتیجه‌گیری نکرده است.^{۵۴۱}

۹- اشتباه در اسامی، کنیه‌ها و القاب: یکی از مسائل مهم در هر جامع رجالی، انتخاب عنوان مناسب و اصلی در شرح حالهاست. مرحوم مامقانی در مواردی، عنوان اسامی را به گونه‌ای ذکر کرده است که با ضوابط خاصی که در هر یک از اسمها، کنیه‌ها و القاب باید رعایت شود، سازگار نیست. برای نمونه در موارد خاص می‌توان نام «محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه» را به صورت «محمد بن بابویه» مختصر کرد،^{۵۴۲} یا در صورت خاصی می‌توان «ابن فلان» را تبدیل به «فلانی» کرد. برای نمونه می‌توان به «ابن قتیبه»، «قتیبی» گفت، اما نمی‌توان «ابن عیاش» را «عیاشی» گفت.^{۵۴۳}

همچنین به نمی‌توان به صرف وجود اسمی که با قبیله یا شاخه‌ای از یک قبیله مشترک است نسبت را به قبیله داد. مامقانی در شرح حال «خدیج الثاجی» می‌گوید: «إنه منسوب إلى بطن من الأشعرية». این نکته به استناد وجود نام ناجیه در سلسله نسب ابوموسی اشعری ذکر شده است و این استنباط، اشتباهی بیش نیست. همچنین در باب کنیه‌ها باید به این نکته توجه شود که هر جا نامی با «أب» شروع شود، کنیه نیست، بلکه در مواردی «أب» به معنی مصاحب هم به کار می‌رود؛ برای نمونه در کنیه‌های «أبوالأكراد» یا «أبوالسفاج» که «أب» به شخص خاصی اضافه نشده است، لقب است نه کنیه.^{۵۴۴}

۱۰- در بخش صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بسیاری از منافقان را نام برده و بسیاری از مؤمنان و حتی شهدای غزوات پیامبر را نام نبرده است.

همچنان که گاه یک نفر با عناوین متعدد ذکر شده است و مرحوم مامقانی بی‌توجه به وحدت اسامی، آنها را چند بار ذکر کرده است. برای نمونه در مواردی مانند ابراهیم بن سلیمان الهمالی النهمی^{۵۴۵} یا ابراهیم بن رجاء الجحدری^{۵۴۶} یا احمد بن ابراهیم مستملی الجلودی^{۵۴۷} و احمد بن حسین بن سعید الأهوازی^{۵۴۸} و دیگر موارد این اشتباه رخ داده است.

۵۴۰. همان، ص ۱۲.

۵۴۱. تنقيح المقال، ج ۳، ص ۳۳۱.

۵۴۲. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۴ - ۱۳.

۵۴۳. همان، ص ۱۴.

۵۴۴. همان، ص ۱۶ - ۱۵.

۵۴۵. تنقيح المقال، ج ۴، ص ۵۱ - ۵۰.

۵۴۶. همان، ج ۳، ص ۴۰۹ و ۴۱۳.

۵۴۷. همان، ج ۵، ص ۲۰۲ و ۲۳۷.

۵۴۸. همان، ج ۶، ص ۲۸ و ۳۴.

دسته دوم: اشتباهات عجیب

از دیدگاه شوشتری برخی اشتباهات در کلام مامقانی وجود دارد که توجیه‌شدنی نیست و بسیار عجیب می‌نماید؛ از جمله:

۱- در مقام معرفی شاگردان و اساتید، گاه راوی از شخص را مروی^{۵۴۹} عنه و استاد او و گاه به عکس آن معرفی کرده است. این اشتباه به ویژه در مواردی که مامقانی استاد و شاگرد شخص را از جامع الرواة اردبیلی نقل می‌کند، بسیار رخ داده است.

برای نمونه شرح حال احمد بن ابی‌بشر، احمد بن علی بن محمد و احمد بن قاسم بن ایوب را ذکر می‌نماید.^{۵۴۹}

۲- گاه شخص مورد معرفی را راوی و مروی^{۵۵۰} عنه خودش معرفی کرده است؛ چنان‌که در شرح حال احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی این اتفاق افتاده است. مامقانی در معرفی مشایخ بزنطی، نام احمد بن محمد داود بن فرقد^{۵۵۱} را از جامع الرواة بیان کرده است، حال آنکه در تهذیب الأحکام^{۵۵۱} چنین آمده است: احمد بن محمد عن داود بن فرقد^{۵۵۲} از این رو، احمد بن محمد، که خود بزنطی است، در لیست مشایخ خودش ذکر شده است.

۳- گاه اسامی و تعبیرات متعدّد یک راوی را متغایر شمرده است؛ چنان‌که در شرح حال ابراهیم بن ابی‌بکر،^{۵۵۳} ابوالقاسم معاویه و معاویه بن عمار را دو راوی از ابراهیم برشمرده است در حالی که این دو عنوان یک نفر هستند.^{۵۵۴}

دسته سوم: نشناختن دقیق مدارک و مصادر رجالی

بخشی از اشکالات مرحوم شوشتری به دلیل اشتباهاتی است که مرحوم مامقانی در استفاده و استناد به مصادر و منابع رجالی مرتکب شده است. در اینجا چند نمونه از این اشتباهات را از دیدگاه مرحوم شوشتری ذکر می‌کنیم:

۱- شیخ طوسی و نجاشی در فهرستهای خود مقید بودند که مؤلفان شیعه یا اهل سنت را که برای شیعه کتاب نوشته‌اند، معرفی کنند، اما ابن‌ندیم در فهرستش کتب تمامی مذاهب و ادیان را معرفی کرده است. حتی کتب

۵۴۹. همان.

در تنقیح المقال عنوان شخص اخیر این‌گونه ذکر شده است: احمد بن القاسم بن نوح. مامقانی این مطلب را از جامع الرواة (ج ۱، ص ۵۸) استفاده کرده که عبارت آن چنین است: احمد بن القاسم، ایوب بن نوح عنه عن ابی‌الحسن الثالث (علیه السلام) که در تهذیب الأحکام (ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۱۴۵۱) نقل شده است. در این عبارت نام اصلی، احمد بن القاسم است و مرحوم اردبیلی راوی از او را ایوب بن نوح و مروی عنه او را در این حدیث ابوالحسن ثالث (علیه السلام) معرفی کرده است. مامقانی تصور کرده است که ایوب بن نوح نام جد احمد بن القاسم است.

۵۵۰. تنقیح المقال، ج ۷، ص ۱۷۳.

۵۵۱. ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۴۷۱.

۵۵۲. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۴۷۱.

۵۵۳. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۱۰.

۵۵۴. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۰.

یهودیان، مسیحیان و مادیها را نیز معرفی کرده است و سکوت او در بیان مذهب مؤلفان کتابها، دلیل بر عامی بودن مؤلفان است.

مرحوم مامقانی بدون توجه به این نکته، نام برخی از رجال اهل سنت را به استناد فهرست ابن ندیم آورده و با این کتاب همانند فهرست شیخ طوسی و نجاشی برخورد کرده است، در حالی که این کار به طور قطع اشتباه است.^{۵۵۵}

۲- ذکر نام راوی در بخش اول خلاصه الأقوال دلیل بر وثاقت راوی نیست؛ زیرا علامه حلی بنا بر اعتماد بر رجال شیخ طوسی هر کس را که نام او در کتاب الرجال بوده است امامی دانسته و بر اساس این اعتماد، بسیاری از اشخاص را در بخش اول کتابش آورده است. در حالی که این تصور علامه حلی صحیح نیست.^{۵۵۶} مرحوم مامقانی هم تمامی کسانی را که در بخش اول کتاب خلاصه الأقوال آمده‌اند، ممدوح دانسته است و این اشتباهی در اشتباه دیگر (علامه حلی) است.^{۵۵۷}

۳- بخش اول خلاصه الأقوال به کسانی اختصاص دارد که مورد اعتماد علامه حلی هستند، اما بخش اول رجال ابن داود این گونه نیست و به ممدوحان اختصاص ندارد. مرحوم مامقانی بدون توجه به این نکته با هر دو کتاب به یک گونه برخورد کرده است و هر کس را که در بخشهای اول هر یک از دو کتاب آمده است، ممدوح شمرده است.^{۵۵۸} مرحوم شوشتری نظر به فراوانی این نوع اشتباه، تفاوت‌های این دو کتاب را به تفصیل بیان کرده است.^{۵۵۹}

۴- رمز «لم» در رجال ابن داود به باب «من لم یرو عن واحد منهم (علیهم السلام)» در رجال شیخ طوسی اختصاص ندارد، بلکه از دیدگاه او می‌توان هر کس را که نسبت به روایت او از معصوم سکوت شده است با این رمز معین نمود؛ چه سکوت از سوی نجاشی، کشی یا ابن غضائری باشد.

البته این نوعی افراط‌گرایی در شیوه ابن داود است؛ زیرا رجال نجاشی، کشی یا ابن غضائری برای تعیین روایات شخص از ائمه تألیف نشده است تا بتوان از سکوت آنها، نسبت روایت راوی را از امام تعیین کرد.

اما به هر حال به تصور عده‌ای این رمز به باب «من لم یرو عن واحد منهم (علیهم السلام)» در رجال طوسی اختصاص دارد. بر این اساس، در مواردی که در جلوی نام یک راوی رمز «لم جش» آمده است به ابن داود اشکال گرفته‌اند که نام این شخص در رجال طوسی وجود ندارد و این نکته را موجب قبح در رجال ابن داود دانسته‌اند. مرحوم مامقانی هم این اشتباه را مرتکب شده است.^{۵۶۰}

۵- در رجال شیخ طوسی نام برخی هم در ابواب اصحاب ائمه و هم در باب «من لم یرو عنهم (علیهم السلام)» آمده است که این شیوه، نوعی منافات بین این عملکرد شیخ طوسی را نشان می‌دهد: مرحوم مامقانی در رفع این منافات می‌گوید:

مراد شیخ طوسی آن است که راوی مورد نظر هم از ائمه روایت کرده است و هم از دیگر راویان روایت دارد. مرحوم شوشتری این دیدگاه را غلط می‌شمارد و تصریح

۵۵۵. همان، ص ۲۷.

۵۵۶. همان، ص ۲۹.

۵۵۷. همان، ص ۳۳.

۵۵۸. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۳۳.

۵۵۹. همان، ص ۴۰ - ۳۵.

۵۶۰. همان، ص ۴۳ - ۴۲.

می‌کند که اگر این توجیه صحیح می‌بود، باید بیشتر راویان پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در باب «من لم یرو عنهم» (علیهم السلام) ذکر می‌شدند؛ زیرا تقریباً بیشترین این راویان همچنان که از معصوم روایت دارند از طریق دیگر راویان هم حدیث نقل کرده‌اند و این توجیه درباره آنان جریان دارد.^{۵۶۱}

۶- استفاده از نسخه‌های ناصحیح و تحریف‌شده مصادر: مرحوم شوشتری در مواردی تصریح کرده است که نسخه‌های مورد استفاده مامقانی تحریف‌شده است و غیرقابل اعتماد نیست. اشتباهات آن نسخه‌ها به کتاب تنقیح‌المقال نیز وارد شده است؛ از جمله:

الف) در شرح حال ابراهیم بن بشر به نسخه رجال نجاشی که در اختیار مؤلف بوده است اشاره کرده و نام راوی مذکور را ابراهیم بن بشیر دانسته است.^{۵۶۲}

ب) در شرح حال ابراهیم بن رجاء در نقل از رجال نجاشی، سند نجاشی به کتاب او را به ابراهیم بن الولید می‌رساند و این تحریفی است که در نسخه رجال نجاشی وجود داشته است.^{۵۶۳}

دسته چهارم: درک نکردن دقیق عبارت قدما

نمونه‌هایی از این گونه اشتباهات را که منشأ اشتباه مرحوم مامقانی شده است، این گونه برمی‌شمارند:

۱- علامه حلی و ابن داود حلی در شرح حال نصر بن قاموس چنین نقل می‌کنند که:

قال الشيخ الطوسي: إنه كان وكيلاً لأبي عبدالله (عليه السلام) عشرين سنة ولم يعلم أنه وكيل وكان خيراً فاضلاً.^{۵۶۴}

مامقانی با این تصور که تعبیر «ولم يعلم أنه وكيل...» اشکال علامه و ابن داود بر کلام شیخ طوسی است، از این نکته غفلت کرده است که این تعبیر ادامه کلام شیخ طوسی است. مراد شیخ طوسی از این عبارت آن است که نصر بن قاموس در طول بیست سال به صورت پنهانی وکیل امام صادق (علیه السلام) بود و وظایف خود را مخفیانه انجام می‌داد.

۲- در مواردی تعبیرات را به گونه‌ای آورده است که ابهام دارد؛ برای نمونه از قول علامه حلی نقل کرده است: «عبدالله بن الحسن بن علی بن ابی‌طالب» و سپس می‌گوید: «قتل معه». این تعبیر ظهور در آن دارد که عبدالله همراه حسن بن علی یا علی بن ابی‌طالب کشته شده است، در حالی که مراد، شهادت همراه امام حسین است و این اشتباهی است که از سوی مؤلف رخ داده است.

همچنین درباره «عبدالله بن مسلم» می‌گوید: «قتل معه» که ظهور در قتل همراه مسلم دارد و به طور قطع صحیح نیست؛ زیرا او همراه امام حسین (علیه السلام) شهید شده است. در حالی که علامه حلی پیش از این دو مورد می‌گوید: «عبدالله بن علی أخو الحسين عليه السلام قتل معه». علامه حلی دو عبارت گذشته را بعد از این عبارت آورده و مراد او روشن است، اما مامقانی میان این دو عبارت خلط کرده است.

۵۶۱. همان، ص ۴۲.

۵۶۲. تنقیح‌المقال، ج ۳، ص ۳۱۹.

۵۶۳. همان، ص ۴۱۶.

۵۶۴. خلاصة الأقوال، ص ۲۸۵؛ رجال ابن داود، تحقیق محمدصادق آل بحر العلوم، ص ۳۵۹.

۳- یکسان دانستن راویان مجهول و مهمل: در بحث از رجال ابن داود بیان شد که تا زمان ابن داود، راویان مجهول را کسانی می‌دانستند که قدما به ناشناخته بودن آنها حکم داده بودند و راویان مهمل به کسانی می‌گفتند که تنها نامی از آنها وجود داشت و مدح یا قدحی درباره آنها در دست نبود. مامقانی راویان مهمل و مجهول را یکسان دانسته و بر همه عنوان مجهول اطلاق کرده است.^{۵۶۵}

دسته پنجم: اختلاف مبانی

در اطلاعات رجالی ارائه شده در کتاب تنقیح المقال، قضاوتها بر ضوابط و مبانی خاص رجالی استوار است که در بسیاری موارد صاحب قاموس الرجال با آن مبانی موافق نیست. بخشی از اشکالات او بر تنقیح المقال نیز از اختلاف در مبانی سرچشمه می‌گیرد. ما در این مقام به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- در تنقیح المقال موضوع تمییز مشترکات به صورت جدی پیگیری شده و در برخی شرح حالها عنوانی خاص به آن اختصاص یافته است. مرحوم مامقانی در تمییز مشترکات، غالباً بر اساس شیوه جامع الرواة عمل کرده است و راوی را به لحاظ اساتید و شاگردان او از دیگر هم‌نامانش متمایز ساخته است.

مرحوم شوشتری با این شیوه در تمییز مشترکات مخالف است. نکته اصلی در دیدگاه او، منحصر نبودن یک راوی در روایت از یک شخصی است، به گونه‌ای که نقل آن راوی را از همانم آن شخص، دلیل و راهی برای شناخت آن شخص بدانیم. برای نمونه چهار نفر با نام مسعده وجود دارند که شیخ در الفهرست نام آنها را به همراه کتابشان پشت سر هم و حتی سند شیخ طوسی هم به کتاب همه آنها به یک گونه است. حال آیا می‌توان یک‌یک این افراد را با استفاده از شاگردان و اساتید آنها از یکدیگر بازشناخت؟ در پاسخ باید گفت: این راه تنها در مواردی که به انحصار راوی از شخصی تصریح شده باشد، کارآمد است؛ برای نمونه در مواردی که می‌گوید: «إنه لم یرو عنه إلا فلان» فلان راوی قرینه‌ای بر شناخت مروی عنه می‌شود.^{۵۶۶}

۲- در توحید مختلفات نیز مرحوم شوشتری تأکید کرده است که تنها با اتحاد نام، نام پدر، نام جد، کنیه و لقب نمی‌توان به اتحاد دو عنوان حکم کرد، بلکه باید قراینی بر اتحاد اقامه نمود. برای نمونه مهدی عباسی با مهدی که از نوادگان جعفر طیار است در چند مرتبه از نام، نام پدر و جد اشتراک دارد. داستانی در این نکته، در تاریخ طبری نقل شده است.^{۵۶۷}

۳- اختلاف در مبانی جرح و تعدیل: نقد مبانی مرحوم مامقانی در جرح و تعدیل رجال نیز از نکات مهم در مقدمه قاموس الرجال است؛ زیرا این مقدمه و مباحث آن نیز در نقد و بررسی مطالب فواید رجالی مقدمه تنقیح المقال نوشته شده است. مرحوم شوشتری در این مقدمه، چهار شاهد بر وثاقت را که در فایده بیست و چهارم^{۵۶۸} فواید رجالی تنقیح المقال آمده، باطل دانسته است. این موارد عبارت‌اند از:

الف) مامقانی رسالت و نامه‌رسانی از طرف معصوم برای دشمن یا غیردشمن را شاهد بر وثاقت دانسته و این‌گونه استدلال کرده است که معقول نیست معصوم غیرثقة عادل ضابط را به عنوان فرستاده خود بفرستد.

۵۶۵. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۱.

۵۶۶. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۹ - ۱۷.

۵۶۷. همان، ص ۱۵.

۵۶۸. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۱۰.

ب) حکومت بر منطقه و شهری را از طرف امام، شاهد بر وثاقت معرفی کرده است و دلیل آن را معقول نبودن ولایت دادن ائمه به غیر عادل و مسلط کردن آنها بر جان و مال مسلمانان دانسته است.

ج) وکالت، خادم بودن و کاتب بودن را نشانه وثاقت دانسته است؛ زیرا در صورت عدالت نداشتن وکیل، خادم و کاتب مفاسد بزرگی به وجود خواهد آمد. او در این موضوع به اشکال و جواب پرداخته و بحث تفصیلی تری ارائه داده است. در نهایت، مامقانی هر یک از این عناوین را شاهد بر وثاقت شمرده است.

د) ترحم و ترضی یعنی «رضی الله» گفتن پس از نام مرده را شاهد بر وثاقت دانسته است.^{۵۶۹}

مرحوم شوشتری هیچ یک از این امارات و شواهد را سبب وثاقت یا عدالت ندانسته است و به تفصیل به استدلال علیه این مبانی پرداخته است.^{۵۷۰} موارد بسیار دیگری نیز به عنوان اختلاف مبانی مطرح است که مرحوم شوشتری در فصل بیست و پنجم مقدمه قاموس الرجال به بحث درباره آنها پرداخته است.^{۵۷۱}

لازم به ذکر است که بسیاری از ایرادات مرحوم شوشتری بر تنقیح المقال بر پایه اختلاف مبانی رجالی او با مرحوم مامقانی است. بدیهی است که نمی توان اختلاف نظر اجتهادی آن دو بزرگوار را اشکال بر کتاب تنقیح المقال شمرد. همچنین ادعای تصحیف و تحریفهای بسیاری که از سوی مرحوم شوشتری مطرح شده است، دارای مستند قطعی و شواهد دقیق و دیدگاه خود مرحوم شوشتری است؛ از این رو، همه این موارد نمی تواند به عنوان ایرادات قطعی شناخته شود.

خصوصیات ساختاری

کتاب قاموس الرجال از سه بخش کلی تشکیل شده است: مقدمه، متن کتاب و فواید رجالی.

الف) مقدمه

مؤلف در مقدمه، با نظر به مبانی رجالی مرحوم مامقانی در تنقیح المقال مطالب کلی مورد اختلاف خود را با تنقیح المقال تا حدودی تبیین کرده است. به همین مناسبت توضیحات کلی ای درباره برخی دیدگاههای رجالیان نیز بیان داشته است. این بخش از کتاب در ۲۸ فصل تنظیم شده و در مجموع ۷۵ صفحه از جلد اول را به خود اختصاص داده است.

ب) متن قاموس الرجال

این بخش که تمامی دوازده جلد کتاب را به خود اختصاص داده است شامل شرح تفصیلی نظرات نقادانه نسبت به تنقیح المقال است. عناوین موجود در متن کتاب به ترتیب تنقیح المقال تنظیم یافته است.

۵۶۹. همان.

۵۷۰. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۷۱ - ۷۰.

۵۷۱. همان، ص ۷۷ - ۶۷.

مؤلف قاموس الرجال، به طور معمول در شرح حال هر شخص ابتدا با عنوان «قال المصنف» یا «قال» عین عبارت مامقانی را نقل می‌کند و سپس با «اقوال» و گاه «قلت» به بیان نظر خود می‌پردازد. در مواردی که او بر این اعتقاد بوده است که در عبارت تنقیح المقال تغییر و تبدیل بسیار رخ داده است شرح حال آن شخص را به صورت کامل نگاشته است؛ از جمله در شرح حال ابان بن تغلب چنین عمل کرده است.^{۵۷۲} در شرح حالها بیشتر بر اساس برخی نکات کلی، که در مقدمه به آنها اشاره کرده است، به نقد کلام مامقانی پرداخته است، اگرچه گاه به نکات فرعی و اطلاعات پراکنده دیگری نیز توجه داده است.

ج) فواید رجالی

این بخش متشکل از ۳۳ فایده رجالی است. بعد از آن نیز بحثی گسترده درباره کسانی که با کنیه ابوبصیر معرفی شده‌اند، آمده است.

ملحقات

چاپهای کتاب

قاموس الرجال دو نوبت چاپ شده است. این کتاب اولین بار در یازده جلد به همراه چهار جلد ملحقات از سوی مرکز نشر کتاب در تهران در سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۱ هجری چاپ شد. پس از آن مؤسسه النشر الاسلامی آن را در دوازده جلد با ترکیب متن قاموس الرجال اولیه و ملحقات آن در فاصله سالهای ۱۴۱۰ تا ۱۴۲۴ هجری به چاپ رساند.

۵۷۲. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۹۷.

جلسه شانزدهم

آشنایی با معجم رجال الحديث

اهداف درس

آشنایی با:

✓ ابوالقاسم خویی، نگارنده معجم رجال الحديث؛

✓ کتاب معجم رجال الحديث.

گفتار ششم: آشنایی با معجم رجال الحديث

جامع‌ترین، کامل‌ترین و روشمندترین کتاب رجالی نگاشته شده در عصر حاضر، معجم رجال الحديث است که به سبب مزایا و خصوصیات بسیار نزد پژوهشگران رجالی معاصر جایگاهی درخور یافته است.

الف) آشنایی با مؤلف

نویسنده کتاب، آیت الله سید ابوالقاسم موسوی خویی، در پانزدهم رجب ۱۳۱۷ هجری در خوی به دنیا آمد و در همان‌جا به تحصیل پرداخت. پدر ایشان در سال ۱۳۲۸ هجری در جریان نهضت مشروطه، به نجف اشرف مهاجرت کرد و آیت الله خویی در سال ۱۳۳۰ هجری به پدر ملحق شد. او در نجف اشرف از اساتید و بزرگانی چون شیخ محمدحسین نائینی (۱۳۵۵ - ۱۲۷۳ هـ)، شیخ ضیاء عراقی (۱۳۶۱ - ۱۲۷۸ هـ) و شیخ محمدحسین اصفهانی (۱۳۶۱ - ۱۲۹۶ هـ) استفاده علمی برد.

پس از وفات مرحوم نائینی، ایشان تدریس درس خارج فقه اصول را آغاز کرد و در طول پنجاه سال بیش از یک دوره فقه استدلالی و چندین دوره اصول فقه استدلالی تدریس و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. عده‌ای از شاگردان مرحوم خویی بحثهای فقه و اصول ایشان را نوشتند که اکنون به عنوان تقریر درس آیت الله خویی منتشر شده است.

گذشته از تألیف ایشان و شاگردانشان در حوزه فقه و اصول، آیت الله خویی به مباحث تفسیری نیز می‌پرداختند و زمانی قصد تدریس و نگارش یک دوره تفسیر قرآن کردند، اما به دلایلی این مسئله متوقف شد و ایشان تنها موفق شد و ایشان تنها موفق شد مقدمه این تفسیر را با نام *البیان فی تفسیر القرآن*، که مشتمل بر مباحث مقدماتی تفسیر است، بنگارد. آیت الله خویی به مباحث رجالی هم اهتمام بسیار داشتند. در لابه‌لای

مباحث فقه ایشان، تحقیقات رجالی بسیاری مشهود است. نگارش کتاب معجم رجال/الحديث، که معرفی آن پس از این خواهد آمد، نمونه بارزی از اطلاعات گسترده و تحقیقات عمیق رجالی آیت الله خویی است. مرحوم خویی به سبب مراتب علمی بالا سالها به عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع مسلم شیعیان جهان کانون مراجعه علمی و فقهی مردم بودند.

بالاخره این مرد بزرگوار در روز هشتم صفر ۱۴۱۳ هجری در کوفه وفات یافتند و در صحن حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نجف اشرف مدفون شدند.

ب) آشنایی با تألیف

از آغاز تألیف کتاب اطلاع دقیقی در دست نیست، اما مؤلف در ضمن شرح حال خود، که در متن کتاب آمده است، تاریخ اتمام نگارش کتاب را رمضان سال ۱۳۸۹ هجری ذکر کرده است.

این کتاب به صورت گروهی نوشته شده است و عده‌ای از محققان در نگارش آن با آیت الله خویی همکاری داشته‌اند که در چاپ جدید نام آنها آمده است. کتاب شامل مقدمه نسبتاً مبسوط، متن اصلی و بخش تفصیل طبقات راویان در انتهای هر جلد است.

۱- مقدمه

در مقدمه، مؤلف عباراتی دارد که نشان‌دهنده علت و انگیزه تألیف کتاب است. او در سرآغاز سخن می‌گوید: قدما اهتمام بسیار به علم رجال داشته‌اند، اما در دوران متأخر، نسبت به این دانش اهمال صورت گرفته است. تا آنجا که گویا اجتهاد و استنباط احکام شرعی، که وظیفه مهم فقیهان در عصر غیبت است، متوقف بر این دانش نیست. لذا این مسئله باعث شد که من قصد تألیف کتابی نمایم که در این بخش جامع باشد و تمامی زوایای مباحث رجالی را دربرگیرد.

این مقدمه که در جلد اول کتاب قرار دارد به علت طرح مباحث علمی از بخشهای ارزشمند کتاب معجم رجال/الحديث محسوب می‌شود. مرحوم خویی در این مقدمه شش بحث را سامان داده و مبانی رجالی خود را در آنها عرضه کرده است. مباحث شش‌گانه طرح‌شده در این مقدمه عبارت‌اند از: مقدمه اول: نیاز به علم رجال و رد آرای منکران نیاز به علم رجال، رد قطعی بودن صدور روایات کتب اربعه و رد اخباریون؛

مقدمه دوم: ملاکهای قابل اعتماد در توثیق و مدح راویان؛

مقدمه سوم: توثیقات عامه و قواعد رجالی مورد قبول مؤلف، مانند: وثاقت راویان در اسناد کامل/الزیارات و تفسیر علی بن ابراهیم قمی؛

۵۷۳. معجم رجال/الحديث، ج ۲، ص ۲؛ آقای سید مرتضی حکمی که ناظر بر نشر کتاب بوده است، در مقدمه کتاب، نوزدهم رمضان المبارک ۱۳۹۰ هجری را تاریخ اتمام کتاب ذکر کرده است.

۵۷۴. همان، ج ۱، ص «أ».

مقدمه چهارم: اشکال بر توثیقات عامه‌ای که برخی آنها را موجب توثیق دانسته‌اند، مانند: اصحاب اجماع و مشایخ ثقات؛

مقدمه پنجم: ابطال صحت تمامی روایات کافی و دیگر کتب چهارگانه حدیثی شیعه و نیاز به بررسی اسناد و روایات این کتابها؛

مقدمه ششم: بررسی مصادر رجالی قابل اعتماد و بررسی اعتبار رجال/ابن‌غضائری.

۲- متن اصلی

مؤلف پس از مقدمه، اسامی رجال و راویان حدیث را به ترتیب الفبایی و با شیوه معجم‌نگاری تنظیم کرده است و شرح حال و اطلاعات رجالی مربوط به هر نام را در زیر نام هر راوی آورده است. در اینجا خصوصیات بخشهای مختلف هر یک از شرح حالها را بررسی می‌کنیم:

الف) خصوصیات عنوانها

در انتخاب، تنظیم و چینش عنوانها، نامهای راویان و رجال حدیث، به ضوابط زیر توجه شده است:

۱- علاوه بر عناوین رجال موجود در کتابهای مهم رجالی، نام راویان اسناد جوامع چهارگانه حدیث شیعه، یعنی کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب/الاحکام و استبصار نیز در این کتاب وجود دارد.

۲- در عنوانها، همان شکل موجود در مصادر رجالی یا اسناد روایات رعایت شده است. بنابراین، اگر از یک راوی در منابع و مصادر مختلف روایی به شکلهای مختلف نام برده شده است، هر شکل از نام او در یک عنوان مستقل قرار گرفته است. برای نمونه این عناوین به صورت مستقل در کتاب ذکر شده و بر اساس چینش الفبایی هر یک در جای خود قرار گرفته است، در حالی که همه آنها اسامی یک فرد بیشتر نیست: احمد البرقی (ش ۳۸۲)، احمد بن ابی‌عبدالله (ش ۴۱۳)، احمد بن ابی‌عبدالله البرقی (ش ۴۱۴)، احمد بن محمد البرقی (ش ۷۹۲)، احمد بن محمد بن خالد (ش ۸۶۰)، احمد بن محمد بن خالد البرقی (ش ۸)، ابن البرقی (ش ۱۵۰۶۲)، البرقی.

البته نامها به هم ارجاع داده شده است؛ یعنی، این تکرار روشمند در متن کتاب قابل تشخیص است. بدین ترتیب می‌توان به راحتی از راه نام راوی موجود در اسناد کتب اربعه، بی‌آنکه نیازی به نام کامل او باشد به حال رجالی او دست یافت. اگرچه گاه با توجه به ارجاعات متعدد در نام راوی نیاز به مراجعه به چندین عنوان از روات وجود دارد و وقت بیشتری را می‌طلبد.

۳- در ترتیب و چینش عناوین، ترتیب الفبایی در نام راوی و اوصاف او به صورت کامل رعایت شده است. حتی تعبیرهای «أب» و «ابن» در این ترتیب لحاظ شده است. برای نمونه، بر این اساس ابراهیم ابورافع بر ابراهیم اوسی و ابراهیم بن هاشم بر ابراهیم جزری مقدم شده است.

ب) خصوصیات شرح حالها (ترجمه‌ها)

از بخشهای مهم بررسی‌شده در این کتاب، بحث علمی از وثاقت، حسن و یا ضعیف راوی و رفع تعارض است. مؤلف در بین عناوین مختلف نام یک راوی، تنها در یک مورد به شرح حال او پرداخته و در دیگر عناوین به محل مورد نظر در شرح حال، آدرس داده است. همچنین در بیشتر عنوانهایی که نجاشی شرح حال راوی را آورده است، ایشان هم شرح حال را ذکر کرده است. در شرح حالها نیز ابتدا عبارت نجاشی و سپس شیخ

طوسی و به دنبال آن دیگر رجالیان را در شرح حال شخص مورد نظر نقل کرده و سپس در صورت لزوم، به تجزیه و تحلیل عبارات ایشان پرداخته است.

از جمله دربارهٔ تعارض روایات کشی در مدح و ذم راویان و تعارض کلمات رجالیان به تفصیل بحث کرده است. همچنین بررسی توثیقات عام مرتبط با صاحب شرح حال را آورده است و در شرح حال راویان از قراین و شواهد در توثیق و تضعیف استفاده کرده است.

نکته قابل توجه آنکه، با وجود توثیق متقدمان و آرای منابع اصلی اولیه، توثیقات متأخران نقل نشده است. مؤلف خود توثیقات متأخران را معتبر و قابل اعتماد نمی‌داند، اما از آنجا که برخی این گونه توثیقات را می‌پذیرند او نیز به سبب جامعیت کتابش به ذکر آنها پرداخته است. از این رو، در مواردی، توثیق علامه محمدباقر مجلسی در *الوجیزه* و پدرش در *روضه المتقین* و شیخ حرّ عاملی در *امل الامل* و دیگران نقل شده است.

مرحوم خویی در ضمن شرح حال افرادی که شیخ صدوق یا شیخ طوسی به آنها طریق (سند به کتاب یا روایات آنها) دارند به بررسی طریق شیخ صدوق و طوسی پرداخته است. در واقع نقد و بررسی این بخش از سند باید در کنار بررسی بخش موجود از سند در متن کتاب شیخ صدوق و شیخ طوسی قرار گیرد تا در نتیجهٔ مجموع آنها به صحت یا ضعف سند حدیث مورد نظر حکم داده شود. بنابراین، صحت سند روایت موجود در متن کتاب *من لا یحضره الفقیه* یا *تهذیب الأحکام* یا *استبصار* به تنهایی در حکم صحت روایت کافی نیست، بلکه باید صحت طریق صدوق یا شیخ طوسی به ابتدای سند موجود در متن کتاب نیز احراز شود تا به صحت روایات حکم شود. برای نمونه، شیخ صدوق از محمد بن مسلم و برید بن معاویه از امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) در نماز آیات حدیث نقل کرده است^{۵۷۵} و برخی این حدیث را صحیح دانسته‌اند و این به دلیل جلالت شأن و بلندی رتبهٔ این دو راوی بزرگ است. در حالی که طریق و سند شیخ صدوق به برید مجهول، و طریق او به محمد بن مسلم ضعیف است؛ بنابراین، روایت ضعیف شمرده می‌شود.

نکته دیگر دربارهٔ شرح حالها، مباحث رجالی‌ای است که مرحوم خویی در ذیل عناوین و به ویژه در هنگام تعارض بیان می‌کند. این موارد، که تعداد آنها کم نیست، از علمی‌ترین و استوارترین مباحث رجالی است. نمونه‌ای از این مباحث در ذیل عنوان مفضل بن عمر قابل مشاهده است.

ج) خصوصیات اطلاعات مربوط به طبقه

از جمله فواید و امتیازات مهم *معجم رجال الحدیث*، تعیین دقیق طبقهٔ راوی با توجه به مروی عنه و راوی از او است. این شیوه که برای اولین بار در *جامع الرواة* به کار گرفته شد، از سوی آیت الله خویی به تفصیل و به شیوه‌ای امروزی پیگیری شد. در این کتاب به ضوابط زیر برای تعیین طبقهٔ راوی توجه شده است:

۱- در معرفی مروی عنه‌ها، ابتدا ائمه، با رعایت ترتیب سنی ایشان، و سپس کنیه‌ها ذکر شده‌اند و در پی آن، نامها بر اساس حروف الفبا و به دنبال آن القاب و سپس مرسلات و در نهایت مضمرات راوی ذکر شده است.^{۵۷۶} همین ترتیب در راویان از شخص هم مورد توجه قرار گرفته است، مگر در مواردی که به دلیل ارسال در سند یا تعلیق یا وجود نام راوی در مشیخه، نام راوی در سند ذکر نشده باشد.

۵۷۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۱۷، ص ۱۵۳۰.

۵۷۶. برای نمونه، ر. ک: عبدالله بن مغیره، ج ۱۱، ص ۳۶۵.

۲- مروی^{۵۷۷} عنه و راوی هر شخص، با توجه به عنوان و نامی که در اسناد بوده است به ترتیب الفبا معرفی شده‌اند. بنابراین، در مثال «برقی»، که پیش‌تر گذشت، مروی^{۵۷۷} عنه‌های او با هر یک از تعابیر و عناوین هشت‌گانه به صورت جداگانه و در زیر هر یک از عناوین آمده‌اند.

ترتیب الفبایی و نیز اختلاف شکلی نام راوی و مروی^{۵۷۸} عنه نیز در چینش نامها رعایت شده است؛ برای نمونه در بسیاری موارد نام مروی^{۵۷۸} عنه‌ها این‌گونه دیده می‌شود: ابن‌محبوب، حسن بن محبوب و حسن بن محبوب صراد، در حالی که هر سه عنوان، نام یک نفر است، اما به دلیل پای‌بندی به نقل دقیق نام موجود در روایات و مصادر اصلی، به صورت متعدد گزارش شده‌اند.^{۵۷۸} در بخش نام راویان نیز دقیقاً به همین شکل عمل شده است؛ بنابراین، تعداد نامهای موجود در مروی^{۵۷۸} عنه‌های راویان گویای تعداد واقعی اشخاص مروی^{۵۷۸} عنه یا اشخاص راوی نیست.

۳- آدرس روایات هر یک از مروی^{۵۷۸} عنه‌ها و راویان در کتاب مشخص شده است. این آدرسها در مواردی که تعداد روایت کم بوده، در متن کتاب و در شرح حال فرد مورد نظر آمده است و در مواردی که آدرس روایات زیاد بوده است در بخش «تفصیل طبقات الرواة» به صورت بخشی مجزا در انتهای هر جلد ارائه شده است.

۴- در موارد بسیاری آماری از روایات یک راوی یا از سوی یک راوی ارائه شده است که این آمارها در تعیین طبقه^{۵۷۹} راوی کمک بسیاری می‌کند، ولی تنها بر اساس تعداد روایات کتب اربعه و شکل خاص تعبیر و عنوان نام راوی یا مروی^{۵۷۹} عنه است؛ از این رو، استفاده از این آمارها دقت خاصی می‌طلبد.

د) خصوصیات ارجاعات

چنان‌که در خصوصیات عناوین نیز گذشت، در کتاب معجم رجال/الحديث گاه عناوین مختلفی برای یک راوی ذکر شده است که آشنایی با تمامی اطلاعات درباره^{۵۸۰} یک راوی، به مطالعه^{۵۸۰} تمامی آن عناوین در کنار یکدیگر نیاز دارد. بر این اساس، برای دستیابی خواننده به اطلاعات جامع درباره^{۵۸۰} راوی مورد نظر، ارتباط بین عناوین با ارجاعات مختلف ایجاد شده است:

- ۱- در صورتی که عناوین ارجاعی از نظر نظم الفبایی به گونه‌ای باشد که پشت سر هم قرار گیرد، در پایان شرح حال هر یک از ایشان، مؤلف با عبارت: «أقول هذا متحد مع من بعده» یا «أقول: هذا مغاير مع بعده» به وحدت یا تغایر حکم می‌دهد. این سخن گویای این نکته است که تمامی آن عناوین برای یک نفر است.^{۵۷۹}
- ۲- در صورتی که عناوین ارجاعی از نظر ترتیب الفبایی پشت سر هم قرار نگیرد، در عنوان نام راوی، ارجاع با علامت «=» آمده است.^{۵۸۰}

اما وجود علامت تساوی به هیچ روی گویای اتحاد بین دو عنوان نیست؛ از این رو، گاه در یک ارجاع حکم به اتحاد شده است و گاه متحد دانسته نشده‌اند. در مواردی هم حکم به تغایر افراد شده است، چنان‌که نام ابراهیم بن صالح انماطی سه بار پشت سر هم عنوان شده است و آنها را متغایر دانسته‌اند. بنابراین، مفهوم علامت «=» تنها به معنی وجود ارتباط بین عنوانها و لزوم مراجعه به عنوان مورد ارجاع است.

۵۷۷. برای نمونه، ر. ک: احمد بن محمد البرقی، ج ۳، ص ۲۶۱؛ احمد بن محمد بن خالد، ج ۳، ص ۲۹۰.

۵۷۸. برای نمونه، ر. ک: عبدالله بن میمون بن الأسود، ج ۱۱، ص ۳۸۱؛ عبدالله بن جبلة، ج ۱۱، ص ۱۴۱.

۵۷۹. برای نمونه، ر. ک: عبدالله بن الفضل، ج ۱۱، ص ۲۹۶، ش ۷۰۶۳.

۵۸۰. برای نمونه، ر. ک: عبدالله بن الفضل الهاشمی، ج ۱۱، ص ۲۹۷، ش ۷۰۶۷.

۳- در بیشتر موارد، ارجاعات به مواردی است که شرح حال دارند، اما در مواردی که تنها نام راوی از مصادر رجالی ذکر شده است و شرح حال ندارد، ارجاع وجود ندارد.

ه) خصوصیات منابع کتاب

منابع رجالی چون: رجال نجاشی، رجال طوسی، فهرست طوسی، رجال برقی، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، فهرست شیخ منتجب الدین، رجالی برقی، رجال ابن غضائری، خلاصة الأقوال، رجال ابن داود، إرشاد شیخ مفید، الوجیزة محمدباقر مجلسی و روضة المتقین محمدتقی مجلسی از مصادر کتاب در بیان شرح حال و احوال رجالی راوی اند. مؤلف کوشیده است عبارت را از خود مصادر نقل کند و بر حکایت‌های عبارت مصادر اعتماد نکرده است.

تنها در صورتی که عبارت نقل شده را در منبع نیافته و یا خود او مراجعه نکرده است حکایت عبارات را با تصریح به این نکات نقل کرده است. همچنین از آنجا که رجال ابن غضائری هنگام تألیف کتاب به صورت مستقل وجود نداشته است او آرای ابن غضائری را از خلاصة الأقوال علامه حلی و رجال ابن داود و مجمع الرجال قهپایی نقل کرده است.

و) خصوصیات «اختلاف کتب» و «اختلاف نسخ»

در شرح حالها در ذیل نام هر راوی امکان دارد دو عنوان «اختلاف کتب» و «اختلاف نسخ» آمده باشد. در عنوان اختلاف کتب، موارد اختلاف کتب چهارگانه حدیث در اسناد و راویان یکسان بیان شده است. مؤلف در پی ذکر این موارد، تحریف یا سقط یا تصحیف را تذکر داده است و نظر صحیح یا نزدیکتر به صحت را بیان کرده است. در عنوان اختلاف نسخ، اختلافهایی که در نقل از هر یک از نسخه‌های یک کتاب حدیثی رخ داده، بیان شده است. برای نمونه موارد اختلاف وسائل الشیعه با الوافی در نقل روایتی از کافی به دلیل اختلاف در نسخه مورد استفاده آنها گزارش شده است.

۳- تفصیل طبقات راویان

چنان که در خصوصیات اطلاعات مربوط به طبقه راوی اشاره شد، این بخش قسمتی مجزا در انتهای هر جلد است. به طور کلی راوی و مروی عندهای هر شخص در متن کتاب معجم رجال الحدیث با آدرس روایاتش معرفی شده است، اما در مواردی که تعداد آنها کم بوده است، آدرس روایات آنها هم در شرح حال همان شخص در متن کتاب ذکر شده است^{۵۸۱} و در مواردی که آدرسها طولانی بوده است، فهرست آنها در پایان هر جلد از کتاب با عنوان «تفصیل طبقات الرواة» ارائه شده است.^{۵۸۲}

آدرسها به ترتیب مروی عنده مرتب شده است و راویان متفاوت در ضمن آن آمده‌اند. در این قسمت، به ترتیب تاریخی به کتب حدیثی آدرس داده است؛ یعنی، ابتدا کافی، سپس من لا یحضره الفقیه، تهذیب الأحکام و استبصار ذکر شده است.

۵۸۱. برای نمونه، ر.ک: عبدالله بن الحجاج، ج ۱۱، ص ۱۶۶؛ عبدالله بن محمد بن خالد، ج ۱۱، ص ۳۲۸.

۵۸۲. برای نمونه، ر.ک: موسی بن عمر، ج ۲۰، ص ۶۵ و ۳۸۳؛ نعیم بن ابراهیم، ج ۲۰، ص ۱۸۹ و ۴۱۴.

کتابهایی بر محور معجم رجال الحديث

از آنجا که این کتاب جامع و کامل و در عصر حاضر منحصر به فرد است، لذا فهرستها و نمایه‌هایی برای آسان‌سازی استفاده از کتاب فراهم آمده است؛ از جمله:

۱- *دلیل معجم رجال الحديث*؛ از محمدسعید طریحی؛ اولین فهرست الفبایی نام راویان بر اساس معجم رجال الحديث است که در شانزدهم رمضان المبارک ۱۴۰۶ هجری تألیف شده است.

۲- *المعین علی معجم رجال الحديث*؛ نویسنده فهرست نام رجالی را که در معجم رجال الحديث وجود داشته است با مختصری اطلاعات درباره آنها ارائه کرده است.

۳- *المفید من معجم رجال الحديث* از محمد جواهری؛ نویسنده خلاصه نظر آیت الله خویی را درباره هر راوی در یک سطر با ذکر آدرس چاپهای مختلف کتاب آورده است. این کتاب برای دستیابی سریع به آخرین نظر مطرح‌شده در معجم رجال الحديث بسیار مفید است. در این کتاب نام تمامی راویان موجود در معجم رجال الحديث آمده است. صفحات این کتاب به صورت جدولی تنظیم شده که شرح آن چنین است:

در هر صفحه سه ستون در سمت راست صفحه در نظر گرفته شده است که شماره عنوان را بر اساس چاپ نجف (با رمز «ن»)، چاپ بیروت (با رمز «ب») و چاپ تهران (با رمز «ط») مشخص کرده است. سپس عنوان راوی به صورت تیره و مختصر اطلاعات رجالی معجم رجال الحديث درباره راوی به خط معمولی آمده است. اطلاعات ذکرشده در برابر نام هر راوی عبارت است از:

- ۱- وثاقت و حسن یا عدم آنها؛
 - ۲- تعیین اینکه راوی از اصحاب کدام امام است؛
 - ۳- نام امامی که راوی بدون واسطه از او نقل کرده است (در صورت وجود)؛
 - ۴- تعداد روایات راوی در کتب اربعه (در صورت کم بودن و مختصر بودن)؛
 - ۵- اشاره به داشتن کتاب یا اصل (در صورتی که راوی مؤلف باشد)؛
 - ۶- بیان حکم طریق شیخ طوسی یا صدوق یا هر دوی آنها به راوی در مشیخه من لا یحضره الفقیه یا تهذیب الأحکام یا استبصار؛
 - ۷- ذکر برخی خصوصیات راوی؛
 - ۸- بیان اتحاد راوی با این نام و با نام دیگر او و یا مغایرت آنها با یکدیگر.
- مؤلف هر یک از این اطلاعات را با خط تیره از یکدیگر جدا کرده است. تعبیرات توثیق خاص مانند: ثقة، ثقة، ثقة، و ثقة فی الحديث را از شرح حال راوی در معجم رجال الحديث در همان عنوان یا در عنوان متحد با آن نقل کرده است. همچنین توثیقات عام مانند: راوی در تفسیر قمی، راوی در کامل الزیارات، مشایخ نجاشی و ... را ذکر کرده است.
- لازم به یادآوری است که در مواردی که به روایت شخص اشاره‌ای نشده است، به معنای نبودن روایت برای آن عنوان است.

شایان ذکر است که مقدمه معجم رجال الحديث به دلیل اهمیت مباحث رجالی‌اش از سوی عبدالهادی فقهی‌زاده به فارسی برگردانده شده و در سال ۱۳۷۶ با عنوان *درآمدی بر علم رجال* چاپ شده است.

ملحقات

چاپهای معجم رجال الحديث

پس از پایان تألیف کتاب در سال ۱۳۹۰ هجری و نشر آن در ۲۳ جلد، در نجف اشرف و سپس بیروت تجدید چاپ شد. مرحوم آیت الله خویی پس از تألیف این کتاب نیز، با همه مسئولیتهای سنگینی که بر عهده داشتند، در آن بازنگری کرده‌اند و پس از چهار بار چاپ نسخه اول این کتاب، تجدید نظرهای مؤلف در چاپ پنجم آن در ایران و در ۲۴ جلد به دست گروهی زیر نظر ایشان انجام شد. گزارش این تجدید نظرها از نظر محتوایی و شکلی به قرار زیر است:

۱- از نظر محتوایی: برخی مبانی رجالی مؤلف که در مقدمه معجم آمده بود، بازنگری شد و نظر ایشان تغییر یافت. از جمله ایشان در مقدمه معجم رجال/الحديث وثاقت تمامی راویانی را که نامشان در اسناد کامل الزیارات بود، پذیرفته بودند، اما نظر ایشان به وثاقت مشایخ بدون واسطه ابن قولویه در کامل الزیارات تغییر یافت؛ بنابراین، بسیاری از افراد تحت این قاعده خارج شدند.

همچنین جمعی از راویانی که پیش‌تر نام ایشان در کتاب نیامده بود، اضافه شد که افزون بر سی عنوان است. از اینکه بگذریم در اختلاف کتابها و نسخه‌ها و طبقه راویان نیز بازنگریهایی صورت گرفت و مطالبی به آن اضافه شد.

۲- از نظر شکلی: چند گونه اختلاف شکلی نیز بین دو نسخه کتاب وجود دارد. از جمله آنکه در نسخه دوم کتاب این کارها انجام گرفته است:

- تصحیح اشتباهات چاپی، به ویژه در نام راویان؛
 - تصحیح مطالب نقل شده به صورت دقیق و در پرانتز قرار دادن آنها؛
 - مقابله مطالب نقل شده با مصادر آنها؛
 - تصحیح شماره روایات در متن کتاب و در تفصیل طبقات راویان؛
 - تنظیم کتاب در ۲۴ جلد و اختصاص یک جلد به فهرستها؛
 - تهیه فهرست تفصیلی برای هر جلد با تعیین جلد و صفحه عناوین ارجاعی.
- این نسخه از کتاب به عنوان چاپ پنجم معجم رجال/الحديث در سال ۱۴۱۳ هجری در ایران به چاپ رسیده است.

جلسه هفدهم

آشنایی با کتب تحقیقی رجال

هدف درس

✓ آشنایی با کتب تحقیقی رجال: فوایدنگاری، قواعدنگاری و تکنگاریها.

فصل چهارم: آشنایی با کتب تحقیقی رجال

همچنان که در مباحث گذشته دیدیم، بخش عمده منابع رجالی به معرفی یکایک راویان و تعیین حال رجالی آنان از لحاظ طبقه و توثیق و تضعیف اختصاص یافته بود، اما از عصر علامه حلی و ابن داود حلی در کنار معرفی راویان، مطالب رجالی هم در خاتمه کتب رجالی مطرح شد و در طول تاریخ سیر تکاملی خود را پیمود. در سه فصل گذشته، از منابع رجالی ای که به معرفی یکایک راویان پرداخته‌اند با عناوین اصول اولیه، اصول ثانویه و جوامع رجالی یاد کردیم. در این فصل مجموعه منابع رجالی ای را که همانند جوامع رجالی و اصول پیشین، به معرفی راویان پرداخته‌اند و تنها قواعدنگاری و تحقیقات خاص را مد نظر داشته‌اند، معرفی می‌کنیم. مجموعه کتب رجالی ای را که با این رویکرد نگاشته شده است، می‌توان در سه سبک مختلف دسته‌بندی کرد. این سه سبک عبارتند از: فوایدنگاری، قواعدنگاری و تکنگاری.

سبک نخست: فوایدنگاری

مراد از فواید، مجموعه اطلاعات و نکات یافت‌شده در لابه‌لای اسناد روایات است. برخی از عالمان رجالی با تحقیقات گسترده در کتب رجالی و اسناد کتب روایی به نکات مختلفی برخورد کرده‌اند و آنها را به صورت فواید رجالی نگاشته‌اند. این فواید بیشتر در خاتمه کتب رجالی جای داشتند تا آنکه فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۵ هـ) برای اولین بار در کتاب جامع المقالات آنها را سامان داد و بخشی از آنها در قالب قواعد علم رجال ظهور کردند. اما آغاز جدی این مسیر را باید از فواید وحید بهبهانی بدانیم. مصادر و منابع مهمی که بر این اساس تألیف شده عبارت‌اند از:

۱- جامع المقالات؛

۲- فواید وحید بهبهانی؛

۳- رجال السید بحر العلوم؛

۴- عده الرجال؛

۱- جامع المقال فيما يتعلق بأحوال الحديث و الرجال

مؤلف

شیخ فخرالدین بن محمد بن علی بن احمد بن طریح رماحی نجفی معروف به فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۵ هـ) مؤلف این کتاب است. او در نجف در خاندان آل طریح، که از خاندانهای مشهور شیعی علمی نجف بود، متولد شد و در رماحیه عراق از دنیا رفت. طریحی با شیخ حر عاملی معاصر بود و از شیخ بهایی روایت کرده است. خود نیز از مشایخ پسرش شیخ صفی الدین و علامه مجلسی و سید هاشم بحرانی است.^{۵۸۳} طریحی صاحب تألیفات متعددی از جمله مجمع البحرین فی اللغة در زمینه غریب الحدیث است. کتاب دیگر او جامع المقال است که به معرفی آن خواهیم پرداخت.

تألیف

طریحی این کتاب را در قالب یک مقدمه، دوازده باب و یک خاتمه سامان داده است. باب اول در آشنایی با برخی مصطلحات کلی درباره سند و متن حدیث و اقسام آنها است. باب دوم به احکام اقسام مختلف حدیث و حجیت خبر واحد اختصاص دارد. در باب سوم شروط راوی بیان شده و باب چهارم به بیان عدالت در شروط راوی اختصاص یافته است. باب پنجم انواع احادیث نقل شده از پیامبر و شیوه استفاده از آنها را بیان می کند. باب ششم انگیزه عدول از اصطلاح قدما به مصطلحات جدید اعتبار حدیث را بیان می کند. باب هفتم شامل شروط راوی در تحمل حدیث و باب هشتم شیوه روایت کردن و جواز نقل به معنی است. باب نهم درباره شیوه محدثان (شیخ کلینی، صدوق و طوسی) در اسناد است. باب دهم علومی است که در شناخت حدیث مؤثر است. در باب یازدهم به شیوه نگارش و تدریس حدیث می پردازد. باب دوازدهم مفصل ترین بخش کتاب است و خود مشتمل بر دوازده فایده رجالی تفصیلی است. در این باب اسامی راویان مهم که به شکلی ابهام در شخص، نسبت، کنیه یا لقب ایشان وجود دارد بیان شده و به چند نکته از مبحث طبقات در رجال اشاره شده است.

۲- فواید وحید بهبهانی

مؤلف

او شیخ محمدباقر اکمل مشهور به وحید بهبهانی (۱۲۰۶ - ۱۱۱۷ هـ) است. او را مجدد مذهب جعفری در اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری می دانند. پدر او نیز از فضلالی عصر خود و از شاگردان علامه

۵۸۳. آذر تفضلی و مهین فضالی جوان، فرهنگ بزرگان اسلام و ایران از قرن اول تا چهاردهم هجری، مشهد، آستان قدس رضوی و بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۹ هـ ش، ص ۴۱۵.

مجلسی بوده است. وحید بهبهانی در اصفهان (اسپهان) به فاصله چند سال از وفات علامه مجلسی متولد شد و مدتی در بهبهان سکونت داشت و سرانجام در کربلا اقامت گزید و در همان جا از دنیا رفت.^{۵۸۴} او از فقیهان و اصولیان بزرگ عصر خویش بود که در مقابله علمی با اخباریان شهرت بسزایی یافت و مطالعاتی دقیق و عمیق در حوزه حدیث و رجال داشت. از جمله آثار او می‌توان به حاشیه /ارشاد علامه، حاشیه معالم، حاشیه مدارک و تعلیقه /البهبهانی که حاشیه منهج المقال است، اشاره کرد.

تألیف

وحید بهبهانی با مطالعات و پژوهشهای خود به برخی اطلاعات دربارهٔ راویان دست یافت که در شرح حال راویان یا به کلی از آنها غفلت شده بود یا کمتر به آنها پرداخته شده بود. او این گونه اطلاعات را به صورت حاشیه و تعلیقه بر کتاب منهج المقال فی علم الرجال تألیف میرزا محمد استرآبادی تدوین کرد. بهبهانی از این مجموعه اطلاعات، فوایدی را در قالب قواعد رجالی مستند به تتبع موارد سامان داد و در مقدمه تعلیقه‌اش گنجانید. این مجموعه فواید که با نام فواید بهبهانی شناخته می‌شود و از کتب تحقیقی در علم رجال به شمار می‌رود در پنج عنوان ترتیب داده شده است که عبارت‌اند از:

فایده اول: نیاز به علم رجال

برخی اخباریان نیازی به دانش رجال نمی‌بینند؛ زیرا صدور بسیاری از احادیث را قطعی می‌دانند. این گروه اعتقاد خود را با ادله و بیانه‌های مختلفی ذکر کرده‌اند. وحید بهبهانی در این فایده به تفصیل، آرا و ادله ایشان را بررسی کرده و جواب گفته است.

فایده دوم: اصطلاحات رجالی

استفادهٔ توثیق، تضعیف و مدح بر پایهٔ شناخت تعبیرات رجالیان و شیوه‌های کاربرد آنها استوار است. بهبهانی در این فایده ۲۹ عنوان از این گونه الفاظ را شرح داده و در بیشتر موارد به اشخاصی که این تعبیرات دربارهٔ آنها به کار رفته هم اشاره کرده است.

فایده سوم: سایر امارات و ثاقت، مدح و قوت

گذشته از برخی تعبیرات که حکایت از اعتبار راوی دارند، بخشی از نشانه‌ها هم به شکل کلی و قانونمند بر وثاقت یا مدح یا حداقل قوت راوی دلالت دارند. این نشانه‌ها همان قواعد توثیق و حسن و به تعبیر دیگر، قواعد دانش رجال در تشخیص حال راویان هستند. مرحوم بهبهانی ۵۴ عنوان از نشانه‌هایی را که بر وثاقت یا مدح یا قوت راوی دلالت داشته یا در مورد آنها چنین ادعا شده است، گرد آورده است.

گفتنی است که مرز دقیقی بین فایده دوم و سوم وجود ندارد و گاه در فایده سوم به شرح الفاضلی چون فاضل، دین و مانند اینها پرداخته و در فایده دوم به بحث اصحاب اجماع اشاره دارد. اما بیشتر مباحث این دو فایده چنان است که شرح داده شد.

۵۸۴. ریحانة الأدب، ج ۱ و ۲، ص ۵۲ - ۵۱.

فایده چهارم

به بیان برخی مصطلحات خود در تعلیقات اختصاص دارد.

فایده پنجم

توجه به برخی خصوصیات نامها هنگام مراجعه به کتاب رجال و استفاده از آن است. بهبهانی توصیه‌هایی در شیوه مراجعه به کتب رجالی دارد که همه به شیوه یافتن اسامی، و اشتباهات احتمالی مؤلفان کتب رجالی در ذکر اسامی مربوط است.

این پنج فایده به ویژه سه فایده اول، که بیشتر مباحث را دربردارد، پایه بسیاری از مباحث تحقیقی در حوزه قواعد رجالی را تشکیل داده است؛ به گونه‌ای که می‌توان بسیاری از کتب تحقیقی نگارش یافته پس از او را شرح و توضیح آنها دانست. همچنین اگر تألیفات پس از وحید بهبهانی شرح مستقل این فواید نباشد آن قدر استناد به آنها و استفاده از آنها فراوان است که وابستگی به آرای وحید بهبهانی آشکارا مشهود است.

۳- رجال السید بحر العلوم

مؤلف

مؤلف این کتاب سید محمد مهدی بحر العلوم (۱۲۱۲ - ۱۱۵۵ هـ) است. او در بروجرد به دنیا آمد، نجف اشرف مسکن گزید و همان جا از دنیا رفت. او از فقیهان بزرگ امامیه است. مامقانی در رجال خود او را «بین الوثاقه و العصمة» دانسته است. او نزد وحید بهبهانی، شیخ یوسف بحرانی و گروهی دیگر از بزرگان شاگردی کرد و بزرگانی چون سید محمد باقر شفتی نزد او علم آموختند.^{۵۸۵}

تألیف

این کتاب که به *فوائد الرجالیه* معروف است از سه بخش اصلی تشکیل شده است:

بخش اول: خاندانهای محدث

در این بخش ده خاندان با عنوان آل فلان و شانزده خاندان با عنوان بنی فلان معرفی شده‌اند. جلد اول کتاب به این بخش اختصاص یافته است.

بخش دوم: شرح احوال برخی راویان، عالمان، امامزادگان و محدثان

در این قسمت شرح حال عده‌ای از امامزادگانی که شرح حال آنها را کمتر در کتب متداول رجالی دیده‌ایم، به ویژه کسانی که در اسناد روایات نیامده‌اند و احیاناً در حوادث تاریخی شرکت داشته‌اند، آمده است. عالمانی که او شرح حال آنها را ذکر کرده است بیشتر در زمره فقیهان، رجالیان و ادیبان هستند.

۵۸۵. علی اکبر دهخدا و دیگران، *لغت نامه دهخدا* (مماقانی)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ هـ ش، ج ۳، ص ۴۳۹.

بخش سوم: فواید رجالی

بحرالعلوم در این بخش ۳۳ فایده رجالی را سامان داده است که موضوعات کلی آنها مربوط به طرق شیخ طوسی و تمییز عده‌ای از راویان مشترک و تعیین مؤلفان برخی کتابها چون *رجال ابن غضائری* و *رجال برقی* است.^{۵۸۶}

۴- عده الرجال

مؤلف

این کتاب تألیف سید محسن بن سید حسن أعرجی (۱۲۲۷ - ۱۱۳۰ هـ) معروف به مقدس کاظمی است. او از شاگردان وحید بهبهانی است و از جمله شاگردانش سید محمدباقر شفتی و شیخ ابراهیم کلباسی را می‌توان نام برد. أعرجی کتابش را پس از تعلیقات بهبهانی بر *منهج المقال* استرآبادی نوشته است.

تألیف

مؤلف این کتاب را به درخواست چهارمین فرزندش، سید علی أعرجی، آغاز کرد. او خصوصیات کتاب مورد درخواست را چنین بیان می‌کند:

کتابی باشد که همه فواید را دربرداشته و خالی از زوائد باشد. موارد اتفاق همه و موارد اختلاف را بیان کند و ممیزات هر بحث را از آنچه با آن مشارکت دارد، مشخص نماید و به تحقیقات وحید بهبهانی در تعلیقات *منهج المقال* اشاره داشته باشد. توشه‌ای در این موضوع باشد و [خواننده] از رساله‌ها و کتابها در این موضوع بی‌نیاز گردد. در همین حال اختصار را رعایت کند تا مراجعه‌کننده آسان و سریع به آنچه نیاز دارد دست یابد.^{۵۸۷}

أعرجی با این درخواست، کتاب را در دوازده فایده به شرح زیر تدوین کرد:

فایده اول: تاریخ اهل بیت؛ در پایان این فایده به ذکر وکلای چهارگانه امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرداخته و نام سایر وکلا نیز به همراه مدح یا ذم آنان آمده است.^{۵۸۸}

فایده دوم: بیان فرقه‌های مختلف؛^{۵۸۹}

فایده سوم: ذکر نام مصنفان قدما؛ مؤلف عده‌ای از ایشان را در مقدمه کتابش^{۵۹۰} نام برده است، اما در متن نسخه موجود از این کتاب این فایده وجود ندارد. ممکن است مؤلف به هنگام تألیف کتاب جای این بحث را تغییر داده است و یا کاتبان نسخه‌ها چنین کرده‌اند.

۵۸۶. ر.ک: *لغت‌نامه دهخدا* (ممقانی)، ج ۴، ص ۶۳ تا آخر.

۵۸۷. *عده الرجال*، ج ۴۱، ص ۵۰ - ۴۹.

۵۸۸. همان، ص ۸۷ - ۵۲.

۵۸۹. همان، ص ۹۷ - ۸۸.

۵۹۰. همان، ص ۴۹ - ۴۵.

فایده چهارم: توجیه اعتبار خبر غیرعادل و اتفاق بر شرط بودن عدالت؛ مؤلف در این فایده بین اعتبار خبر غیرعادل و شرط بودن عدالت در راوی جمع نموده و برخی اشکالات در این زمینه را پاسخ گفته است.^{۵۹۱}

فایده پنجم: الفاظ جرح و تعدیل و قدح و مدح؛ در این فایده نشانه‌های وثاقت و مدح نیز ذکر شده‌اند.^{۵۹۲}

فایده ششم: شروط جرح و تعدیل؛ در این فایده دو بحث وجود دارد: بحث اول، تعداد معتبر در جرح و تعدیل و بحث دوم، در معتبر نبودن ذکر سبب در جرح و تعدیل.^{۵۹۳}

فایده هفتم: تعارض جرح و تعدیل و آرای مختلف در آن؛^{۵۹۴}

فایده هشتم: ذکر اصحاب اجماع و مبانی این نظریه رجالی؛^{۵۹۵}

فایده نهم: مراد از «عده» در اسناد؛^{۵۹۶}

فایده دهم: اسامی مشهور مشترک بین چند راوی؛^{۵۹۷}

فایده یازدهم: الفاظ متداولی که معنای آنها مشکل است؛^{۵۹۸}

فایده دوازدهم: تکرار نام راوی در دو باب متناقض، مانند باب «من لم یرو عنهم» و باب اصحاب راوی ائمه.^{۵۹۹}

پس از پایان نگارش این دوازده فایده، فرزند مؤلف، سید علی، که کتاب را به درخواست او نوشته است، رحلت می‌کند و مؤلف یادداشتهای متفرق را با برخی فواید دیگر درمی‌آمیزد و شش فایده دیگر را نیز می‌افزاید و آنها را به عنوان صدقه جاری برای فرزند مرحومش ذکر می‌کند.^{۶۰۰}

این فواید شش‌گانه عبارت‌اند از:

- ۱- معرفی بسیاری از راویان منحرف: در این فایده از واقفیان ۶۱ نفر، از فطحیان دوازده نفر، از خاندان بنی‌فضال و زیدیه ۲۹ نفر، از کیسانیه پنج نفر، از اهل سنت ۳۸ نفر و از غالیان و متهمان به غلو ۶۷ نفر نام برده و در این بخش از محمد بن سنان به تفصیل بحث کرده است.^{۶۰۱}
- ۲- جمعی از مشایخ حدیث که یا جرح شده‌اند، یا در شمار مجهولین آمده‌اند، یا ممدوح و یا موثق هستند، در این فایده ۶۹ نفر از این‌گونه افراد را برشمرده و دلیل مدح یا توثیق آنان را ذکر کرده است.^{۶۰۲}
- ۳- فهرست اسامی صحابه، تابعان و اتباع تابعان.^{۶۰۳}

۵۹۱. همان، ص ۱۰۹ - ۹۸.

۵۹۲. همان، ص ۱۶۶ - ۱۱۰.

۵۹۳. همان، ص ۱۸۱ - ۱۶۷.

۵۹۴. همان، ص ۱۸۸ - ۱۸۲.

۵۹۵. همان، ص ۲۱۱ - ۱۸۹.

۵۹۶. همان، ص ۲۱۹ - ۲۱۲.

۵۹۷. عده الرجال، ج ۱، ص ۲۳۹ - ۲۲۰.

۵۹۸. همان، ص ۲۵۳ - ۲۴۰.

۵۹۹. همان، ص ۲۵۶ - ۲۵۴.

۶۰۰. همان، ج ۱، ص ۲۵۷.

۶۰۱. همان، ص ۴۱۸ - ۲۵۸.

۶۰۲. همان، ص ۵۰۱ - ۴۱۹.

۶۰۳. همان، ج ۲، ص ۱۳ - ۷.

- ۴- دو مطلب که نیاز به بیان دارد: الف) گاه راوی از اصحاب امامی معرفی می‌شود، در حالی که از امام دیگر هم روایت دارد؛ ب) مراتب شش‌گانه نسب.^{۶۰۴}
- ۵- معرفی مشاهیر و تاریخ آنان: در این فایده شرح حال بسیار مختصر درباره ۱۲۴ نفر از عالمان مشهور مذاهب مختلف اهل سنت، ادیبان و کسانی که ممکن است به شناخت آنان و تاریخشان نیاز باشد، آورده است.^{۶۰۵}
- ۶- مؤلف ضمن تنظیم الفبایی مشیخه صدوق، به شرح طرق و بررسی اعتبار آنها پرداخته است. او در خاتمه این فایده تصریح می‌کند که ضعف طرق در صورت شهرت کتاب ضرری به صحت روایت نمی‌زند و ملاک ظن به روایت است.^{۶۰۶}

۵- بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال

مؤلف

این کتاب تألیف ملا علی علیاری تبریزی (۱۳۲۷ - ۱۳۳۶ هـ) است.^{۶۰۷}

تألیف

مؤلف این کتاب را در شرح منظومه‌ای که سید حسین رضا حسینی بروجردی (م ۱۲۷۶ هـ) به نام *زبدة المقال* دربارهٔ راویان سروده، نگاشته است. مقدمه ۳۲۸ صفحه‌ای کتاب به مباحث کلی دانش رجال اختصاص یافته است. مؤلف این مباحث را در دوازده فصل سامان داده است که عبارت‌اند از:

فصل اول: تعریف علم رجال و نیاز به آن؛

فصل دوم: وجه اعتبار رأی رجالی؛

فصل سوم: شیوه ترتیب و تنظیم کتب رجالی؛

فصل چهارم: شرح حال مختصر جمعی از رجالیان؛

فصل پنجم: شیوه مراجعه و استفاده از کتب رجالی؛

فصل ششم: قراین تمییز مشترکات؛

فصل هفتم: جمعی از راویانی که اسامی یا احوال آنان اشتباه شده است؛

فصل هشتم: جمعی از فرقه‌های مختلف اسلامی؛ مؤلف فرقه‌های مهم اسلامی را هشت فرقه دانسته است که هر یک به چند فرقه فرعی تقسیم می‌شوند: فرقه اول، معتزله با بیست فرقه فرعی؛ فرقه دوم، شیعه با سه فرقه زیدی، مذهبانی و هجده فرقه غالیان؛ فرقه سوم، خوارج با هفت فرقه اصلی و چندین فرقه فرعی؛ فرقه

۶۰۴. همان، ص ۱۷ - ۱۴.

۶۰۵. همان، ص ۶۰ - ۱۸.

۶۰۶. همان، ص ۲۶۳ - ۲۶۱.

۶۰۷. در مقدمه کتاب، رساله‌ای با عنوان *غایة الآمال فی ترجمه صاحب بهجة الآمال*، نوشته آیت الله العظمی مرعشی نجفی در ۴۷ صفحه در شرح زندگانی مؤلف چاپ شده است.

چهارم، مرجئه که خود پنج فرقه دارند؛ فرقه پنجم، نجاریه؛ فرقه ششم، جبریه با دو فرقه؛ فرقه هفتم، مشبهه؛ فرقه هشتم، شیعه امامی اثنی عشری.

فصل نهم: ناصبیان و صوفیان؛

فصل دهم: بیان مصطلحات رجالی شامل: اصطلاحات مدح، قوت و وثاقت، الفاظ غیر صریح در مدح یا قدح، اسباب ذم و ضعف؛

فصل یازدهم: اصحاب اجماع؛

فصل دوازدهم: مراد از «عده» در اسناد کافی.

مؤلف به هنگام شرح ابیات زیاده المقال به مناسبت، دوباره به برخی از این مباحث اشاره کرده است.

سبک دوم: قواعد نگاری

در سیر تاریخی تدوین کتب رجالی از قرن سیزدهم و چهاردهم هجری تا عصر حاضر شاهد تبدیل بسیاری از فواید رجالی به صورت قواعد رسمی رجال و یا تدوین کتابهایی در تبیین دانش رجال هستیم. آنچه از دانش رجال پیش از این دوران شناخته می‌شد، تنها مجموعه نام راویان و شرح حال آنان همراه با برخی فواید رجالی بود. اما در این دوران کلیات دانش رجال و ضوابط و قواعد رجالی به صورت دقیق، منظم و منسجم تشریح شده و به تعریف رجال، نیاز به علم رجال، ضرورت آن، معرفی منابع آن، توثیقات عام و خاص و ... پرداخته شده است. مهم‌ترین منابعی که این‌گونه به معرفی و بیان قواعد رجالی پرداخته‌اند، عبارت‌اند از:

۱- توضیح المقال؛

۲- نتیجه المقال؛

۳- الفوائد الرجالية من تنقیح المقال؛

۴- سماء المقال؛

۵- لبّ اللباب؛

۶- بحوث فی فقه الرجال.

۱- توضیح المقال فی علم الرجال

مؤلف

این کتاب تألیف ملا علی کنی (۱۳۰۶ - ۱۲۲۰ هـ) از عالمان بزرگ تهران است. او اصالتاً آملی است و اجدادش از آنجا به «کن»، روستایی در شمال تهران، مهاجرت کردند. ملا علی در سال ۱۲۲۰ در کن متولد شد و با عشق به طلب علم پرورش یافت و پیش از او هیچ یک از افراد خانواده‌اش عالم نبودند. ملا علی کنی به نجف اشرف مهاجرت کرد و در کلاس درس محمدحسن صاحب جوهر شرکت جست و بسیار با او همراه

بود و پس از رسیدن به درجهٔ اجتهاد به تهران بازگشت و نزد ناصرالدین شاه مقرب گشت. سرانجام او در سال ۱۳۰۶ وفات یافت و در حرم حضرت عبدالعظیم در شهر ری به خاک سپرده شد.

تألیف

مؤلف این کتاب را در یک مقدمه، سه باب و یک خاتمه سامان داده و مباحث زیر را در هر یک از این عناوین مطرح کرده است.

مؤلف در مقدمه پس از تعریف و بیان موضوع و فایدهٔ دانش رجال به دلیل نیاز به دانش رجال و دفع شبهات مختلف، که بیشتر از سوی اخباریان برای اثبات بی‌نیازی از دانش رجال گفته شده، پرداخته است. همچنین مبنای حجّیت رأی رجالی در این بخش بررسی شده است.

باب اول در شیوهٔ شناخت هویت راویان در اسناد است. شیوهٔ مراجعه به کتب رجال و شیوهٔ تمییز مشترکات و برخی ممیزاتی که دربارهٔ جمعی از راویان به کار گرفته شده و همچنین بحث اشتراک نوشتاری اسامی در این باب آمده است. در این بخش رموز کتاب *الوافی و بحار الأنوار* نیز توضیح داده شده است.

باب دوم به بحث تفصیلی در تعیین مصادیق سه عنوان محمد بن اسماعیل، ابوبصیر و عمر بن یزید اختصاص دارد.

در باب سوم الفاظی که بر اساس آنها احوال رجال قابل شناخت است و اقسام عقاید فاسد و مذاهب مردود شرح شده‌اند.

خاتمهٔ کتاب به بیان اقسام حدیث اعتبار و اقسام طرق تحمل حدیث و دیگر اقسام حدیث اختصاص یافته و در پایان نیز شرح حال مختصر شصت تن از مشایخ رجال و حدیث‌دارای نظرات رجالی آمده است.

۲- نتیجهٔ المقال فی علم الرجال

مؤلف

این کتاب تألیف شیخ محمدحسن مازندرانی بارفروش است.

تألیف

مؤلف، کتاب را در یک مقدمه و شش باب سامان داده است.

مقدمهٔ کتاب به تعریف دانش رجال و موضوع و دلیل نیاز به آن اختصاص دارد.

باب اول در معرفی عالمان رجالی‌ای است که آرای آنان در جرح و تعدیل مورد مراجعه است.

در باب دوم به شیوهٔ دستیابی به حال راویان از کتب رجالی و شیوهٔ تمییز مشترکات و شناسایی برخی از راویانی که اشتراک اسمی دارند، پرداخته است.

باب سوم به اسباب مدح، بیان اصحاب اجماع، اسباب ذم و الفاظ متداول در رجال که در مدح یا ذم ظهور ندارند، اختصاص یافته است.

در باب چهارم با تفسیر تعبیر «عدّة من أصحابنا» در آغاز آسناد کلینی، مراد از این اشخاص را مشخص کرده است.

باب پنجم دربارهٔ اصحاب اجماع، طبقات، تعداد و احوال هر یک از ایشان است.
باب ششم به شرح حال نه نفر از راویان مورد اختلاف رجالیان پرداخته است. این باب تلخیص رساله‌های سید محمدباقر شفتی دربارهٔ هر یک از این راویان است.

۳- الفوائد الرجاليه من تنقيح المقال

مؤلف

این کتاب تألیف علامه عبدالله مامقانی (۱۳۵۱ - ۱۳۹۰ هـ) است.^{۶۰۸}

تألیف

مؤلف در مقدمهٔ این کتاب از فواید رجالی بحث کرده است. این مقدمه از صفحهٔ ۱۷۳ جلد اول تا صفحهٔ ۲۱۸ شامل چهار مقام اصلی است. گزارش محتوای این فواید رجالی از قرار زیر است:
مقام اول: تعریف دانش رجال؛ در این مقام به تعریفهای چهارگانهٔ دانش رجال و شرح آنها پرداخته است.

مقام دوم: بیان موضوع دانش رجال؛

مقام سوم: فایدهٔ دانش رجال، دلیل نیاز به این دانش و ردّ منکران نیاز به این دانش را به تفصیل دربردارد؛

مقام چهارم: سی فایدهٔ رجالی گونه‌گون را دربردارد که عبارت است از:

۱- شیوهٔ مراجعه به کتب رجالی؛

۲- تاریخ تولد، وفات، اسامی، کنیه‌ها و القاب اهل بیت (علیهم السلام)؛

۳- رموز اصحاب ائمه (علیهم السلام) و کتب حدیث؛

۴- جلالت شأن مشایخ سه‌گانهٔ حدیث؛

۵- تفسیر تعبیر «يُعْرَفُ وَيُنْكَرُ»؛

۶- بی‌اعتباری تضعیف در کتب فقهی؛

۷- تبیین وثاقت راویان فطحی‌مذهب؛

۸- توجیهات رفع تناقض بین تکرار نام راوی در ابواب اصحاب و باب «من لم يرو عنهم» در رجال طوسی؛
مؤلف نه وجه برای توجیه این امر بیان و بررسی کرده است.

۹- تکرار یک نام در اصحاب چند امام در رجال طوسی و اختلاف رأی او در این موارد، دلیل بر تعدد آن افراد نیست؛

۱۰- تمییز مشترکات در اسامی و آنساب؛

۱۱- برخی اصحاب جرح و تعدیل از قدما؛

۶۰۸. پیش از این، در مبحث آشنایی با کتاب تنقيح المقال، شرح حال علامه مامقانی گذشت.

- ۱۲- شرح برخی الفاظ و مصطلحات رجالی؛ الفاضلی چون: شرطة الخميس، حواریون، زهاد ثمانیه، تابعون، فقهاء، سابقون، أركان أربعة، ثقات أمير المؤمنين (عليه السلام)، أصفیاء أمير المؤمنين (عليه السلام)، باقون علی منهج بینهم، اثني عشر و سبعون، اثني عشر منافق، اثني عشر الذين انكر و اعلی أبي بكر، سفراء أربعة.
- ۱۳- حکم اعتماد بر تصحیح حدیث دیگران؛
- ۱۴- توجیه اصطلاحات چهارگانه حدیثی متأخران؛
- ۱۵- عوامل اشتراک در اسامی راویان و ممیزات بین مشترکان؛
- ۱۶- شیوة اثبات اتحاد عناوین مختلف رجالی؛
- ۱۷- حکم استفاده از جرح و تعدیل تاریخ‌نویسان مذاهب فاسد؛
- ۱۸- بررسی اعتبار حکم بزرگان به صحت حدیث در توثیق راوی؛
- ۱۹- مراد از لفظ «ثقة» و محدوده توثیق؛
- ۲۰- حکم راویان فاسد العقیده؛
- ۲۱- اختلاف در مبانی جرح راویان؛
- ۲۲- حکم توثیقات شیخ مفید در الإرشاد؛
- ۲۳- ضابطه حکم به سقوط واسطه؛
- ۲۴- آمارات وثاقت راوی؛ مؤلف سیزده نوع از این گونه آمارات پذیرفته شده را ذکر کرده است؛
- ۲۵- براءت بسیاری از متهمان به غلو، از این نسبت؛
- ۲۶- حاضر نبودن معاصران امام حسین (عليه السلام) در کربلا موجب جرح نیست؛
- ۲۷- قیام مسلحانه فرزندان و اصحاب ائمه مانع از مدح و توثیق آنان نیست؛
- ۲۸- بررسی نظریه عدالت صحابه؛
- ۲۹- حکم تعارض جرح و تعدیل؛
- ۳۰- فواید متفرق و مختصر ده گانه.

۴- سماء المقال فی علم الرجال

مؤلف

مؤلف این کتاب ابوالهدی کلباسی، فرزند ابوالمعالی کلباسی صاحب رسائل الرجالیه است. تاریخ تولد او مشخص نیست. کلباسی در اصفهان به دنیا آمده و بیشتر تحصیلاتش را در آنجا نزد پدر فاضلش و دیگر عالمان گذرانده است. او پس از وفات پدر به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر درس محقق خراسانی، صاحب کفایه، بهره جست. کلباسی در آخر عمر به اصفهان بازگشت و در سال ۱۳۵۶ هجری چشم از جهان فرو بست و در کنار مقبره پدرش در تخت فولاد به خاک سپرده شد. او صاحب تألیفات متعددی در فقه، اصول و رجال است.

تألیف

ابوالهدی کلباسی کتابی در دانش رجال به نام سماء المقال فی علم الرجال دارد.

این کتاب در نوع خود، در حوزه دانش رجال بی نظیر است؛ تا آنجا که آن را به منزله جواهر الکلام^{۶۰۹} در دانش رجال دانسته‌اند. این اهمیت از آن روست که کلباسی ضمن تدوین کتابی با نظام منطقی و جامع، مباحث رجالی را به بحث علمی، اجتهادی و نقادی دقیق کشانیده است.

ناگفته نماند که ابوالهدی کلباسی در بیشتر موارد محتوای مباحث را از دانش پدر فراگرفته و سامان داده است. مقایسه بحث‌های این کتاب با الرسائل الرجالیة ابوالمعالی شاهد بر این ادعاست. کلباسی کتابش را در چهار رکن به شرح زیر سامان داد.

رکن اول: در بیان حال معرفین؛ در این بخش به شرح حال مشایخ قدمای اصحاب که آرای آنان در جرح و تعدیل مورد احتجاج است، پرداخته است؛ افرادی چون کشی، ابن غضائری، نجاشی و شیخ طوسی. مؤلف درباره هر یک از ایشان به موضوع هویت شخص، تحقیق حال او و اعتبار آرای وی پرداخته است.

رکن دوم: به معرفین (روایاتی که شناسانده می‌شوند) اختصاص دارد. این بخش شامل دو مقام است: مقام اول: تمییز مشترکات؛ کسانی که شخصیت و احوال آنان به دلیل تشابه اسمی نامشخص است در این مقام بررسی شده‌اند. ابوبصیر، علی بن ابی حمزه و محمد بن اسماعیل از نمونه‌های روشن مشترکات شمرده شده‌اند که رساله‌های خاصی هم درباره آنان نوشته است. کلباسی هر یک از این سه نفر را با عنوان «مقصد» در مقام دوم این رکن آورده است.

مقام دوم: نقد مشتهیات؛ کسانی که شخصیت آنان شناخته شده، ولی حال رجالی و اعتبار آنان ناشناخته است در این مقام آمده‌اند. در سه مقصد این مقام، سکونی، عمار ساباطی و عمر بن حنظله بررسی شده‌اند.

رکن سوم: الفاظ جرح و تعدیل؛ اصطلاحات و تعبیرات رجالی مورد اختلاف در این رکن تفسیر شده‌اند. مجموع این تعبیرات بالغ بر دویست عنوان است؛ از جمله: أسند عنه، بتری، بندفر، ثبت، حجة، ثقة، عدالت، ثقة ثقة، جلّ حسن الانتقاء کان حظیاً عندهم، سلیم الجنبه، شرطة الخمیس، صلیب، صحیح الحدیث، ضعیف، عین و وجه، غلام، غلواء، مولی مخلط.

رکن چهارم: قواعد مهم رجالی؛ در این رکن به بحث از اصحاب اجماع، طرق، مشیخه و اقسام خبر پرداخته است.

۵- لبّ اللباب فی علم الرجال

مؤلف

مؤلف این کتاب ملا محمدجعفر شریعتمدار استرآبادی (م ۱۲۶۳ ه) از عالمان قرن سیزدهم است.

تألیف

ملا محمدجعفر شریعتمدار استرآبادی رساله‌ای دقیق در موضوع دانش رجال تألیف کرده و در آن به شیوه‌ای آموزشی و در کمال دقت به تبیین دانش رجال پرداخته است. او ابتدا به تعریف دانش رجال، بیان موضوع آن و

۶۰۹. کتاب تفصیلی و جامع مهم فقهی که فقه استدلالی دقیق را به آن توصیف می‌کنند و با تعبیر «فقه جواهری» از آن یاد می‌کنند.

نیز دلیل نیاز به این دانش پرداخته است. سپس در هشت باب مطالب ضروری مربوط به سندشناسی حدیث را ارائه کرده است:

باب اول: تعریف خبر؛

باب دوم: تقسیم خبر و تعریف انواع آن؛

باب سوم: روشهای هفت‌گانه تحمل (فراگیری) حدیث؛

باب چهارم: مبنای حجیت جرح و تعدیل؛

باب پنجم: الفاظ مدح و ذم؛

باب ششم: لزوم ذکر سبب در جرح و تعدیل؛

باب هفتم: تعارض جرح و تعدیل؛

باب هشتم: شیوه مراجعه به کتب رجالی و تمییز مشترکات؛

مؤلف در سه باب اخیر در مقام تحقیق هر یک از موضوعات، صورتهای مختلف مسئله را ذکر کرده و به صورت مستدل نظر برگزیده را بیان کرده است.

خاتمه کتاب نیز به ذکر مشایخ رجال و حدیث اختصاص دارد.

۶- بحوث فی فقه الرجال

مؤلف

این کتاب تألیف سید علی مکی عاملی است. این کتاب در واقع تقریرات بحثهای رجالی سید علی علامه ثانی (۱۴۰۹-۱۳۳۳ هـ) است.

تألیف

مؤلف کتاب را در یک مقدمه و خاتمه سامان داده است.

در مقدمه تاریخ بحثهای رجالی، تبیین ماهیت مباحث رجالی، اهمیت بحث رجالی، نبودن تعبد در طرق و دلیل حجیت رأی رجالی بیان شده است. در مقدمه این کتاب، هشت باب ترتیب یافته که عناوین آنها به شرح زیر است:

باب اول: در اصل عدالت و وثاقت؛

باب دوم: مراتب الفاظ توثیق و تضعیف؛

باب سوم: ارزیابی توثیقات قدما و متأخران؛

باب چهارم: بررسی ادعای وثاقت روایات برخی کتابها؛ در این باب از وثاقت راویان کتاب کامل الزیارات، تفسیر قمی و اسناد نهج البلاغه بحث کرده است.

باب پنجم: وثاقت کسانی که یکی از اصحاب اجماع از آنان نقل کرده‌اند؛

باب ششم: قاعده در تعارض جرح و تعدیل؛

باب هفتم: قطعی نبودن صدور روایات کتب اربعه؛

باب هشتم: برخی ادله وثاقت راوی؛ در این باب بحث وثاقت مشایخ اجازه، وثاقت راویان کثیر الروایه و وثاقت وکلای معصومان به تفصیل بحث شده و مسائلی دیگر از این دست ذکر شده است.

مؤلف در خاتمه با عنوان تطبیقات در احوال پنج نفر از راویان بحث برانگیز، به بحث پرداخته است. این افراد عبارت‌اند از: ۱- سهل بن زیاد؛ ۲- معلى بن خنيس؛ ۳- علی بن ابی حمزه؛ ۴- سکونی؛ ۵- عمر بن حنظله.

در قرن پانزدهم هجری هم تألیفات گوناگونی به سبک قواعدنگاری نگاشته شد و به پیشرفت این دانش سرعت بخشید؛ از جمله:

۱- کلیات فی علم الرجال از جعفر سبحانی؛

۲- أصول علم الرجال از عبدالهادی الفضلی؛

۳- أصول علم الرجال از مسلم داوری.

سبک سوم: تک‌نگاریها

برخی از موضوعات رجالی به صورت خاص مورد توجه و عنایت قرار گرفتند و رساله‌های مستقلی درباره آنها نوشته شد؛ رساله‌هایی درباره اصحاب اجماع یا لزوم نقد مشیخه یا مشایخ ثقات از این دسته است. همچنان که در مواردی راویان بحث برانگیز موضوع کار قرار گرفتند و رساله‌هایی مستقل در احوال ابوبصیر، سهل بن زیاد یا ابان بن عثمان نگاشته شد. در این میان مسئله تمییز مشترکات رجالی هم مورد توجه بود. کتاب هدایة المحدثین إلی طریق المحدثین مشهور به مشترکات کاظمی از این نوع است. از آنجا که این کتاب، کتابی مهم و پرکاربرد است به معرفی اجمالی آن می‌پردازیم.

۱- هدایة المحدثین إلی طريقة المحدثین

مؤلف

این کتاب تألیف مولی محمدامین کاظمی از شاگردان فخرالدین طریحی (م ۱۰۸۵ ه) است. او از بزرگان قرن یازدهم هجری است، اما تاریخ تولد و وفات او گزارش نشده است.

تألیف

این کتاب در یک مقدمه و سه بخش سامان یافته است.

مؤلف در مقدمه، انگیزه و روش خود را در کتاب شرح می‌دهد. او علت نگارش کتاب را وجود غلط‌هایی در باب دوازدهم کتاب جامع المقالات استادش طریحی بیان می‌کند.^{۶۱۰} از این رو، ابتدا به تصحیح اشتباهات جامع

۶۱۰. هدایة المحدثین إلی طريقة المحدثین، ص ۴.

المقال و بیان عبارات آن بر اساس نسخه‌های آن کتاب می‌پردازد و پس از مدت‌زمانی تصمیم به تألیف کتابی مستقل با حذف اغلاط جامع‌المقال و افزودن مطالب دیگر می‌گیرد. کاظمی در مقدمه، روش خود را چنین شرح می‌دهد:

در این کتاب به اشتباهات مسلم باب دوازدهم جامع‌المقال طریحی اشاره کرده‌ام. از آنجا که مبنای طریحی در ذکر راویانی که به واسطه آنها به تمییز مشترکات پرداخته، تنها مراجعه به کتب رجالی بوده است من با مراجعه به کتب [اربعة] حدیثی، راوی و مروی‌عنه‌های زیادی را بدان افزوده‌ام.

همچنین به کتاب منتقى الجمال فی معرفة الأحادیث الصحاح و الحسان، تألیف حسن بن زیدالدین، صاحب معالم، مراجعه کرده‌ام و از این راه راوی را به واسطه روات فراوانی از هم‌نامانش تمییز داده‌ام و مشخص کرده‌ام. افزون بر این، اشتباهات صاحبان کتب اربعة در اسناد، در زیادی و نقصان سند، تغییر اسامی، تبدیل «واو» به «عن» و بالعکس را که در شناخت طبقه راوی مهم بوده است، گوشزد کرده‌ام.^{۶۱۱}

کاظمی بعد از مقدمه، در سه بخش به تمییز مشترکات می‌پردازد:

بخش اول: کسانی که تنها در اسم مشترک هستند. تعداد ۲۰۶ نفر در این بخش ذکر شده و شیوه تمییز آنان از هم‌نامان بیان شده است.

بخش دوم: کسانی که در اسم خود و اسم پدر مشترک هستند. تعداد ۲۴۸ عنوان از این نوع با ممیزات هر یک از اشخاص در این بخش آمده است.

بخش سوم: کسانی که در کنیه، نسبت و لقب با یکدیگر اشتراک دارند. تعداد ۴۷ عنوان مشترک در نسب و سه نفر مشترک در لقب با ممیزات آنان در این بخش ذکر شده است.

در مجموع در این کتاب بیش از پانصد عنوان راوی مشترک و شیوه شناخت آنان وجود دارد.

از آنجا که این کتاب به شرح اسامی مشترک اختصاص دارد، به کتاب مشترکات کاظمی نیز شهرت یافته است.

علاوه بر تکنگاریهای یادشده، ضبط (اعراب اسامی) نام راویان هم مورد عنایت و موضوع نگارش رجالیان قرار گرفت و تألیفاتی را به خود اختصاص داد. از این مجموعه‌ها که به موضوعات خاص رجالی پرداخته‌اند با عنوان تکنگاریهای رجالی یاد کردیم. انواع این تکنگاریها به قرار زیر است:

الف) تکنگاریهای قواعد رجالی

- ۱- الرسائل الرجالية از کلباسی؛
- ۲- اصحاب/جماع از ابراهیم مشکینی؛
- ۳- مشایخ الثقات از غلام‌رضا عرفانیان.

ب) تکنگاریها درباره راویان

- ۱- عديمة النظير في أحوال المكنى بأبي بصير از مهدی خوانساری؛
- ۲- الرسائل الرجالية از سید شفتی؛

۳- الرسائل الرجالية از کلباسی (سایر رساله‌ها)؛

۴- رسالة أبوبصير از محمدتقی شوشتری (آخر قاموس الرجال).

ج) توضیح اسامی مشتبّه

۱- إيضاح الإشتباه عن أسامي الرواة، از علامه حلی؛

۲- توضیح المشتبه، از ساروی (با عنوان سه رساله در علم رجال چاپ شده است)؛

۳- أضبط المقال فی أسماء الرجال از حسن‌زاده آملی.

از مجموع این کتابها به علت اهمیت الرسائل الرجالية کلباسی، به معرفی آن می‌پردازیم.

۲- الرسائل الرجالية

مؤلف

مؤلف این کتاب محمد بن محمد ابراهیم کلباسی اصفهانی، مشهور به ابوالمعالی (۱۳۱۵ - ۱۲۴۷ هـ) است. او در شهر اصفهان در سال ۱۲۴۷ متولد شد. پدرش محمد ابراهیم کلباسی (۱۲۶۱ - ۱۱۸۰ هـ) از عالمان اصفهان بود که وحید بهبهانی و سید مهدی بحر العلوم و کاشف الغطاء و مقدس کاظمی را درک کرده بود. ابوالمعالی صاحب تألیفات متعدد در اصول، فقه و رجال است و او را به تقوا و زهد و عبادت بسیار ستوده‌اند. او در سال ۱۳۱۵ در اصفهان چشم از جهان فرو بست و در مقبره تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

تألیف

ابوالمعالی رساله‌هایی در موضوعات رجالی دارد که هر یک از آنها سرشار از تحقیقات و فواید است. این رساله‌ها افزون بر ۲۹ رساله است که پنج رساله از آنها در تحقیق برخی مباحث کلی رجال و دو رساله در بررسی صحیفه سجادیه و تفسیر منسوب به امام عسکری و ۲۲ رساله دیگر دربارهٔ راویان است. به این ترتیب بیشتر رساله‌ها در موضوع راویان مورد بحث نوشته شده است. البته در رساله‌هایی که به بحث از راویان خاص، اختصاص یافته نیز بحثهای رجالی دقیقی به تناسب ارائه شده است. تبیین دقیق معنی برخی مصطلحات و تعبیرات و تعدیل در این رساله‌ها به صورت پراکنده دیده می‌شود.

اما رساله‌های تحقیقی در مباحث کلی رجالی که در این کتاب تدوین شده، عبارت است از:

الف) رسالة فی ثقه

کلباسی در این رساله مفاد تعبیر ثقه و ارتباط آن با ضبط، عدالت و امامی بودن را به طور مفصل شرح داده و در مدلول این تعبیر تحقیق کرده است. سپس در ۳۸ تذیل (دنباله) دو اشکال بر اعتبار توثیقات رجالیان، و نیز کاربرد ترکیبهای لفظ ثقه و مشکلات استفاده توثیق از برخی کلمات رجالیان را بررسی کرده است. این رساله، اولین رساله از مجموعه رسائل رجالی است که در جلد اول از صفحه ۳۳ تا صفحه ۲۳۱ چاپ شده است.

ب) رساله فی جواز الإکتفاء فی تصحیح الحدیث بتصحیح الغير و عدمه

کلباسی در این رساله به بحث از اعتبار صحیح شمردن حدیث از سوی عالمی برای دیگری بدون فحص و بررسی، بحث کرده است. از دیدگاه وی پذیرش تصحیح دیگر عالمان مانعی ندارد، زیرا آن را در بسیاری موارد اجتهاد نمی‌داند، لذا فحص و بررسی حال راویان را برای هر یک از عالمان لازم نمی‌داند بلکه می‌توان بر تصحیح دیگران نیز اعتماد کرد. او در این رساله برای اثبات ادعای خویش چهار مقدمه بیان کرده است: مقدمه اول، در معنی صحّت؛ مقدمه دوم، در تصحیح تمامی سند کتب اربعه؛ مقدمه سوم، فرق نبودن بین «در صحیح فالانی» یا «صحیح»؛ مقدمه چهارم، حجّیت جرح و تعدیل مبتنی بر ظن آور بودن آنها حتی پیش از تحقیق و پژوهش.

پس از این مقدمات چهارگانه، مؤلف دیدگاه خود را مبنی بر جواز اعتماد بر تصحیح دیگران به عنوان نتیجه این مقدمات ذکر کرده و اشکالات آن را رفع کرده است. در پایان نیز هفت نکته را با عنوان «تنبيه»، که به مباحث فرعی مسئله نظر دارد، بیان کرده است. این رساله در جلد اول *الرسائل الرجالیه* از صفحه ۲۳۷ تا ۳۵۵ چاپ شده است.

ج) رساله فی تزکیة الرواة من أهل الرجال

مؤلف در این رساله به موضوع مبنای حجّیت آرای رجالی پرداخته و با بیان تفصیلی هر یک از مبانی حجّیت شهادت، حجّیت خبر رجالی و حجّیت ظنون رجالی، مبنای اخیر را پذیرفته است. این رساله هم در جلد اول *الرسائل الرجالیه* از صفحه ۳۵۷ تا ۴۷۱ چاپ شده است.

د) رساله فی أصحاب الإجماع

نظریه اصحاب اجماع، که یکی از مباحث مهم رجالی است، موضوع رساله مستقل مرحوم کلباسی قرار گرفته است. او ابتدا به شرح عبارت کشی در هر یک از طبقات سه‌گانه اصحاب اجماع و مدلول مفردات عبارتها پرداخته و سپس مفاد کلی این نظریه را بررسی کرده است. او به طور گسترده از اجماع در این عبارات و محدوده اعتبار آن سخن گفته است. این رساله در جلد دوم *الرسائل الرجالیه* از صفحه ۷ تا ۱۹۵ چاپ شده است. گفتنی است که از صفحه ۱۵۹ تا پایان رساله به ذکر فواید متفرقی اختصاص دارد که ارتباطی با موضوع این رساله ندارد.

ه) رساله فی لزوم ثقة المشیخه

کتاب من لا یحضره الفقیه و کتاب تهذیب و استبصار بخشی از سند را در پایان کتاب با عنوان «مشیخه» آورده‌اند. بزرگان رجالی همواره به این بحث پرداخته‌اند که آیا در بررسی اعتبار سند هر روایت، بررسی بخشی از سند که در مشیخه آمده، هم لازم است یا خیر؟ کلباسی پس از ذکر مقدمات تفصیلی بحث و بررسی ادله طرفین، نقد مشیخه را لازم ندانسته و از عبارات طوسی چنین استفاده کرده است که افراد مذکور در مشیخه هم از مشایخ اجازه‌اند. او سپس ۱۰۴ نکته را درباره اسناد و طرق این کتابها به صورت «تنبيه» ذکر کرده که در شناخت اسناد شیخ صدوق و شیخ طوسی بسیار مفید است. این رساله در جلد چهارم *الرسائل الرجالیه* به عنوان آخرین رساله از صفحه ۱۲۹ تا ۴۱۰ چاپ شده است.

ملحقات

۱- فواید دوازده گانه باب دوازدهم کتاب جامع المقال

عناوین فواید دوازده گانه باب دوازدهم کتاب جامع المقال طریحی به قرار زیر است:

فایده اول: اسامی، کنیه‌ها و آنساب که میان چند نفر مشترک هستند؛

فایده دوم: آشنایی با اصل نسبت‌ها و لقبها؛

فایده سوم: تعریف صحابی و تابعی؛

فایده چهارم: تعریف طبقات راویان؛

فایده پنجم: شناخت برادرانی که راوی حدیث هستند؛

فایده ششم: نام اصحاب اجماع؛

فایده هفتم: نام افرادی که ابن‌ولید آنها را از رجال نوادر/الحکمه استثنا کرده است؛

فایده هشتم: راویانی که روایات بسیار دارند و در کتابهای جرح و تعدیل از آنها نام نبرده‌اند؛

فایده نهم: تفسیر «عده‌ها» در ابتدای اسناد؛

فایده دهم: بیان شیوه شیخ طوسی در مشیخه تهذیب و استبصار؛

فایده یازدهم: کنیه‌ها و لقبهای معصومان (علیهم السلام)؛

فایده دوازدهم: تاریخ تولد و وفات معصومان (علیهم السلام).

مؤلف پس از ذکر این فواید، به بیان مذاهب مختلف شیعه پرداخته است.

خاتمه نیز به آمار روایات کتب اربعه، تاریخ وفات برخی از محدثان بزرگ شیعه، بیان مشایخ کلینی و برخی توقیعات امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خطاب به شیخ صدوق و شیخ مفید اختصاص دارد.

۲- چاپ کتاب جامع المقال

این کتاب در سال ۱۳۷۴ هجری به تحقیق آقای محمدکاظم طریحی چاپ شده است.

۳- چاپ کتاب فواید وحید بهبهانی

این فواید علاوه بر آنکه به صورت مستقل چاپ شده در مقدمه منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال در نسخه‌های خطی و سنگی نیز نشر یافته است.

در چاپ تحقیق شده کتاب که مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث آن را به سامان رسانده است، تقریباً صد صفحه از جلد اول کتاب به این فواید اختصاص یافته است.^{۶۱۲} همچنین این کتاب در انتهای رجال خاقانی، که نشر مکتبه الاسلامیه آن را چاپ نموده، نیز آمده است.

۶۱۲. میرزا محمدعلی استرآبادی، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، تحقیق مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، قم، ۱۴۲۲ هـ چاپ اول، ص ۶۹ - ۱۷۷.

۴- فهرست تفصیلی محتوای بخش دوم کتاب رجال سید بحر العلوم

بخش اول: خاندانهای محدث

ده خاندان که با عنوان «آل» شناخته شده‌اند در ابتدای این بخش معرفی شده‌اند. این خاندانها عبارت‌اند از:

- ۱- آل ابی رافع؛
- ۲- آل ابی شعبه حلبی؛
- ۳- آل اُعین؛
- ۴- آل ابی صفیه دینار؛
- ۵- آل ابی راکه کندی؛
- ۶- آل ابی جعد رافع غطفانی اشجعی؛
- ۷- آل ابی جهم قابوسی لخمی؛
- ۸- آل ابی ساره؛
- ۹- آل نُعیم ازدی غامدی؛
- ۱۰- آل حیان تغلبی.

همچنین شانزده خاندان که به عنوان «بنی فلان» شناخته شده‌اند، در ادامه خاندانهای پیشین معرفی شده‌اند. این خاندانها عبارت‌اند از:

- ۱- بنی حر جعفی؛
- ۲- بنی ایلاس بجلي کوفی؛
- ۳- بنی خالد برقی قمی؛
- ۴- بنی عبدربه؛
- ۵- بنی یسار نهدي بصری؛
- ۶- بنی میمون مولی بنی شیبان؛
- ۷- بنی أبوسیره جعفی؛
- ۸- بنی سابور واسطی؛
- ۹- بنی سوقه عمری؛
- ۱۰- بنی نُعیم صحاف؛
- ۱۱- بنی عطیه حنّاط؛
- ۱۲- بنی رباط کوفی بجلي؛
- ۱۳- بنی هیثم عجلي و بنی دراج نخعی؛
- ۱۴- بنی عمار بجلي دهنی؛
- ۱۵- بنی حکیم ازدی مدائنی؛
- ۱۶- بنی موسی ساباطی.

تمام این بخش در جلد اول کتاب جای گرفته است.

بخش دوم: شرح احوال برخی راویان، عالمان، امامزادگان و محدثان

در این بخش شرح حال چند دسته از شخصیت‌های شیعی ذکر شده است. در چپ‌نش عناوین این بخش هیچ‌گونه ضابطه‌ای وجود ندارد و مؤلف آنها را به صورت الفبایی تنظیم کرده است. با این حال با مراجعه به نام افراد، می‌توان از مجموع این بخش چند دسته زیر را سامان داد.

دسته اول: صحابه

گروهی از کسانی که شرح حال ایشان در *رجال بحر العلوم* آمده است، صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستند که عبارت‌اند از:

أَبِي بَن كَعْبِ أَنْصَارِي (ج ۱، ص ۴۶۵)؛ بَرَاءُ بْنُ عَازِبٍ (ج ۲، ص ۱۲۶ و ۱۲۷)؛ بَرِيدَةُ بْنُ الْحَصِيبِ أَسْمِي (ج ۲، ص ۱۳۰ - ۱۲۸)؛ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَنْصَارِي (ج ۲، ص ۱۴۰ - ۱۳۵)؛ جَنْدَبُ بْنُ جُنَادَةَ، معروف به ابوذَر غِفَارِي (ج ۲، ص ۱۶۰ - ۱۴۳)؛ حَذِيفَةُ بْنُ يَمَانَ عَبْسِي (ج ۲، ص ۱۷۸ - ۱۶۲)؛ خَالِدُ بْنُ زَيْدِ بْنِ كَلْبٍ، مشهور به ابویوب أَنْصَارِي (ج ۲، ص ۳۲۴ - ۳۱۸)؛ خَالِدُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ عَاصِي أَنْصَارِي (ج ۲، ص ۳۳۳ - ۳۲۵)؛ خَبَّابُ بْنُ أَرْتِ تَمِيمِي (ج ۲، ص ۳۳۹ - ۳۳۴)؛ خُزَيْمَةُ بْنُ ثَابِتِ أَنْصَارِي، ذوالشهادتین (ج ۲، ص ۳۴۶ - ۳۴۰)؛ زَيْدُ بْنُ أَرْقَمِ أَنْصَارِي (ج ۲، ص ۳۵۹ - ۳۵۷)؛ سَلْمَانَ فَارِسِي (ج ۳، ص ۲۰ - ۱۶)؛ سَهْلُ بْنُ حَنِيفِ أَنْصَارِي (ج ۳، ص ۳۵ - ۳۱)؛ عُبَادَةُ بْنُ صَامِتِ أَنْصَارِي (ج ۳، ص ۵۹ - ۵۶)؛ عُثْمَانُ بْنُ حُنَيْفِ أَنْصَارِي (ج ۳، ص ۷۸ - ۷۴)؛ عِمَارُ بْنُ يَاسِرِ عَنَسِي أَبُو قِظْظَانَ (ج ۳، ص ۱۸۰ - ۱۷۰)؛ مَالِكُ بْنُ تَيْهَانَ أَنْصَارِي (ج ۳، ص ۱۹۸ - ۱۹۵)؛ مَقْدَادُ بْنُ عَمْرٍو بْنُ أَسْوَدِ كَنْدِي (ج ۳، ص ۳۴۶ - ۳۴۲).

دسته دوم: راویان

شرح حال عده‌ای از این گروه نیز در این کتاب آمده است:

ابراهیم بن هاشم ابواسحاق قمی (ج ۱، ص ۴۶۴ - ۴۳۹)؛ اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی شعیری (ج ۲، ص ۱۲۵ - ۱۲۱)؛ حسن بن علی بن زیاد و شاء بجلي کوفی (ج ۲، ص ۲۴۴ - ۲۳۶)؛ حسن بن علی بن فضال کوفی (ج ۲، ص ۲۵۶ - ۲۴۵)؛ حسین بن مختار قلانسی کوفی (ج ۲، ص ۳۱۱ - ۳۰۶)؛ زکریا بن ادريس بن عبدالله بن سعد اشعری (ج ۲، ص ۳۴۷)؛ زیاد بن مروان قندی انباری (ج ۲، ص ۳۵۶ - ۳۴۸)؛ زید نرسی (ج ۲، ص ۳۷۷ - ۳۶۰)؛ زیاد بن ابی‌رجاء (ج ۲، ص ۳۷۸ و ۳۷۹)؛ سهل بن زیاد آدمی (ج ۳، ص ۳۰ - ۲۱)؛ سيف بن عميرة نخعی کوفی (ج ۳، ص ۵۲ - ۳۶)؛ شهاب بن عبدربه أسدی (ج ۳، ص ۵۵ - ۵۳)؛ عبدالأعلى بن أعین عجلي (ج ۳، ص ۶۴ - ۶۳)؛ عبدالله بن نجاشی (ج ۳، ص ۶۵ و ۶۶)؛ عبدالله بن یحیی کاهلی (ج ۳، ص ۶۷ و ۶۸)؛ عبیدالله بن حر جعفی (ج ۳، ص ۶۹ و ۷۳)؛ عثمان اعمی بصری (ج ۳، ص ۷۹)؛ علان کلینی خال محمد بن یعقوب کلینی (ج ۳، ص ۸۲ - ۷۹)؛ علی بن حنظله (ج ۳، ص ۱۵۸ - ۱۵۷)؛ علی بن عیسی بن فرج ربیعی (ج ۳، ص ۱۵۹)؛ علی بن محمد بن زبیر قرشی کوفی (ج ۳، ص ۱۶۱ - ۱۵۹)؛ عمار بن موسی ساباطی (ج ۳، ص ۱۶۹ - ۱۶۲)؛ فضل بن عبدالملک نقبایق (ج ۳، ص ۱۸۹ - ۱۸۳)؛ محمد بن احمد بن ابراهیم، ابوالفضل صابونی (ج ۳، ص ۲۰۴ - ۱۹۹)؛ محمد بن سنان، ابوجعفر همدانی (ج ۳، ص ۲۷۷ - ۲۴۹)؛ محمد بن شجاع قطان (ج ۳، ص ۲۷۹ - ۲۷۸)؛ محمد بن عبدالحمید بن سالم عطار کوفی (ج ۳، ص ۲۹۱ - ۲۸۰)؛ مسعدة بن صدقه عبدی (ج ۳، ص ۳۳۸ - ۳۳۶)؛ معلی بن محمد بصری (ج ۳، ص ۳۴۰ - ۳۳۹)؛ مفضل بن مزید کاتب (ج ۳، ص ۳۴۱)؛ هارون بن مسلم بن سعدان انباری (ج ۴، ص ۱۷ - ۱۵)؛ یزید کناسی، ابو خالد یزید القمطاط (ج ۴، ص ۵۹ - ۵۷).

دسته سوم: محدثان

از این گروه، شرح حال اشخاص زیر آمده است:

احمد بن عبدالواحد البزاز، مشهور به ابن عبدون (ج ۲، ص ۱۲ و ۱۳)؛ احمد بن حسن بن ولید قمی (ج ۲، ص ۱۹ - ۱۵)؛ احمد بن محمد بن احمد بن طلحه عاصمی (ج ۲، ص ۱۴)؛ احمد بن محمد بن یحیی عطار قمی (ج ۲، ص ۲۲ - ۲۰)؛ حسن بن حمزة علوی طبری مرعشی (ج ۲، ص ۱۹۴ - ۱۸۷)؛ حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری (ج ۲، ص ۳۰۵ - ۲۹۵)؛ علی بن احمد بن محمد قمی، معروف به ابن ابی جید (ج ۳، ص ۸۶ - ۸۳)؛ محمد بن علی بن بابویه قمی، شیخ صدوق (ج ۳، ص ۳۰۱ - ۲۹۲)؛ محمد بن علی، ابوالفتح کراجکی (ج ۳، ص ۳۰۷ - ۳۰۲)؛ محمد بن علی ماجیلویه، استاد صدوق (ج ۳، ص ۳۱۰ - ۳۰۸)؛ محمد بن یعقوب کلینی (ج ۳، ص ۳۳۵ - ۳۲۵)؛ نعمان بن محمد بن منصور (ج ۴، ص ۱۴ - ۵).

دسته چهارم: امامزادگان

شرح حال عده‌ای از امامزادگانی که کمتر در کتب متداول رجالی وجود دارد، به ویژه کسانی که در اسناد روایات نیامده‌اند و احياناً در حوادث تاریخی شرکت دارند، در این کتاب آمده است که عبارت‌اند از:

ابراهیم بن موسی بن جعفر (ج ۱، ص ۴۳۲ - ۴۱۴)؛ ابراهیم مجاب بن محمد عابد بن موسی کاظم (علیه السلام) (ج ۱، ص ۴۳۸ - ۴۳۵)؛ احمد بن موسی بن جعفر (علیه السلام) (ج ۲، ص ۱۱۵ - ۱۱۴)؛ اسماعیل بن موسی بن جعفر (علیه السلام) (ج ۲، ص ۱۲۰ - ۱۱۶)؛ حکیمه بنت امام جواد (علیه السلام) (ج ۲، ص ۳۱۷ - ۳۱۵)؛ قاسم بن موسی بن جعفر (علیه السلام) (ج ۳، ص ۱۹۴ - ۱۹۱).

دسته پنجم: عالمان

بیشتر عالمانی که مرحوم بحر العلوم شرح حال آنها را ذکر کرده است، فقیهان، رجالیان و ادیبان هستند. گروه‌های مختلف این دسته عبارت‌اند از:

فقیهان: احمد بن فهد حلّی، صاحب *عده الداعی* (ج ۲، ص ۱۱۳ - ۱۰۷)؛ تقی بن نجم ابوالصداق (ج ۲، ص ۱۳۴ - ۱۳۱)؛ حسن بن ابی طالب یوسفی آبی (ج ۲، ص ۱۸۶ - ۱۷۹)؛ حسن بن شهید ثانی، صاحب *معالم* (ج ۲، ص ۲۱۰ - ۱۹۵)؛ حسن بن علی بن ابی‌عقیل عمانی (ج ۲، ص ۲۲۲ - ۲۱۱)؛ حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، علامه حلّی (ج ۲، ص ۲۹۴ - ۲۵۷)؛ حسین بن مفلح صمیری (ج ۲، ص ۳۱۲)؛ زین‌الدین علی خوانساری (ج ۲، ص ۳۸۰)؛ سلار بن عبدالعزیز دیلمی (ج ۳، ص ۱۵ - ۶)؛ عبدالعزیز بن نحیر، قاضی ابن‌برآج (ج ۳، ص ۶۲ - ۶۰)؛ علی بن حسین بن موسی، سید مرتضی و برادرش محمد بن حسین، سید رضی (ج ۳، ص ۱۵۴ - ۸۷)؛ محمد بن احمد بن جنید اسکافی (ج ۳، ص ۲۲۴ - ۲۰۵)؛ محمد بن حسن شیروانی (ج ۳، ص ۲۲۶ - ۲۲۵)؛ محمد بن حسن طوسی (ج ۳، ص ۲۳۹ - ۲۲۷)؛ محمد بن حسین بن ابی‌فضل قطب‌الدین قزوینی (ج ۳، ص ۲۴۸ - ۲۴۰)؛ محمد بن محمد بن نعمان، شیخ مفید (ج ۳، ص ۳۲۳ - ۳۱۱).

رجالیان: احمد بن علی بن احمد نجاشی (ج ۲، ص ۲۰۶ - ۲۳)؛ حسن بن علی بن داود، صاحب *رجال* (ج ۲، ص ۲۳۵ - ۲۲۳).

ادیبان و لغت‌شناسان عرب: احمد بن جعفر دینوری (ج ۲، ص ۵)؛ احمد بن یحیی النحوی، ثعلب (ج ۲، ص ۱۱ - ۵)؛ سعید بن مسعدة مجاشعی، أخوش أوسط (ج ۳، ص ۵)؛ علی بن حمزة کسائی نحوی (ج ۳، ص ۱۵۶-۱۵۵)؛ عمرو بن عثمان سیبویه نحوی (ج ۳، ص ۱۸۲ - ۱۸۱)؛ قاسم بن سلّام ابو عبید لغوی (ج ۳، ص ۱۹۰)؛ محمد بن عبدالواحد، ابو عمر زاهد غلام ثعلب نحوی (ج ۳، ص ۲۹۲)؛ محمد بن مستنیر نحوی، قطرب (ج ۳، ص ۳۲۴)؛ یحیی بن زیاد بن عبدالله بن منظور، ابوزکریا فراء نحوی (ج ۴، ص ۵۶ - ۵۳).

گذشته از این گروهها، او در مجلد چهارم کتاب شرح حال هانی بن عروه، مسلم بن عقیل و هانی بن هانی سبعی و جریان نامه‌نگاریهای کوفیان به امام حسین (علیه السلام) را آورده است.^{۶۱۳}

۵- چاپ رجال بحر العلوم

این کتاب را محمدصادق و حسین بحر العلوم تحقیق کرده‌اند و با عنوان کتابخانه شیخ طوسی و بحر العلوم در نجف اشرف چاپ شده است و سپس در ایران همان چاپ افست شده است. این کتاب در چهار مجلد نشر یافته است.

بخش مهمی از مجلدات کتاب را زیرنویس‌های تفصیلی کتاب که از سوی محققان تهیه شده است، تشکیل می‌دهد.

۶- چاپ کتاب عدة الرجال

این کتاب را مؤسسه الهدایة لإحياء التراث، در سال ۱۴۱۵ هجری در دو مجلد منتشر کرده است.

۷- چاپ بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال

این کتاب را بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمدحسین کوشان‌پور در سال ۱۴۰۹ هجری قمری در هفت مجلد چاپ کرده است.

در مقدمه این کتاب، شرح حال مؤلف به قلم آیت الله العظمی مرعشی نجفی با نام غایة الآمال فی ترجمة صاحب بهجة الآمال در ۴۷ صفحه آمده است.

۸- چاپ کتاب توضیح المقال فی علم الرجال

این کتاب همراه با منتهی المقال ابوعلی حائری به صورت چاپ سنگی نشر یافته بود و در سال ۱۳۷۹ شمسی با تحقیق محمدحسین مولوی از سوی مرکز تحقیقات دار الحدیث منتشر شد.

۹- چاپ کتاب نتیجه المقال فی علم الرجال

این کتاب در سال ۱۲۸۴ هجری در حیات مؤلف به صورت سنگی چاپ شده است و اینک آن را نگارنده این سطور در دست تحقیق دارد.

۱۰- چاپ کتاب سماء المقال فی علم الرجال

مؤلف، این کتاب را در دوازدهم جمادی الثانی ۱۳۴۰ به پایان برده و در زمان حیاتش چاپ شده است. مؤسسه ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چاپ دوم این کتاب را با تحقیق سید محمدحسین قزوینی در دو جلد در سال ۱۴۱۹ هجری چاپ و منتشر کرد.

۱۱- چاپ کتاب لبّ الباب فی علم الرجال

این رساله در مجموعه میراث حدیث شیعہ، دفتر دوم، صفحات ۳۹۵ تا ۴۹۶ چاپ شده است.

۱۲- چاپ کتاب بحوث فی فقه الرجال

این کتاب تا کنون دو بار در بیروت چاپ شده که چاپ دوم در تاریخ ۱۴۱۴ هجری صورت گرفته است.

۱۳- چاپ کتاب هدایة المحدثین إلى طريقة المحدثین

این کتاب را کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی با تحقیق سید مهدی رجایی، در سال ۱۴۰۵ هجری چاپ و منتشر کرد.

جلسه هجدهم

منابع نرم افزاری رجال شیعه

درآمد

صدها کتابی را که امروز در قالب اصول اولیه و ثانویه، جوامع و فواید رجالی می‌شناسیم مجموعه بسیار بزرگی از منابع مکتوب و کتابخانه‌ای را فراهم آورده‌اند و وجود نگاشته‌هایی با عنوان جوامع رجالی، نه تنها ما را از مراجعه مستقیم به کتب پیشین بی‌نیاز نساخته است، بلکه ضرورت مراجعه به کتب هم‌عرض، یعنی جوامع رجالی دیگر را نیز کم‌رنگ نکرده‌اند.

افزون بر کتابهای رجالی‌ای که در جلسات پیشین با آنها آشنا شدیم، پاره‌ای از اطلاعات ارزشمند رجالی نیز در اسناد احادیث و محتوای روایات نهفته است. اهمیت و گستره این اطلاعات تا آنجا است که کتب حدیثی نیز به نوعی کتب فراهم‌آورنده اطلاعات رجالی شناخته می‌شوند.

بدین ترتیب، فراوانی کتابهای رجالی و پراکندگی منابع، دستیابی به اطلاعات جامع درباره یک راوی یا موضوع خاص را به شیوه کتابخانه‌ای دشوار، وقت‌گیر و در مواردی ناممکن ساخته است. این مسئله، توجه اندیشمندان را به سوی استفاده از فن‌آوریهای نوین در پژوهشهای رجالی جلب کرده و اندیشه نرم‌افزاری کردن منابع مکتوب را پرورانده است و منجر به طراحی و نشر نرم‌افزارهای دربردارنده منابع رجالی شده است.

البته هرچند تمامی منابع رجال تاکنون به صورت نرم‌افزار ارائه نشده است اما بخش زیادی از مهم‌ترین منابع این دانش در قالب نرم‌افزارهای تخصصی، به صورت مستقل یا به همراه منابع روایی در نرم‌افزارهای گوناگون نشر یافته‌اند.

با توجه به اهمیت موضوع استفاده از منابع نرم‌افزاری در تحقیقات رجالی، در این جلسه به معرفی برخی منابع نرم‌افزاری رجال شیعه می‌پردازیم و از این میان، دو نرم‌افزار تخصصی رجال شیعه و سه نرم‌افزار حدیثی و فقهی را، که منابع رجالی هم در آنها ذکر شده‌اند، معرفی و نکاتی درباره کاراییهای رجالی آنها بیان می‌کنیم.

۱- نرم‌افزار درایة النور

محتوای برنامه

مهم‌ترین کتابهای رجالی و حدیثی شیعه که در این برنامه در اختیار کاربر قرار می‌گیرد، عبارت‌اند از:

الف) کتب رجالی

۱- طبقات الرجال (رجال برقی)، احمد بن محمد بن خالد (م قرن سوم)؛

- ۲- اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، محمد بن عمر بن عبدالعزیز (م قرن چهارم)؛
- ۳- فهرست أسماء مصنفی الشیعه (رجال نجاشی)، احمد بن علی بن احمد (م قرن پنجم)؛
- ۴- الأبواب (رجال شیخ طوسی)، ابوجعفر محمد بن حسن (م قرن پنجم)؛
- ۵- الفهرست (فهرست شیخ)، ابوجعفر محمد بن حسن (م قرن پنجم)؛
- ۶- کتاب الضعفاء (رجال ابن غضائری)، احمد بن حسین بن غضائری (م قرن پنجم)؛
- ۷- خلاصة الأقوال فی معرفة أحوال الرجال (رجال علامه)، حسن بن یوسف حلّی (م قرن هفتم)؛
- ۸- رجال ابن داود، حسن بن علی بن داود حلّی (م قرن هشتم)؛
- ۹- معجم رجال الحديث، ۲۳ جلد، سید ابوالقاسم خویی (رحمه الله).

ب) کتب حدیثی

- ۱- الکافی (اصول، فروع و روضه)، ۸ جلد، شیخ محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ه)؛
- ۲- من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، محمد بن علی معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ ه)؛
- ۳- تهذیب الأحکام، ۱۰ جلد، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ ه)؛
- ۴- الاستبصار، ۴ جلد، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ ه)؛
- ۵- وسائل الشیعه، ۲۹ جلد، محمد بن حسن، مشهور به شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ ه).

امکانات ویژه

برنامه درایة النور از سه بخش اصلی: کتب هشت گانه رجالی، اسناد و معجم رجال الحديث تشکیل شده است که هر یک از امکانات ویژه‌ای برخوردارند.

الف) بخش کتب هشت گانه رجالی

امکانات ویژه این بخش عبارت است از:

۱- شناسایی راویان

با استفاده از این برنامه می‌توان اطلاعاتی کامل درباره هر راوی به دست آورد. این اطلاعات شامل توضیحات موجود در کتب رجالی درباره جنبه‌های مختلف زندگی و شخصیت راوی، توصیف راوی از جهت توثیق و یا تضعیف و طریق راوی است.

۲- فهرست‌های گوناگون

پژوهشگر با استفاده از این امکان می‌تواند اسامی راویان موجود در کتب هشت گانه رجالی را بر اساس عنوان معیار، عنوان اصلی یا عنوان ضمنی، فهرست نماید. افزون بر این، امکان تهیه فهرستی از راویان با توجه به مذهب یا وصف آنها نیز فراهم است.

۳- تصحیح فهرست شیخ طوسی

کتاب فهرست شیخ طوسی یکی از مهم‌ترین منابع برای شناخت اعتبار راویان شیعه و از اصلی‌ترین منابع دانش رجال است. این کتاب بر اساس نسخه‌های معتبر و قدیمی به دقت تصحیح شده است و کاربر با استفاده از گزینه «تصحیحات» می‌تواند به متن تصحیح‌شده کتاب فهرست شیخ طوسی دست یابد.

۴- مشاهده طریق روایی راویان

در سه کتاب رجال نجاشی، فهرست شیخ طوسی و رجال شیخ طوسی، سند و کتبی که روایات یک راوی به استناد آنها نقل شده است، وجود دارد. در این برنامه نرم‌افزاری دستیابی به طریق هر راوی با کمک عنوان او به آسانی امکان‌پذیر است.

۵- فهرست توصیفها

با این قابلیت می‌توان به اسامی راویانی که از نظر مؤلفان کتب هشت‌گانه رجال دارای ویژگیهای مشترک هستند، پی برد؛ برای نمونه چنانچه پژوهشگر در صدد تنظیم فهرستی از راویان ثقه، که از افراد ضعیف روایت کرده‌اند، باشد، با انتخاب عبارت «ثقة إلا أنه يروى عن الضعفاء» موارد استفاده از این تعبیر را درباره راویان ملاحظه می‌کند.

ب) بخش معجم رجال الحديث

در این بخش، امکانات گوناگون زیر قرار گرفته است:

۱- ارائه فهرست الفبایی راویان

ارائه فهرست الفبایی از اسامی ۱۵۶۸۸ راوی و نیز فراهم کردن امکان مطالعه مطالب مربوط به هر یک از روات در معجم رجال الحديث، قابلیت است که در این بخش گنجانده شده است.

۲- فهرست اعلام

علاوه بر فهرست راویان، فهرست کاملی از اعلام شامل: اشخاص، اقوام، القاب، مکانها و نیز کتب موجود در معجم رجال الحديث تهیه شده است.

۳- فهرست‌سازی

در فهرست اعلام و فهرست راویان، قابلیت فهرست‌سازی نیز در نظر گرفته شده است. با استفاده از این قابلیت، کاربر می‌تواند فهرستهای پویا و متنوعی از کلمات و اعلام راویان تهیه کند و یا با ترکیب فهرستها، جستجوهای گوناگونی را در آنها انجام دهد. استفاده از علائم عمومی مانند «؟» و «*» نیز در این قسمت ممکن است.

ج) بخش اسناد

سند تمام احادیث مهم‌ترین کتب روایی شیعه در این بخش بازسازی و ارزیابی شده است تا پژوهشگران به آسانی و با سرعت به میزان اعتبار سند هر حدیث پی ببرند. امکانات و قابلیت‌های ویژه بخش اسناد به قرار زیر است:

۱- بازسازی اسناد

یکی از خدمات ارزشمند و منحصر به فرد برنامه درایة النور، بازسازی کلیه اسناد کتب اربعه و وسائل‌الشیعه است. بسیاری از اسناد احادیث موجود در منابع روایی به دلایلی همچون: تعلیق، تحویل، عطف، ضمیر، تردید، اشاره و اشتباهاتی که نسخ‌برداران به هنگام نسخه‌برداری مرتکب شده‌اند، مخدوش یا نامفهوم هستند. در این برنامه، بازسازی اسناد با توجه به تمامی این موارد و با دقت فراوان انجام شده است تا پژوهشگر بتواند وضعیت صحیح و واقعی سند را پیش از ارزیابی مشاهده کند.

۲- ارزیابی سند

با قرار گرفتن علامت مکان‌نما روی هر سند، اتصال و اعتبار سند ارزیابی می‌شود. در بررسی میزان اعتبار سند، عناوینی مانند: صحیح، موثق، حسن، معتبر یا ضعیف بودن روایت مشخص می‌شود. همچنین وضعیت اتصال سند از نظر مرفوع، مرسل یا موقوف بودن تعیین می‌گردد. پژوهشگران مرکز تحقیقات، اسناد موجود در برنامه را بررسی کرده‌اند و اطلاعات این قسمت بر اساس ارزیابی ایشان ارائه شده است. در این بخش قابلیت دیگری نیز وجود دارد که کاربر ملزم نیست دآوری سندی ارائه‌شده در نرم‌افزار را بپذیرد. چنان‌چه نظر کاربر درباره برخی راویان، با نظر محققان مرکز تفاوت داشته باشد، می‌تواند دیدگاه خود را در قسمت «راوی» ثبت کند. در این حالت با ورود به صفحه سند و انتخاب گزینه «ارزیابی شخصی» ارزیابی اسناد برنامه بر اساس این اطلاعات صورت خواهد گرفت.

۳- شناسایی سریع راوی

افزون بر امکانات گسترده‌ای که برای شناسایی راویان در بخش کتب هشت‌گانه رجالی قرار داده شده است، در این قسمت نیز همراه با مطالعه اسناد می‌توان از نام کامل راویان و توصیف آنها آگاه شد. برای این کار کافی است نشانه‌گر موس را روی عنوان بازسازی‌شده یک راوی نگاه داشت و پس از چند لحظه، اطلاعات رجالی مربوط به راوی را در یک کادر کوچک مشاهده نمود.

۴- سیستم مترادفات

پراکندگی تعبيرات در نام یک راوی یکی از مشکلات اساسی در پژوهش درباره راویان و ارزیابی اعتبار اسناد است. در بخش اسناد برنامه درایة النور، این مشکل با در نظر گرفتن عنوان معیار و عنوان اصلی برطرف شده است. بدین ترتیب که با تهیه فهرست کاملی از عناوین اصلی و ارجاع آنها به عنوان معیار، می‌توان ارتباطی منطقی میان اسناد روایات و اطلاعات کتب رجالی برقرار کرد.

۵- معرفی شاگردان و اساتید

آشنایی با شاگردان و مشایخ یک راوی، در بخش اسناد برنامه امکان‌پذیر است. افزودن بر نام مشایخ و شاگردان راوی، تعداد روایت‌های او از هر استاد و تعداد روایات شاگردانش از او نیز با تعیین درصد مشخص می‌شود. همچنین، می‌توان فراوانی روایات نقل‌شده از شاگردان و مشایخ یک راوی را به صورت نمودار میله‌ای یا دایره‌ای مشاهده کرد.

۶- تعیین طبقه راوی

با کمک این برنامه می‌توان از طبقه هر راوی آگاه شد و به فهرستی از معصومانی که اسناد راوی مورد نظر به آنها ختم می‌شود، دست یافت. در برابر نام هر معصوم تعداد واسطه‌هایی که بین ایشان و راوی قرار دارد و نیز فراوانی روایات در هر مورد، قابل مشاهده است.

۷- ترکیب راویان

کاربر با استفاده از این قابلیت می‌تواند به سندی که مشتمل بر نام دو یا چند راوی است، دست یابد و با انتخاب گزینه آمار از تعداد موارد نقل هر یک از دو راوی نیز آگاه شود.

۸- مقایسه دو متن

برای انجام پژوهش‌های تطبیقی، امکان مطالعه هم‌زمان دو متن از یک کتاب یا مطالب دو کتاب متفاوت، در برنامه پیش‌بینی شده است.

امکانات مشترک

الف) نمایش متن کتب

متن کامل کتاب‌های موجود در لوح فشرده درایه النور در این بخش نمایش داده می‌شود. امکانات نمایشی همچون: استفاده از رنگ‌های متمایز برای متن، عنوان و سند، گسترده کردن صفحه متن و بزرگ‌نمایی نیز در برنامه فراهم آمده است. در کنار متن کتابها، فهرست کاملی از مطالب هر کتاب برای کاربر مهیا شده است. فهرست مطالب به گونه‌ای تنظیم شده است که دسترسی به جزئی‌ترین عناوین نیز میسر باشد. همچنین، کاربر با استفاده از این قابلیت می‌تواند متن کامل احادیث و سند آنها را با اعراب‌گذاری دقیق مطالعه کند.

ب) امکانات پژوهشی

«نمایه‌زنی» از جمله امکانات پژوهشی است که پژوهشگر با استفاده از آن، محتوای اصلی یک عبارت یا بند را در چند کلمه خلاصه می‌کند تا با فراهم آوردن امکان دسته‌بندی و بازیابی سریع اطلاعات و کنار هم گذاردن موارد مشابه، نکات جدیدی را استنباط کند. با استفاده از قابلیت «علامت‌گذاری» کاربر می‌تواند بخش‌های مهم را علامت‌گذاری کند و در صورت نیاز به آنها مراجعه نماید.

در بخشهای مختلف برنامه می‌توان با «رنگی کردن» سطور دلخواه، در هنگام رجوع دوباره به متن، سریع‌تر به مطالب مورد نظر دست یافت. ضمن اینکه دسته‌بندی سطرهای هم‌رنگ با سهولت بیشتری انجام می‌گیرد. گنجاندن قابلیت «حاشیه‌نویسی» موجب شده است تا پژوهشگران ژرف‌نگر با دقت و تأمل در هر عبارت، نکته‌های مورد نظر خود را در بخش حاشیه وارد کنند.

در بخش معجم رجال الحدیث و کتب هشت‌گانه رجالی گزینه «پژوهش فعال» نیز گنجانده شده است. کاربر با کمک این گزینه می‌تواند به معنای یک واژه یا موارد استعمال آن در دیگر بخشهای کتاب دست یابد.

ج) جستجو

از دیگر امکانات مشترک برنامه، امکان جستجو است. با گزینه جستجو می‌توان در متن و فهرست کتب، جستجوی لفظی نمود و با کمک عملگرهای ترکیبی، عبارات مختلف را بازیابی کرد، در صورت نیاز از گروههای فهرست‌سازی برای ساختن فهرستهای پویا و متنوع از کلمات با استفاده از کاراکترهای عمومی (*) و (?) بهره برد و کلمات موجود در یک فهرست را یکجا یا در ترکیب با واژه‌ها و یا فهرستهای دیگر جستجو نمود. قابلیت دست‌یابی به متون مورد نظر از طریق فهرست ابواب و شماره جلد و صفحه، یکی دیگر از امکانات مشترک در بخش جستجو است که دسترسی آسان به متن دلخواه را فراهم می‌سازد.

د) لغت‌نامه

برای دست‌یابی به مفهوم واژه‌های دشوار در پژوهش، لغت‌نامه‌های معتبر زیر در دسترس کاربر است:

۱- کتاب‌العین، هشت جلد، خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۵ - ۱۰۰ هـ)؛

۲- لسان‌العرب، پانزده جلد، ابن‌منظور (۷۱۱ - ۶۳۰ هـ)؛

۳- مجمع‌البحرین، شش جلد، فخرالدین طریحی (۱۰۸۷ - ۹۷۹ هـ).

ه) سایر امکانات

گزینش مطالب مورد نظر و انتقال آنها به دفترچه یادداشت از جمله قابلیت‌هایی است که در بخشهای مختلف برنامه وجود دارد. «دفترچه یادداشت» با قابلیت ویرایش متون، چاپ و انتقال به پرونده در قالبهای مختلف همچون MS-Word و زرنگار، استفاده بهتر از پژوهش و ذخیره‌سازی و نگهداری مطالب انتخابی را ممکن ساخته است. در کلیه بخشهای برنامه، امکان «چاپ» متن دلخواه در اندازه‌های مختلف وجود دارد. با گزینه «راهنما» می‌توان اطلاعاتی مختصر و مفید درباره بخشهای گوناگون برنامه به دست آورد. با ورود به قسمت «کتاب‌شناسی» نام کتب موجود در برنامه مشاهده می‌شود و امکان دسترسی به توضیحات کافی درباره هر کتاب و مؤلف آن برای کاربر فراهم شده است.

نقد و بررسی

در مجموع می‌توان محورهای فعالیت و پژوهش رجالی در این نرم‌افزار را در چند عنوان زیر خلاصه کرد:

الف) بازسازی اسناد؛ یعنی عاری ساختن اسناد از مشکلاتی مانند تحویل، تعلیق، اضممار در ابتدای سند و تفسیر عباراتی همچون «بهذا الأسناد»؛

ب) تعیین مصادیق عناوین مشترک (تمییز مشترکات)؛

ج) ارتباط عناوین مختلف یک راوی با یکدیگر (توحید مختلفات)؛

د) توثیق و تضعیف راویان؛

ه) بازشناسی عناوین تحریف‌شده و بیان شکل صحیح آن؛

و) بازشناسی کاستی‌های اسناد و معرفی آنها به کاربران.

تمامی این محورها دارای مبانی و مباحث نظری هستند؛ از این رو، امکان اختلاف نظر کاربران و تهیه‌کنندگان برنامه در این محورها وجود دارد. تنها برای توثیق و تضعیف این امکان فراهم شده است که کاربران بتوانند نظرات خود را در ارزیابی اسناد بگنجانند، اما در سایر بخشها این امکان وجود ندارد.

همچنین در بسیاری موارد در ارزیابی برخی راویان و یا برخی اسناد به تعبیراتی چون، علی‌الظاهر و علی‌التحقیق، به چشم می‌خورد که در این موارد مستند تهیه‌کنندگان برنامه در این اظهار نظرها تبیین نشده است. مناسب است که در نسخه‌های بعدی این نرم‌افزار مستندسازی این آرای رجالی نیز صورت پذیرد.^{۶۱۴}

۲- نرم‌افزار کشف الرجال

این نرم‌افزار را مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تولید کرده است. نرم‌افزار موجود نسخه دوم این نرم‌افزار است که در سیستم داس و ویندوز قابل اجرا است. اینک با بخشهای مختلف این نرم‌افزار و امکانات پژوهش رجالی آن آشنا می‌شویم.

این نرم‌افزار از دو بخش کشف الرجال و طبقات الرجال تشکیل شده است. که هر یک را توضیح می‌دهیم.

بخش نخست: کشف الرجال

الف) منابع رجالی

در این نرم‌افزار، ۵۶ عنوان کتاب رجالی در منابع ذکر شده است. از این میان، ۲۷ عنوان مربوط به کتب رجالی شیعه و ۲۹ عنوان مربوط به کتب رجالی اهل سنت می‌باشد.

عناوین کتب رجالی شیعه که اطلاعات آنها در این نرم‌افزار آمده است، عبارت‌اند از:

۶۱۴. نشریه رم‌آورد نور، شماره ۵، سال دوم، زمستان ۱۳۸۲.

- ۱- إتيان المقال
 - ۲- أحسن التراجيم
 - ۳- أعيان الشيعة
 - ۴- أمل الآمل
 - ۵- بهجة الآمال
 - ۶- التحرير الطاووسي
 - ۷- تراجم أعلام النساء
 - ۸- تعليقة الوحيد
 - ۹- تنقيح المقال
 - ۱۰- تهذيب المقال
 - ۱۱- جامع الرواة
 - ۱۲- جامع المقال
 - ۱۳- الجامع في الرجال
 - ۱۴- حاوي الأقوال
 - ۱۵- حاوي الأقوال (ط الحديثة)
 - ۱۶- الخلاصه
 - ۱۷- رجال ابن داود
 - ۱۸- رجال البرقي
 - ۱۹- رجال الطوسي
 - ۲۰- رجال الكشي
 - ۲۱- رجال المجلسي
 - ۲۲- رجال النجاشي
 - ۲۳- رجال بحر العلوم
 - ۲۴- رجال خاقاني
 - ۲۵- رجال ميرداماد
 - ۲۶- رواة الرضا (عليه السلام)
 - ۲۷- روضة المتقين
 - ۲۸- رياض العلماء
 - ۲۹- ریحانة الأدب
 - ۳۰- طرائف المقال
 - ۳۱- الفهرست
 - ۳۲- الفهرست (ط الحديثة)
 - ۳۳- قاموس الرجال
 - ۳۴- مجمع الرجال
 - ۳۵- مستدرک الوسائل
 - ۳۶- مستدرکات علم رجال
 - ۳۷- معارف الرجال
 - ۳۸- معجم الثقات
 - ۳۹- معجم رجال الحديث
 - ۴۰- معراج أهل الکمال
 - ۴۱- منتهی المقال
 - ۴۲- منهج المقال
 - ۴۳- هداية المحدثين
- عناوين كتب رجالي اهل سنت که اطلاعات آنها در اين نرم افزار آمده است، عبارت اند از:
- ۱- أسد الغابة
 - ۲- أسد الغابة (ط الحديثة)
 - ۳- الإستيعاب
 - ۴- الإستيعاب (ط الحديثة)
 - ۵- الإصابة
 - ۶- الأنساب
 - ۷- تاريخ الإسلام
 - ۸- تاريخ الصحابه
 - ۹- تاريخ الطبري
 - ۱۰- تاريخ الكبير
 - ۱۱- تاريخ بغداد
 - ۱۲- تاريخ دمشق
 - ۱۷- ثقات ابن حبان
 - ۱۸- الجرح و التعديل
 - ۱۹- سير أعلام النبلاء
 - ۲۰- شذرات الذهب
 - ۲۱- الضعفاء و المتروكين
 - ۲۲- الطبقات ابن خياط
 - ۲۳- الكاشف
 - ۲۴- الكامل في التاريخ
 - ۲۵- الكامل في ضعفاء الرجال
 - ۲۶- لسان الميزان
 - ۲۷- المنتظم
 - ۲۸- ميزان الاعتدال

- ۱۳- تذکرۃ الحفاظ
 ۱۴- تقریب التهذیب
 ۱۵- تهذیب التهذیب
 ۱۶- تهذیب الکمال
 ۲۹- الوافی بالوفیات
 ۳۰- وفيات الأعلام
 ۳۱- وفيات الأعيان

در مجموع، در این نرم‌افزار اطلاعات ۳۵۵ جلد کتاب رجال شیعه و اهل سنت ارائه شده است. اطلاعاتی که از این منابع رجالی در این نرم‌افزار ارائه شده، بیشتر عناوین و نام راویان بر پایه همان شکل موجود در این منابع است و متن این منابع، به جز تعدادی خاص، در این نرم‌افزار گنجانده نشده است.

ب) متون رجالی

از میان منابع رجالی موجود در این نرم‌افزار تنها متن دوازده عنوان کتاب به صورت کامل وجود دارد. این منابع عبارت‌اند از:

- جامع الرواة، دو جلد؛
- الجامع فی الرجال، ۲ جلد؛
- رجال ابن داود، ۱ جلد؛
- رجال الطوسی، ۱ جلد؛
- رجال النجاشی، ۱ جلد؛
- الفهرست، ۱ جلد؛
- معجم رجال الحديث؛ ۲۴ جلد.

از منابع رجالی اهل سنت نیز متن کتابهای زیر موجود است:

- تقریب التهذیب، ۲ جلد؛
- تهذیب الکمال، ۳۵ جلد؛
- الجرح والتعديل، ۹ جلد؛
- سیر أعلام النبلاء، ۲۳ جلد؛
- لسان المیزان، ۷ جلد.

مجموعه این متون به ۱۱۲ جلد می‌رسد.

ج) جستجو

در این نرم‌افزار دو گونه جستجو در منابع وجود دارد؛ یکی جستجوی روات و دیگری جستجوی متن. در گزینه جستجوی روات، سه گونه فهرست در نظر گرفته شده است که کاربر می‌تواند با استفاده از هر یک از آنها نام راوی مورد نظر را جستجو کند.

۱- فهرست روات

در این فهرست تمامی عناوین راویان، که در منابع رجالی این نرم‌افزار آمده‌اند، فهرست شده است. از این رو، در بسیاری موارد عناوین مختلف که حکایت از یک نفر دارند هم وجود دارد. با انتخاب هر یک از این عناوین، فهرست منابعی که این عنوان در آنها آمده است با آدرس نمایش داده می‌شود.

۲- فهرست کلمات

تمامی کلماتی که در عناوین نامهای راویان وجود دارد همراه با گزارش تعداد تکرار آنها در فهرستی ارائه شده‌اند و کاربر با انتخاب هر واژه در فهرست، می‌تواند تمامی نامهایی که واژه انتخابی در آنها به کار رفته است را با آدرس مشاهده کند.

۳- فهرست منابع

در این گزینه، فهرست الفبایی منابع رجالی ارائه شده است و با انتخاب هر منبع، فهرست عناوین راویانی که شرح حال آنها در آن کتاب وجود دارد، باز می‌شود. در این فهرست، منابعی که متن آنها در نرم‌افزار وجود دارد با یک پیکان جهت‌دار مشخص شده‌اند.

در جستجوی متن، فهرستی از منابعی که متن آنها در نرم‌افزار وجود دارد، ارائه می‌شود که کاربر می‌تواند پس از انتخاب متن مورد نظر با جستجوی لفظی به جستجو در این متون بپردازد.

بخش دوم: طبقات الرجال

در بخش دیگری از این نرم‌افزار، که با عنوان طبقات الرجال معرفی شده است، اطلاعات گوناگونی درباره سه موضوع مهم رجالی به شرح زیر ارائه شده است:

الف) طبقات

در این گزینه نام تمامی راویان در کتب اربعه حدیثی شیعه آمده است. در سه پنجره، زیر پنجره نام راویان، به ترتیب می‌توان شاگردان، اساتید و مأخذ روایت از کتب اربعه را مشاهده کرد.

هم‌زمان می‌توان بر اساس مصادر شرح حال راوی مورد نظر، از ضبط نام راوی (شیوه درست تلفظ نام او) و طبقه راوی نیز اطلاع حاصل کرد. برای جستجو در طبقه راوی، نام راوی یا استاد یا شاگردی خاص را معرفی می‌کنیم و بدین ترتیب مشترکات و موارد افتراق در راویان هم‌طبقه او نیز به دست می‌آید.

ب) طریق

اسناد به کتابها و روایات برخی راویان در بررسی احادیث ایشان بسیار مهم است؛ زیرا ارزیابی احادیث کتب من لا یحضره الفقیه، تهذیب الأحکام و الاستبصار بدون ارزیابی طرق مؤلف به کتب، که در مشیخه این کتب

آمده است، کامل نیست. از این رو، با انتخاب این گزینه فهرستی از نام راویانی که شیخ صدوق و شیخ طوسی به آنها طریق دارند، با عنوان «طریق الشیخین» ارائه می‌شود. با انتخاب نام هر راوی دارای طریق، ارزیابی طریق صدوق و طوسی از منابع رجالی نمایش داده می‌شود. بیشتر ارزیابی طریقه‌ها با استفاده از جامع الرواة، خلاصة الأقال، مجمع الرجال و معجم رجال الحديث صورت گرفته است.

ج) تصحیفات

در منابع روایی، تصحیفات در اسناد و نام راویان به چشم می‌خورد. در این گزینه، اطلاعاتی درباره تصحیفات اسامی راویان در منابع حدیثی ارائه شده است. بیشتر اطلاعات این بخش بر پایه معجم رجال الحديث آیت الله خویی با ذکر منبع رجالی و حدیثی و نیز الموسوعة الرجالية آیت الله بروجردی است. در مواردی هم از هدایة المحدثین و المنتقى و قاموس الرجال و برخی دیگر از کتابها و منابع در معرفی این تصحیفات استفاده شده است.

نقد و بررسی

این نرم‌افزار از نظر تعداد عناوین و اسامی راویان، آمار بی‌نظیری را گرد آورده است. در مجموع حدود چهارصد هزار عنوان راوی در این نرم‌افزار ذکر شده است. اما چند نکته در این باره قابل تأمل است: الف) کم‌توجهی در انتخاب مصادر و منابع این نرم‌افزار، موجب شده است که برخی منابع تراجم و شرح حال‌نگاری هم در شمار منابع رجالی درآیند؛ اعیان الشیعه، ریحانة الأدب و تراجم أعلام النساء نمونه‌هایی از این اشتباه است.

ب) تهیه‌کنندگان برنامه ادعا کرده‌اند که مصادر شرح حال چهارصد هزار راوی شیعه و اهل سنت را ارائه کرده‌اند، حال آنکه این تعداد عنوان برای راویان در مصادر شیعه و اهل سنت بدون توجه به اختلاف‌های گوناگون در نام راویان گزارش شده است. بی‌شک تعداد راویان پس از اتحادیابی نامهای مختلف، بسیار کمتر از این مقدار خواهد بود. به دیگر سخن، این آمار نشان‌دهنده تعداد راویان نیست، بلکه نشانگر تمامی عنوانهایی است که به هر گونه در کتب رجالی ذکر شده‌اند.

ج) با توجه به نکته دوم، در این نرم‌افزار تکرار اسامی بسیار رخ داده است. همچنین با توجه به نکته اول، اسامی برخی عالمان و شخصیت‌های غیردینی مانند شعرا و ادبا نیز در این مجموعه راه پیدا کرده است.

د) در بخش طبقات الرجال تنها به تعیین طبقه راوی بر پایه اسناد کتب اربعه حدیثی اکتفا شده است. بدون تردید، تکمیل این بخش برای تعیین طبقه تمامی راویان با استفاده از منابع معتبر حدیثی کاری ضروری است.

ه) اختصاص دادن اطلاعات ارائه شده در بخش تصحیفات به کتب اربعه چندان قابل دفاع نیست. بی‌تردید تولیدکنندگان این نرم‌افزار در نسخه‌های آینده دامنه گزارش تصحیفات و نیز طبقات را گسترش خواهند داد.

و) متون کتب رجالی ای که در این نرم افزار ارائه شده اند بسیار کم است. گذشته از آنکه برخی از آنها به هیچ روی از کتب مهم رجالی به شمار نمی روند. کتاب *تراجم/اعلام النساء* نمونه ای از این دست است. امید است که تولیدکنندگان این برنامه بتوانند با استفاده از امکانات و منابع بیشتر، خدمت شایانی به پژوهشگران حوزه رجال ارائه کنند.

۳- نرم افزار جامع الأحادیث

نرم افزار جامع الأحادیث (نور ۲) یکی از محصولات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی است که ۱۸۷ عنوان از مهم ترین و کاربردی ترین کتب روایی شیعه را دربردارد. از این میان نه عنوان کتاب مهم رجالی هم در این نرم افزار گنجانده شده است.

پیشینه برنامه

این برنامه، تکمیل لوح فشرده نور الفاظ، (قرآن، بحار الأنوار، وسائل الشیعه، مستدرک، کتب اربعه، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید) و «نور العترة (۱)» (مصادر و مآخذ بحار الأنوار و کتب رجالی) و «قاموس النور» (لغتنامه لسان العرب، مجمع البحرين و کتاب العین) است که به همراه دهها عنوان کتاب، که در دیگر برنامه ها وجود نداشته تکمیل شده است.

مشخصات کلی برنامه

- الف) ارائه ۷۶ جلد کتاب با اعراب کامل (جوامع روایی شیعه)؛
- ب) جستجو در آیات قرآن (با استفاده از ریشه الفاظ)؛
- ج) ارتباط آیات قرآن با احادیث؛
- د) پژوهش در متون احادیث؛ برای یافتن متن حدیث در این نرم افزار از چند راه می توان اقدام کرد:
 - ۱- از راه فهرست کلمات احادیث؛ در این فهرست تمامی الفاظ روایات، همراه با تعداد تکرار هر کلمه مشاهده می شود.
 - ۲- از راه جستجوی ترکیبی؛ در این قسمت، امکان جستجوهای تکواژه، عبارت، ترکیب عطفی، ترکیب فصلی، مشروط منفی و ابتدای حدیث وجود دارد. فرایند جستجو به دو صورت دقیق و غیردقیق؛ یعنی جستجو، صرف نظر از نوشتار خاص کلمه، انجام می شود. به دیگر سخن، در جستجوی غیر دقیق، مشتقات کلمات نیز یافت می شود.

۳- از طریق فهرست‌سازی؛ با استفاده از حروف عمومی، می‌توان فهرستی از کلمات دلخواه ساخت و سپس به جستجوی همه یا کلمات انتخابی این فهرست در احادیث پرداخت. همچنین می‌توان چند فهرست را با یکدیگر ترکیب کرد و سپس همه آنها را جستجو نمود.

۴- از راه فهرست عناوین و کتب؛ فهرستی از کلمات ابواب، فصلها و عناوین موضوعات کتابها تهیه شده است که می‌توان با جستجو در این قسمت به باب مورد نظر دست یافت.

۵- جستجو در محدوده خاص؛ پنج دامنه جستجو و پژوهش در این برنامه گنجانده شده که عبارت‌اند از:

۱- کتاب: از این راه می‌توان دامنه جستجو را به یک یا چند کتاب و یا جلدی خاص محدود کرد.

۲- مؤلف: از این راه می‌توان کتب مؤلفانی خاص را جستجو کرد.

۳- زمان: با استفاده از این قابلیت، امکان محدود کردن تحقیق در کتب تألیف‌شده در قرن یا قرون مورد نظر وجود دارد.

۴- محیط: با استفاده از دامنه محیطی می‌توان جستجوی جدیدی در نتایج جستجوی پیشین انجام داد.

۵- محتوا: یک حدیث، شامل سند، متن، بیان مؤلف و یا آیات و اشعاری است که در حدیث به کار رفته است. با این قابلیت می‌توان زمینه جستجو را تنها به بعضی از این موارد محدود کرد.

و) پژوهش در لغت‌نامه؛ فهرستی از ریشه کلمات موجود در لغت‌نامه‌های مذکور و نیز مشتقات تفسیرشده هر ریشه، در این قسمت گرد آمده است.

ز) نمایش متن؛ امکان ارائه متن کتاب مورد نظر با قابلیت‌های گوناگون نمایشی (نوع و اندازه خط، حاشیه‌ها، تفکیک بخشهای مختلف حدیث با رنگهای گوناگون و ...) در این بخش فراهم شده است.

ح) کتاب‌شناسی؛ اطلاعات مفیدی درباره هر کتاب، ارزش و اعتبار آن، شخصیت مؤلف، زندگی‌نامه او و نسخه‌ای که در برنامه از آن استفاده شده، در این بخش آمده است.

ط) یادداشت؛

ی) چاپ؛

ک) محیط‌های کاربری؛ این نرم‌افزار دارای چهار محیط کاربری مستقل در بخش جستجو است و آخرین وضعیت تحقیق در هر محیط، به طور جداگانه ثبت می‌شود.

کتاب رجالی برنامه جامع الأحادیث

در برنامه جامع الأحادیث کتب رجالی زیر گنجانده شده است:

۱- رجال ابن‌غضائری، تألیف احمد بن حسین بن عبیدالله الغضائری با استفاده از متن موجود در مجمع الرجال قهپایی؛

۲- رجال ابن‌داود، تألیف حسین بن داود حلی، به تحقیق محدث ارموی که دانشگاه تهران همراه با رجال برقی چاپ کرده است؛

۳- رجال البرقی، تألیف احمد بن محمد بن خالد برقی، به تحقیق محدث ارموی که دانشگاه تهران با رجال ابن‌داود چاپ کرده است؛

- ۴- رجال العلامة الحلی (خلاصة الأقوال)، تألیف حسن بن یوسف بن مطهر حلی، معروف به علامه حلی، تحقیق سید محمدصادق آل بحر العلوم، اُفت چاپ نجف؛
- ۵- رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، تألیف محمد بن عمر کشی، به تحقیق حسن مصطفوی، چاپ دانشگاه فردوسی مشهد؛
- ۶- رجال النجاشی، تألیف احمد بن علی نجاشی، به تحقیق سید موسی شبیری زنجانی؛
- ۷- رجال الطوسی، تألیف محمد بن حسن طوسی، انتشارات حیدریه نجف اشرف، ۱۳۸۱ هجری؛
- ۸- رسالة أبي غالب الزراري، تألیف ابوغالب زراری، به تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی؛
- ۹- الفهرست، تألیف شیخ منتجب الدین رازی، به تحقیق محدث ارموی؛
- ۱۰- الفهرست، تألیف محمد بن حسن طوسی، المكتبة المرتضوية نجف اشرف.

پژوهش در اسناد

اگر پژوهشگر بخواهد اسناد یک راوی و یا یک کتاب را بررسی کند، می‌تواند با محدود کردن دامنه محتوایی، جستجوی خود را به اسناد محدود سازد. به این ترتیب در محدوده مورد نظر، امکان دستیابی به اسناد آن راوی یا شاگردان و اساتید روایی او وجود خواهد داشت.

پژوهش در رجال

برای دستیابی به اطلاعات رجالی درباره هر یک از راویان، می‌توان با استفاده از برنامه، به محتوای منابع دست یافت. اما باید توجه داشت که برنامه نرم‌افزاری تنها زحمت جستجو را از کاربر برداشته است و آشنایی کاربر با اصول و مبانی هر یک از مصادر، در استفاده از اطلاعات آنها ضروری است. برای پژوهش در منابع رجالی از دو راه می‌توان عمل کرد:

الف) از راه نمایش کتاب

می‌توان با مشخص کردن کتاب مورد نظر در بخش «نمایش» و باز کردن فهرست کتاب به صورت درختی به نام راوی دست یافت. برای نمونه نام سلیم بن قیس را باید در جای خودش، در نظام الفبایی، یافت.

ب) از راه جستجو

در این بخش ابتدا باید دامنه جستجو را به یک یا چند یا تمامی کتب رجال محدود کرد. در شیوه جستجو، پژوهش درباره راوی از دو راه ممکن است:

۱- جستجو در متن کتب رجالی با استفاده از تمامی الفاظ ارائه شده در عنوان فهرست: در این صورت تمامی موارد کاربرد نام راوی مورد نظر، چه در عنوان شرح حال رجالی، چه در ضمن شرح حال دیگری و چه در اسناد

به کتب، خواهد آمد. برای نمونه چنانچه نام «سلیم» را با این شیوه جستجو کنید تعداد آن نود مورد خواهد بود.

۲- جستجو در عنوانهای کتب رجالی که با جستجو در فهرست امکان پذیر است. با استفاده از فهرستی که برای این نوع جستجو وجود دارد تمامی الفاظی که در عنوانهای کتب رجالی به کار رفته است، جستجو خواهد شد. با استفاده از این گزینه امکان دستیابی به شرح حال راوی راحت تر و سریع تر فراهم خواهد شد. حال اگر شما نام «سلیم» را با این شیوه جستجو کنید تعداد آن ۵۳ مورد خواهد بود؛ زیرا ۳۷ مورد دیگر در عنوان کتب رجالی به کار نرفته، بلکه این نام در ضمن شرح حالهای دیگران و یا در اسناد به کتب ذکر شده است. در هر دو شیوه جستجو، امکان فهرست گیریهایی انتخابی از مجموعه جستجوی اول هم وجود دارد؛ همچنان که امکان محدود کردن دامنه های محیطی در داخل پژوهش اول در این برنامه طراحی شده است.

۴- نرم افزار جامع فقه اهل البیت

این نرم افزار را نیز مرکز تحقیقات کامپیوتری نور تهیه کرده است که با امکاناتی شبیه به نرم افزار جامع الأحادیث می توان در پژوهشهای رجالی از آن استفاده کرد. ویژگی این نرم افزار، که آن را از جامع الأحادیث متمایز می سازد، منابع بیشتر رجالی این اثر است. این منابع عبارتند از:

- ۱- *أمل الآمل*، شیخ حر عاملی؛
- ۲- *تذکره الأعیان*، شیخ جعفر سبحانی؛
- ۳- *خاتمة المستدرک*، میرزا حسین نوری؛
- ۴- *رجال ابن الغضائری* (کتاب الضعفاء)، احمد بن حسین غضائری؛
- ۵- *رجال ابن داود*، حسن بن داود حلی؛
- ۶- *رجال البرقی* (الطبقات)، احمد بن محمد بن خالد برقی؛
- ۷- *رجال الشیخ* (الأبواب)، محمد بن حسن طوسی؛
- ۸- *رجال العلامة* (خلاصة الأقوال)، حسن بن یوسف بن مطهر حلی؛
- ۹- *رجال الکشی*، عمر بن عبدالعزیز کشی؛
- ۱۰- *رجال النجاشی* (فهرست أسماء مصنفی الشیعه)، احمد بن علی نجاشی؛
- ۱۱- *رسالة أبي غالب الزراري*، احمد بن سلیمان، ابو غالب زراری؛
- ۱۲- *شعب المقال فی درجات الرجال*، ابوالقاسم نراقی؛
- ۱۳- *الفهرست* (للشیخ الطوسی)، محمد بن حسن طوسی؛
- ۱۴- *الفهرست* (للشیخ منتجب الدین)، شیخ منتجب الدین رازی؛
- ۱۵- *معالم العلماء*، محمد بن علی شهر آشوب مازندرانی؛
- ۱۶- *معجم رجال الحديث*، سید ابوالقاسم خویی؛
- ۱۷- *منتهی المقال فی أحوال الرجال*، ابوعلی حائری؛

۱۸- نقد الرجال، سید مصطفی تفرشی.

با توجه به اینکه این نرم افزار همانند نرم افزار جامع الأحادیث طراحی شده است، خوانندگان را به شیوه استفاده از نرم افزار جامع الأحادیث در پژوهشهای رجالی ارجاع می دهیم.

۵- نرم افزار معجم فقهی

مرکز معجم فقهی در حوزه علمی قم به دستور مرجع عالی قدر، آیت الله العظمی گلپایگانی، برای تهیه برنامه نرم افزاری علوم اسلام تأسیس شد. محصول کار این مرکز تهیه نرم افزار معجم فقهی است. اینک نسخه سوم این نرم افزار بر روی لوح فشرده موجود است.

مشخصات کلی برنامه

(الف) در این برنامه بیش از سه هزار جلد کتاب در موضوعات مختلف و در قالب ۱۱۳۳ عنوان کتاب وجود دارد که بیشتر این منابع در پژوهشهای فقهی مورد استفاده قرار می گیرند؛
(ب) صفحه های هر کتاب بر اساس صفحه بندی اصلی کتاب ارائه می شود و به این ترتیب امکان آدرس دهی و استناد به کتاب کاملاً فراهم آمده است؛
(ج) برنامه به شکل تحقیق لفظی طراحی شده است که هم به صورت واژگان و هم عبارت قابل جستجو است؛
(د) بخشهای اصلی برنامه عبارتند از: مطالعه، جستجو، ابزار، پنجره، خدمات، برنامه و راهنما.

کتاب رجالی برنامه

در برنامه معجم فقهی، ۲۶ موضوع عنوان بندی شده است، که دو عنوان آن مربوط به رجال است. این دو عنوان عبارت است از: «أهمّ مصادر رجال الحديث عند الشيعة» و «أهمّ مصادر رجال الحديث عند السنة». کتاب رجال اهل سنت در ۵۷ عنوان و ۲۹۷ جلد و کتاب رجال شیعه در ۳۸ عنوان و در ۸۴ جلد ارائه شده است. این کتابها عبارتند از:

- ۱- تاریخ آل زراره، ۲ جلد؛
- ۲- تکملة رسالة الزراري، ابو غالب زراري؛
- ۳- رجال النجاشي، نجاشي؛
- ۴- اختيار معرفة الرجال، شيخ طوسي، ۲ جلد؛
- ۵- رجال طوسي، شيخ طوسي؛
- ۶- فهرست، شيخ طوسي؛
- ۷- فهرست منتجب الدين، منتجب الدين بن بابويه؛
- ۸- معالم العلماء، ابن شهر آشوب؛
- ۹- خلاصة الأقوال، علامه حلي؛
- ۱۰- إيضاح الاشتباه، علامه حلي؛
- ۱۱- رجال ابوداود، ابن داود حلي؛
- ۱۲- التحرير الطاووسي، شيخ حسن، صاحب معالم؛

- ۱۳- منتقى الجمان، شيخ حسن، صاحب معالم، ۳ جلد؛
- ۱۴- نقد الرجال، تفرشی، ۵ جلد؛
- ۱۵- جامع الرواة، اردبیلی، ۲ جلد؛
- ۱۶- أمل الآمل، حر عاملی، ۲ جلد؛
- ۱۷- إجازات الحديث، علامه مجلسی؛
- ۱۸- الدرجات الرفیعه، سید علی ابن معصوم؛
- ۱۹- الفوائد الرجالية، بهبهانی؛
- ۲۰- الفوائد الرجالية، سید بحر العلوم، ۴ جلد؛
- ۲۱- طرائف المقال، سید علی بروجردي، ۲ جلد؛
- ۲۲- رجال خاقانی، شیخ علی خاقانی؛
- ۲۳- تذكرة القبور، شیخ عبدالکریم گزی؛
- ۲۴- تکملة أمل الآمل، سید حسن الصدر؛
- ۲۵- سماء المقال فی علم الرجال، ابوالهدی الکلباسی، ۲ جلد؛
- ۲۶- أبوهريه، سید شرف الدين؛
- ۲۷- شيخ المضيرہ أبوهريه، شيخ محمود أبوريه؛
- ۲۸- معجم رجال الحديث، سید ابوالقاسم خویی، ۲۴ جلد؛
- ۲۹- مكتبة العلامة الحلی، سید عبدالعزيز طباطبائی؛
- ۳۰- تهذيب المقال، سید محمدعلی ابطحي، ۵ جلد؛
- ۳۱- کلیات فی علم الرجال، سبحانی؛
- ۳۲- أصحاب الإمام الصادق (عليه السلام)، عبدالحسين شبستري، ۳ جلد؛
- ۳۳- مشايخ الثقات، غلامرضا عرفانيان؛
- ۳۴- بحوث فی فقه الرجال، تقرير بحث الفانی المکی؛
- ۳۵- رجال الشيعة فی أسانيد السنه، محمدجعفر الطبسی؛
- ۳۶- تراجم الرجال، سید احمد حسینی، ۲ جلد؛
- ۳۷- تلامذة المجلسی، سید احمد حسینی؛
- ۳۸- ترجمة القاضي نورالله، جلال الدين حسینی؛
- ۳۹- ربع قرن مع العلامة الأمینی، الحاج حسين شاکری.

شیوه پژوهش رجالی در این نرم افزار

استفاده از این نرم افزار، چنان که اشاره شد، از راه جستجوی لفظی در منابع است. نام هر راوی که در قسمت جستجو تایپ شود در تمامی منابع تعریف شده در محدوده جستجو شناسایی و نمایش داده خواهد شد. بنابراین، کاربران بیشتر باید عبارتها و اطلاعات گوناگون درباره راوی را ببینند و نوع مطالب مورد نیاز خود را از نتیجه جستجو انتخاب کنند؛ زیرا نام مورد نظر، چه به صورت عنوان در کتابی آمده باشد و چه در ضمن شرح حال یا طریق به راوی یا کتابی، و چه در حاشیه کتاب ذکر شده باشد، در این جستجو شناسایی و نمایش داده می شود.

در این نرم افزار گزینه ای برای نمایش فهرست کتابی که گشوده شده وجود دارد که گاه از آن نیز برای محدود کردن دایره مطالعه و جستجوی رجالی می توان بهره برد. با توجه به اینکه فهرست تمامی کتابها در این برنامه نیامده است، در برخی منابع، استفاده از این گزینه در یافتن مطلب مورد نظر سودمند خواهد بود. گذشته از شیوه جستجوی لفظی، که شیوه اصلی پژوهش در تمامی منابع معجم فقهی است، گزینه ای هم با عنوان «پنجره رجال» در حاشیه صفحه نمایش طراحی شده است.

این پنجره، اطلاعات رجالی مورد نیاز کاربران را همزمان با مطالعه متن دیگری که انتخاب کرده اند، ارائه می دهد. در این پنجره، کتاب معجم رجال الحديث، تألیف آیت الله خویی با ۱۵۴۶۷ عنوان اسامی راویان جای گرفته است. در صورتی که کاربر متن یک کتاب حدیث را مطالعه می کند و به صورت همزمان می خواهد از

شرح حال راوی یک حدیث اطلاع پیدا کند با انتخاب این پنجره، می‌تواند پژوهش رجالی خود را در محدوده کتاب معجم رجال الحدیث انجام دهد.

۶- نرم‌افزار کتابخانه اهل بیت

این نرم‌افزار محصولی از مرکز پژوهشی المصطفی و مرکز المعجم است و در آن صد عنوان کتب رجالی گنجانده شده که ۵۹ عنوان آن از کتب رجالی شیعه و بقیه از کتب رجالی اهل سنت است. تمامی منابع رجالی شیعی نرم‌افزار معجم فقهی در این برنامه موجود است و افزون بر آن دارای بیست عنوان کتاب رجالی است که در معجم فقهی وجود ندارد. عناوین این بیست کتب به قرار زیر است:

- ۱- رسالة فی آل أعین، ابو غالب الزراری؛
 - ۲- شرح تکملة رسالة أبي غالب الزراري فی آل أعین؛
 - ۳- رجال ابن الغضائري، احمد بن الحسين الغضائري الواسطي البغدادي؛
 - ۴- الإكمال فی أسماء الرجال، الخطيب التبريزي؛
 - ۵- الرعاية فی علم الدراية (حدیث) الشهيد الثاني؛
 - ۶- إكليل المنهج فی تحقیق المطلب؛
 - ۷- تتمیم أمل الآمل، الشيخ عبدالنبي القزويني؛
 - ۸- تعلیقة على منهج المقال، الوحيد البهبهاني؛
 - ۹- الفوائد الرجالية، الشيخ مهدي الكجوري الشيرازي؛
 - ۱۰- توضیح المقال فی علم الرجال، الملا علی کنی؛
 - ۱۱- الرسائل الرجالية، ابی المعالی محمد بن محمد ابراهيم الكلکلی؛
 - ۱۲- الوضاعون وأحاديثهم، الشيخ الأميني؛
 - ۱۳- مستدرکات علم رجال الحدیث؛ الشيخ علی النمازی الشاهرودي؛
 - ۱۴- المعلى بن خنيس، حسين الساعدي؛
 - ۱۵- المفيد من معجم رجال الحدیث، محمد الجواهری؛
 - ۱۶- قاموس الرجال، الشيخ محمدتقی؛ التستري
 - ۱۷- معجم مصطلحات الرجال والدراية، محمدرضا جدیدی نژاد؛
 - ۱۸- معجم الرجال والحدیث؛ محمد حياة الأنصاري؛
 - ۱۹- جراب النورة بين اللغة والاصطلاح، السيد محمدرضا الجلالی؛
 - ۲۰- الدرّة الفاخرة، الملا حبیب‌الله الشریف الکاشانی.
- لازم به ذکر است که سه عنوان کتاب اخیر در شمار کتب رجالی قرار نمی‌گیرند.

